

## مقدمه :

به نام آنکه هستی نام از او یافت      فلک جنبش زمین آرام از او یافت

نظام هستی و آفرینش بر پایه عدل و قسط و برابری بر پا گردیده و اصول دینی و جهان بینی الهی نیز بر این امر استوار است . ( وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ )<sup>۱</sup> چه اینکه فلسفه بعثت انبیاء نیز بر اساس دعوت مردم به سوی خدا و پرهیز از شرک و نفاق از طرفی و بسط و گسترش عدالت و مساوات و جلوگیری از ظلم و تبعیض و بیداد فرادستان بر فرودستان از طرف دیگر صورت گرفته چنانکه قرآن کریم حکمت بعثت انبیاء را ارسال رسل به منظور برقراری حاکمیت عدل و قسط بر زندگانی بشر تصریح می نماید . ( لَقَدْ ارسلنا رُسُلنا بِالْبَيِّنَاتِ وَ انزلنا معهم الكتاب وَ الْمِيزانَ لِيَقومَ النَّاسَ بِالْقِسْطِ )<sup>۲</sup>.

تاریخ زندگانی بشریت حاکی از وجود حاکمانی است که برای اعمال حاکمیت خویش به ابزارهای مختلفی متوسل گردیده و در این راستا آئین و مقررات متعددی را در تقدیس رفتار حاکمان و اعمال زور و فشار بر محکومان وضع نمودند . آنچه که همواره در طول اعصار گذشته مورد اقبال جوامع بشری واقع گردیده مسأله عدالت طلبی و دفاع از کرامت انسانی در احقاق حقوق حقه ای بوده که مورد ظلم و تعدی حکومتها قرار می گرفته است .

پادشاهان و حاکمان به منظور تحکیم بنیان قدرت حاکمیت خویش و جلوگیری از آنارشیسم و موجه جلوه دادن حکومتشان ، محکمه های عدل و انصاف را به منظور دادخواهی کردن و دفاع از حقوق اشخاص تأسیس می نمودند و بزرگانی از قوم و قبایل را به انتخاب نمایندگان مردم به عنوان ریش سفید و داور ، جهت حل اختلاف و فصل خصومت در بین مردم تعیین نموده که این افراد

۱ - الرحمن آیه ۷

۲ - بقره آیه ۲۸۲

نیز با توجه به آئین و قواعد و مقررات وضع شده از سوی شاه، به احیای حقوق پایمال شده افراد می پرداختند.

گسترش تکنولوژی و علم و روابط تنگاتنگ بین دولتها و تبادل فرهنگی ناشی از این روابط میان ملتها و پیشرفت روزافزون بشری در زمینه های مختلف علوم، نیازمند وضع قوانین و مقررات جدیدی در عرصه های بین المللی و داخلی بود و بر همین اساس حکومتها به وضع قوانین مدون در تمامی عرصه های علمی، فرهنگی، مذهبی و... به منظور سازماندهی روابط بین دولت - ملت و همچنین روابط بین افراد یک اجتماع دست زدند و بدین ترتیب قوانین متنوعی را وضع نمودند.

با مرور زمان و با پیدایش محاکم عدل و انصاف و ایجاد دستگاه های قضایی در کشورها، رسیدگی به اختلافات و دعاوی ناشی از تعهدات افراد یک کشور با یکدیگر و یا با دولت مستلزم وضع قوانینی خاص در این زمینه بوده که به آئین دادرسی تعبیر شده است.

علم حقوق با توجه به شاخه های متفاوت آن رابطه خاصی را با علوم دیگر برقرار نموده که شناخت حدود قواعد آن را دشوار ساخته و آئین دادرسی نیز در هر یک از شاخه ها شکل خاصی از رسیدگی به اختلاف و دعاوی مربوط به آن شاخه و رشته را مورد بررسی قرار می دهد. آئین دادرسی مجموعه ای مدون از مقررات و قوانینی است که به اختلافات و ترافعات ناشی از رابطه دولت - ملت یا روابط اشخاص یک کشور با یکدیگر رسیدگی و فصل خصومت نموده و در هر رشته نیز شکل خاصی از آئین دادرسی تنظیم شده است مثل آئین دادرسی تجاری، آئین دادرسی مدنی و آئین دادرسی کیفری و همچنین شکل خاصی از آئین دادرسی رسیدگی به امور حسبی نیز منظور نظر است.

اینک از تصویب اولین قانون آئین دادرسی مدنی در ایران بیش از یکصد سال می گذرد که در طول این مدت و در مراحل مختلف به بهانه های گوناگون قواعد آئین دادرسی دستخوش تغییر و تحول قرار گرفته و فراز و فرود

بسیاری را پشت سر نهاده است. سرانجام با حذف ۵ مرجع قضایی از سازمان قضاوتی ایران و ایجاد دادگاهی با صلاحیت عام (اعم از حقوقی و جزایی) و تصویب قوانین آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی و کیفری قواعد جدیدی در زمینه آئین دادرسی بوجود آمد که در سالهای بعد اصلاحاتی در احیاء دادگاه خانواده و سرانجام احیاء مجدد دادرسیها شکل یافت.

گسترده‌گی منابع و پراکنده‌گی موضوعات آئین دادرسی مدنی و عدم منبعی کم حجم با توجه به تألیفات ارزنده اساتید بزرگوار حقوق، همواره مشکلات و نارسائیهای زیادی را در شناخت و یادگیری و نحوه به کارگیری قواعد کامل آئین دادرسی مدنی برای اساتید و دانشجویان حقوق بوجود آورده و مارا بر آن داشت تا با عزمی راسخ اقدام به جمع آوری و تدوین اثری پر محتوا، کم حجم و در عین حال برخوردار از بخش اعظم مطالب آئین دادرسی مدنی نمائیم. هدف از تنظیم این اثر ارائه دور نمای کلی از چگونگی رسیدگی به دعاوی و حل و فصل خصومت و احقاق حقوق از دست رفته اشخاص در دادگاه ها بوده است.

در ابتدای این کتاب به تبیین ساختار تشکیلات دادگستری و سازمان قضایی ایران و مراجع وابسته و مرتبط با آن، حدود صلاحیت مراجع قضایی و غیر قضایی در رسیدگی به دعاوی مرجوع الیه و شرایط و چگونگی طرح دعوا پرداخته و سپس نحوه رسیدگی و دادرسی در دادگاه بدوی، انواع دعاوی طاری و ادله اثبات مربوط به دعوا را مورد بررسی قرار داده و نحوه صدور آراء و انواع احکام و قرار های صادره از محاکم و چگونگی تجدید نظر خواهی و فرجام خواهی از احکام را عنوان نموده و در پایان نیز به انواع مواعد و شرایط آن، آثار و شرایط داوری و چگونگی تعیین داور و نحوه تعیین هزینه دادرسی و انواع خسارات و نحوه پرداخت آنها اشاره شده است.

اثر حقوقی حاضر که با الهام و استفاده از اثرات و تألیفات بسیار ارزشمند اساتید و علمای بزرگوار حقوق و باتوجه به قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه های

۳۰ ■ آئین دادرسی مدنی در آئینه نمودار

عمومی و انقلاب در امور مدنی تدوین گردیده ، بی شک به عنوان نخستین اثر مؤلفین خالی از اشکال و ایراد نبوده و در این راستا از انتقادات و نظرات و پیشنهادات گرانسنگ اساتید فرهیخته و عموم صاحب نظران و دانشجویان عزیز استقبال نموده و امید آن داریم که ما را از لطف بیکران خود محروم نفرمائید .  
د ر خاتمه نیز از استاد فرهیخته جناب آقای دکتر بهرام بهرامی که از راهنمایان ایشان بهره مند بودیم و همچنین همه کسانی که ما را در خلق این اثر حقوقی یاری رساندند بویژه سرکار خانم فاطمه آهنگری (کارشناس حقوق قضایی) و جواد افسران (دانشجوی کارشناس ارشد حقوق خصوصی) تشکر و قدردانی می نمائیم .

# فصل اول

## کلیات

- فواید (آ.د.م.):**
- ۱- تضمین کننده حقوق ماهوی است .
  - ۲- وسیله ای برای رسیدن به عدالت است .
  - ۳- برای رسیدن به حق ، جلوی اعمال زور و خود کامگی صاحب حق را می گیرد .
  - ۴- علاوه بر دعاوی مدنی در موارد مسکوت (آ.د.ک.) واداری نیز کاربرد دارد .

- ویژگی و اوصاف (آ.د.م.):<sup>(۱)</sup>**
- ۱- حمایت از اصحاب دعوا در برابر خود کامگی قضات
  - ۲- تضمین آزادی در دفاع از سوی اصحاب دعوا
  - ۲- آمره بودن (آ.د.م.)
  - ۳- ارتباط داشتن با نظم عمومی (م ۲ و ۳ و ۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
  - ۴- عطف به ماسبق شدن قوانین (آ.د.م.)
  - ۵- جزء حقوق عمومی بودن
  - ۶- داشتن تفسیر مضیق

۱- دکتر شمس ، عبدالله ، آیین دادرسی مدنی ، تهران : انتشارات دراک ، چاپ نهم ۱۳۸۴ ، ج ۱ ، صص ۱۷ ، ۲۲ ، ۲۵ .

۲- نظریه شماره ۷/۲۰۴۹-۱۳۶۰/۵/۳۱- اداره حقوقی دادگستری- (ر.ک.آ.د.م. ، امیری ، داریوش ، انتشارات بهنامی ، ص ۲۶)

۱- از نظر موضوع: (آ.د.ک.) مربوط می شود به نحوه اعمال مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به مجرم ولی (آ.د.م.) از لحاظ موضوع مربوط به جبران خسارت و ضرروزیان ناشی از جرم می باشد.

۲- از نظر خاصیت: چون دعوی عمومی با نظم عمومی مرتبط است لاجرم این دعوی را نمی توان با صلح یا تهاتر و یا انصراف زایل نمود ولی دعوی خصوصی قابل صلح، سقوط و حتی قابل تهاتر است.

۳- از نظر هدف: دعوی عمومی فقط علیه مجرم اعمال می شود و لاغیر اما دعوی خصوصی نه تنها علیه وارد کننده زیان و خسارت بلکه می توان علیه وارث و قائم مقام قانونی او مطرح کرد.

تفاوت (آ.د.م.) و (آ.د.ک.)

۱- تفسیر به اعتبار مرجع تفسیر

۲- تفسیر به اعتبار شیوه تفسیر

۳- تفسیر به اعتبار نوع تفسیر

۴- تفسیر به اعتبار اینکه قانون ماهوی است یا شکلی

انواع تفسیر: (۱)

۱- **تفسیر قانونی**: تفسیری که توسط شورای نگهبان در خصوص قانون اساسی و توسط قوه مقننه در مورد قوانین عادی صورت می‌پذیرد.  
(اصل ۷۳ و ۹۸ ق.ا.)

۲- **تفسیر قضایی**: تفسیری که قضات از قانون در مراجعات و تصمیمات انجام می‌دهند.  
۳- **تفسیر شخصی**: تفسیری که توسط یک یا چند نفر حقوقدان یا فقیه صورت می‌گیرد.

### اقسام تفسیر به اعتبار

مرجع تفسیر: (۱)

۱- **تفسیر ادبی**: تفسیری که مبتنی بر روابط کلمات در یک عبارت قانونی می‌باشد.

۲- **تفسیر اصولی**: تفسیری که متکی بر اصول و قواعد حقوقی و فقهی می‌باشد. (کشف اراده قانونگذار)

۳- **تفسیر آزاد**: تفسیر قانون بر مصالح عمومی و مطابق مصلحت که ممکن است منطبق با نظر قانونگذار باشد یا نباشد.

۴- **تفسیر مضیق**: تفسیر قضایی است که به موجب آن مدلول یک قانون در چهار چوب مفهوم خویش محبوس می‌گردد.

۵- **تفسیر منطقی**: تفسیری است که حاکی از کشف منظور و مقصود واقعی مقنن است.

۶- **تفسیر موسع**: تفسیر قضایی است که به موجب آن مدلول یک ماده قانونی از قلمرو خود تجاوز داده شده و به موارد سکوت قانون سرایت کند مثل قانون اساسی، قانون مدنی، قانون تجارت

### تفسیر به اعتبار

نوع تفسیر: (۲)

۱- ر.ک. همان منبع، صص ۵۹ الی ۷۲

۲- ر.ک. همان منبع، صص ۵۹ الی ۷۲



۱- رسیدگی به امور حسبی	} <b>حیطه (آ.د.م.)<sup>(۱)</sup></b> <b>(م.ق.آ.د.م.)</b>
۲- رسیدگی به کلیه دعاوی مدنی	
۳- رسیدگی به دعاوی بازرگانی	
۴- سایر مراجع که به موجب قانون موظف به رعایت آن هستند.	
۱- قانون اصول تشکیلات عدلیه و اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ ه.ق. در ۸۱۲ ماده	} <b>مراحل تدوین</b> <b>(ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup></b>
۲- قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۰۷	
۳- (ق.آ.د.م.) مصوب ۱۳۱۸ در ۷۲۳ ماده	
۴- (ق.آ.د.م.) مصوب ۱۳۷۹ در ۵۲۹ ماده	
۱- قوانین سازمانهای قضاوتی عطف به ماسبق می گردند و شامل دعاوی مطروحه نیز می شوند .	} <b>موارد عطف به ماسبق شدن</b> <b>(آ.د.م.):<sup>(۱)</sup></b>
۲- قوانین مربوطه به صلاحیت ذاتی عطف به ماسبق شده و شامل دعاوی مطروحه نیز می گردد. <sup>(۲)</sup>	
۳- قوانین (آ.د.م.) به معنای اخص نیز اصولاً سیری فوری داشته و عطف به ماسبق گردیده مگر در مواردیکه به حقوق مکتسبه افراد خللی وارد آورد. <sup>(۳)</sup>	

۱- نظریه شماره ۷/۱۹۵۵-۷/۴/۱۵-۱۳۷۷/۷/۴/۱۵-ا.ح.ق (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع، ص ۲۲)

۲- دکتر بهرامی، بهرام، همان منبع، صص ۷۴ و ۷۵.

۳- دکتر شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۱، صص ۴۳ الی ۴۵.

۴- حکم شماره ۷۳۵-۲۸/۳/۲۸- شعبه ۶ دیوان عالی کشور. (ر.ک. همان منبع، ص ۲۶)

۵- حکم شماره ۱۳۱۶/۱/۷-۳- شعبه ۱ دیوان عالی کشور. (ر.ک. همان منبع، ص ۲۷)

- تقسیم قوانین بر اساس اهمیت جهات و مبانی :
- ۱- قوانین آمره: قوانینی هستند که اشخاص نمی توانند بر خلاف آنها تراضی کنند .
- ۲- قوانین تکمیلی (تخیری): قوانینی هستند که اشخاص می توانند بر خلاف آنها تراضی نمایند .

- موارد امری بودن (آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۱- آن دسته از مقررات (آ.د.م.) که مربوط به سازمان قضاوتی می باشند از قوانین آمره محسوب می شوند .  
(مثلاً دیوانعالی کشور بعنوان یک سازمان قضایی می بایست با شرکت ۳ قاضی و در صورت نبودن با ۲ قاضی تشکیل می شود .)
- ۲- آن دسته از مقرراتی که مربوط به صلاحیت ذاتی مراجع است .
- ۳- مقررات (آ.د.م.) به معنای اخص مثلاً مواعیدی که در (آ.د.م.) آمده است مثل مهلت تجدیدنظر خواهی که ۲۰ روز است و نمی توان بر خلاف آن تراضی کرد .

۱- دکتر شمس ، عبدالله ، همان منبع ، ج ۱ ، صص ۲۶ و ۲۷

## فصل دوم

### مراجع قضایی ایران



۱ و ۲- ملاک تشخیص دادگاه اختصاصی از تخصصی در این است که دادگاه اختصاصی بر اساس شخصیت و وضعیت شخص مرتکب تعیین می شود و حال آنکه دادگاه تخصصی به اعتبار موضوع دعوی، نوع دعوی و عنوان جرم تعیین می گردد بنابراین دادگاه به این تعبیر اختصاصی است ولی دادگاه انقلاب که به امر مواد مخدر، جاسوسی و ... رسیدگی می کند، تخصصی محسوب می شود.

۱- هیئت تشخیص قانون کار (م ۱۵۷ و ۱۵۸ ق.ک.)	۱- مراجع قانون کار	مراجع خارج از قوه قضائیه:
۲- هیئت حل اختلاف قانون کار (م ۱۶۰ ق.ک.)		
۱- هیئت حل اختلاف ثبت احوال (م ۳ ق.ث.ا.)	۲- مراجع ثبتی	
۲- شورای عالی ثبت احوال (م ۲ ق.ث.ا.)		
۱- شورای عالی مالیاتی (م ۲۵۲ ق. مالیاتهای مستقیم)	۳- مراجع اداری (استثنایی)	
۲- هیئتهای حل اختلاف مالیاتی (م ۲۴۴ ق. مالیاتهای مستقیم)		
۳- کمیسیون رسیدگی به اختلاف گمرگی		
۴- کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها		
۵- کمیسیون ماده ۹۹ قانون شهرداریها		
۶- کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداریها		
۱- رسیدگی به اختلافات کارگر و کارفرما <sup>(۱)</sup>	صلاحیت هیئات تشخیص و حل اختلاف قانون کار: (م ۱۵۷ ق.ک)	
۲- تشخیص انطباق یا عدم انطباق وضع استخدامی فرد با قانون کار		
۳- رسیدگی به مطالبه دستمزد کارگر روز مزد		
۴- مطالبه حقوق ایام اشتغال		

۱- رأی وحدت رویه شماره ۵۰۷-۱۳۶۶/۱۰/۱۵- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری، داریوش، همان

- |  |  |
|--|--|
| <p>۱- تغییر نام در موارد ممنوعه<sup>(۱)</sup></p> <p>۲- رسیدگی به اشتباهات اسناد سجلی (م ۳ ق.ث.ا).</p> <p>۳- تغییر تاریخ تولد بیش از ۵ سال</p> | <p>۱- صلاحیت هیئت حل اختلاف ثبت احوال:</p> |
|--|--|

- |   |   |
|---|---|
| <p>۱- اعتراض از طرف غیر مجاور به تحدید حدود ملک</p> <p>۲- رسیدگی به اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض (بندهای ۲ الی ۷ ماده ۲۵ ق.ث.)</p> <p>۳- رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مفاد اسناد لازم الاجرا</p> <p>۴- رسیدگی به عدم مطابقت یکی از اضلاع پلاک خواهان با پلاک مجاور</p> <p>۵- هرگاه در اجرای مقررات ماده ۱۱ ق.ث. از جهت پذیرفتن تقاضای ثبت، اختلافی بین اشخاص و اداره ثبت واقع شود. (بند ۱ ماده ۲۵ ق.ث.)</p> | <p>۲- صلاحیت هیئت نظارت ثبت اسناد: (م ۶ ق.ث.)</p> |
|---|---|

**صلاحیت مراجع ثبتی:**

۱- رأی وحدت رویه شماره ۲-۲۲/۱/۱۳۶۲- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۳)

- ۱- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
- ۲- سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی
- ۳- سازمان روزنامه رسمی
- ۴- سازمان پزشکی قانونی
- ۵- سازمان بازرسی کل کشور
- ۶- سازمان قضایی نیروهای مسلح
- ۷- اداره کل حقوقی تدوین قوانین قوه قضائیه
- ۸- اداره کل تصفیه امور ورشکستگی
- ۹- اداره کل سجل کیفری و عفو و بخشودگی
- ۱۰- اداره کل فنی قوه قضائیه

**مراجع وابسته به  
قوه قضائیه :**

- ۱- کانون وکلای دادگستری
- ۲- کانون کارشناسان رسمی دادگستری
- ۳- کانون مترجمین رسمی دادگستری
- ۴- کانون سر دفتران و دفاتر اسناد رسمی (م ۵۸ ق . دفاتر اسناد رسمی)

**مراجع مرتبط با  
قوه قضائیه :**

- ۱- قضات محاکم (که به ۸ گروه شغلی تقسیم می شوند .)
- ۲- مدیران دفاتر دادگاهها و کارمندان تحت امر آنان
- ۳- وکلای دادگستری
- ۴- کارشناسان رسمی دادگستری
- ۵- مترجمین رسمی

**اشخاص وابسته  
به قوه قضائیه :**

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات ، تعدیات ، شکایات ، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم در قسمت مربوط به امور حسبی .
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع .
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین .
- ۴- کشف جرم ، تعقیب ، مجازات ، تعزیر مجرمین ، اجرای حدود و مقررات مدون جزایی .
- ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین .

**وظایف سازمان  
قوه قضائیه : (اصل  
۱۵۷ ق.ا.)**

- ۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری (اصل ۱۵۶ ق.ا.)
- ۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با نظام جمهوری اسلامی .
- ۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان
- ۴- پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات محکومان (بند ۱۱ اصل ۱۱۰ ق.ا.)

**وظایف رئیس  
قوه قضائیه : (۱)  
(اصل ۱۵۷ ق.ا.)**

- ۱- از لحاظ نوع
  - ۲- از لحاظ درجه
- ۱- مراجع عمومی
  - ۲- مراجع استثنایی (اختصاصی)
- ۱- مراجع عمومی درجه ۱ (دادگاه بدوی)
  - ۲- مراجع عمومی درجه ۲ (دادگاه تجدیدنظر)

**خصوصیات  
مراجع :**



فصل دوم - مراجع قضایی ایران ■ ۴۳

۱- **دادگاه عمومی حقوقی**: (وحدت قاضی) با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی البدل تشکیل می شود. (م ۱۴ ق.ت.د.ع.ا.)

۲- **دادگاه عمومی جزائی**: با حضور رئیس دادگاه یا دادرس علی البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان تشکیل می شود. (بند ج م ۱۴ ق.ت.د.ع.ا.)

۳- **دادگاه تجدید نظر**: با حضور یک رئیس و دو مستشار تشکیل می شود و با حضور ۲ عضو رسمیت می یابد. (م ۲۰ ق.ت.د.ع.ا.)

۴- **دادگاههای خانواده**: با حضور رئیس یا دادرس علی البدل و یک مشاور قضایی زن تشکیل می شود. (بند ب م ۱۴ ق.ت.د.ع.ا.)

۵- **دیوان عدالت اداری**: شعب بدوی دیوان از یک رئیس یا عضو علی البدل تشکیل می شود و شعب تجدید نظر دیوان از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می شود (تبصره ۱ م ۱ و ۱۹ ق.ت.د.ع.ا.)

۶- **دادگاه عالی انتظامی قضات**: با یک رئیس و دو نفر عضو اصلی تشکیل می شود و دارای یک عضو علی البدل است که در صورت غایب بودن عضو اصلی جایگزین آن می شود.<sup>(۱)</sup>

۷- **دادگاه انقلاب**: با حضور یک رئیس یا عضو علی البدل تشکیل می شود.<sup>(۲)</sup>

۸- **دیوان عالی کشور**: هر شعبه از دیوان از یک رئیس و یک مستشار تشکیل می شود.<sup>(۳)</sup>

۹- **شعب تشخیص**: با حضور یک رئیس و چهار مستشار تشکیل می شود. (تبصره ۲ م ۱۸ ق.ت.د.ع.ا.)

## تشکیل دادگاهها:

۱- دکتر شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲- ر.ک. همان منبع، ج ۱، ص ۹۰.

۳- ر.ک. همان منبع، ج ۱، ص ۹۵.

- دادگاههایی که باید تشریفات (آ.د.م.) راعایت کنند :
- ۱- دادگاههای عمومی
  - ۲- دادگاههای انقلاب
  - ۳- دادگاههای تجدیدنظر
  - ۴- دیوانعالی کشور

- انواع دفاتر موجود در دادگاهها :
- ۱- دفتر ثبت دادخواست
  - ۲- دفتر اوقات : دفتری که اوقات رسیدگی عادی و احتیاطی و فوق العاده در آن درج می شود .
  - ۳- دفتر ثبت دادنامه
  - ۴- دفتر اندیکاتور : دفتری است که مکاتبات اداری با مراجع دیگر و نامه های وارده در آن ثبت می شود .
  - ۵- دفتر ثبت لوایح : دفتری که نامه ها و لوایحی که توسط طرفین دعوا یا توسط کارشناس به دادگاه تقدیم می گردد در آن ثبت می شود .
  - ۶- دفتر ارسال و مراسلات .

فصل دوم - مراجع قضایی ایران ■ ۴۵

- ۱- وصول دادخواست و ثبت فوری آن و تسلیم رسید با ذکر شماره ثبت و تقدیم کننده دادخواست. (م ۴۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۲- کسب ارجاع از رئیس شعبه یا معاون وی در صورتیکه دادگاه دارای شعب متعدد باشد. (م ۵۰ ق.آ.د.م.)
- ۳- صدور اختاریه رفع نقص ظرف ۲ روز به خواهان (م ۵۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
- ۴- صدور قرار رد دادخواست بدوی در صورت عدم رفع نقص و تکمیل دادخواست در فرجه قانونی (۱۰ روز) (م ۵۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>
- ۵- رد فوری دادخواست در صورت مشخص نبودن خواهان یا محل اقامت وی ظرف ۲ روز (م ۵۶ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup>
- ۶- اخذ دستور تعیین وقت دادرسی (ساعت، روز، ماه و سال) از طرف رئیس دادگاه (م ۶۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۵)</sup>
- ۷- صدور اختاریه رفع نقص پس از تعیین جهات نقص توسط دادگاه (م ۶۶ ق.آ.د.م.)
- ۸- ابلاغ یک نسخه از دادخواست به خواننده یا طرف دعوا و بایگانی یک نسخه از آن در پرونده (م ۶۷ ق.آ.د.م.)
- ۹- تصدیق رو نوشت مستندات و ضمایم دادخواست (م ۵۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۶)</sup>

**وظایف مدیر  
دفتر دادگاه  
بدوی :**

۱- رأی شماره ۱۳۰۶/۶/۲۹/۳۸- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع. ص ۷۳)

۲- رأی اصراری شماره ۲۲۵۵-۱۳۳۵/۱۰/۲۵- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۷۶)

۳- رأی شماره ۱۷۶۴/۶۶۲۴ مورخ ۱۳۰۹/۱۲/۶- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۷۶)

۴- نظریه شماره ۷/۵۹۲۰- ۱۳۷۹/۷/۳- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع. ص ۸۲)

۵- رأی شماره ۲۲۹۴/۲۸۶۱- ۲۶۵۰/۳۳۲۳- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۹۳)

۶- نظریه شماره ۱۳۶۴/۱۱/۳- ۷/۴۳۷۰- ل.ح.ق. (ر.ک. همان منبع. ص ۸۴)

- ۱۰- اعلام تخلف رؤسای دفاتر ادارات دولتی و سازمانهای وابسته به دولت و ... یا قائم مقام آنها به مراجع صالحه (دادگاه اداری) در صورت استنکاف از گرفتن اوراق (م ۷۵ ق.آ.د.م.)
- ۱۱- ابلاغ دادخواست و ضمایم به خواننده به هر وسیله مقتضی هنگامیکه خواننده در حوزه قضایی دیگری باشد. (م ۷۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۱۲- ارسال فوری پرونده به دادگاه وقتی که درخواست تأمین شده باشد. (م ۱۱۵ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
- ۱۳- اجرای قرار تأمین دلیل (م ۱۵۳ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>
- ۱۴- خارج نویسی موارد اختلاف اسنادی که ابراز آن در دادگاه غیر مقدور است یا ابراز آنها بر خلاف نظم و عفت و مصالح عمومی و حیثیت اصحاب دعوا و دیگران است. (م ۲۱۱ ق.آ.د.م.)
- ۱۵- ارسال بلافاصله اصل سندی که ادعای جعل شده به دادگاه (م ۲۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۱۶- تهیه رونوشت رأی به تعداد اصحاب دعوا پس از امضاء دادرس و ابلاغ آن به نحو مقتضی (م ۳۰۰ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup>
- ۱۷- اجتناب از تسلیم رأی به اصحاب دعوا و دیگران قبل از امضای قاضی (تکلیف سلبی) (م ۳۰۱ ق.آ.د.م.)

### وظایف مدیر دفتر دادگاه بدوی :

۱- رأی شماره ۱۴۱۳-مورخ ۱۳۲۸/۸/۳-شعبه ۴ دیوان عالی کشور. (ر.ک. همان منبع. ص ۱۰۳)

۲- رأی شماره ۱۳۴۹-۱۳۱۳/۱/۲۸-دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۱۴۸)

۳- نظریه شماره ۷/۹۱۳۲-۱۳۷۲/۱۲/۱۵-ا.ل.ق. (ر.ک. همان منبع. ص ۱۶۵)

۴- رأی شماره ۳۶۰/۲۴۸-۱۳۰۶/۱۲/۲۷ و رأی شماره ۶۰۵/۳۱۹۰-۱۳۰۸/۵/۲۸ آراء تمیزی دیوان عالی کشور. (ر.ک. همان منبع. ص ۲۶۳)

فصل دوم - مراجع قضایی ایران ■ ۴۷

۱۸- ارسال پرونده ظرف ۲ روز به دادگاه تجدید نظر پس از تسلیم دادخواست تجدید نظر خواهی (تبصره ۱ م ۳۳۹ ق.آ.د.م.).

۱۹- الصاق قرار رد دادخواست فرجامی به دیوار دفتر دادگاه (م ۳۸۴ ق.آ.د.م.).

۲۰- اعطای مهلت ۲۰ روزه به فرجام خواه برای دفاع (مواد ۳۸۵ و ۴۱۳ ق.آ.د.م.).

۲۱- ارسال پرونده به همراه رأی فرجام خواسته به دیوانعالی کشور (م ۳۸۵ ق.آ.د.م.).

۲۲- بایگانی کردن اصل رأی داور و ارسال رونوشت گواهی شده آن به اصحاب دعوا به دستور دادگاه (م ۴۸۵ ق.آ.د.م.).

۲۳- رساندن دادخواست اعسار به نظر قاضی دادگاه ظرف ۲ روز (م ۵۰۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>

۲۴- ارسال نسخه ثانی دادخواست اعسار و ضمایم آن به طرف دعوا (م ۵۰۷ ق.آ.د.م.).

**وظایف مدیر دفتر دادگاه بدوی :**

۱- رأی شماره ۱۱۱۶-۱۳۲۶/۷/۱- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۴۰۵)



## فصل سوم

انواع دعاوی و شرایط اقامه  
آنها

- شرایط اقامه دعوی :  
(م ۲ و مفهوم مخالف  
م ۸۴ ق.آ.د.م.)
- ۱- داشتن نفع
  - ۲- سمت ، نمایندگی ، قائم مقامی
  - ۳- اهلیت
  - ۴- اقامه دعوی در مدت قانونی
  - ۵- مختومه تلقی نشدن دعوا
  - ۶- داشتن اثر قانونی (بند ۷ م ۸۴ ق.آ.د.م.)
  - ۷- مشروع بودن
  - ۸- قطعی بودن

- موارد شروع به  
رسیدگی دادگاهها به  
دعوا :  
(م ۲ ق.آ.د.م.)
- ۱- زمانیکه شخص یا اشخاص ذینفع رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند. (۱). (۲)
  - ۲- زمانیکه وکیل طرفین دعوا شروع به رسیدگی را درخواست نموده باشند.
  - ۳- زمانیکه قائم مقام طرفین دعوا (وراث ، منتقل الیه و ... ) رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشد. (۳)
  - ۴- زمانیکه نماینده قانونی طرفین تقاضای رسیدگی به دعوا را از دادگاه درخواست نموده باشد.

۱- رأی شماره ۱۱۱۷-۱۳۱۱/۲/۳۱- دادگاه عالی انتظامی قضات . (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳)

۲- رأی شماره ۱۲۲۴-۱۳۱۲/۲/۲۵- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳)

۳- رأی شماره ۳۱۶-۱۳۷۲/۱۰/۳- شعبه اول دادگاه انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳)



- وظیفه دادگاهها در هر دعوا:
- ۱- تصمیم گیری موافق قوانین موضوعه (م ۳ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
  - ۲- تعیین و تکلیف بطور خاص و مربوط به همان دعوا (م ۴ ق.آ.د.م.)
  - ۳- پرهیز از صدور حکم به طور کلی و عام (م ۴ ق.آ.د.م.)

- موارد مراجعه قضات به منابع و فتاوی معتبر:
- ۱- در صورتیکه قوانین موضوعه کامل نباشند .
  - ۲- در صورتی که قوانین موضوعه صریح نباشند .
  - ۳- در صورتیکه قوانین موضوعه متعارض باشند .
  - ۴- اصلا قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد .

- عقود و قراردادهای غیر قابل استماع:
- ۱- عقود و قراردادهایی که مخل نظم عمومی می باشد .
  - ۲- عقود و قراردادهایی که بر خلاف اخلاق حسنه باشد .
  - ۳- عقود و قرار دادهایی که مغایر با موازین شرع باشند .

- انواع قائم مقامی: (۱)
- ۱- وارث ← قائم مقام مورث
  - ۲- منتقل الیه ← قائم مقام انتقال دهنده
  - ۳- مدیر تصفیه ← قائم مقام ورشکسته (م ۴۱۸ ق.ت.)
  - ۴- وصی ← قائم مقام موصی، ولی و جد پدری بعد از ارث

- انواع نمایندگی: (۲)
- ۱- **قانونی**: پدر، جد پدری (ولی خاص) که قانون معین نموده است. وصی نیز نماینده قانونی است. (موارد ۱۰۳، ۱۱۹، ۱۴۰ ق.ا.ح. و ۱۰۱۲ ق.م.)
  - ۲- **قضایی**: که به موجب حکم دادگاه تعیین می‌شوند. (امین، قیم) (م ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۱۰۳ و ۱۰۴ ق.ا.ح.)
  - ۳- **قرار دادی**: که به موجب قرار داد تعیین می‌شوند. (مثل وکیل و قائم مقام تجاری) (م ۳۲ ق.آ.د.م. و ۳۹۵ ق.ت.)

---

۱- قائم مقام شخصی است که به جانشینی دیگری دارای حقوق و تکالیف او می‌گردد. (دکتر شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۱، صص ۳۰۰ و ۳۰۱)

۲- نمایندگی عنوانی است که بر مبنای آن شخص اقدام به انجام عمل حقوقی به نام شخص دیگر به حساب او و به منظور تأمین اهداف او می‌نماید. (ر.ک. همان منبع، ج ۱، ص ۳۰۱)

۱- هر شخصی که به سن ۱۸ سال تمام برسد چه اناث و چه ذکور حق اقامه هر گونه دعوا و هر گونه تصرفی اعم از مالی و غیر مالی را خواهد داشت.<sup>(۱)</sup> (تبصره ۲ م ۱۲۱۰ ق.م.)

۲- ذکور بعد از رسیدن به سن ۱۵ سال و اناث بعد از رسیدن به سن ۹ سال تمام قمری حق هر گونه تصرفات غیر مالی را داشته و می توانند دعاوی غیر مالی را در دادگاه مطرح سازند. (تبصره ۱ م ۱۲۱۰ ق.م.)

۳- به موجب ماده واحده قانون رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ تمامی محاکم و دفاتر اسناد رسمی و ادارات دولتی باید کسانی را که به سن ۱۸ سال نرسیده اند (اعم از ذکور و اناث) غیر رشید بخوانند مگر اینکه رشد آنها توسط دادستان یا با حکم دادگاه ثابت شده باشد. (ماده واحده ق. رشد

متعاملین مصوب ۱۳۱۳)

۱- دعاوی از حیث ماهیت حق مورد اجرا }  
۱- عینی  
۲- شخصی (دینی)  
۳- مختلط

۲- دعاوی از حیث موضوع حق }  
۱- منقول  
۲- غیر منقول

۳- دعاوی به اعتبار نوع حق }  
۱- مالی  
۲- غیر مالی

### موارد اهلیت :

### انواع دعاوی<sup>(۲)</sup>

۱- قانونگذار رسیدن اشخاص به سن ۱۸ سالگی را اماره‌ای بر رشد دانسته است.

۲- ر.ک. همین منبع. ج ۱، ص ۳۲۷

- ۱- دعاوی عینی :
- ۱- دعاوی حق مالکیت (م ۲۹ ق.م.)
  - ۲- حق انتفاع (م ۴۰ ق.م.)
  - ۳- حق ارتفاق (م ۹۳ ق.م.)
  - ۴- دعاوی خلع ید (م ۱۹ ق.م.)
  - ۵- تخلیه ید از اعیان مرهونه و مستأجره
  - ۶- دعاوی مربوطه به حق العبور و حق المجری
  - ۷- دعاوی مزاحمت از حق ، ممانعت از حق و تصرف عدوانی (مواد ۱۵۸ ، ۱۵۹ و ۱۶۰ ق.آ.د.م.)
  - ۸- دعاوی استرداد سند
  - ۹- دعاوی افراز (م ۲۱۰ قانون افراز مصوب ۱۳۵۷)

**دعوا از حیث ماهیت حق مورد اجراء :**

- ۲- دعاوی شخصی (دینی) :
- ۱- دعاوی مطالبه دین
  - ۲- دعاوی الزام به انجام عمل (ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. و ماده ۲۲۱ ق.م.)
  - ۳- دعاوی خود داری از انجام عمل (ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م. و ماده ۲۲۱ ق.م.)
- ۳- دعاوی مختلط : دعوایی که هم از حق عینی و هم از حق دینی برخوردار است .

۱- دعاوی منقول (م ۱۹ ق.م.)		دعوا از حیث موضوع حق :
۱- دعاوی حق انتفاع (م ۴۰ ق.م.)	۱- دعاوی مالکیت :	
۲- دعاوی حق ارتفاق (م ۹۳ ق.م.)		
۲- دعاوی غیر منقول (م ۱۲ ق.م.)		
۱- تصرف عدوانی (م ۱۵۸ ق.آ.د.م.)	۲- دعاوی تصرف :	
۲- ممانعت از حق (م ۱۵۹ ق.آ.د.م.)		
۳- مزاحمت (م ۱۶۰ ق.آ.د.م.)		

۱- دعاوی مالی	دعوا به اعتبار نوع حق :
۲- دعاوی غیر مالی	

- ۱- مطالبه خسارت بطور کلی (م ۵۱۵ ق.آ.د.م.)
- ۲- مطالبه وجه اسناد تجاری بهادار مانند سفته ، چک ، برات و ... و اسناد عادی
- ۳- الزام به تنظیم سند رسمی ملک غیر منقول
- ۴- الزام به تنظیم سند اتومبیل<sup>(۱)</sup>
- ۵- الزام به تنظیم سند تلفن
- ۶- الزام به تنظیم سند کشتی
- ۷- ابطال سند رسمی مالکیت
- ۸- ابطال قرار داد عادی انتقال ملک مانند قولنامه و غیره
- ۹- ابطال سهام شرکت
- ۱۰- الزام به انتقال سهم یا سهام شرکت
- ۱۱- استرداد اموال منقول
- ۱۲- دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم (موضوع بند ۱ م ۹ ق.آ.د.ک.)
- ۱۳- اختلاف ناشی از پیمانها
- ۱۴- ابطال عملیات اجرایی ، اسناد لازم الاجرای مالی مانند چک و سفته
- ۱۵- مطالبه سهم الشرکه
- ۱۶- مطالبه بهای زمین تملیکی توسط دولت
- ۱۷- الزام به ایفای تعهد مالی

### انواع دعاوی مالی :

۱- نظریه شماره ۷/۴۸۷۱-۷/۲۹-۱۳۷۷/۶ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۹۱)

- ۱۸- اعتراض ثالث به دعاوی فوق
- ۱۹- ورود ثالث به دعاوی فوق
- ۲۰- تقابل به دعاوی فوق
- ۲۱- دعاوی راجع به حقوق مالی مانند حق شفعه ،  
حق فسخ ، ابطال معامله ، بی اعتباری سند
- ۲۲- اعتراض به ثبت
- ۲۳- مطالبه ثمن
- ۲۴- اثبات اقاله یا الزام به حضور خواننده جهت اقاله
- ۲۵- استرداد مبیع و ثمن
- ۲۶- مطالبه وجه التزام مندرج در قرارداد
- ۲۷- مطالبه وفای به شرط و عهود راجع به معاملات و  
قراردادها مشروط بر اینکه مورد معامله قابل ارزیابی  
باشد .
- ۲۸- الزام شرکت بیمه به پرداخت غرامت
- ۲۹- انحلال شرکت بازرگانی موضوع (م ۱۹۹ ق.ث.)
- ۳۰- بطلان شرکت به لحاظ فقدان شرایط انعقاد عقد
- ۳۱- ادعای وقفیت
- ۳۲- خلع ید (بند ج شق ۱۲ م ۴ ق.و.د.د.)
- ۳۳- الزام به تغییر محل چاه توالیت و دستشویی و  
باغچه که موجب خسارت به ساختمان مجاور شده  
است .

## انواع دعاوی مالی :

۳۴- مطالبه خسارت ناشی از نشست چاه و ترکیدن لوله  
آب و فاضلاب

۳۵- قلع و قمع بنا در صورت اختلاف در مالکیت

۳۶- مطالبه هزینه دادرسی و حق الوکاله (موضوع م ۵۱۵  
ق.آ.د.م.)

۳۷- ابطال رأی داور در صورتیکه موضوع مالی باشد .

۳۸- دعاوی مربوط به حق تألیف ، تصنیف و حق

اختراع

۳۹- ابطال سند در وجه حامل به علت مفقود شدن سند

یا سرقت

۴۰- دعاوی مالکیت<sup>(۱)</sup>

### انواع دعاوی مالی :

۴۱- اعتراض به رأی کمیسیون مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی

قانون ثبت اسناد و املاک در صورت داشتن ادعای

مالکیت .

۴۲- اعتراض به تحدید حدود<sup>(۲)</sup>

۴۳- دعاوی افراز ، تقسیم و فروش اموال مشاع در

صورت اختلاف در مالکیت .

۴۴- ابطال صورتجلسه افراز در صورت اختلاف در

مالکیت

۴۵- دعاوی بطلان تقسیم مال مشاع در صورت اختلاف

در مالکیت

۱- رأی وحدت رویه شماره ۵۷۹-۱۳۷۱/۷/۲۸- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۸۹)

۲- نظریه شماره ۷/۵۱۱۴-۱۱/۲۴-۱۳۶۰ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۹۱)



فصل سوم - انواع دعاوی و شرایط اقامه آن ■ ۵۹

- ۴۶- الزام به فروش مال مشاع غیر قابل افراز در صورت  
اختلاف در مالکیت (م ۴ ق. افراز و م ۹ آئین نامه آن)
- ۴۷- استرداد لاشه چک ، سفته و برات
- ۴۸- درخواست صلح و سازش در امور مالی
- ۴۹- دعوی مطالبه دیه به طرفیت وارث قاتل غیر عمد
- ۵۰- دعوی راجع به فک رهن
- ۵۱- دعوی برائت از پرداخت وجه الکفاله
- ۵۲- دعوی ابطال اجاره نامه ملک مزروعی
- ۵۳- اعتراض به عملیات اجرایی راجع به توقیف ملک  
معین<sup>(۱)</sup>
- ۵۴- دعوی ابطال ورقه لازم الاجرا راجع به منافع مورد  
مصالحه
- ۵۵- دعوی تخلیه ید از عین مستأجره یا مرهونه باشد و  
خوانده به استناد سند انتقال ملک از خواهان مدعی مالکیت  
گردد.

### انواع دعاوی مالی :

۱- حکم شماره ۱۱۸۶-۲۵/۷/۱۱- شعبه ۱ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۸۶)

- ۱- دعوی ثبت علایم تجاری
  - ۲- دعوی ثبت اختراع
  - ۳- دعوی تخلیه
  - ۴- تامین خواسته (موضوع م ۱۰۸ ق.آ.د.م.)
  - ۵- دستور موقت (موضوع مواد ۳۱۰ الی ۳۲۵ ق.آ.د.م.)
  - ۶- ابطال عملیات اجرایی اسناد غیر مالی مانند تخلیه
  - ۷- تعیین داور و سرداور
  - ۸- تقاضای اجرائیه برای رأی داوری
  - ۹- حکم فروش مال غیر منقول
  - ۱۰- تصرف عدوانی (م ۱۵۸ ق.آ.د.م.)
  - ۱۱- ممانعت از حق (م ۱۵۹ ق.آ.د.م.)
  - ۱۲- مزاحمت از حق (م ۱۶۰ ق.آ.د.م.)
  - ۱۳- عزل وکیل (بند ۱ م ۶۷۸ ق.م.)
  - ۱۴- تفکیک ملک و فک رهن
  - ۱۵- افراز در صورتی که مالکیت مورد اختلاف نباشد. (موضوع م ۱ ق. افراز)
  - ۱۶- اعتراض به رأی هیئت تشخیص م ۲۲ ق.ک.)
  - ۱۷- الزام به تعهد غیر مالی
  - ۱۸- صدور اجرائیه برای رأی هیئت تشخیص
- قانون کار

### انواع دعاوی غیر مالی :

- ۱۹- دعاوی ور شکستگی  
۲۰- دعاوی انحلال شرکت  
۲۱- اعتراض به نظریه کمیسیون ماده ۱۲ قانون  
زمین شهری  
۲۲- تعیین مدیر تصفیه  
۲۳- تصحیح نام در مدرک تحصیلی  
۲۴- دعاوی رفع رطوبت  
۲۵- تنفیذ صلح نامه عادی  
۲۶- دعاوی ابطال رأی داوری در صورتیکه  
رأی داوری مربوط به حقوق مالی نباشد. } انواع دعاوی غیر مالی :  
۲۷- در خواست سارش بین طرفین تا هر  
مقداری که خواسته باشد .  
۲۸- اعتراض به رأی قاضی هیئت حل اختلاف  
ماده ۵۶ قانون حفاظت از جنگلها  
۲۹- در وقفیت  
۳۰- تولیت  
۳۱- اعتراض به رأی هیئت عالی نظام پزشکی  
۳۲- دعاوی تغییر جنسیت  
۳۳- دعاوی ابطال پروانه حفر چاه<sup>(۱)</sup>

- ۳۴- تأیید قولنامه<sup>(۱)</sup>
- ۳۵- انسداد چاه و آب<sup>(۲)</sup>
- ۳۶- بطلان تقسیم مال مشاع به شرط عدم اختلاف در مالکیت
- ۳۷- ابطال عملیات فروش مال مشاع به شرط عدم اختلاف در مالکیت
- ۳۸- دعوای جعل و تزویر در اسناد
- ۳۹- ابطال سند و کالت
- ۴۰- استرداد اسناد و مدارک غیر مالی و اسناد و اشیایی که بهای معین ندارند.
- ۴۱- بطلان تعهدات در صورتیکه موضوع تعهد مالی نباشد.
- ۴۲- دعوای اعاده اعتبار ورشکسته (موضوع ماده ۵۶۱ ق.ت.).
- ۴۳- استرداد عین چک و اوراق بهادار
- ۴۴- ابطال صورتجلسه شرکت تعاونی
- ۴۵- دعوای اعسار
- ۴۶- تشخیص صحت تاریخ معامله<sup>(۳)</sup>
- ۴۷- دعوای راجع به حقوق ارتفاقی (م ۴۰ و ۹۳ ق.م.)

### انواع دعوای غیر مالی :

۱- رأی وحدت رویه شماره ۵۹/۶۹-۷۱/۱/۱۰ و نظریه مشورتی شماره ۷/۸۱۶۱۵-۷۳/۱۲/۱۶ اداره حقوقی

دادگستری

۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۰-۶۲/۱۰/۲۴-۶۲/۱۰/۲۴ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۹۱)

۳- رأی وحدت رویه شماره ۵۴۵-۱۳۶۹/۱۱/۳۰ هیأت عمومی دیوان (ر.ک. همان منبع . ص ۸۹)

فصل سوم - انواع دعاوی و شرایط اقامه آن ■ ۶۳

- دعاوی مالی**  
**در امور حسبی:**
- ۱- تقسیم ترکه در صورت اختلاف در مالکیت<sup>(۱)</sup>
  - ۲- الزام به فروش ترکه در صورت اختلاف در مالکیت
  - ۳- مطالبه سهم الارث به طرفیت کسی که سهم الارث نزد اوست .

- دعاوی غیر مالی**  
**در امور حسبی:**<sup>(۲)</sup>
- ۱- نصب قیم (م ۱۲۱۸ ق.م. و موضوع مواد ۵۵ الی ۷۳ ق.ا.ح.)
  - ۲- عزل قیم (م ۱۲۴۸ ق.م. و موضوع مواد ۹۶ الی ۱۰۲ ق.ا.ح.)
  - ۳- نصب امین برای غایب مفقود الاثر (م ۱۰۱۲ ق.م. و ۱۰۳ و ۱۰۴ ق.ا.ح.)
  - ۴- ضم امین (م ۱۱۸۴ و ۱۱۸۶ ق.م.)
  - ۵- صدور حکم موت فرضی (م ۱۰۱۹ ق.م.)
  - ۶- مهر و موم ترکه (م ۱۶۲ و ۱۶۸ ق.ا.ح.)
  - ۷- الزام به برداشتن مهر و موم (م ۱۶۲ و ۱۹۴ ق.ا.ح.)
  - ۸- تحریر ترکه (م ۱۶۲ و ۲۰۶ ق.ا.ح.)<sup>(۳)</sup>
  - ۹- درخواست تصفیه ترکه (م ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ ق.ا.ح.)<sup>(۴)</sup>
  - ۱۰- بطلان تقسیم ترکه
  - ۱۱- صدور حکم حجر

۱- رأی وحدت رویه شماره ۵۷۹-۱۳۷۱/۷/۲۸- هیات عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۸۹)

۲- دکتر بهرامی ، بهرام ، همان منبع ، ص ۱۲۴

۳- منظور از تحریر ترکه تعیین مقدار ترکه و دیون متوفی است .

۴- مقصود از تصفیه ترکه تعیین دیون و حقوق بر عهده متوفی و پرداخت آنها و خارج مورد وصیت از ما ترک است .

- ۱۲- تعیین تاریخ حجر
- ۱۳- اخراج ثلث از ما ترک
- ۱۴- الزام به فروش ترکه موضوع (ماده ۴۱۷ ق.ا.ح.).
- ۱۵- عزل ولی قهری موضوع (۱۱۷۳ ق.م.).
- ۱۶- درخواست تحویل اموال غایب مفقود الاثر (م ۱۰۲۵ ق.م. و ۱۰۴ الی ۱۳۶ ق.ا.ح.).
- ۱۷- گواهی رشد (م واحده ق. رشد متعاملین مصوب (۱۳۱۳)
- ۱۸- درخواست صدور حکم سر پرستی فرزند خوانده
- ۱۹- تقسیم ترکه در صورت عدم اختلاف در مالکیت<sup>(۱)</sup> (موضوع م ۳۰۰ الی ۳۰۳ ق.ا.ح.).
- ۲۰- تنفیذ وصیت نامه
- ۲۱- دعوای اثبات خیانت ولی قهری در دارایی طفل از طرف مدعی العموم (موضوع م ۱۱۸۶ ق.م.).
- ۲۲- گواهی حصر وراثت (م ۳۶۰ ق.ا.ح.).

### دعاوی غیر مالی در امور حسبی :

- ۱- استرداد شیربها
- ۲- استرداد جهیزیه
- ۳- مطالبه نفقه معوقه
- ۴- مطالبه مهریه
- ۵- مطالبه نفقه ایام عده
- ۶- افزایش نفقه
- ۷- تعیین نفقه آینده

### دعاوی مالی در امور خانواده :

۱ - نظریه شماره ۷/۴۷۴۹-۱۱/۱۰/۱۳۶۲ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۹۲)

- ۱- ازدواج مجدد
- ۲- الزام به تنظیم سند رسمی ازدواج و ثبت ازدواج در دفاتر اسناد رسمی
- ۳- الزام به ثبت واقعه طلاق
- ۴- ثبت رجوع از طلاق در ایام عده
- ۵- الزام به انعقاد عقد نکاح موضوع توافق نامه عادی
- ۶- گواهی عدم امکان سازش
- ۷- صدور حکم طلاق
- ۸- تمکین
- ۹- درخواست حضانت
- ۱۰- درخواست کسب اجازه ملاقات با فرزند مشترک
- ۱۱- الزام به ثبت واقعه رجوع
- ۱۲- کسب اجازه جهت ازدواج (موضوع م ۱۰۴۳ ق.م.ا)
- ۱۳- ابطال عقد نکاح به لحاظ عدم اجازه از پدر
- ۱۴- فسخ عقد نکاح
- ۱۵- انکار زوجیت
- ۱۶- دعوی زوجیت
- ۱۷- دعوی نسب
- ۱۸- دعوی وصایت
- ۱۹- فرزند خواندگی

### دعای غیر مالی

### در امور خانواده: (۱)

- ۱- الزام به وصل تلفن مورد اجاره (م ۲۴ ق.ر.م.م. ۵۶)
- ۲- تجویز انتقال منافع مورد اجاره (م ۱۹ ق.ر.م.م. ۵۶)
- ۳- تخلیه مورد اجاره (محل کسب به علل مختلف) (م ۱۴ ق.ر.م.م. ۵۶)
- ۴- تخلیه مورد اجاره (محل سکونت به علل مختلف) (م ۶ و ۸ ق.ر.م.م. ۶۲ و م ۳ ق.ر.م.م. ۷۶)
- ۵- الزام به انعقاد قرارداد اجاره رسمی (م ۷ ق.ر.م.م. ۵۶)
- ۶- الزام موجر به تعمیرات کلی و اساسی در مورد اجاره<sup>(۱)</sup> (موضوع م ۲۰ الی ۲۴ ق.ر.م.م. ۵۶ و م ۱۰ الی ۱۲ ق.ر.م.م. ۶۲)
- ۷- دعوی عسر و حرج (م ۹ ق.ر.م.م. ۶۲)
- ۸- بطلان اجاره (م ۴۸۱ ق.م.)
- ۹- فسخ اجاره (م ۱۲ و ۱۴ ق.ر.م.م. ۵۶ و م ۸ ق.ر.م.م. ۶۲)
- ۱۰- دعوی تنظیم اجاره نامه رسمی (زمانیکه اجاره نامه

**دعوی غیر مالی  
مربوط به مؤجر و  
مستأجر:**

۱- نظریه شماره ۷/۴۲۰-۷/۲۴-۱۱/۱۳۶۲ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع، ص ۹۱)



فصل سوم - انواع دعاوی و شرایط اقامه آن ■ ۶۷

- ۱- مطالبه اجور معوقه (بند ۱۴ ماده ۴ ق.و.د.د.)<sup>(۱)</sup>
- ۲- مطالبه سرقتی (موضوع م ۶ الی ۱۰ ق.ر.م.م. ۷۶)
- ۳- تعدیل و افزایش اجاره بها و مطالبه ما به التفاوت آن<sup>(۲)</sup>  
(موضوع م ۴ و ۵ ق.ر.م.م. ۵۶)
- ۴- مطالبه اجرت المثل (م ۵۰۱ ق.م.م. و م ۷ ق.ر.م.م. ۵۶)
- ۵- مطالبه حق کسب و پیشه و تجارت بطور مستقل  
(موضوع بند ۱ و ۲ و ۳ م ۱۵ ق.ر.م.م. ۵۶)

### دعاوی مالی مربوط به مؤجر و مستأجر:

- ۱- ابطال واقعه فوت
- ۲- رفع واقعه فوت از سند سجلی
- ۳- ابطال نسب یا نفی آن
- ۴- دعوی ابوت
- ۵- دعوی بنوت
- ۶- اثبات بلوغ برای ازدواج
- ۷- تغییر نام کوچک
- ۸- اثبات سیادت
- ۹- تصحیح و ابطال شناسنامه از حیث شماره و سایر  
مشخصات<sup>(۴)</sup>
- ۱۰- اصلاح تاریخ فوت در گواهی فوت
- ۱۱- تغییر جنسیت

### دعاوی غیر مالی مربوط به ثبت احوال: (۳)

۱- رأی وحدت رویه شماره ۲۳-۱۳۶۴/۸/۱۴- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۸۶)  
۲- نظریه شماره ۷/۹۸۴-۳/۲-۱۳۶۰ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۹۱)  
۳- دکتر بهرامی ، بهرام ، همان منبع ، ص ۱۲۵ .  
۴- نظریه شماره ۷/۴۰۲۴-۱۳۶۱/۷/۱۷- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۹۱)

- ۱- دعوی الزام به استرداد سند (مگر اینکه موضوع سند جنبه مالی نداشته باشد نام خصوصی و عکس خانوادگی)
- ۲- دعوی زوجیت
- ۳- دعوی حجر

۱- ذاتی

- ۱- خلع ید (در صورتیکه مالکیت مورد نزاع نباشد)
- ۲- در خواست افراز (در صورتیکه مالکیت مورد نزاع نباشد) (م ۱ ق. افراز)
- ۳- تقسیم فروش اموال مشاع (در صورتیکه مالکیت مورد نزاع نباشد)
- ۴- دعاوی راجع به مؤجر و مستأجر به جز دعاوی اجور معوقه
- ۵- میزان حق الوکاله وکیل
- ۶- دعاوی مزاحمت، ممانعت از حق و تصرف عدوی
- ۱ الی

۲- اعتباری

**اقسام دعاوی  
غیر مالی :**

## فصل چهارم

### در صلاحیت دادگاهها

- ۱- ذاتی
- ۲- محلی
- ۳- نسبی
- ۴- شخصی
- ۵- اضافی

**انواع صلاحیتها:**

۱- قضایی

۱- از لحاظ  
صنف مرجع

⇐ صلاحیت مراجع قضایی  
دادگستری نسبت به مراجع غیر  
دادگستری و بالعکس  
صلاحیت ذاتی است.

۲- اداری

۱- عمومی

۲- از لحاظ  
نوع مرجع

⇐ صلاحیت دادگاههای عمومی  
نسبت به دادگاههای  
اختصاصی (مثل دادگاه  
انقلاب) و بالعکس صلاحیت  
ذاتی است.  
۲- اختصاصی (استثنایی)

۱- تالی (بدوی)

۳- از لحاظ  
درجه

⇐ صلاحیت دادگاه بدوی نسبت  
به دادگاه تجدید نظر و  
بالعکس صلاحیت ذاتی است.

**انواع صلاحیت  
ذاتی:**

## فصل چهارم - در صلاحیت دادگاهها ۷۱

۲- عالی (تجدید نظر)	
۱- اصل بر این است که دعاوی باید در دادگاهی که خواننده در حوزه آن اقامت دارد اقامه شود (م ۱۱ ق.آ.د.م.) <sup>(۱)</sup> ، <sup>(۲)</sup> ، <sup>(۳)</sup>	۱- موارد صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده :
۲- زمانیکه خواننده فاقد اقامتگاه در ایران باشد دادگاه محل سکونت موقت خواننده صالح می باشد. (م ۱۱ ق.آ.د.م.)	
۳- هرگاه خوانندگان متعدد، در حوزه قضایی متعددی باشند دادگاه محل اقامت هر یک از خوانندگان صالح به رسیدگی می باشند. (م ۱۶ ق.آ.د.م.)	
۱- هرگاه خواننده فاقد اقامتگاه و محل سکونت موقت و مال غیر منقول در ایران باشد دادگاه محل اقامت خواهان (استثناء بر اصل) صالح به رسیدگی است. (م ۱۱ ق.آ.د.م.)	۲- موارد صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان :
۲- رسیدگی به شکایات اشخاص ذینفع از تصمیمات هیئت حل اختلاف (م ۴ ق. ثبت احوال)	
۳- رسیدگی به دعاوی راجع به اسناد ثبت احوال (م ۴ ق. ثبت احوال) <sup>(۴)</sup>	

۱- رأی وحدت رویه شماره ۹-۲۸/۳/۱۳۵۹- هیئت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۸)

۲- رأی وحدت رویه شماره ۲۱- ۶۳/۷/۳۰- هیأت عمومی دیوان عالی کشور. (ر.ک. همان منبع . ص ۳۸)

۳- رأی شماره ۶۰۷- ۱۳۶۹/۱۰/۲۵- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۹)

۴- نظریه شماره ۷/۷۸۹۰- ۱۳۷۳/۱۱/۱۶ ل.ح.ق (ر.ک. همان منبع . ص ۴۷)

- ۱- هرگاه خواننده فاقد اقامتگاه یا محل سکونت موقت در ایران باشد و دعوا بر مال غیر منقول باشد. (م ۱۱ ق.آ.د.م.)
- ۲- در دعاوی مربوط به اموال غیر منقول (اعم از مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن به تبع مال غیر منقول) (م ۱۲ ق.آ.د.م.) (۱). (۲). (۳). (۴)
- ۳- در دعاوی مربوط به مال غیر منقول و منقول که دارای منشاء واحد هستند. (م ۱۵ ق.آ.د.م.)
- ۴- هرگاه اموال غیر منقول متعدد در حوزه قضایی متعددی باشند هر یک از دادگاههایی که مال غیر منقول در آن است صالح به رسیدگی است. (م ۱۶ ق.آ.د.م.)
- ۵- رسیدگی به دعوی غیر منقول مربوط به شرکت<sup>(۵)</sup>

۳- موارد صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیر منقول:

موارد صلاحیت محلی:

---

۱ - رأی وحدت رویه شماره ۶۳/۹/۵/۳۱ - هیئت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۴۰)

۲ - رأی اصراری شماره ۱۷۲۱ - مورخ ۱۳۳۱/۱۱/۱ - دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۴۱)

۳ - رأی شماره ۱۰۲۳ - ۱۳۲۵/۶/۲۰ - شعبه یک دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۴۱)

۴ - نظریه شماره ۸۴۱ - ۱۳۸۱/۲/۱۸/۷ . ل.ح.ق. (ر.ک. همان منبع . ص ۴۱)

۵ - رأی وحدت رویه شماره ۶۴۳ - ۷۸/۹/۱۶ - هیئت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۴۰)

فصل چهارم - در صلاحیت دادگاهها ۷۳

- ۱- صلاحیت دادگاه محل انعقاد عقد یا قرارداد :
- الف ( دعاوی مربوط به اموال منقول ناشی از عقود یا قراردادهای (م ۱۳ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup> )
- ۲- صلاحیت دادگاه محل انجام تعهد یا تحویل کالا :
- الف ( دعاوی مربوط به اموال منقول ناشی از عقود و قراردادهای (م ۱۵ ق.آ.د.م.) )
- ب) دعاوی ناشی از تعهدات شرکت در مقابل اشخاص خارج از شرکت (م ۲۳ ق.آ.د.م.)
- ۳- صلاحیت دادگاه محل وقوع دلایل و قرائن :
- الف) درخواست تأمین دلیل (م ۱۴۹ ق.آ.د.م.)
- ۴- صلاحیت دادگاه آخرین اقامتگاه متوفی: (۲). (۳)
- الف) دعاوی راجع به ترکه متوفی (از قبیل دین یا وصیت) (م ۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۵- صلاحیت دادگاه آخرین محل سکونت متوفی: الف : دعاوی راجع به ترکه متوفی از قبیل دین یا وصیت (اگر اقامتگاه متوفی نامعلوم باشد) (م ۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۶- صلاحیت دادگاه محل اقامت ورشکسته یا متوقف :
- الف) دعاوی راجع به توقف یا ورشکستگی (م ۲۰ ق.آ.د.م.)

موارد صلاحیت

محلی :

۴- سایر موارد صلاحیت :

۱- رأی وحدت رویه شماره ۹-۱۳۵۹/۳/۲۸- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۴۲)

۲- نظریه شماره ۷/۵۱۲۱- ۱۳۵۹/۹/۲۳- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۴۴)

۳- حکم شماره ۱۵۰۵- ۲۰/۵/۲۹ شعبه ۱ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۴۴)

<p>۷- صلاحیت دادگاه محل استقرار شعبه یا نمایندگی ورشکسته یا متوقف :</p>	<p>۴- سایر موارد صلاحیت محلی :</p>
<p>الف) اگر متوقف یا ورشکسته در ایران فاقد اقامتگاه باشد . (م ۲۱ ق.آ.د.م.)</p>	
<p>ب) اگر شرکت دارای شعب متعدد باشد دعاوی ناشی از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج (م ۲۳ ق.آ.د.م.)</p>	
<p>۸- صلاحیت دادگاه محل مرکز اصلی شرکت :</p>	
<p>الف) دعاوی مربوط به شرکتهای بازرگانی اعم از تصفیه و غیره (م ۲۲ ق.آ.د.م.)</p>	
<p>ب) اگر شرکت دارای شعب متعدد بوده و همه شعب برچیده شده باشند .</p>	
<p>۹- صلاحیت دادگاه محل صدور سند<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup></p>	
<p>الف) در صورتیکه سند ثبت احوال در ایران تنظیم شده ولی ذینفع مقیم خارج باشد . (م ۲۵ ق.آ.د.م.)</p>	
<p>۱۰- صلاحیت دادگاه آخرین اقامتگاه غایب :</p>	
<p>الف) امور راجع به غایب مفقود الاثر (م ۱۲۶ ق.ا.ح.)</p>	

۱ - نظریه شماره ۱۳۷۶/۶/۲-۷/۳۲۹۸ - (ل.ح.ق) (ر.ک. همان منبع . ص ۴۷)

۲ - نظریه شماره ۱۳۷۷/۳/۱۰ - ۷/۱۲۸۸ - (ل.ح.ق) (ر.ک. همان منبع . ص ۴۷)



۱۱- صلاحیت دادگاه آخرین محل سکونت

غایب در ایران :

الف) هرگاه آخرین اقامتگاه غایب در خارج

از ایران باشد . (م ۱۲۷ ق.ا.ح.)

۱۲- صلاحیت دادگاه محل اقامت ورثه غایب

مفقود الاثر :

الف) هرگاه غایب در ایران فاقد محل اقامت

یا سکونت باشد . (م ۱۲۸ ق.ا.ح.)

ب) هرگاه محل اقامت یا سکونت غایب در

ایران معلوم نباشد . (م ۱۲۸ ق.ا.ح.)

۱۳- صلاحیت دادگاه محل استقرار مال

غایب :

الف) هرگاه غایب در ایران اقامتگاه یا محل

سکونت نداشته باشد یا اقامتگاه یا محل

سکونت یا ورثه اش معلوم نباشند .

(م ۱۲۹ ق.ا.ح.)

۴- سایر موارد

صلاحیت :

موارد صلاحیت

محلی :

- ۱- کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض .
- ۲- رسیدگی به جرم توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری .
- ۳- رسیدگی به جرم توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام .
- ۴- رسیدگی به جرم جاسوسی به نفع اجانب .
- ۵- کلیه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر .
- ۶- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ ق. اساسی<sup>(۱)</sup> .

**صلاحیت دادگاه  
انقلاب :  
(م ۵ ق.ت.د.ع.ا.)**

- ۱- شعب دیوان : دیوان در حال حاضر دارای ۴۲ شعبه می باشد و در تهران و قم و مشهد مستقر می باشد .
- ۲- دادسرای دیوان : که در معیت دیوان عالی کشور بوده و به ریاست دادستان کل کشور تشکیل می شود .

**سازمان دیوان  
عالی کشور :**

۱- رأی وحدت رویه شماره ۵۸۱-۱۳۷۱/۱۲/۲- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۳)

۱- شعب تشخیص (تبصره ۲ م ۱۸ اصلاحی ق.ت.د.ع.ا.)	۱- حقوقی ۲- کیفری
۲- هیئت عمومی : (زمانیکه رأی اصراری در شعب دیوان عالی کشور ابرام نشود تشکیل می شوند .)	۱- هیئت عمومی شعب حقوقی : (م ۴۰۸ ق.آ.د.م.) <sup>(۱)</sup> ۲- هیئت عمومی شعب کیفری : (م ۲۶۶ ق.آ.د.ک.)
۳- هیئت عمومی رأی وحدت رویه : این هیئت با حداقل $\frac{۳}{۴}$ رؤسا و مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب دیوان و با حضور رئیس دیوان یا قائم مقام او و دادستان کل کشور یا نماینده او تشکیل می شود .	

**شعب دیوان  
عالی کشور :**

۱- رئیس دیوان عالی کشور ۲- دادستان کل کشور ۳- قضات دادگاهها ( بدوی ، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور ) از طریق دادستان کل یا رئیس دیوان	<b>اشخاص صالح برای درخواست رأی وحدت رویه :</b>
---	--

۱- رأی اصراری شماره ۲۰۳۲-۱۳۱۷/۹/۲۰- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۴۵)

<p>۱- نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم (اصل ۱۶۱ ق.ا.)</p> <p>۲- ایجاد وحدت رویه قضایی (اصل ۱۶۱ ق.ا. و م ۲۷۰ ق.آ.د.ک.)</p> <p>۳- آراء اصراری (م ۴۰۸ ق.آ.د.م.)</p>	} ۱- وظایف عام :	
<p>۱- تعیین رئیس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور با مشورت رئیس قوه قضائیه (اصل ۱۶۲ ق.ا.)</p> <p>۲- رسیدگی و صدور حکم به تخلف رئیس جمهور (بند ۱۰ اصل ۱۱۰ ق.ا.)</p> <p>۳- حل اختلاف بین محاکم دادگستری با مراجع غیر دادگستری</p> <p>۴- حل اختلاف بین محاکم عمومی و انقلاب و نظامی و نیز حل اختلاف بین محاکم دادگستری دو استان (مواد ۲۷ و ۲۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup></p> <p>۵- اجازه اعاده دادرسی نسبت به احکام کیفری (م ۲۷۴ ق.آ.د.ک.)</p> <p>۶- اجازه احاله پرونده کیفری (مواد ۶۳ و ۶۴ ق.آ.د.ک.)</p>	} ۱- وظایف خاص :	} صلاحیت دیوان عالی کشور: <sup>(۱)</sup>

۱- دکتر بهرامی ، بهرام ، همان منبع ، صص ۸۲ الی ۸۵ .

۲- نظریه شماره ۷/۷۸۶-۱۳۸۱/۱/۲۸- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۵۱)

### رسیدگی به دعاوی :

- ۱- نکاح موقت و دائم
- ۲- طلاق و فسخ نکاح و بذل و انقضاء مدت
- ۳- مهریه و جهیزیه
- ۴- اجرت المثل و نحله ایام زوجیت
- ۵- نفقه معوقه و جاریه زوج و اقربای واجب النفقه
- ۶- حضانت و ملاقات اطفال
- ۷- نسب ، نشوز و تمکین
- ۸- نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها
- ۹- حکم رشد
- ۱۰- ازدواج مجدد
- ۱۱- شرایط ضمن عقد نکاح

صلاحیت دادگاه  
خانواده : (م. واحد)  
مصوب (۱۳۷۶)

۱- رسیدگی به شکایات ، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از :

الف) تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه ها ، سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی ، شهرداریها ، تشکیلات نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها . (۱) . (۲) . (۳) . (۴) . (۵)  
ب) تصمیمات و اقدامات مأمورین واحدهای مذکور در بند (الف) در امور راجع به وظایف آنها . (۶)

### صلاحیت دیوان

### عدالت اداری :

(اصل ۱۷۳ ق.ا.وم  
۱۱ ق.د.ع.ا.)

- ۱- رأی وحدت رویه شماره ۱۵۰-۱۳۷۳/۱۲/۶- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵)
- ۲- رأی وحدت رویه شماره ۸۷-۱۳۶۸/۱۰/۲۷- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵)
- ۳- رأی وحدت رویه شماره ۵۵۶-۱۳۶۷/۳/۴- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۲)
- ۴- رأی وحدت رویه شماره ۴۷-۱۳۶۳/۱۰/۱۷- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۳)
- ۵- رأی وحدت رویه شماره ۲۳-۱۳۷۵/۲/۱۵- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵)
- ۶- رأی شماره ۷۵۶ سال ۱۳۷۲- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶)

ج) آئین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداریها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردیکه تصمیمات، اقدامات یا مقررات مذکور به علت بر خلاف قانون بودن آنها و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوء استفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایف موجب تضییع حقوق اشخاص می شود.

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی دادگاههای اداری، هیئتهای بازرسی و کمیسیونهایی مانند کمیسیونهای مالیاتی، شورای کارگاه، هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع م ۱۰۰ قانون شهرداریها، کمیسیون موضوع م ۵۶ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و منابع طبیعی منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها.

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولین قانون استخدام کشوری و سایر مستخدمین مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است، اعم از لشکری و کشوری، از حیث تضییع حقوق استخدامی.

۴- رسیدگی شکلی (تجدیدنظر) نسبت به آراء صادره از سوی مراجع قضایی.

### صلاحیت دیوان

### عدالت اداری :

(اصل ۱۷۳ ق.ا.وم)

(۱۱ ق.د.ع.ا.)

- ۱- تعیین میزان خسارات وارده از ناحیه مؤسسات و اشخاص وابسته به دولت از صلاحیت دیوان خارج و به عهده دادگاه عمومی است. (تبصره ۱ م ۱۱ ق.د.ع.ا.)
- ۲- شکایات از تصمیمات مراجع قضایی در دیوان عدالت اداری نمی باشد. (تبصره ۲ م ۱۱ ق.د.ع.ا.)<sup>(۱)</sup>

**موارد عدم صلاحیت دیوان عدالت اداری :**

- ۱- صدور آراء وحدت رویه (م ۲۰ ق.د.ع.ا.)
- ۲- دیوان عدالت اداری مرجع رسیدگی به شکایات از مقررات دولتی است که :  
الف) مخالف قانون باشد .  
ب) از حدود اختیارات قوه مجریه خارج باشد .  
(م ۲۵ ق.د.ع.ا.)
- ۳- هیئت عمومی دیوان مرجع تنظیم آئین نامه های مربوط به قانون دیوان عدالت اداری می باشد .  
(م ۲۳ ق.د.ع.ا.)
- ۴- هیئت عمومی دیوان مرجع شکایت نسبت به خلاف شرع بودن یک مقرره است . (اصل ۴ ق.ا. و م ۲۵ ق.د.ع.ا.)

**وظایف هیئت عمومی دیوان عدالت اداری :**

۱- رأی وحدت رویه شماره ۱۳۱-۱۳۷۱/۶/۲۸- هیأت عمومی دیوان عدالت اداری (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵)

۱- دیوان عدالت اداری تنها مرجع عمومی اداری می باشد که به شکایت مردم از نهادهای دولتی و وابسته به آن رسیدگی می کند .

۲- دیوان عدالت اداری عالی ترین مرجع اداری است زیرا مرجع تجدیدنظر از دستورات و احکام صادره از مراجع اداری همچون کمیسیون ماده ۱۰۰ ق . شهرداریها می باشد .

### ویژگیهای دیوان عدالت اداری :

۱- رسیدگی در دیوان محتاج تقدیم دادخواست است . (رعایت شرایط دادخواست مندرج در (مواد ۵۱ تا ۵۶ ق.آ.د.م.)

۲- رسیدگی در دیوان از طریق تبادل لوائح است (دادرسی عادی)

۳- رسیدگی در دیوان مستلزم ابطال تمبر به مبلغ (مرحله بدوی ده هزار ریال و مرحله تجدیدنظر بیست هزار ریال) می باشد . (م ۸ اصلاحی ق.د.ع.ا.)

۴- دادخواست باید به دبیر خانه دیوان یا دفتر یکی از دادگاههای دیوان تقدیم شود . (تبصره م ۵ ق.آ.د.د.ع.ا.)

۵- احکام دیوان عدالت اداری اعلانی بوده و احتیاج به صدور اجرائیه برای اجرای حکم نیست .

### ترتیب رسیدگی در دیوان عدالت اداری :



فصل چهارم - در صلاحیت دادگاهها ۸۳

۱- شعب بدوی (مرحله بدوی): که دارای یک رئیس یا عضو علی البدل می باشد.

۲- شعب تجدیدنظر (مرحله تجدیدنظر) که هر شعبه

مرکب از یک رئیس و دو مستشار است که با حضور دو

عضو رسمیت می یابد. (م ۱۹ ق.د.ع.ا.)

۳- هیئت عمومی دیوان عدالت اداری که متشکل از

رؤساء و مستشاران شعب بدوی و تجدیدنظر است و

رسمیت آن با حداقل  $\frac{3}{4}$  از اعضاء تشکیل دهنده است.

(م ۲۰ ق.د.ع.ا.)

**سازمان دیوان**

**عدالت اداری :**

الف) کلیه جرائم عمومی روحانیون

ب) کلیه اعمال خلاف شأن روحانیون

ج) کلیه اختلافات محلی مخل به امنیت عمومی ، در

صورتیکه طرف اختلاف روحانی باشد .

د) اموری که از سوی مقام معظم رهبری برای

رسیدگی مأموریت داده می شود .

**صلاحیت دادسرا**

**و دادگاه ویژه**

**روحانیت :**

**(م ۱۳ آئین نامه**

**دادسراها و دادگاههای**

**ویژه روحانیت)**

- ۱- رسیدگی به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اشخاص ذیل :
  - ۱- کلیه پرسنل ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته
  - ۲- کلیه پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمانهای وابسته و اعضای بسیج مستضعفین
  - ۳- کلیه پرسنل وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای وابسته
  - ۴- کلیه پرسنل وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن
  - ۵- کلیه پرسنل مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
  - ۶- محصلان مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور
  - ۷- کلیه کسانیکه بطور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران باشند اعم از ایرانی و غیر ایرانی در مدت مزبور

### صلاحیت دادگاههای

نظامی : (م ۱ ق

مجازات جرایم

نیروهای مسلح)

فصل چهارم - در صلاحیت دادگاهها ۸۵

- الف) در امور جزایی :  
(بند الف م ۳ ق.ت.د.ع.ا.)
- ۱- کشف و تعقیب متهم به جرم
  - ۲- اقامه دعوا از جنبه حق الهی
  - ۳- حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی
  - ۴- اجرای حکم کیفری

- ب) در امور غیر جزایی :
- ۱- اقامه دعوی ورشکستگی (که ممکن است مدعی دادرسی باشد) (مواد ۴۱۲ و ۴۱۵ ق.ت.)
  - ۲- اعتراض به درخواست انحصار وراثت (که ممکن است دادرسی به عنوان معترض به انحصار وراثتی که بی اساس تصدیق شده است بنماید.) (م ۳۶۰، ۳۶۲ و ۳۶۷ ق.ا.ح.)
  - ۳- درخواست نصب و عزل قیم و ضم ناظر و امین (که دادرسی در صورت ضرورت به دادگاه مراجعه و دادگاه به درخواست دادرسی اقدام لازم را معمول می دارد.) (م ۵۶، ۹۷ و ۱۲۱ ق.ا.ح. و مواد ۱۱۵۱ و ۱۱۸۴ ق.م.)
  - ۴- درخواست اعلام ادامه حجر صغیر بالغ شده (م ۵۹ ق.ا.ح.)

وظایف  
دادسراها :

- ۵- درخواست تعیین امین برای جنین و اداره اموال (م ۱۰۳ و ۱۰۷ ق.ا.ح.)
- ۶- درخواست تعیین امین برای اداره اموال غایب مفقود الاثر (م ۱۳۰ و ۱۴۲ ق.ا.ح.)
- ۷- تصویب فروش اموال غیر منقول محجور توسط قیم با رعایت غبطه او. (م ۸۳ ق.ا.ح.)
- ۸- حفظ و نظارت بر اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید که قیم آنها فوت گردیده (بعهدده دادستان) است. (م ۸۹ ق.ا.ح.)
- ۹- اقدامات لازم و فوری جهت حفظ ترکه بعد از صدور حکم دادگاه به مهر و موم (م ۱۷۰ ق.ا.ح.)
- ۱۰- اجازه (دادستان) به قیم در صورتیکه محجور نیاز به ازدواج داشته و پزشک تجویز نموده باشد. (م ۸۸ ق.ا.ح.)
- ۱۱- شرکت در جلسه مزایده (م ۱۲۵ ق.ا.ح.)
- ۱۲- تأیید دفتر ثبت شرکتها (م ۲ آئین نامه قانون ثبت املاک)
- ۱۳- طلاق زوجه مجنون عندالاقضاء به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه (م ۸۸ ق.ا.ح.)

(ب) در امور غیر جزایی :

**وظایف  
دادسرها :**

۱- کلیه دعاوی راجع به اموال منقول، دیون، منافع، زیان ناشی از جرم، ضمان قهری در صورتی که خواسته بیش از ۱۰ میلیون ریال نباشد.

۲- دعاوی خلع ید از اموال غیر منقول، تخلیه اماکن مسکونی و دعاوی راجع به حقوق ارتفاقی از قبیل حق عبور، حق مجری، مزاحمت و ممانعت از حق و تصرف عدوانی در صورتیکه اصل مالکیت محل اختلاف نباشد.

۳- الزام به انجام شروط و تعهدات راجع به معاملات و قرار دادها در حدود صلاحیت در دعاوی مالی

۴- مهر و موم ترکه

۵- صورت برداری و تحریر ترکه

۶- تأمین و حفظ دلایل و امارات

۷- دعاوی مالی در صورت تراضی کتبی طرفین بدون

رعایت حد نصاب

## وظایف شوراهای

### حل اختلاف در

### امور حقوقی: (بند

### الف م ۷ آئین نامه

### اجرایی م ۱۸۹

### برنامه سوم توسعه)

- ۱- مراقبت در حفظ آثار جرم
- ۲- جلوگیری از فرار متهم در جرایم مشهود از طریق اعلام فوری به نزدیکترین مراجع قضایی یا مأموران انتظامی
- ۳- رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها حداکثر تا مبلغ ۵ میلیون ریال جزای نقدی است .
- ۴- رسیدگی به جرایمی که جمع مجازات قانونی حبس آنها پس از تبدیل حبس به جزای نقدی تا ۵ میلیون ریال می شود .
- ۵- رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها کمتر از ۹۱ روز حبس و یا مجازات تعزیری موضوع تخلفات رانندگی باشد . (بند ۱ م ۳ ق.و.د.د.)
- ۶- رسیدگی به اموری که به موجب قوانین در صلاحیت مراجع غیر قضایی بوده است کماکان بر عهده همان مرجع است .
- ۷- رسیدگی به پرونده هایی که قبل از تشکیل شورا در دادگاه مطرح شده بر عهده همان دادگاه است مگر آنکه طرفین ارجاع را به شورای حل اختلاف درخواست نمایند .

## وظایف شوراهای

### حل اختلاف در

امور کیفری : (بند

ب م ۷ آئین نامه

اجرایی م ۱۸۹

برنامه سوم توسعه)

فصل چهارم - در صلاحیت دادگاهها ۸۹

۱- درخواست یا شکایت به صورت کتبی یا شفاهی مطرح شده باشد (درخواست شفاهی در صورت مجلس باید درج گردد). (بند الف م ۸ آئین نامه اجرائی م ۱۸۹)

۲- طرفین دعوا در حوزه شورا ساکن و یا اشتغال به کار داشته باشند مگر آنکه طرفین بر اقامه دعوا در محل سکونت و یا اشتغال یکی از آنها تراضی نمایند. (بند ب م ۸ آئین نامه اجرائی م ۱۸۹)

۳- اموال غیر منقول، واقع در حوزه شورا باشد هر چند طرفین مقیم آن حوزه نباشند. (بند ج م ۸ آئین نامه اجرائی م ۱۸۹)

۴- جرم در حوزه شورا به وقوع پیوسته باشد. (بند د م ۸ آئین نامه اجرائی م ۱۸۹)

### شروع به رسیدگی در شوراهاى حل اختلاف :

۱- رسیدگی در شورا تابع قانون آئین دادرسی نبوده و شورا به طریق مقتضی به دعوا رسیدگی و انشاء رأی می نماید. (بند ۱ م ۱۰ آئین نامه اجرائی م ۱۸۹)

۲- طرح شکایت یا دعوا، اعتراض و تجدیدنظر خواهی و اجرای آرا در هر مرحله مجانی خواهد بود. (بند ۲ م ۱۰ آئین نامه اجرائی م ۱۸۹)

### تشریفات رسیدگی در شوراهاى حل اختلاف :

۱- رأی شورا ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ به طرفین قابل تجدیدنظر خواهی در دادگاه حوزه مربوطه است. (بند ۱ م ۱۸ آئین نامه اجرائی م ۱۸۹)

۲- مهلت اعتراض به آرای غیابی شورا ظرف مدت ۲۰ روز قابل واخواهی در همان شورا می باشد. (بند ۲ م ۱۸ آئین نامه اجرائی م ۱۸۹)

### مهلت اعتراض به رأى شورا :

۱- اختلاف بین دیوان عدالت اداری و دادگاه

عمومی ← مرجع حل دیوانعالی کشور<sup>(۱)</sup>

۲- اختلاف بین دادگاه عمومی و دادگاه نظامی

← مرجع حل دیوانعالی کشور (م ۲۸ ق.آ.د.م.)

۳- اختلاف بین دادگاه عمومی و دادگاه انقلاب

← مرجع حل دیوانعالی کشور (م ۲۸ ق.آ.د.م.)

۴- اختلاف بین دادگاه عمومی یا انقلاب یا نظامی با

مرجع غیر قضایی ← مرجع حل اختلاف دیوانعالی

کشور (م ۲۸ ق.آ.د.م.)

۵- اختلاف بین دو حوزه قضایی در یک استان

← مرجع حل دادگاه تجدید نظر استان (م ۲۷

ق.آ.د.م.)

۶- اختلاف بین دو حوزه قضایی از دو استان

← مرجع حل دیوانعالی کشور (تبصره م ۲۷

ق.آ.د.م.)

**مرجع حل اختلاف در  
صلاحیتها :**

۱ - رأی وحدت رویه شماره ۲۸-۱۲/۹/۱۳۶۴ هیئت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۵۱)



## **فصل پنجم**

### **وکالت در دعاوی**

۱- وکالت در دادگاه که ممکن است در جلسه دادرسی داده شود، در اینصورت مراتب در صورتجلسه قید و به امضای موکل می رسد. (م ۳۴ ق.آ.د.م.)

**انواع وکالت از لحاظ شکلی:**

۱- وکالت به موجب سند رسمی <sup>(۱)</sup> در ایران	۱- وکالت به موجب سند غیر رسمی (عادی)	۲- وکالت خارج از دادگاه: (م ۳۴ ق.آ.د.م.)
۱- وکالت تنظیمی	۲- وکالت تنظیمی در خارج <sup>(۲)</sup> ، (۳)	

۱- **وکیل قرار دادی:** این وکیل توسط خود موکل انتخاب می شود. (م ۳۱ و ۳۴ ق.آ.د.م.)

۲- **وکیل تسخیری:** وکالتی است که از طرف دادگاه در امور کیفری برای دفاع از متهم یا متهمانی که قدرت تأدیه حق الوکاله را ندارند داده می شود. (تبصره ذیل م ۳۱ ق. وکالت)

۳- **وکیل معاضدتی:** وکالتی است که از طرف کانون وکلاء در امور حقوقی برای کسانی که قدرت تأدیه حق الوکاله را ندارند داده می شود. (تبصره ذیل م ۳۱ ق. وکالت)

۴- **وکیل اتقاقی:** اشخاصی که واجد معلومات کافی برای وکالت باشند ولی شغل آنها وکالت در دادگستری نباشد، اگر بخواهند برای اقربای سببی یا نسبی خود تا درجه دوم از طبقه سوم وکالت بنمایند ممکن است به آنها در سال سه نوبت جواز وکالت اتقاقی داده می شود. (م ۲ ق. وکالت)

۵- **وکیل تبرعی:** وکالت تبرعی همان وکالت مجانی است که وکیل بابت حق الزحمه چیزی دریافت نمی کند. (م ۶۵۹ ق.م.)

## انواع وکیل

۱- نظریه شماره ۷/۵۳۴۱-۱۳۵۹/۹/۲۷- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۵۸)

۲- نظریه شماره ۷/۳۰۳۲-۱۳۵۹/۹/۲۷- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۵۸)

۳- نظریه شماره ۷/۳۰۳۲-۱۳۵۸/۶/۴- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۵۸)

فصل پنجم - وکالت در دعاوی ■ ۹۳

- ۱- وکالت راجع به اعتراض به رأی تجدیدنظر خواهی ، فرجام خواهی ، اعاده دادرسی <sup>(۱). (۲). (۳)</sup>
- ۲- وکالت در مصالحه و سازش
- ۳- وکالت در ادعای جعل یا انکار یا تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند
- ۴- وکالت در تعیین جاعل <sup>(۴)</sup>
- ۵- وکالت در ارجاع دعوا به داوری و تعیین داور <sup>(۵)</sup>
- ۶- وکالت در تعیین مصدق و کارشناسی
- ۷- وکالت در توکیل <sup>(۶)</sup>
- ۸- وکالت در دعوی خسارت <sup>(۷)</sup>
- ۹- وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا
- ۱۰- وکالت در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث
- ۱۱- وکالت در ورود شخص ثالث و دفاع از دعوی ورود ثالث
- ۱۲- وکالت در دعوی متقابل و دفاع در مقابل آن
- ۱۳- وکالت در ادعای اعسار
- ۱۴- وکالت در قبول یا رد سوگند

موارد تصریحی در

وکالت : (م ۳۵

ق.آ.د.م.)

- 
- ۱ - نظریه شماره ۲۳۶-۷/۱۰۲۴-۱۳۷۱/۹- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۶۰)
  - ۲ - رأی شماره ۱۹۶۴-۱۳۳۴/۱۰/۲۶- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۵۹)
  - ۳- رأی شماره ۷۳۰-۱۳۲۹/۴/۱۳- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۵۹)
  - ۴- رأی شماره ۱۰۵۲-۱۳۱۱/۲/۱- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۵۹)
  - ۵- رأی شماره ۳۱۸-۱۳۲۸/۲/۱۱- شعبه ۸ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۶۰)
  - ۶- رأی شماره ۱۲۱-۱۳۲۹/۱/۲۳- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۶۰)
  - ۷- رأی شماره ۲۶۰-۱۳۲۹/۲/۶- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۶۰)

- موارد غیر قابل توکیل :  
(تبصره ۲ ماده ۳۵ ق.آ.د.م.)
- ۱- سوگند
  - ۲- شهادت
  - ۳- اقرار
  - ۴- لعان<sup>(۱)</sup>
  - ۵- ایلاء<sup>(۲)</sup>

۱- اثر عدم اطلاع به وکیل : تا زمانی که خبر عزل به وکیل  
نرسیده اقدامات وی در حدود وکالت موثر در حق موکل  
است .

۲- اثر عدم اطلاع به دادگاه : اگر وکیل توسط موکل عزل  
شود ولی موکل خبر عزل را به دادگاه اطلاع ندهد تمامی  
ابلاغ ها و احضاریه هایی که به وکیل ابلاغ  
می شود موثر در حق موکل است .

**اثرات عدم اطلاع  
عزل به وکیل و  
دادگاه  
(م ۳۸ ق.آ.د.م.)**

---

۱- لعان : نسبت زنا دادن از طرف زوج به زوجه و نفی انتساب فرزندی که ملحق به فراش اوست . ( دکتر جعفری  
لنگرودی ، محمد جعفر ، ترمینولوژی حقوقی ، تهران : انتشارات گنج دانش ، چاپ یازدهم ، ۱۳۸۰ ، ص ۵۸۸ )  
۲- ایلاء : سوگندی است که زوج یاد می کند که همیشه یا بیش از ۴ ماه با زوجهی دائمی خود مقاربت نکند که قصد  
زوج از این سوگند ایذا و آزار زوجه است . ( ر.ک. همان منبع ، ص ۱۰۱ )

- ۱- فوت یکی از بستگان نسبی یا سببی تا درجه اول از طبقه دوم<sup>(۲)</sup>
- ۲- ابتلاء به مرضی که مانع از حرکت بوده یا حرکت مضر تشخیص داده شود.<sup>(۳)</sup>
- ۳- حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله که مانع از حضور در دادگاه باشد.
- ۴- وقایع خارج از اختیارات وکیل که مانع از حضور وی در دادگاه باشد.

**معاذیر موجه قانونی  
عدم حضور وکلاء در  
دادگاهها<sup>(۱)</sup>  
(م ۴۱ ق.آ.د.م.)**

- ۱- وزارتخانه ها
- ۲- مؤسسات دولتی و وابسته به دولت
- ۳- شرکتهای دولتی
- ۴- نهادهای انقلاب اسلامی
- ۵- مؤسسات عمومی غیر دولتی
- ۶- شهرداریها
- ۷- بانکها

**ارگانهایی که علاوه بر استفاده از  
وکلاء دادگستری  
می توانند از نماینده حقوقی نیز  
استفاده کنند: (م ۳۲ ق.آ.د.م.)**

۱- رأی شماره ۲۲۱۴/۲۶۳۹-۱۴ ذیحجه ۱۳۴۲ هجری - آراء تمیزی دیوان (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع .

ص ۶۳)

۲- رأی شماره ۱۱۷۴-۱۳۸۲/۶/۲۲- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۶۳)

۳- رأی شماره ۹۹-۱۳۲۷/۱/۲۸- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۶۳)

نماینده حقوقی باید یکی از شرایط ذیل را داشته باشد :

- ۱- لیسانس در رشته حقوق با ۲ سال سابقه کارآموزی در دفاتر حقوقی
- ۲- دو سال سابقه کار قضایی به شرط عدم محرومیت از قضا
- ۳- دو سال سابقه و کالت به شرط عدم محرومیت از وکالت<sup>(۲)</sup>

**شرایط نماینده حقوقی<sup>(۱)</sup>**  
**(م ۳۲ ق.آ.د.م.)**

- ۱- شهرداریها
- ۲- بنیاد مستضعفان و جانبازان
- ۳- هلال احمر
- ۴- بنیاد شهید
- ۵- بنیاد مسکن
- ۶- سازمان تبلیغات اسلامی
- ۷- مؤسسات جهاد نصر ، جهاد استقلال ، جهاد توسعه که زیر نظر جهاد سازندگی هستند .
- ۸- سازمان تأمین اجتماعی
- ۹- بنیاد امور بیماریهای خاص
- ۱۰- کمیته امداد امام خمینی (ره)

**نهادهای عمومی غیر دولتی :**

۱- نظریه شماره ۱۳۶۱/۱۷-۷/۳۴۶۰ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۵۵)  
۲- نظریه شماره ۱۳۸۱/۲/۲۹-۷/۱۹۱۲- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۵۵)

# فصل ششم

## دادرسی نخستین

## مبحث اول - انواع دادخواست ، شرایط و آثار آن

۱- اصلی : سندی است که به موجب آن دعوای بدوی یا شکایت از رأی اقامه می شود .

### انواع دادخواست :

۲- طاری : هر دادخواستی که در اثنای رسیدگی به دعوای اصلی تقدیم می شود دادخواست طاری می گویند .

۱- دادخواست بدوی

۲- دادخواست واخواهی

۳- دادخواست تجدید نظر

۴- دادخواست فرجام

۵- دادخواست در شعب تشخیص

۶- دادخواست اعتراض ثالث

۷- دادخواست اعاده دادرسی

### انواع دادخواست

#### اصلی :



## انواع دادخواست طاری :

- ۱- دادخواست اضافی (دعوای اضافی):  
دادخواستی که به وسیله آن خواهان دعوای دیگری علاوه بر دعوای قبلی مطرح می نماید .
- ۲- دادخواست متقابل (دعوای متقابل): دادخواستی است که به وسیله آن خواننده اصلی علیه خواهان اصلی اقامه دعوا می کند . (م ۱۴۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>، (۲)
- ۳- دادخواست جلب ثالث (دعوای ثالث): هر یک از اصحاب دعوا می تواند شخص ثالثی را در صورت نیاز به دادرسی جلب نماید .  
( م ۱۳۵ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>، (۴)، (۵)
- ۴- دادخواست ورود ثالث: سندی است که به وسیله آن شخص ثالثی که خود را ذینفع در دعوا دانسته وارد دادرسی می شود . (م ۱۳۰ ق.آ.د.م.)

۱- نظریه شماره ۷/۳۳۹۹-۱۱/۴/۱۳۷۹ ا.ح.ق. (ر.ک. همان منبع . ص ۱۵۹)

۲- نظریه شماره ۷/۲۶۸۲-۱۹/۳/۱۳۸۰ ا.ح.ق. (ر.ک. همان منبع . ص ۱۵۹)

۳- رأی شماره ۲۷۲۵-۱۳۳۳/۱۲/۳- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۵۷)

۴- حکم شماره ۸۲۸-۲۷/۵/۲۱- شعبه ۱ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۵۷)

۵- حکم شماره ۲۴۸۸-۱۳۱۹/۷/۳۰- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع ص ۱۵۷)

- ۱- دفتر دادگاهی که دادخواست به آن تسلیم می شود .
- ۲- کلیه دفاتر دادگاهها
- ۳- اداره ثبت اسناد محل
- ۴- دفاتر اسناد رسمی
- ۵- بخشداری محل یا یکی از ادارات دولتی
- ۶- وکلای اصحاب دعوا (در صورتیکه اصیل واقع نشوند).
- ۷- سفارتخانه ها یا کنسولگری های ایرانی در خارج از کشور

**مراجع ذیصلاح جهت  
تصدیق دادخواست و  
ضمایم آن :  
(م ۵۷ ق.آ.د.م.)**

- ۱- دادخواست دعوی اولیه ..... به دفتر دادگاه نخستین  
(بدوی) (م ۴۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۲- دادخواست وخواهی از حکم ..... به دفتر دادگاه بدوی  
(م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)

- ۱- دفتر دادگاه صادر کننده رأی  
۲- دفتر دادگاه تجدیدنظر  
۳- در صورتی که تجدیدنظر  
خواه در بازداشت باشد به دفتر  
بازداشتگاهی که در آن توقیف  
است.<sup>(۲)</sup>
- ۳- دادخواست تجدیدنظر  
از حکم:  
(م ۳۳۹ ق.آ.د.م.)

مراجع صالح  
جهت تقدیم  
دادخواست:

- ۱- در فرجام خواهی بی واسطه به دفتر  
دادگاه صادر کننده رأی فرجامی  
(م ۳۷۹ ق.آ.د.م.)
- ۲- در فرجام خواهی با واسطه به دفتر  
دادستان کل کشور (م ۳۸۷ و ۳۸۸  
ق.آ.د.م.)
- ۴- دادخواست  
فرجام خواهی:

۱- رأی شماره ۱۰۰۱-۱۳۲۶/۵/۲۸- شعبه اول دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۷۰)

۲- حکم شماره ۳۳۵-۱۳۲۶/۱/۲۶- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۹۳)

۵- دادخواست اعاده دادرسی اصلی ..... به دادگاهی که صادر کننده حکم مورد اعاده دادرسی است . (م ۴۳۳ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup> .<sup>(۲)</sup>  
(۳)

۶- دادخواست اعاده دادرسی طاری ..... به دادگاهی که حکم در آنجا بعنوان دلیل ابراز شده است . (م ۴۳۳ ق.آ.د.م.)

۷- دادخواست اعتراض ثالث اصلی ..... به دادگاهی که رأی قطعی معترض عنه را صادر کرده است . (م ۴۲۰ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup>

۸- دادخواست ورود ثالث ..... به دفتر دادگاهی که دعوی اصلی در آنجا مطرح است اعم از بدوی یا تجدیدنظر (م ۱۳۰ ق.آ.د.م.)

۹- دادخواست جلب ثالث ..... به دادگاهی که در حال رسیدگی به دعوا است (م ۱۳۵ ق.آ.د.م.)

۱۰- دادخواست دعوی متقابل ..... به دادگاهی که دعوی اصلی در آن جریان دارد . (م ۱۴۱ تا ۱۴۳ ق.آ.د.م.)

۱۱- دادخواست به دیوان عدالت اداری ..... به دفتر دبیرخانه دیوان . (م ۱ و ۴ و تبصره م ۵ آ.د.ع.ا.)

۱۲- دادخواست به شعب تشخیص ..... به شعبه یا شعبی از دیوان عالی کشور که شعب تشخیص نامیده می شود ، داده می شود . (تبصره ۲ م ۱۸ ق.ت.د.ع.ا.)

مراجع صالح  
جهت تقدیم  
دادخواست :

۱- رأی شماره ۳۳۴/۶۷۷۸ مورخ ۱۳۱۰/۲/۳۰ - آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶۰)

۲- رأی شماره ۱۹۷-۱۳۵۷/۹/۱۸- شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶۰)

۳- رأی شماره ۵۱۹-۱۳۱۸/۳/۱۵- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶۰)

۴- رأی شماره ۲۶/۳۶۹۱-۱۳۰۹/۱/۱۴ - آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۱)

- ۱- درخواست در خصوص امور غیر ترافیعی است ولی دادخواست برای امور ترافیعی می باشد .
- ۲- دادخواست باید در فرم مخصوص چاپی نوشته شود ولی در درخواست چنین نیست .
- ۳- دادخواست باید به تعداد خواندگان به علاوه یک نسخه تقدیم شود ولی در خصوص درخواست اینگونه نیست .
- ۴- در دادخواست باید نسخه یانسخ ثانی برای خواننده ارسال و ابلاغ شود ولی در درخواست چنین نیست .
- ۵- در دادخواست الزاماً باید وقت رسیدگی تعیین گردد و به طرفین ابلاغ و سپس اتخاذ تصمیم شود اما در درخواست الزامی برای تعیین وقت و ابلاغ وجود ندارد .
- ۶- در دادخواست پس از رسیدگی ماهوی و اتخاذ تصمیم نفیاً یا اثباتاً اعم از حکم یا قرار حسب مورد موضوع اعتبار محکوم بها یا امر مختوم بهارا پیدا می کند ولی در درخواست چنین نیست .
- ۷- رابطه بین درخواست و دادخواست عموم و خصوص مطلق است .

### تفاوت دادخواست و درخواست<sup>(۱)</sup>

۱- دکتر بهرامی ، بهرام ، همان منبع ، ص ۱۱۱ .

- |   |  |
|---|--|
| <p>۱- دادخواست باید به زبان فارسی باشد (م ۵۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup></p> <p>۲- دادخواست باید روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شود.<sup>(۳)</sup></p> <p>۳- امضاء دادخواست (بند ۷ م ۵۱ ق.آ.د.م.)</p> <p>۴- تاریخ دادخواست (م ۴۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup></p> | <p>۱- شرایطی که ضمانت اجرایی برای آنها تعیین نگردیده است: (در صورتی که دادخواست فاقد این شرایط باشد اثر قانونی ندارد.)</p> |
|---|--|

### شرایط

#### دادخواست: (۱)

- |  |  |
|--|--|
| <p>۱- نام و مشخصات خواننده (بند ۲ م ۵۱ ق.آ.د.م.)</p> <p>۲- خواسته و بهای آن تعیین نشده باشد (بند ۳ م ۵۱ ق.آ.د.م.)</p> <p>۳- عدم درج تعهدات یا جهات دیگری که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می داند. (بند ۴ م ۵۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۵)</sup></p> <p>۴- آنچه خواهان از دادگاه درخواست دارد. (بند ۵ م ۵۱ ق.آ.د.م.)</p> | <p>۲- شرایطی که ضمانت اجرای آنها توقیف دادخواست است:</p> |
|--|--|

۱- دکتر شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۲، تهران: انتشارات میزان، چاپ چهارم ۱۳۸۲، صص ۲۲ الی ۳۵

۲- رأی شماره ۱۱-۱۳۲۷/۱/۹- شعبه ۸ دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع. ص ۷۳)

۳- رأی شماره ۳۸-۱۳۰۶/۶/۲۹- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۷۳)

۴- حکم شماره ۱۵۸۷-۲۶/۹/۲۶- شعبه ۸ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۷۱)

۵- رأی شماره ۱۲۲-۱۳۶۷/۸/۳- شعبه اول - دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۷۳)

فصل ششم - دادرسی نخستین ■ ۱۰۵

۵- عدم ذکر ادله و منضمات (بند ۶ م ۵۱ ق.آ.د.م.)

۶- زمانی که به دادخواست و پیوستهای آن تمبر الصاق نشده باشد. (بند ۱ م ۵۳ ق.آ.د.م.)

۷- هزینه دادرسی پرداخت نشده باشد. (بند ۱ م ۵۳ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>.<sup>(۲)</sup>

۲- شرایطی که ضمانت اجرای آنها توقیف دادخواست است :

۱- دادخواست بدوی : اگر خواهان و اقامتگاهش معلوم نباشد قرار رد فوری دادخواست صادر می شود که ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض است. (م ۵۶ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>

۲- دادخواست تجدیدنظر: اگر تجدیدنظر خواه یا اقامتگاهش معلوم نباشد قرار رد فوری دادخواست صادر می شود که این قرار ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض است. (م ۳۴۴ ق.آ.د.م.)

۳- دادخواست فرجام خواهی : اگر فرجام خواه و اقامتگاهش معلوم نباشد قرار رد فوری دادخواست صادر شده که ظرف ۲۰ روز قابل اعتراض است. (م ۳۸۴ ق.آ.د.م.)

۳- شرایطی که ضمانت اجرای آنها رد فوری دادخواست است : (بند ۱ م ۵۱)

### شرایط دادخواست :

۱ - رأی وحدت رویه شماره ۶۵۲-۱۳۸۰/۱/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۷۳)

۲ - نظریه شماره ۷/۱۰۳۰-۱۳۶۱/۳/۸-۱۳۶۱ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۸۰)

۳ - نظریه شماره ۷/۵۹۲۰-۱۳۷۹/۷/۳-۱۳۷۹ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۸۲)

- ۱- درخواست تأمین خواسته (م ۱۰۸ ق.آ.د.م.)
- ۲- درخواست تأمین دلیل (م ۱۴۹ ق.آ.د.م.)
- ۳- درخواست سازش (م ۱۸۶ ق.آ.د.م.)
- ۴- درخواست دستور موقت (م ۳۱۰ ق.آ.د.م.)
- ۵- درخواست ابلاغ رأی داور (م ۴۸۵ ق.آ.د.م.)
- ۶- درخواست اجرای رأی داور (م ۴۸۸ ق.آ.د.م.)
- ۷- درخواست انحصار وراثت (م ۳۶۰ ق.ا.ح.)
- ۸- درخواست تحریر ترکه (موضوع م ۲۰۶ الی ۲۲۴ ق.ا.ح.)
- ۹- درخواست توقیف عملیات اجرایی
- ۱۰- درخواست تصفیه ترکه (م ۲۶۱ ق.ا.ح.)
- ۱۱- درخواست حکم رشد (قسمت آخر م ۴۵۹ و ۴۶۰ ق.آ.د.م.)
- ۱۲- درخواست انتخاب داور
- ۱۳- درخواست اجرای رأی هیئت تشخیص
- ۱۴- درخواست اجرای رأی هیئت حل اختلاف اداره کار
- ۱۵- درخواست تقسیم ترکه (م ۳۰۴ ق.ا.ح.)
- ۱۶- درخواست تعیین امین (م ۱۰۴ ق.ا.ح.)
- ۱۷- درخواست مهر و موم ترکه (موضوع م ۱۶۶ تا ۱۹۳)
- ۱۸- کلیه درخواستهای مربوط به امور حسبی (از قبیل صدور حکم حجر، تعیین قیم، تعیین حکم موت فرضی) (موضوع مواد ۱۵۵ و ۳۶۰ ق.ا.ح.)
- ۱۹- درخواست صدور حکم تملیک مال غیر منقول (م ۶۸۴ ق.اصول محاکمات حقوقی)

### مستثنیات تقدیم

### دادخواست: (۱)



۱- ایجاد اشتغال و تکلیف رسیدگی برای دادگاه (م ۳ ق.آ.د.م. و اصل ۱۶۷ ق.ا.) <sup>(۲)</sup> (۳)	۱- آثار دادخواست نسبت به دادگاه :	آثار دادخواست (۱):
۲- تعیین محدوده رسیدگی دادگاه		
۳- تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت دادگاه (م ۲۶ ق.آ.د.م.) <sup>(۴)</sup> . (۵) . (۶) . (۷)		
۱- ایجاد رابطه حقوقی بین اصحاب دعوا	۲- آثار دادخواست نسبت به اصحاب دعوا :	آثار دادخواست (۱):
۲- مشخص و مکلف نمودن خواننده به پاسخگویی و دفاع		
۳- شروع استحقاق خسارت تأخیر در اداء دین		

۱- دکتر شمس ، عبدالله ، همان منبع ، ج ۲ ، صص ۱۰۸ الی ۱۱۴ .

۲ - حکم شماره ۲۵۵-۲۹/۲/۵- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۲۴)

۳ - رأی شماره ۱۸۶-۱۳۷۷/۷/۲۵- شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۲۴)

۴ - رأی وحدت رویه ۵۹/۲۸-۱۳۵۹/۱۲/۱۶- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۴۸)

۵ - رأی شماره ۱۱۱۲-۱۳۲۴/۷/۲۳- شعبه اول دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۴۸)

۶ - حکم شماره ۳۷۶-۲۶/۱/۲۷- شعبه ۸ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۴۸)

۷ - حکم شماره ۴۲۱۵-۱۳۱۹/۱۲/۲۹- شعبه ۱ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۴۸)

- ۱- عدم ذکر مشخصات و اقامتگاه خواهان (بند ۱ م ۵۱ و م ۵۶ ق.آ.د.م.)
- ۲- عدم رعایت مفاد ماده ۵۴ ق.آ.د.م. بعد از اینکه مدیر دفتر دادگاه اخطار رفع نقص صادر نموده و خواهان در موعد مقرر اقدام به رفع نقص ننماید دادخواست رد می شود.
- ۳- در صورتیکه خواهان در ظرف یکماه هزینه انتشار آگهی مندرج در (ماده ۷۳ ق.آ.د.م.) راندهد.

**موارد  
ردّ دادخواست: (۱)**

- ۱- خواهان باید رو نوشت یا تصویر گواهی شده سندی را که مورد ادعا قرار داده پیوست دادخواست نماید.  
(م ۵۷ ق.آ.د.م.) (۲). (۳)
- ۲- در صورتی که اسناد ارائه شده به زبان فارسی نباشد علاوه بر رونوشت آنها، ترجمه گواهی شده آن نیز باید پیوست دادخواست شود. (م ۵۸ ق.آ.د.م.)
- ۳- رو نوشت سندی که مثبت سمت دادخواست دهنده است در صورتی که دادخواست توسط ولی یا قیم یا وکیل خواهان تقدیم شود. (م ۵۹ ق.آ.د.م.) (۴). (۵)

**پیوستهای  
دادخواست:**

- ۱- دکتر بهرامی، بهرام، همان منبع، صص ۹۵ الی ۲۰۲.
- ۲- حکم شماره ۶۴۱-۲۷/۴/۲۸- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع. ص ۸۳)
- ۳- نظریه شماره ۷/۴۳۷۰-۱۳۴۶/۱۱/۳- ل.ح.ق. (ر.ک. همان منبع. ص ۸۴)
- ۴- رأی شماره ۸۱-۱۳۷۵/۵/۱۵- شعبه ۲ دادگاه انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۸۴)
- ۵- نظریه شماره ۷/۲۷۲۵-۱۳۷۳/۶/۳۰- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع. ص ۸۴)

## مبحث دوم - اقسام خواسته و نحوه تعیین بهای آن

اقسام خواسته :

۱- مالی

۲- غیر مالی

اثرات تعیین خواسته و بهای آن :

۱- از جهت امکان به جریان افتادن دادخواست و عدم مواجهه با قرار رد دادخواست توسط دفتر دادگاه (بند ۳ م ۷۲ و ماده ۸۵ ق.آ.د.م.)

۲- از جهت صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به دعوا (م ۶۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>

۳- از جهت تعیین هزینه دادرسی (ماده ۶۱ ق.آ.د.م. جدید)<sup>(۲)</sup>

۴- از جهت صدور حکم به میزان خواسته (مستنبط از بند ۲ م ۴۲۶ ق.آ.د.م.)

۵- از جهت امکان تجدیدنظر خواهی و فرجام‌خواهی (م ۶۱ و ۳۳۲ و ۳۶۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>

۶- از جهت تأثیر در اعاده دادرسی

۱ - حکم شماره ۸۶۷ - ۲۹/۵/۸ - شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۸۶)

۲ - نظریه ۸۳۶۵ - ۷/۱۷ - ۱۳۸۰/۱۰/۱۷ - اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۸۸)

۳ - رأی وحدت رویه شماره ۲۴ - ۱۳۶۴/۸/۱۴ - هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۸۶)

- ۱- اگر خواسته پول رایج ایران باشد بهای آن مساوی است با مبلغ مورد مطالبه .
- ۲- اگر خواسته پول خارجی باشد ارزیابی آن توسط بانک مرکزی در تاریخ تقدیم دادخواست بهای خواسته محسوب می شود .
- ۳- در دعاوی راجع به حقوق و منافی که باید به مواعد معین استیفاء یا پرداخت شود بهای خواسته حاصل جمع تمام اقساط و منافع است .
- ۴- اگر حقوق و منافع مادام العمر باشد بهای خواسته حاصل جمع منافع ده ساله است .
- ۵- اگر خواسته مالی و غیر پول باشد بهای خواسته مبلغ تعیین شده در دادخواست است .

**نحوه تعیین بهای خواسته :**  
(م ۶۲ ق.آ.د.م.)

- ۱- غیر مالی بودن خواسته : آنچه که غیر مالی است قابل قیمت گذاری و تقویم نمی باشد مثل (طلاق و نسب و ...)
- ۲- غیر مقدور بودن تقویم خواسته (بند ۳ م ۵۱ ق.آ.د.م.)
- ۳- وجه رایج بودن خواسته (اگر خواسته وجه رایج ایران باشد بهای آن همان مبلغ قابل مطالبه است.) (م ۶۲ ق.آ.د.م.)

**موارد عدم تعیین بهای خواسته :**

۱- به طور کلی قبول چند دعوی که مبناء متفاوتی با هم دارند در یک دادخواست تخلف است.<sup>(۱)</sup>

۲- اگر چند دعوی که در یک دادخواست مطرح است دارای مبنا و منشأ یکسانی باشد و دارای ارتباط کامل بوده و بتوان در یک دادرسی به آنها رسیدگی کرد اشکالی ندارد.

۳- اگر چند دعوا که با یکدیگر ارتباط کامل نداشته و دادگاه هم نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند در صورت صلاحیت نسبت به دعاوی مطروحه آنها را از هم تفکیک نموده و به هر یک جداگانه رسیدگی می کند. (م ۶۵ ق.آ.د.م.)

۴- اگر چند دعوا که با یکدیگر ارتباط کامل ندارند و دادگاه هم نتواند ضمن یک دادرسی به آنها رسیدگی کند دعاوی را تفکیک و نسبت به آنچه صلاحیت دارد رسیدگی و نسبت به آنچه صلاحیت ندارد قرار عدم صلاحیت صادر می کند. (م ۶۵ ق.آ.د.م.)

### طرح دعاوی متعدد

#### ضمن یک

#### دادخواست :

۱- اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر در دیگری باشد.

۲- بتوان به هر دو دعوا توأماً رسیدگی نمود.

### ارتباط کامل بین دو

#### دعوی یعنی :

۱ - رأی شماره ۱۳۸۰/۱۱/۱۴/۵۴۴ دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۹۴)

## مبحث سوم - اقسام و شرایط ابلاغ

**اقسام ابلاغ :**

۱- ابلاغ واقعی : ابلاغ به شخص مخاطب در مورد اشخاص حقیقی و شخصی که صلاحیت وصول اوراق را دارد در مورد اشخاص حقوقی را ابلاغ واقعی گویند . (م ۶۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>

۲- ابلاغ قانونی : ابلاغی که مفاد اوراق به طریقی غیر از تحویل به مخاطب به اطلاع او رسانده شود . (م ۶۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>،<sup>(۴)</sup>

**تعریف ابلاغیه و احضاریه :**

۱- ابلاغیه : در آئین دادرسی مدنی و در امور حقوقی مصداق دارد . (موضوع مواد ۶۷ الی ۸۲ ق.آ.د.م.)

۲- احضاریه : در آئین دادرسی کیفری و در امور کیفری برای متهمین و شاکی و شهود مصداق دارد .

**نحوه ابلاغ اوراق به اشخاص :**

۱- ابلاغ اوراق به اشخاص حقیقی

۱- واقعی

۲- قانونی

۲- ابلاغ اوراق به اشخاص حقوقی

۱- واقعی

۲- قانونی

۱ - رأی شماره ۷/۳۲ مورخ ۱۳۲۰/۷/۲۳ دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۹۶)

۲ - رأی شماره ۱۵۰۹ مورخ ۱۳۲۶/۹/۱۰ شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۹۶)

۳ - رأی شماره ۲۹۳ مورخ ۱۳۲۷/۲/۲۳ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۹۷)

۴ - حکم شماره ۲۹۵۰-۱۳۱۹/۹/۱۷ شعبه ۱ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۹۷)

۱- ابلاغ اوراق به شخص خواننده  
(م ۶۸ ق.آ.د.م.)

۲- ابلاغ به اشخاص صغیر ، مجنون و ...  
باید حسب مورد به ولی یا قیم و ... انجام  
شود . (م ۱۲۳۵ ق.م. - بند الف م ۳۳۵  
ق.آ.د.م.) (۱). (۲). (۳)

۳- ابلاغ اوراق به مخاطبی که در  
بازداشتگاه یا زندان به سر می برد توسط  
اداره زندان صورت می گیرد .  
(م ۷۷ ق.آ.د.م.)

۴- ابلاغ به کارکنان دولت ، مؤسسات  
مأمور به خدمات عمومی و شرکتها در  
محل کار آنها به کارگزینی قسمت  
مربوطه یا نزد رئیس کارمند ارسال  
می شود . (تبصره ۱ م ۶۸ ق.آ.د.م.)

۵- ابلاغ اوراق به اشخاص مقیم خارج از  
کشور بوسیله مأمورین کنسولی یا سیاسی  
ایران بعمل می آید. (م ۷۱ ق.آ.د.م.)

### ابلاغ واقعی به اشخاص حقیقی :

۱- رأی شماره ۱۹۹۷-۱۳/۱۲/۲- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۷)

۲- رأی تمیزی شماره ۱۹۳۵-۱۳۱۹/۶/۲۳- دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۸)

۳- نظریه شماره ۷/۱۱۲۲۰-۷/۱۱/۱۶-۱۳۸۰/۱۱/۱۶ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۸)

۶- ابلاغ به اشخاصی که در حوزه دادگاه دیگر می باشند از طریق دفتر دادگاه محل اقامت مخاطب ابلاغ می شود. (م ۷۷ ق.آ.د.م.)

۷- اگر مخاطب در مقر دادگاهی مقیم نباشد ابلاغ اوراق توسط مأمورین نیروی انتظامی محل یا بخشداری یا شورای اسلامی انجام می شود. (م ۷۷ ق.آ.د.م.)

**ابلاغ واقعی به اشخاص حقیقی :**

۱- در صورت امتناع مخاطب از گرفتن اوراق ، نسخه دوم در محل الصاق و نسخه اول به دفتر دادگاه عودت داده می شود. (م ۷۰ ق.آ.د.م.)

۲- در صورت عدم حضور مخاطب در نشانی تعیین شده اوراق به یکی از بستگان یا خادمان او ابلاغ می گردد. (م ۶۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>

۳- در صورت عدم حضور خواننده یا بستگان وی در محل ابلاغ ، نسخه دوم اختاریه الصاق و نسخه اول به دفتر دادگاه عودت داده می شود. (م ۷۰ ق.آ.د.م.)

**ابلاغ قانونی به اشخاص حقیقی :**

۱- حکم شماره ۲۹۵۲۰-۱۳۱۹/۹/۱۷- شعبه ۱ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۹۷)

۲- رأی شماره ۴۳۹۸-۱۳۲۷/۹/۱۰- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۹۷)



۴- در صورت استنکاف بستگان یا  
خادمان از گرفتن اوراق نسخه دوم الصاق  
و نسخه اول به دفتر دادگاه عودت داده  
می شود. (م ۷۰ ق.آ.د.م.)

۵- اگر در محل اقامت خواننده دادگاهی  
نباشد اوراق توسط مأمورین انتظامی یا  
بخشداری یا شورای اسلامی یا پست  
سفارشی دو قبضه ابلاغ می شود. (م ۷۷  
ق.آ.د.م.)

۶- ابلاغ اوراق قضایی به خواننده  
مجهول المکان از طریق انتشار آگهی  
(م ۷۳ ق.آ.د.م.) (۱). (۲)

**ابلاغ قانونی به  
اشخاص حقیقی :**

۱- نظریه شماره ۱۳۵۸/۹/۵-۷/۴۸۰۱ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۱۰۰)

۲- نظریه شماره ۱۳۶۰/۶/۱۲-۷/۲۵۰۳- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۱۰۰)

۱- ابلاغ به ادارات دولتی و سازمانهای وابسته به دولت و مؤسسات مأمور به خدمات به عمومی و شهرداریها و مؤسسات که بخشی از سرمایه آنها متعلق به دولت است به رئیس دفتر مرجع مخاطب یا قائم مقام او ابلاغ می شود. (م ۷۵ ق.آ.د.م.)

۲- در دعاوی راجع به سایر اشخاص حقوقی خصوصی مثل شرکتهای خصوصی و تجاری ورقه به مدیر یا قائم مقام او یا دارنده حق امضاء ابلاغ می شود. (م ۷۶ ق.آ.د.م.)

۳- ابلاغ به شرکتهایی که ورشکسته شده اند باید به اداره تصفیه امور ورشکستگی یا مدیر تصفیه ابلاغ شود. (تبصره ۲ م ۷۶ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>

۴- ابلاغ اوراق به شرکتهای منحل شده که دارای مدیر تصفیه نیستند باید به آخرین مدیر قبل از انحلال در آخرین محلی که به اداره ثبت شرکتهای معرفی شده ابلاغ شود. (تبصره ۳ ماده ۷۶ ق.آ.د.م.)

### ابلاغ واقعی به اشخاص حقوقی :

۱- رأی شماره ۲۰۳۸ - مورخ ۱۳۱۸/۸/۳ شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۰۲)

۱- چنانچه رئیس دفتر یا قائم مقام ادارات دولتی مندرج در (ماده ۷۵ ق.آ.د.م.) از گرفتن اوراق امتناع نمایند، مراتب در برگ اخطاریه قید و اوراق اعاده می شود. (ماده ۷۵ ق.آ.د.م.)

۲- در صورت امتناع مدیر یا قائم مقام یا دارنده حق امضاء اشخاص حقوقی حقوق خصوصی از گرفتن اوراق، این امتناع در برگ اخطاریه گزارش و اعاده می شود. (م ۷۶ ق.آ.د.م.)

۳- در شرکتهای حقوقی حقوق خصوصی در صورت عدم امکان ابلاغ اوراق به مدیر یا قائم مقام یا دارنده حق امضاء اوراق به مسئول دفتر ابلاغ خواهد شد. (م ۷۶ ق.آ.د.م.)

۴- در صورت امتناع رئیس دفتر یا قائم مقام اداره تصفیه از گرفتن اوراق مراتب در برگ اخطاریه قید و اوراق به دفتر دادگاه عودت داده می شود. (تبصره ۲ م ۷۶ ق.آ.د.م.)

۵- در صورت امتناع آخرین مدیر تصفیه قبل از انحلال شرکت از گرفتن اوراق، مراتب در برگ اخطاریه قید و اوراق اعاده می شود. (تبصره ۳ م ۷۶ ق.آ.د.م.)

### ابلاغ قانونی به اشخاص حقوقی :

- ترتیب ابلاغ به اشخاص مقیم خارج :**  
(م ۷۱ ق.آ.د.م.)
- ۱- از طریق مأمورین کنسولی
  - ۲- از طریق مأمورین سیاسی
  - ۳- در صورتیکه در محل اقامت خوانده مأمورین کنسولی یا سیاسی نباشد از طریق وزارت خارجه به طریق مقتضی ابلاغ می شود .
- موارد ابلاغ از طریق آگهی :**
- ۱- زمانی که خواهان نتواند اقامتگاه خوانده را مشخص کند (م ۷۳ ق.آ.د.م.)
  - ۲- زمانی که دعاوی راجع به اهالی معین بوده ولی عده آنها غیر محصور باشد . (م ۷۴ ق.آ.د.م.)
  - ۳- ابلاغ حکم غیابی
- فاصله بین ابلاغ وقت تا جلسه دادرسی :**
- ۱- در مورد اشخاص مقیم ایران فاصله بین روز ابلاغ تا جلسه دادرسی نباید کمتر از ۵ روز باشد . (م ۶۴ ق.آ.د.م.)
  - ۲- در مورد اشخاص مقیم خارج از کشور ، فاصله بین روز ابلاغ تا جلسه دادرسی نباید کمتر از ۲ ماه باشد . (م ۶۴ ق.آ.د.م.)
  - ۳- در موردیکه ابلاغ از طریق انتشار آگهی صورت می گیرد برای اشخاص مقیم ایران فاصله بین روز انتشار آگهی تا جلسه دادرسی نباید کمتر از یکماه باشد . (م ۷۳ ق.آ.د.م.)
  - ۴- در موردیکه ابلاغ از طریق انتشار آگهی صورت می گیرد و شخص مقیم خارج از کشور می باشد فاصله بین روز انتشار آگهی تا جلسه دادرسی نباید کمتر از ۲ ماه باشد . (م ۷۳ و ۶۴ ق.آ.د.م.)
  - ۵- فاصله بین روز ابلاغ تا جلسه استماع اظهارات گواهان حداقل یک هفته است . (م ۲۴۲ ق.آ.د.م.)

- ۱- تسلیم اوراق و اخذ رسید از خواننده حداکثر ظرف ۲ روز (م ۶۸ ق.آ.د.م.)
- ۲- قید امتناع خواننده در برگ اظهاریه در صورت امتناع از گرفتن اوراق (م ۶۸ ق.آ.د.م.)
- ۳- در صورت عدم دسترسی به خواننده ابلاغ به یکی از بستگان یا خادمان خواننده با قید نام و سمت او (م ۶۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>
- ۴- در صورت عدم حضور خواننده یا بستگان یا خادمان وی در محل یا استنکاف از گرفتن اوراق، در نسخه دوم قید و به همان نشانی الصاق نماید. (م ۷۰ ق.آ.د.م.)
- ۵- قید نادرست بودن نشانی خواننده یا تغییر آن قبل از ابلاغ و اعاده اوراق ظرف ۲ روز (م ۷۲ ق.آ.د.م.)
- ۶- ابلاغ به رئیس دفتر مرجع مخاطب یا قائم مقام وی و اخذ رسید از آنان در دعاوی راجع به ادارات دولتی (م ۷۵ ق.آ.د.م.)
- ۷- قید نام و مشخصات خود بطور روشن و خوانا در نسخ اول و دوم ابلاغ نامه (بند ۱ م ۸۲ ق.آ.د.م.)
- ۸- قید نام کسی که دادخواست به او ابلاغ شده با تعیین اینکه چه نسبتی با مخاطب اظهاریه دارد. (بند ۲ ماده ۸۲ ق.آ.د.م.)
- ۹- ذکر محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز و ماه و سال با تمام حروف (بند ۳ م ۸۲ ق.آ.د.م.)

## وظایف مأمورین ابلاغ :

۱- رأی شماره ۲۹۳ مورخ ۱۳۲۷/۲/۲۳ - شعبه ۳ دیوان عالی کشور - (ر.ک. همان منبع . ص ۹۷)

۲- رأی شماره ۱۶۸۴-۱۳۲۵/۱۰/۳ - شعبه ۸ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۹۷)

## مبحث چهارم - ایرادات و موانع رسیدگی

زمان طرح  
ایرادات در  
دادرسی ها:

۱- در دادرسی های اختصاری: ایرادات باید تا پایان اولین جلسه باشد.

۲- در دادرسی های عادی: ایرادات باید ضمن اولین لایحه

ایرداتی که خوانده  
می تواند مطرح کند  
(م ۸۴ ق.آ.د.م.)

۱- ایراداتی که اثر پذیرش آنها تغییر مرجع رسیدگی است:

۱- ایراد عدم صلاحیت ذاتی<sup>(۱)</sup>

۲- ایراد عدم صلاحیت نسبی<sup>(۲)</sup>

۳- ایراد امر مطروحه در مواردیکه دعوا در دادگاه دیگری مطرح است.

۲- ایراداتی که در رسیدگی به دعوا مانع موقتی ایجاد می کند:

۱- ایراد عدم اهلیت<sup>(۳)</sup>،<sup>(۴)</sup>

۲- ایراد عدم احراز سمت<sup>(۵)</sup>

(قرار توقیف دادخواست)

۱- رأی شماره ۱۵۹۳-۱۳۱۸/۱/۳- دادگاه عالی انتظامی قضات. (ر.ک. همان منبع. ص ۱۱۹)

۲- رأی شماره ۲۳۳۶-۱۳۱۷/۴/۶- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۱۱۹)

۳- حکم شماره ۲/۶۰۹-۲۱/۲/۱۳- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۱۰۹)

۴- نظریه شماره ۷/۲۱۴۱-۱۳۷۶/۴/۱۲- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع. ص ۱۱۱)

۵- رأی شماره ۱۲۴-۱۳۷۴/۸/۷- شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۱۲۱)

۱- ایراد عدم توجه به دعوا (۱). (۲). (۳)	ایراداتی که خوانده می تواند مطرح کند (م ۸۴ ق.آ.د.م.)
۲- ایراد امر قضاوت شده (۴)	
۳- ایراد به بی نفعی خواهان	
۴- ایرادی که بر فرض ثبوت اثر قانونی نداشته باشد.	
۵- ایراد عدم مشروعیت دعوا	
۶- ایراد جزمی نبودن دعوا	
۷- ایراد به زمان اقامه دعوا خارج از موعد (۵). (۶)	

۱ - رأی شماره ۱۸۸/۱۳۸۹ مورخ ۱۳۰۸/۲/۲۴ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۰۷)

۲ - رأی شماره ۱۹۴ - ۱۳۲۶/۷/۱۹ شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۰۸)

۳ - نظریه شماره ۷۴۴۳ / ۷ / ۲۵-۱۰/۱۳۷۲ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۱۱۲)

۴ - نظریه شماره ۷/۵۷۷۶-۷/۲۰-۱۳۶۲/۱۱/۲۰ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۱۱۱)

۵ - رأی شماره ۱۱۹۳ - ۱۳۲۷/۸/۲ شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۲۱)

۶ - رأی شماره ۱۳۹۵-۱۳۲۷/۹/۶- شعبه ۲ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۲۱)

- ۱- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس یا یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد .
- ۲- دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور دادرس یا همسر او باشد .
- ۳- دادرس یا همسر یا فرزند او ، وارث یکی از اصحاب دعوا باشد .

**ایراد  
ردّ دادرس:  
(م ۹۱ ق.آ.د.م.)**

- ۴- دادرس سابقاً در موضوع دعوی اقامه شده بعنوان دادرس یا داور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد . (۱). (۲). (۳). (۴)
- ۵- بین دادرس و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی ۲ سال نگذشته باشد . (۵). (۶)
- ۶- دادرس یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع

۱ - حکم شماره ۱۲۸۲ - ۳۰/۴/۳۱ شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۲۳)

۲ - حکم شماره ۱۰۵۶ - ۲۷/۶/۳۱ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۲۴)

۳- نظریه شماره ۷/۶۹۴۶-۱۱/۳-۱۳۷۴/ل.ح.ق. (ر.ک. همان منبع . ص ۱۲۵)

۴- حکم شماره ۱۸۲-۲۶/۱/۲۵ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۲۴)

۵ - حکم شماره ۱۱۴۴-۲۵/۷/۳ شعبه ۱ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۲۴)

۶- نظریه شماره ۷/۳۲۲۹-۱۷/۴/۱۳۷۹-ل.ح.ق. (ر.ک. همان منبع . ص ۱۲۶)



## مبحث پنجم - بررسی چگونگی تشکیل، تجدید، تأخیر و توقیف

### جلسه دادرسی

۱- دادرسی عادی: دادرسی است که از طریق تبادل لوایح صورت می‌گیرد و از هیچ یک از طرفین دعوا دعوت به عمل نمی‌آید. مگر در صورت ضرورت.

۲- دادرسی اختصاری: دادرسی است که بر پایه اظهارات شفاهی طرفین و با حضور در جلسه‌ی دادرسی با تعیین وقت قبلی (ساعت، روز و تاریخ جلسه) صورت می‌پذیرد.

۳- دادرسی فوری: نوعی از رسیدگی است که بدون ورود در ماهیت دعوا و حذف تشریفات دادرسی که در آن اصل است، در واقع نوعی اقدام احتیاطی برای حفظ حقوق است. (م ۳۱۰ تا ۳۲۵ ق.آ.د.م.)

۳- دادرسی بدون تشریفات خاص: دادرسی است که با توجه به وضعیت خاصی که دارند، قانونگذار بعضی از مقررات و تشریفات را در آن لحاظ نمی‌کند. (م ۱ ق. حمایت خانواده و مواد ۲۱۹ تا ۲۳۱ ق.آ.د.ک. و مواد ۱۵۸ تا ۱۷۷ ق.آ.د.م.)

۴- دادرسی با تشریفات خاص: دادرسی است که دارای تشریفات ویژه و خاصی می‌باشد. (مثل جرایم مطبوعاتی، جرایم سیاسی)

### انواع دادرسی: (۱)

۱- جلسه دادرسی عادی: جلسه‌ای است که برای رسیدگی به دعوا با تعیین وقت قبلی و دعوت اصحاب دعوا یا وکلای آنها تشکیل می‌شود. (م ۶۴ ق.آ.د.م.)

۲- جلسه دادرسی خارج از نوبت: جلسه‌ای که بدون توجه به دفتر اوقات دادگاه تعیین می‌شود بنابراین نزدیکتر از وقتی است که دفتر اوقات تعیین می‌کند. (مواد ۲۷، ۲۹، ۱۷۷، ۳۰۶ و ۳۹۰ ق.آ.د.م.)

### اقسام جلسه دادرسی: (۲)

۱- دکتر بهرامی، بهرام، همان منبع، صص ۱۵۳ الی ۱۵۷

۲- دکتر شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۲، صص ۱۳۹ و ۱۴۰

- نحوه مواجهه طرفین  
دعوا با جلسه  
دادرسی :**  
(م ۹۳ ق.آ.د.م.)
- ۱- طرفین دعوا می توانند شخصاً در جلسه دادرسی حضور یابند .
  - ۲- طرفین دعوا می توانند به جلسه دادرسی لایحه ارسال نمایند .
  - ۳- طرفین دعوا می توانند وکیل خود را به جلسه دادرسی بفرستند .

- موارد رسیدگی  
خارج از نوبت :**
- ۱- رسیدگی به صلاحیت دادگاه (م ۱۷ ق.آ.د.م.)
  - ۲- حل اختلاف صلاحیت در دادگاه تجدیدنظر استان و دیوانعالی کشور (م ۲۹ ق.آ.د.م.)
  - ۳- جلسه ای که بعد از صدور قرار تأخیر رسیدگی تشکیل می گردد ، جلسه خارج از نوبت می باشد . (م ۹۶ ق.آ.د.م.)
  - ۴- رسیدگی به دعوی تصرف عدوانی ، ممانعت از حق و مزاحمت (م ۱۷۷ ق.آ.د.م.)
  - ۵- رسیدگی به دعاوی عدم اطلاع محکوم علیه از مفاد رأی و صدور قرار قبول یا رد دادخواست واخواهی (تبصره ۱ م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)
  - ۶- رسیدگی به پرونده فرجام خواه در دیوانعالی کشور به تشخیص رئیس دیوانعالی کشور (م ۳۹۰ ق.آ.د.م.)
  - ۷- رسیدگی به دعاوی خسارت ناشی از تصادف رانندگی
  - ۸- رسیدگی به درخواست دادرسی فوری (م ۳۱۰ ق.آ.د.م.)

- ۹- رسیدگی به درخواست صدور قرار تأمین خواسته
- ۱۰- رسیدگی به دعوی خلع ید متصرف از ملک موقوفه
- ۱۱- دعوی الزام مؤجر و تعمیرات اساسی عین مستأجره
- ۱۲- دعوی فسخ اجاره به علت عدم انجام تعمیرات توسط مؤجر
- ۱۳- درخواست الزام مستأجر به رفع ممانعت از تعمیرات اساسی مورد اجاره
- ۱۴- درخواست تجویز تعمیرات توسط مستأجر
- ۱۵- دعوی تخلیه به علت ممانعت مستأجر از تعمیرات اساسی مورد اجاره
- ۱۶- دعوی صدور حکم به وصل آب ، برق ، گاز و تلفن در عین مستأجره
- ۱۷- دعوی مطالبه وجه چک
- ۱۸- دعوی ابطال و بی اعتباری چک
- ۱۹- دعوی استرداد چک
- ۲۰- دعوی ضرر و زیان ناشی از صدور چک بلامحل
- ۲۱- دعوی ابطال ظهر نویسی چک
- ۲۲- رسیدگی به درخواست تخلیه
- ۲۳- دعوی مطالبه خسارت ناشی از قلع مستحذات
- ۲۴- مطالبه بهای حقوق مکتسبه در ملک موقوفه
- ۲۵- تجدید جلسه دادرسی به علت غیر مربوط به طرفین

## موارد رسیدگی خارج از نوبت :

- موجبات تشکیل جلسه دادرسی:**
- ۱- حضور متصدی دادگاه (قضات)
  - ۲- کامل بودن دادخواست (م ۶۶ ق.آ.د.م.)
  - ۳- حضور اصحاب دعوا یا وکلاء و یا نماینده قانونی آنها (م ۹۳ و ۹۴ ق.آ.د.م.)
  - ۴- احراز ابلاغ صحیح وقت به طرفین دعوا یا وکلای آنها
  - ۵- احراز رعایت فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه دادرسی (مواد ۶۴ و ۷۳ و ۲۴۲ ق.آ.د.م.)
- حقوق خواهان تا پایان اولین جلسه دادرسی:**
- ۱- ایرادات (م ۸۴ ق.آ.د.م.)
  - ۲- تغییر در خواسته: (م ۹۸ ق.آ.د.م.)
  - ۳- تغییر در نحوه دعوا<sup>(۲)</sup>
  - ۴- تغییر در نحوه خواسته<sup>(۳)</sup>
  - ۱- کم کردن خواسته
  - ۲- افزایش خواسته<sup>(۱)</sup>
- ۳- جلب شخص ثالث (م ۱۳۵ ق.آ.د.م.)
  - ۴- استرداد دادخواست (بند الف م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)
  - ۵- استرداد دعوا (بند ب م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)
  - ۶- تعرض به اصالت سند خوانده (م ۲۱۷ ق.آ.د.م.)
  - ۷- ایراد به ردّ دادرسی (م ۹۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup>
  - ۸- اعلام وجود دعوی مرتبط (م ۱۰۳ ق.آ.د.م.)

۱- رأی شماره ۱۳۷-۱۳۶۷/۸/۲۵- شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع.

ص ۱۳۴)

۲- رأی شماره ۳۲۸/۶۶۵۴ مورخ ۱۳۱۰/۲/۳۰ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۱۳۳)

۳- حکم شماره ۱۷۵۵-۲۵/۱۰/۱۵- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۱۳۴)

۴- حکم شماره ۵۲۷-۲۰/۲/۳۰- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۱۲۴)

فصل ششم - دادرسی نخستین ■ ۱۲۷

- ۱- ایرادات و ایراد دعوی واهی (مواد ۱۰۹، ۱۱۰ و ۸۴ ق.آ.د.م.)
- ۲- طرح دعوی متقابل (م ۱۴۱ ق.آ.د.م.)
- ۳- جلب شخص ثالث (م ۱۳۵ ق.آ.د.م.)
- ۴- اعتراض به بهای خواسته (م ۶۳ ق.آ.د.م.)
- ۵- تعرض به اصالت سند خواهان (مواد ۹۶ و ۲۱۷ ق.آ.د.م.)
- ۶- اعلام وجود دعوی مرتبط (م ۱۰۳ ق.آ.د.م.)

**حقوق خواننده تا  
پایان اولین جلسه  
دادرسی :**

- ۱- ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی بعمل آید مگر اینکه سبب ایراد بعداً بوجود آید .  
(م ۸۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
- ۲- افزایش خواسته یا تغییر در نحوه دعوا یا تغییر خواسته  
(م ۹۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>
- ۳- رسیدگی به اعتراض قرار تأمین خواسته باید در اولین جلسه دادرسی بعمل آید (م ۱۱۶ ق.آ.د.م.)
- ۴- استرداد دادخواست تا پایان اولین جلسه دادرسی  
(بند الف م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup>

**موارد  
لازم‌الرعایه در  
جلسه اول  
دادرسی: (۱)**

۱ - رأی اصراری شماره ۳۰۳۱-۱۳۲۹/۱۰/۳ هیئات عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۳۵)  
۲ - نظریه ۷/۵۰۱۵-۱۳۸۱/۶/۱۰ - اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۱۱۳)  
۳ - رأی شماره ۱۱۶-۱۳۷۶/۵/۲۰ شعبه دوم دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۱۳۴)  
۴ - حکم شماره ۶۹۲-۳۳/۳/۳۰ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۴۳)

۵- جلب شخص ثالث توسط هر یک از اصحاب دعوا  
(م ۱۳۵ ق.آ.د.م.)

۶- محکوم علیه غیابی ضمن اعتراض به حکم ، دادخواست  
جلب ثالث را باید تا پایان اولین جلسه رسیدگی به اعتراض  
تقدیم دادگاه نماید . ( م ۱۳۶ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>

۷- دادخواست دعوی متقابل از سوی خوانده (م ۱۴۳  
ق.آ.د.م.)

۸- درخواست اخذ تأمین توسط خوانده تبعه ایران از اتباع  
دولتهای خارجی تا پایان جلسه اول دادرسی پذیرفته می شود  
مگر اینکه موارد تأمین بعداً حادث شود (م ۱۴۴ ق.آ.د.م.)

۹- اظهار تردید یا انکار وجعل نسبت به دلایل و اسناد ارائه  
شده باید تا پایان اولین جلسه دادرسی بعمل آید مگر آنکه  
موارد جعل یا تردید یا انکار بعداً حادث شود .  
(م ۲۱۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>،<sup>(۴)</sup>

**موارد لازم الرعایه  
در جلسه اول  
دادرسی :**

۱- رأی اصراری شماره ۱۴۴۰-۱۳۴/۵/۲۲ هیئات عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۵۸)

۲- رأی شماره ۸۸۰-۱۳۲۷/۵/۳۱- شعبه اول دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۵۸)

۳- رأی شماره ۳۹۵/۱۷۰۲-۱۳۰۸/۴/۱۵- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۰۸)

۴- رأی شماره ۷۵۸/۱۷۷۴-۱۳۰۸/۶/۲۴- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۰۸)

- ۱- رسیدگی به اعادی جعل و اصالت سند  
(م ۲۱۷، ۲۱۹ و ۲۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۲- استناد به اسناد خارج از دادگاه (مواد ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲ و ۲۲۵ ق.آ.د.م.)
- ۳- استناد به پرونده حقوقی و کیفری (مواد ۲۱۴ و ۲۱۵ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۴- تمسک به گواهی (م ۲۲۹ ق.آ.د.م.)
- ۵- تحقیق محلی و معاینه محل (مواد ۲۴۸، ۲۴۹ و ۲۵۰ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>،<sup>(۳)</sup>
- ۶- استکتاب (م ۲۲۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup>،<sup>(۵)</sup>
- ۷- ارائه دلیل جدید (م ۱۹۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۶)</sup>
- ۱- تجدید جلسه  
به علل مربوط به  
ادله:

**موارد تجدید  
جلسه دادرسی:**

- ۲- ادای توضیح از خواهان (م ۹۵ ق.آ.د.م.)
- ۳- تجدید جلسه بعلت افزایش خواسته یا تغییر در نحوه دعوا  
یا تغییر نحوه خواسته (م ۹۸ ق.آ.د.م.)
- ۴- چنانچه به جهات قانونی جلسه دیگری برای رسیدگی لازم  
باشد. (م ۱۰۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۷)</sup>

۱- رأی شماره ۱۱۴۹-۱۳۲۸/۶/۱۷- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۰۵)

۲- رأی شماره ۳۷۶-۱۳۰۸/۳/۲- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳۲)

۳- حکم شماره ۲۵۳۷-۲۱/۸/۱۷- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳۳)

۴- رأی شماره ۶۷۹۹-۱۸۰۰/۶/۱۴-۱۳۰۹/۱۲/۱۴- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۱۴)

۵- رأی شماره ۳۵۳-۱۳۲۷/۶/۳۰- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۱۴)

۶- رأی شماره ۳۰۰-۱۱۵۳/۳۰-۱۳۰۸/۸/۳۰- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۹۲)

۷- رأی شماره ۴۸۲۷-۱۳۲۹/۱۰/۱۰- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۱۳۸)

- ۱- اقامه دعوی : طاری :
- ۱- دعوی متقابل (م ۱۴۳ ق.آ.د.م.)
  - ۲- دعوی اضافی (م ۱۷ ق.آ.د.م.)
  - ۳- جلب شخص ثالث (م ۱۳۸ ق.آ.د.م.)
  - ۴- ورود ثالث (م ۱۳۲ ق.آ.د.م.)
  - ۵- در صورت وصول اعتراض طاری ثالث (م ۴۲۴ ق.آ.د.م.)
  - ۶- در صورت مطرح بودن پرونده در دیوان و وصول دادخواست اعاده دادرسی طاری (م ۴۳۴ ق.آ.د.م.)
- ۲- علل منتسب به وکیل :
- ۱- نیاز به توضیح از وکیل (م ۴۰ ق.آ.د.م.)
  - ۲- عذر ناشی از وکیل (م ۴۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>
- ۳- علل منتسب به اصیل : در صورت وجود دلایل مندرج در (ماده ۱۰۶ ق.آ.د.م.)
- ۴- درخواست اصحاب دعوا : در صورتیکه اصحاب دعوا متفقاً تأخیر جلسه را درخواست نمایند . (م ۹۹ ق.آ.د.م.)
  - ۵- بعلت عدم حضور گواه در موعد مقرر جلسه دادرسی به تأخیر می افتد (م ۲۴۳ ق.آ.د.م.)
  - ۶- در صورتیکه جلسه دادرسی برای استماع توضیحات کارشناس تشکیل شود و کارشناس حاضر نشود. (م ۲۶۳ ق.آ.د.م.)
  - ۷- در صورت تغییر شعبه دادگاه و تشکیل جلسه در محل جدید و اعلام ابلاغ به اصحاب دعوا جلسه دادرسی به تأخیر می افتد .

**موارد تأخیر جلسه دادرسی :**

۱ - رأی شماره ۲۲۱۴/۲۶۳۹-۱۴ ذیحجه ۱۳۴۲ هجری - آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۶۳)

۲ - رأی شماره ۹۹-۱۳۲۷/۱/۲۸-۴ شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۶۳)



فصل ششم - دادرسی نخستین ■ ۱۳۱

- ۱- فوت یا استعفاء یا عزل و کیل (م ۴۰ ق.آ.د.م.)
- ۲- تعلیق یا باز داشت و کیل یا ممنوع شدن از وکالت (م ۴۰ ق.آ.د.م.)
- ۳- در صورت توقیف یکی از اصحاب دعوا (م ۱۰۶ ق.آ.د.م.)
- ۴- در صورت زندانی شدن یکی از اصحاب دعوا (م ۱۰۶ ق.آ.د.م.)
- ۵- در صورتیکه یکی از اصحاب دعوا به مأموریت دولتی برود (م ۱۰۶ ق.آ.د.م.)
- ۶- در صورت مسافرت یکی از اصحاب دعوا (م ۱۰۶ ق.آ.د.م.)
- ۷- عدم حضور و کیلی که وکیل در توکیل است . (م ۲۹ ق. وکالت مصوب ۱۳۱۳) (۲). (۳)
- ۸- در صورت ابلاغ موارد مندرج در شماره (۱ و ۲) فوق الاشاره به موکل با ذکر دلیل

### موارد عدم تأخیر دادرسی: (۱)

- ۱- صحت آن دلایل مورد اختلاف طرفین باشد .
- ۲- این اختلاف مؤثر در تصمیم نهایی باشد .

### در جلسه دادرسی به دلایلی رسیدگی می شود که :

۱- اصل بر عدم تأخیر در دادرسی است ، موارد مذکور از باب تأکید است .

۲- نظریه مشورتی کمیسیون آ.د.م. اداره حقوقی در مورخه ۱۳۴۲/۲/۲۴ (ر.ک. همان منبع ص ۴۲)

۳- نظریه - ب.ش.ب.ت (مندرج در شماره ۳۲ هفته نامه دادگستری) (ر.ک. همان منبع ص ۶۲)

- موارد درج عین اظهارات در صورت مجلس :  
( م ۱۰۲ ق.آ.د.م. )
- ۱- زمانیکه بیان یکی از آنان مشتمل بر اقرار باشد .  
۲- زمانیکه یکی از اصحاب دعوا بخواهد از اظهارات طرف دیگر استفاده کند .  
۳- در صورتیکه دادگاه به جهتی درج عبارات را لازم بداند .

- موارد زوال دادرسی :
- ۱- استرداد دادخواست : در صورتیکه خواهان دادخواست خود را استرداد نماید دعوا زایل می شود . (بند الف م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)  
۲- استرداد دعوا : در صورت استرداد دعوی خواهان قبل از ختم دادرسی ، موجب زوال دادرسی است . (بند ب م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)  
۳- تسلیم شدن خوانده به ادعای خواهان  
۴- سازش (مواد ۱۷۸ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ ، ۱۸۶ و ۴۸۳ ق.آ.د.م.)

فصل ششم - دادرسی نخستین ■ ۱۳۳

۱- هر گاه یکی از اصحاب دعوا فوت نماید یا محجور شود یا سمت یکی از آنها که به موجب آن داخل دادرسی شده زایل گردد. (م ۱۰۵ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>

۲- توقیف دادرسی ناشی از اناطه (م ۱۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>

۳- توقیف دادرسی به دلیل عدم تهیه وسایل اجرای قرار (م ۲۵۶ ق.آ.د.م.)

۴- توقیف دادرسی به دلیل عدم پرداخت دستمزد کارشناس در مرحله تجدید نظر (م ۲۵۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup>

۵- توقیف دادرسی به دلیل عدم دادن تأمین از طرف خواهان (م ۱۰۹ ق.آ.د.م.)

۶- هر گاه نسبت به رأی داور اعتراض یا درخواست تصحیح آن رأی شده باشد. (م ۴۸۷ ق.آ.د.م.)

۷- هر گاه داور ضمن رسیدگی مسایلی را کشف نماید که مربوط به وقوع جرم بوده و در رأی داور مؤثر باشد و تفکیک جهات مدنی از جزایی ممکن نباشد دادرسی توقیف می شود. (م ۴۷۸ ق.آ.د.م.)

۸- هر گاه در ضمن رسیدگی داور، دعوا مربوط به نکاح یا طلاق یا نسب باشد و رفع اختلاف متوقف بر رسیدگی به اصل نکاح یا طلاق یا نسب باشد، رسیدگی داوران تا صدور حکم نهایی از دادگاه صلاحیتدار نسبت به امر جزایی یا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف می گردد. (م ۴۷۸ ق.آ.د.م.)

## موارد توقیف دادرسی :

۱ - رأی شماره ۶۰۹-۱۳۲۱/۲/۳۱- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع ص ۱۳۹)

۲ - رأی شماره ۲۳۸-۱۳۷۲/۸/۲۶- شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع ص ۱۴۰)

۳ - رأی شماره ۱۰۶/۶۹۴ مورخ ۱۳۰۷/۲/۱۸ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع ص ۴۴)

۴- نظریه شماره ۷/۳۰۸۸-۱۳۸۰/۳/۳۰ (ا.ح.ق) (ر.ک. همان منبع ص ۲۴۰)

- ۹- امتناع مدعی تبعه خارج از دادن تأمین در ظرف مهلت مقرر در قرار دادگاه (قسمت اول م ۱۴۷ ق.آ.د.م.).
- ۱۰- امتناع خواهان یا تجدیدنظر خواه تبعه خارج از سپردن مقدار تأمین مازاد بر تأمین قبلی به تشخیص دادگاه (م ۱۴۸ ق.آ.د.م.).

### موارد توقیف دادرسی :

- ۱- این قرار در بعضی موارد موجب تغییر طرف یا طرفین دعوا می گردد (مثلاً در صورت فوت ، وارث یا منتقل الیه جایگزین می شود .)
- ۲- این قرار موجب خروج پرونده از دادگاه بدون ورود به ماهیت می گردد .
- ۳- این قرار از قرارهایی است که قائم به اصحاب دعوا است .
- ۴- این قرار دادرسی را از حالت استمرار به حالت وقفه تبدیل می نماید .

### آثار حقوقی قرار توقیف دادرسی :

- ۱- خواهان می تواند تا اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را مسترد کند . (بند الف ماده ۱۰۷)
- ۲- خوانده می تواند تا اولین جلسه دادرسی دادخواست دعوای متقابل خود را استرداد نماید .
- ۳- وارد ثالث می تواند بعد از ورود به دعوا و ارائه دادخواست ، آن را استرداد نماید .
- ۴- هر یک از اصحاب دعوا که دادخواست جلب ثالث را به دادگاه تقدیم داشته اند می توانند دادخواست را مسترد نمایند .

### موارد استرداد دادخواست :

فصا ششم - دادرس نخست: ۱۳۵

- ۵- تجدید نظر خواه می تواند دادخواست تجدید نظر خود را مسترد کند. (م ۳۶۳ ق.آ.د.م.)
- ۶- فرجام خواه می تواند دادخواست فرجامی خود را مسترد کند. (مستنبط از م ۴۱۵ ق.آ.د.م.)
- ۷- واخواه نیز می تواند دادخواست واخواهی خود را مسترد کند. (وحدت ملاک م ۳۶۳ ق.آ.د.م.)

## موارد استرداد دادخواست:

- ۱- اگر خواهان تا اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را مسترد کند. (بند الف م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
- ۲- در صورتی که خوانده تا اولین جلسه دادرسی دادخواست دعوی متقابل خود را مسترد کند. (م ۱۴۳ ق.آ.د.م.)
- ۳- در موردیکه دادگاه نیاز به اخذ توضیح از خواهان داشته و نامبرده در جلسه تعیین شده حاضر نشده و با اخذ توضیح از خواننده هم دادگاه نتواند رأی صادر کند. (م ۹۵ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>.<sup>(۴)</sup>.<sup>(۵)</sup>
- ۴- در صورتیکه با دعوت قبلی از اصحاب دعوا هیچ یک در دادگاه حاضر نشده و دادگاه نتواند بدون اخذ توضیح از خواهان در ماهیت دعوا رأی صادر کند. (م ۹۵ ق.آ.د.م.)
- ۵- اگر وارد ثالث دادخواست خود را مسترد کند. (م ۱۳۴ ق.آ.د.م.)<sup>۵</sup>
- ۶- هر یک از اصحاب دعوا که دادخواست جلب ثالث را به دادگاه تقدیم داشته، آن را مسترد کند قرار ابطال دادخواست صادر می شود. (م ۱۳۷ ق.آ.د.م.)

## موارد ابطال دادخواست:<sup>(۱)</sup>

- ۱ دکتر بهرامی، بهرام، همان منبع، صص ۲۰۳ و ۲۰۴
- ۲- رأی شماره ۱۲۲۱/۷۴۳۳-۱۳۱۰/۹/۱۵ و رأی شماره ۱۲۹۷/۷۱۵۵-۱۳۱۰/۹/۳۰- دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع ص ۳۱۹)
- ۳- رأی شماره ۱۷۸۲- مورخ ۱۳۲۸/۱۰/۱۸- شعبه ۸ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع ص ۱۲۹)
- ۴- رأی اصراری شماره ۳۸۹۰-۱۳۴۰/۱۱/۱۰- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع ص ۱۲۹)
- ۵- رأی شماره ۱۲۲۱/۷۵۳۳-۱۳۱۰/۹/۱۵ و رأی شماره ۱۲۹۷/۷۱۵۵-۱۳۱۰/۹/۳۰- دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع ص ۱۲۹)

- ۷- در صورتیکه تجدید نظر خواه دادخواست تجدیدنظر خود را مسترد کند. (م ۳۶۳ ق.آ.د.م.)
- ۸- هر گاه طرفین دعوا وسیله اجرای قرار معاینه محل و تحقیق محلی را در مرحله بدوی مهیا نسازند که بدون آن قاضی نتواند رأی صادر کند، قرار ابطال دادخواست صادر می شود. (م ۲۵۶ ق.آ.د.م.)
- ۹- اگر فرجام خواه دادخواست فرجامی خود را مسترد کند.
- ۱۰- اگر واخواه دادخواست واخواهی خود را مسترد کند.
- ۱۱- در صورت عدم ابداع دستمزد کارشناس از سوی خواهان در مرحله بدوی، دادگاه نیز نتواند بدون نظر کارشناس حتی با سوگند رأی صادر کند، قرار ابطال دادخواست صادر می شود. (م ۲۵۹ ق.آ.د.م.)
- ۱۲- در صورتی که رأی داور خارج از موعد داده شده باشد. (م ۴۹۳ ق.آ.د.م.)

### موارد ابطال دادخواست :

- ۱- استرداد دعوا قبل از ختم دادرسی که در اینصورت نیازی به رضایت خواننده نیست. (بند ب م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)
- ۲- استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات اصحاب دعوا که یا خواننده باید راضی باشد یا خواهان بطور کلی از دعوی خود صرفنظر کند. (بند ج م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)

### موارد استرداد دعوا :

### مبحث ششم - اقسام ، شرایط و آثار قرار تأمین خواسته

اقسام تأمین :

۱- تأمین دلیل	} ←	۱- توقیفی	} ←	۱- توقیف اموال منقول
۲- تأمین خواسته				۲- توقیف اموال غیر منقول
۳- تأمین محکوم به				
۴- تأمین از اتباع بیگانه				

زمان درخواست

۱- قبل از تقدیم دادخواست .	} ←	۳- در جریان دادرسی	} ←	تأمین خواسته :
۲- ضمن تقدیم دادخواست .				
۴- تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده باشد .				

(م ۱۰۸ ق.آ.د.م.)

۱- دعوا مستند به سند رسمی باشد . (بند الف م ۱۰۸ ق.آ.د.م.)

۲- خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد .  
( بند ب م ۱۰۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup> .<sup>(۲)</sup>

۳- در مواردی از قبیل اوراق تجاری وخواست شده که بموجب قانون دادگاه مکلف به قبول درخواست تأمین باشد . از قبیل چک ، سفته ، برات . (بند ج م ۱۰۸ ق.آ.د.م.)

۴- هر گاه طلبکار دلایلی ارائه نماید که مدیون برای فرار از دین قصد فروش اموال خود را دارد دادگاه میتواند قرار توقیف اموال را صادر نماید .  
(م ۲۱۸ مکرر ق.م.)

موارد  
صدور قرار تأمین  
خواسته (بدون ایداع  
خسارت احتمالی) :

۱ - رأی شماره ۳۱۷۳-۱۳۱۹/۸/۳ دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع ص ۱۴۴)

۲- رأی شماره ۳۳۲۹-۱۳۲۰/۷/۲۹- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع ص ۱۴۵)

- ۵- وقتی درخواست فرجام خواهی شده و محکوم به مالی باشد پس از اخذ تأمین از محکوم له حکم اجرا خواهد شد. (بند الف م ۳۸۶ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۶- چنانچه محکوم به غیر مالی باشد و به تشخیص دادگاه صادر کننده حکم، در صورت دادن تأمین مناسب از سوی محکوم علیه اجرای حکم تا صدور رأی فرجامی به تأخیر می افتد. (بند ب م ۳۸۶ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
- ۷- در صورت اعتراض به رأی داور، اگر دلایل اعتراض قوی باشد، در صورت مقتضی از معترض تأمین اخذ خواهد شد. (م ۴۹۳ ق.آ.د.م.)
- ۸- اگر محکوم به مالی بوده و درخواست اعاده دادرسی شده باشد، از معترض تأمین مقتضی اخذ و سپس حکم متوقف خواهد شد. (بند ب م ۴۳۷ ق.آ.د.م.)
- ۹- اعتراض ثالث موجب تأخیر اجرای حکم نیست اما اگر جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ممکن نباشد دادگاه به درخواست معترض ثالث پس از اخذ تأمین قرار تأخیر اجرای حکم را صادر می کند. (م ۴۲۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>
- ۱۰- دادگاه باید برای جبران خسارت احتمالی ناشی از دستور موقت از خواهان تأمین مناسب اخذ نماید. (م ۳۱۹ ق.آ.د.م.)

**موارد**  
**صدور قرار تأمین**  
**خواسته (بدون ایداع**  
**خسارت احتمالی):**

۱ - رأی شماره ۳۶۵۶-۱۳۲۴/۱/۱۶ - دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع ص ۳۳۶)

۲ - رأی شماره ۱۴۶-۱۳۷۴/۹/۸ شعبه اول - دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع ص ۳۳۶)

۳ - رأی شماره ۷۳۸-۱۳۰۹/۷/۲۲ دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع ص ۳۵۳)



- ۱- در خواست خواهان (م ۱۰۸ ق.آ.د.م.)
- ۲- در خواست تأمین در زمان تعیین شده در قانون (م ۱۰۸ ق.آ.د.م.)
- ۳- رعایت مقررات مواد (۵۱ و ۵۲ ق.آ.د.م.)
- ۴- منجز بودن خواسته به استثنای (م ۱۱۴ ق.آ.د.م.)
- ۵- سمت شخصی که در خواست تأمین می کند باید مشخص باشد.
- ۶- در خواست کننده تأمین باید دارای اهلیت قانونی باشد (م ۹۵۸ ق.م.)
- ۷- برای صدور قرار تأمین خواسته میزان خواسته باید معلوم باشد. (م ۱۱۳ ق.آ.د.م.)
- ۸- خواسته باید عین معین باشد و کلی در معین نیز در حکم عین معین است. (م ۱۱۳ ق.آ.د.م.)
- ۹- ایداع خسارت احتمالی در صندوق دادگستری (۱). (۲). (۳).

**شرایط صدور  
قرار تأمین  
خواسته :**

۱- نظریه شماره ۱۳۷۹/۱۰/۱۷-۷/۶۵۱۱ ل.ح.ق. (ر.ک. همان منبع . ص ۱۴۵)

۲- نظریه شماره ۱۳۷۶/۱۰/۹-۷/۷۳۹۶ و ۱۳۷۷/۴/۳۱-۷/۳۳۲۵- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۱۴۵)

۳- نظریه شماره ۱۳۷۳/۷/۵-۷/۴۱۰۰- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۱۴۵)

۴- نظریه مشورتی اداره حقوقی (ر.ک. همان منبع . ص ۱۴۶)

- ۱- خواهان دعوای اصلی (م ۱۰۸ ق.آ.د.م.)  
۲- خواهان دعوای اصلی که دعوای اضافی را مطرح می نماید.  
۳- خواننده دعوای اصلی که خواهان دعوای متقابل است. (م ۱۰۹ ق.آ.د.م.)  
۴- ثالثی که وارد دعوا می شود و برای خود مستقلاً حقی قائل است.
- اشخاصی که می توانند درخواست تأمین خواسته بنمایند:**

- ۱- در مورد خسارت ناشی از هزینه دادرسی  
۲- خسارت ناشی از حق الوکاله
- موارد تقاضای تأمین از سوی خواننده:**  
(م ۱۰۹ ق.آ.د.م.)

- ۱- ممنوعیت نقل و انتقال اموال باز داشت شده (مهمترین اثر تأمین خواسته) (ماده ۵۶ و ۵۷ ق.ا.ا.م.)  
۲- ایجاد حق تقدم برای خواهانی که درخواست تأمین خواسته به نفع او انجام شده است. (م ۱۴۸ ق.ا.ا.م.)  
۳- مصونیت مال از تضييع و تفریط (م ۷۸ ق.ا.ا.م.)  
۴- شخص ثالثی که مال مورد درخواست تأمین نزد او می باشد حق انتقال و تهاتر آن مال را ندارد. (م ۸۸ ق.ا.ا.م. و ماده ۲۹۹ ق.م.)
- آثار اجرای قرار تأمین خواسته نسبت به اصحاب دعوا و شخص ثالث:**

**موارد اجرای قرار تأمین**  
**خواسته قبل از ابلاغ:**  
(م ۱۱۷ ق.ا.ا.م.)  
۱- در موردیکه ابلاغ فوری ممکن نباشد.  
۲- در موردیکه تأخیر در اجرای قرار باعث تضییع یا تفریط خواسته گردد.

**موارد مرتفع شدن**  
**قرار تأمین**  
**خواسته:**  
۱- در صورت صدور حکم قطعی علیه خواهان (م ۱۱۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>  
۲- در صورت استرداد دعوا از سوی خواهان (م ۱۱۸ ق.آ.د.م.)  
۳- در صورت استرداد دادخواست از سوی خواهان (م ۱۱۸ ق.آ.د.م.)  
۴- در صورتیکه درخواست کننده تأمین تا ۱۰ روز از تاریخ صدور قرار تأمین خواسته نسبت به اصل دعوا دادخواست ندهد به استثنای مواد ۲۱۸ مکرر ق.م. و ۲۹۲ ق.ت. (م ۱۱۲ ق.آ.د.م.)  
۵- رفع اثر به درخواست خواهان که می تواند پس از صدور قرار تأمین از آن صرفنظر نماید.  
۶- در صورت از بین رفتن موجباتی که به خاطر آنها درخواست تأمین شده است.  
۷- چنانچه ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی طرفی (خوانده) که از ناحیه دستور موقت ضرری دیده برای مطالبه خسارت طرح دعوا نکند از مال مورد تأمین به دستور دادگاه رفع اثر می شود. (م ۳۲۴ ق.آ.د.م.)

- شرایط درخواست تأمین نسبت  
به طلب مؤجل :  
(م ۱۱۴ ق.آ.د.م.)
- ۱- خواسته باید مستند به سند رسمی باشد .  
۲- خواسته در معرض تضییع یا تفریط باشد .

- شرایط تبدیل  
تأمین :
- ۱- تبدیل تأمین تنها یکبار مجاز است . (م ۵۳ ق.ا.ا.م.)  
۲- مال باز داشت شده باید عین خواسته نباشد .  
۳- خواسته عین معین باشد ولی توقیف آن ممکن نباشد . (م ۱۲۳ ق.آ.د.م.)  
۴- مال پیشنهاد شده برای تبدیل از نظر قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده کمتر نباشد .  
(ذیل ۱۲۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>  
۵- اگر عین خواسته توقیف شده باشد تبدیل مال منوط به رضایت خواهان می باشد . (ذیل ۱۲۴ ق.آ.د.م.)

فصل ششم - دادرسی نخستین ■ ۱۴۳

- ۱- قرار تأمین خواسته بدون اخطار به طرفین رسیدگی می شود. (م ۱۱۵ ق.آ.د.م.)
- ۲- اجرای قرار تأمین خواسته باید پس از ابلاغ به طرف اجرا شود (م ۱۱۶ و ۱۱۷ ق.آ.د.م.)
- ۳- قرار تأمین خواسته در مدت ۱۰ روز قابل اعتراض است. (م ۱۱۶ ق.آ.د.م.)
- ۴- رسیدگی به اعتراض قرار تأمین خواسته در اولین جلسه بعد از اعتراض است. (م ۱۱۶ ق.آ.د.م.)
- ۵- رسیدگی به قرار تأمین خواسته فوری و خارج از نوبت است. (م ۱۱۵ ق.آ.د.م.)
- ۶- درخواست تأمین از دادگاهی صورت می گیرد که صلاحیت رسیدگی به دعوای اصلی را دارد. (م ۱۱۱ ق.آ.د.م.)
- ۷- قرار تأمین خواسته قابل تجدید نظر خواهی نمی باشد ولی قابل اعتراض در همان دادگاه است. (م ۱۱۹ ق.آ.د.م.)
- ۸- مطالبه خسارت ناشی از تأمین خواسته بدون پرداخت هزینه دادرسی قابل رسیدگی می باشد (م ۱۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۹- رسیدگی به مطالبه خسارت ناشی از تأمین خواسته ، بدون تشریفات (آ.د.م.) است. (م ۱۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۱۰- تعیین خسارت احتمالی در تأمین خواسته با دادگاهی است که درخواست تأمین را می پذیرد. (تبصره ۱ م ۱۰۸ ق.آ.د.م.)
- ۱۱- درخواست تبدیل تأمین از دادگاهی می شود که قرار تأمین را صادر کرده است. (م ۱۲۵ ق.آ.د.م.)
- ۱۲- از محصول املاک و باغها به مقدار  $\frac{2}{3}$  سهم خواننده در صورت تأمین خواسته ، توقیف می شود. (م ۱۲۷ ق.آ.د.م.)
- ۱۳- حقوق مستخدمین دولتی و شرکتهای خصوصی در صورتیکه دارای زن و فرزند باشند ربع و الا ثلث توقیف می شود. (ماده ۹۶ ق.ا.ا.م.)

**نکات مربوطه  
به قرار تأمین  
خواسته :**

## مبحث هفتم - ورود شخص ثالث

- ۱- وارد ثالث اصلی : که ثالث مستقلاً حقی برای خود  
قایل است .
- ۲- وارد ثالث تبعی : ثالث خود را در محق شدن یکی از  
اصحاب دعوا ذینفع می داند .
- اقسام وارد ثالث  
(م ۱۳۰ ق.آ.د.م.)**

- ۱- دعوای ورود ثالث باید با تقدیم دادخواست باشد .  
( م ۱۳۰ و ۱۳۱ ق.آ.د.م.)
- ۲- شخص ثالث می تواند هم در مرحله بدوی هم در  
مرحله تجدیدنظر وارد دعوا شود . ( م ۱۳۴ ق.آ.د.م.)
- ۳- رد دادخواست ورود شخص ثالث در مرحله بدوی  
مانع از ورود او در مرحله تجدیدنظر نیست . ( م ۱۳۴  
ق.آ.د.م.)
- ۴- ابطال دادخواست ورود شخص ثالث در مرحله بدوی  
مانع ورود او در مرحله تجدیدنظر نیست . ( م ۱۳۴  
ق.آ.د.م.)
- ۵- مهلت ورود ثالث چه در مرحله بدوی و چه در مرحله  
تجدیدنظر تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده  
می باشد . ( م ۱۳۰ ق.آ.د.م.)
- شرایط ورود شخص  
ثالث به جریان  
دادرسی:**

- ۶- وارد ثالث چه در مرحله بدوی و چه تجدیدنظر خواهان محسوب می شود. (ملاک م ۱۳۴ ق.آ.د.م.)
- ۷- وضعیت شخص ثالث تبعی تابع وضعیت طرفی است که برای تقویت او وارد دعوا شده است.
- ۸- وارد ثالث تبعی نمی تواند در صورت محکوم شدن طرفی که برای تقویت او وارد دعوا شده است از رأی شکایت نماید.

**شرایط ورود شخص  
ثالث به جریان  
دادرسی:**

- ۱- در صورتیکه دادگاه احراز کند دعوی ثالث به منظور تبانی است.
- ۲- در صورتیکه دادگاه احراز کند دعوی ثالث برای تأخیر در رسیدگی است.
- ۳- در صورتیکه دادگاه احراز کند دعوی اصلی منوط به رسیدگی به دعوی ثالث نباشد.

**موارد تفکیک  
دعوی ثالث از  
دعوی اصلی:  
(م ۱۳۳ ق.آ.د.م.)**

### مبحث هشتم - جلب شخص ثالث

- ۱- شخصی که ثالث را جلب می نماید باید یکی از اصحاب دعوا باشد. (م ۱۳۵ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۲- دعوای جلب ثالث از دعاوی طاری بوده در نتیجه باید با دعوای اصلی مرتبط یا دارای منشاء واحدی باشد.
- ۳- برای جلب ثالث باید تا پایان اولین جلسه دادرسی جهات و دلایل اظهار شده و ظرف ۳ روز از اولین جلسه، دادخواست تقدیم شود. (م ۱۳۵ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
- ۴- دعوای جلب ثالث را می توان هم در مرحله نخستین و هم در مرحله تجدید نظر درخواست نمود. (م ۱۳۵ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>
- ۵- محکوم علیه غیابی در صورتیکه بخواهد جلب ثالثی را درخواست کند باید این درخواست را با دادخواست اعتراض توأمان به دادگاه تقدیم کند. (م ۱۳۶ ق.آ.د.م.)
- ۶- جلب ثالث به داری باید بوسیله تقدیم دادخواست از سوی اصحاب دعوا صورت پذیرد. (مواد ۱۳۵، ۱۳۶ و ۱۳۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup>
- ۷- شخص ثالثی که جلب می شود خواننده محسوب و تمام مقررات راجع به خواننده درباره او جاری است. (م ۱۳۹ ق.آ.د.م.)

### شرایط جلب ثالث به داداری:

۱- رأی شماره ۱۷۹۱-۳۱/۱۱/۱۵ هیات عمومی - اصراری. (ر.ک. همان منبع. ص ۱۵۷)

۲- حکم شماره ۸۲۸-۲۷/۵/۲۱ شعبه ۱ دیوان عالی کشور. (ر.ک. همان منبع. ص ۱۵۷)

۳- رأی شماره ۲۷۲۵-۱۳۳۳/۱۲/۳ شعبه ۶ دیوان عالی کشور. (ر.ک. همان منبع. ص ۱۵۷)

۴- حکم شماره ۲۴۸۸-۱۹/۷/۳۰- شعبه ۴ دیوان عالی کشور. (ر.ک. همان منبع. ص ۱۵۷)



### مبحث نهم - دعوای متقابل

- ۱- دعوای متقابل الزاماً می بایست از سوی خواننده علیه خواهان اقامه شود. (م ۱۴۱ ق.آ.د.م.)
- ۲- دعوای متقابل با دعوای اصلی باید وحدت منشاء یا ارتباط کامل داشته باشد. (م ۱۴۱ ق.آ.د.م.)
- ۳- دادخواست دعوای متقابل باید تا پایان اولین جلسه دادرسی تقدیم شود. (م ۱۴۳ ق.آ.د.م.)
- ۴- دعوای متقابل به موجب دادخواست اقامه می شود (م ۱۴۲ ق.آ.د.م.)
- ۵- دعوای متقابل منحصرأ در مرحله بدوی امکانپذیر است.

#### شرایط دعوای متقابل:

- ۱- دعوای تهاثر
- ۲- دعوای صلح<sup>(۱)</sup>
- ۳- فسخ<sup>(۲)</sup>
- ۴- ردخواست

#### مواردیکه دعوای

#### متقابل محسوب

#### نمی شوند:

(م ۱۴۲ ق.آ.د.م.) ۵- هر دفاعی که از دعوای اصلی اظهار شود.

- ۱- در صورت دعوای متقابل و عدم صلاحیت ذاتی دادگاه در رسیدگی به آن مطابق (م ۲۷ ق.آ.د.م.) قرار عدم صلاحیت صادر می کند.
- ۲- در صورتیکه دعوای متقابل در صلاحیت محلی دادگاهی غیر از دادگاه رسیدگی کننده به دعوای اصلی باشد، دادگاه مرجع در صورتیکه ذاتاً صالح باشد رسیدگی و اقدام به صدور رأی می کند.
- ۳- اگر خواننده دعوای متقابل را مطرح کند اما ادعای وی دعوای متقابل محسوب نشده باشد در صورتیکه در صلاحیت همان دادگاه باشد بصورت مستقل رسیدگی می کند و چنانچه در صلاحیت دادگاه دیگری باشد قرار عدم صلاحیت صادر می کند. (م ۱۴۱ ق.آ.د.م.)

#### تکلیف دادگاه در

#### مواجهه با دعوای

#### متقابل:

۱- رأی شماره ۳۳۴۰/۴۵۲۹- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۱۶۰)

۲- رأی شماره ۹۱۷/۱۰۱۲- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۱۶۰)

### مبحث دهم - اخذ تأمین از اتباع بیگانه

- ۱- خواننده باید تبعه ایران باشد. ( م ۱۴۴ ق.آ.د.م. )
- ۲- تبعه خارجی بعنوان خواهان اصلی یا شخص ثالث در دعوا باشد. ( م ۱۴۴ ق.آ.د.م. )
- ۳- هرگاه در اثناء دادرسی تابعیت خارجی خواهان کشف شود. ( م ۱۴۶ ق.آ.د.م. )
- ۴- کشف تابعیت خارجی تجدیدنظر خواه در اثناء دادرسی ( م ۱۴۶ ق.آ.د.م. )
- ۵- سلب تابعیت از خواهان در اثناء دادرسی ( م ۱۴۶ ق.آ.د.م. )
- ۶- تبعه خارجی در صورتی مکلف به دادن تأمین است که طرف مقابل در مهلت مقرر درخواست تأمین بنماید. ( م ۱۴۷ ق.آ.د.م. )
- ۷- تبعه خارجی در صورتی مکلف به دادن تأمین است که از دادن تأمین معاف نشده باشد. ( م ۱۴۵ و ۱۴۶ ق.آ.د.م. )

شرایط گرفتن  
تأمین از اتباع  
بیگانه :

۱- در صورتیکه در کشور متبوع خواهان ( تبعه خارجی ) اتباع ایرانی از دادن چنین تأمین معاف باشند .

۲- در دعوای متقابل ( چون خوانده ( تبعه خارجی ) در اینجا خواهان اصلی محسوب نمی شود . )

۳- دعوا مستند به سند رسمی باشد .

۴- دعوا مستند به سفته ، چک و برات باشد .

۵- دعوای که بر اثر آگهی رسمی اقامه می شود از قبیل اعتراض ثبت و دعوای علیه متوقف .

### موارد معافیت اتباع

بیگانه از دادن تأمین :

( م ۱۴۵ ق.آ.د.م. )

۱- هرگاه در اثناء دادرسی تابعیت خارجی خواهان یا تجدیدنظر خواه کشف شود .

۲- هرگاه در اثنای دادرسی تابعیت ایرانی خواهان سلب شود .

۳- هرگاه در جریان دادرسی سبب معافیت تبعه بیگانه از دادن تأمین زائل شود .

### موارد درخواست

تأمین خوانده از

خواهان تبعه خارج :

( م ۱۴۶ ق.آ.د.م. )

## مبحث یازدهم - تأمین دلیل

- شرایط تأمین دلیل: (۱)
- ۱- موجود بودن دلیل
  - ۲- عدم امکان استفاده بعدی از دلیل (یعنی متعذر و متعسر شدن ذینفع در استفاده از دلیل در آینده برای دعوای احتمالی)
  - ۳- درخواست تأمین دلیل از دادگاه
  - ۴- عدم ممانعت در ارائه دلیل (یعنی مانعی برای تحصیل دلیل توسط کارشناس وجود نداشته باشد). (۲). (۳)

- زمان و نحوه درخواست تأمین دلیل:
- (م ۱۵۰ ق.آ.د.م.)
- ۱- تأمین دلیل را می‌توان بصورت کتبی و قبل از اقامه دعوا درخواست نمود.
  - ۲- تأمین دلیل را می‌توان شفاهی و در حین دادرسی درخواست نمود.

- نکات مندرج در تأمین دلیل:
- (م ۱۵۱ ق.آ.د.م.)
- ۱- مشخصات درخواست کننده و طرف او
  - ۲- موضوع دعوایی که برای اثبات آن درخواست تأمین دلیل می‌شود. (۴)
  - ۳- اوضاع و احوالی که موجب درخواست تأمین دلیل شده است.

۱- دکتر مدنی، سید جلال الدین، ادله اثبات دعوا، تهران: انتشارات پایدار، چاپ هفتم ۱۳۸۲، صص ۴۸ و ۴۹.

۲- رأی شماره ۱۶۲-۱۳۰۶/۱۱/۳۰- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع. ص ۱۶۴)

۳- رأی شماره ۲۰۲۴-۱۳۱۵/۱۰/۲۱- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۱۶۳)

۴- رأی شماره ۳۱۴-۱۳۰۷/۱۱/۲۳- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۱۶۴)

- اشخاص مجری تأمین  
دلیل :  
( م ۱۵۳ ق.آ.د.م. )
- ۱- دادرس علی البدل<sup>(۱)</sup>
  - ۲- مدیر دفتر دادگاه
  - ۳- شخص قاضی صادر کننده رأی زمانی که تأمین دلیل مبنای حکم باشد .

#### مبحث دوازدهم - اظهارنامه

- فواید اظهار نامه :
- ۱- ممکن است پس از ارسال اظهارنامه توسط خواهان ، خوانده حاضر به صلح یا سازش شود در اینصورت خواهان متحمل هزینه دادرسی نمی شود .
  - ۲- اظهارنامه نوعی اولتیماتوم رسمی و اختیاری است .
  - ۳- خواهان می تواند خسارت تأخیر تأدیه را از تاریخ ارسال اظهارنامه طلب نماید .

- مراجع صالح برای  
ابلاغ اظهار نامه :  
( م ۱۵۶ ق.آ.د.م. )
- ۱- دفاتر دادگاهها
  - ۲- اداره ثبت اسناد و املاک

۱ - نظریه شماره ۵۱۳۵-۱۳۶۹/۹/۱۵-ا.ح.ق. (ر.ک. همان منبع . ص ۱۶۵)

- شرایط ارسال  
اظهارنامه :**
- ۱- قبل از تقدیم دادخواست و به منظور مطالبه حق از دیگری باشد. (م ۱۵۶ ق.آ.د.م.)
  - ۲- موعد مطالبه حق رسیده باشد.
  - ۳- اظهار نامه در ۳ نسخه تنظیم گردیده باشد.

**مبحث سیزدهم - دعاوی تصرف عدوانی ، ممانعت از حق و مزاحمت**

- اوصاف تصرف :**
- ۱- تصرف بعنوان مالکیت باشد (م ۳۵ ق.م.)
  - ۲- تصرف باید مشروع باشد. (م ۳۶ ق.م.)

- رسیدگی به دعاوی تصرف :**
- ۱- تابع تشریفات آ.د.م. نیست. (۱). (۲)
  - ۲- خارج از نوبت به عمل می آید.

۱- رأی شماره ۳۴۸۱-۱۳۲۲/۶/۳۱- دادگاه عالی انتظامی قضات. (ر.ک. همان منبع. ص ۱۸۵)

۲- نظریه شماره ۷/۸۵۶۹-۱۳۷۹/۹/۱-ح.ق. (ر.ک. همان منبع. ص ۱۸۵)

فصل ششم - دادرسی نخستین ■ ۱۵۳

۱- دعوی تصرف عدوانی: دعوی متصرف سابق مبنی بر اینکه دیگری بدون رضایت و اجازه او مال غیر منقولش را از تصرف وی خارج کرده است. (۱). (۲). (۳). (۴)

۱- ممانعت	از حق تقاضای کسی که ممانعت از حق انتفاع یا ارتفاق خود را در ملک دیگری بخواهد.	۲- دعوی ممانعت از حق:
۲- ممانعت از حق		
۳- سکنی (م ۴۳ ق.م.)		
۱- حق العبور	۲- ممانعت از حق ارتفاق:	۱- عمری (م ۴۱ ق.م.) ۲- رقبی (م ۴۲ ق.م.)
۲- حق المجری		
	(م ۴۰ ق.م.)	(م ۱۵۹ ق.آ.د.م.)

اقسام دعاوی  
تصرف:

۳- دعوی مزاحمت: دعوی که به موجب آن متصرف مال غیر منقول درخواست جلوگیری از مزاحمت کسی را می نماید که نسبت به متصرفات او مزاحم است  
(م ۱۶۰ ق.آ.د.م.) (۵). (۶). (۷). (۸). (۹)

- ۱- رأی شماره ۶۸۳/۶۶۷ مورخ ۱۳۰۷/۸/۸- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۶۷)
- ۲- رأی شماره ۹۵۳/۲۶۸۵ مورخ ۱۳۰۸/۷/۲۹- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۶۸)
- ۳- رأی شماره ۱۳۴۵- ۱۳۱۳/۱/۱۶- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۱۶۸)
- ۴- حکم شماره ۱۵۸۸- ۱۹/۵/۲۸ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۷۰)
- ۵- رأی شماره ۱۸۵/۲۹۵ مورخ ۱۳۰۶/۱۰/۱۲- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۷۲)
- ۶- حکم شماره ۷۷۳- ۲۶/۴/۱۱ شعبه ۸ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۷۳)
- ۷- حکم شماره ۱۰۲۲- ۲۷/۶/۱۷ شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۷۳)
- ۸- حکم شماره ۱۳۵- ۲۷/۲/۹ شعبه ۸ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۷۳)
- ۹- رأی شماره ۳۴۳۲/۴۰/۱۹- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۷۲)

**شرایط دعاوی تصرف  
( م ۱۶۱ ق.آ.د.م. )**

- ۱- سبق تصرف خواهان<sup>(۱)</sup>.<sup>(۲)</sup>
- ۲- عدوانی بودن تصرف خوانده
- ۳- لحوق تصرف خوانده

**موارد مشمول  
دعاوی تصرف  
( عدوانی ، ممانعت از  
حق و مزاحمت ) :**

- ۱- کلیه اموال غیر منقول ( ماده ۱۲ ق.م. )<sup>(۳)</sup>
- ۲- حق اعم از انتفاع یا ارتفاق ( مواد ۴۰ تا ۴۳ و ۹۳ ق.م. )
- ۳- موارد مشمول ماده ۱۷ ق.م.<sup>(۴)</sup>
- ۴- دعاوی مربوط به قطع انشعاب تلفن ، گاز و برق و وسایل تهویه و نقاله ( از قبیل بالابر و پله برقی و امثال اینها ) که مورد استفاده در اموال غیر منقول است ( م ۱۶۸ ق.آ.د.م. )
- ۵- در کلیه اموال مشاعی ( م ۱۶۷ ق.آ.د.م. )<sup>(۵)</sup>.<sup>(۶)</sup>
- ۶- بر علیه مستأجر نمی توان دعوی تصرف عدوانی مطرح کرد . مگر بعد از انقضاء مدت و ارسال اظهارنامه ( م ۷ قانون جلوگیری از تصرف عدوانی )<sup>(۷)</sup>.<sup>(۸)</sup>

۱- رأی شماره ۵۲۱/۴۹۷- مورخ ۱۳۰۷/۶/۱۵ (ر.ک. همان منبع . ص ۱۷۴)

۲- حکم شماره ۱۱۲۵-۲۵/۱۱/۳- شعبه یک دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۷۶)

۳- رأی شماره ۲۶۲/۱۱۷۲ مورخ ۱۳۰۸/۳/۱۱ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۶۷)

۴- رأی شماره ۳۸۴۵-۱۳۲۵/۱/۲۲- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۱۶۹)

۵- حکم شماره ۱۲۷۵-۳۳/۶/۲۹- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۷۹)

۶- حکم شماره ۳۸۸-۳۴/۳/۱۴- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۷۹)

۷- حکم شماره ۲۴۵۹-۱۳۲۱/۸/۲۴- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۸۱)

۸- رأی شماره ۱۷۱۰-۱۳۲۹/۱۰/۲۸- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۶۹)



۱- دعوای تخلیه مربوط به معاملات با حق استرداد  
( تبصره م ۱۷۱ ق.آ.د.م. )

۲- دعوای مربوط به معاملات رهنی و شرطی  
( تبصره م ۱۷۱ ق.آ.د.م. )

۳- مواردیکه بین صاحب مال و امین یا متصرف قرارداد  
یا شرایط خاصی برای تخلیه یا استرداد وجود دارد.  
( تبصره م ۱۷۱ ق.آ.د.م. )

نکته: در موارد فوق چون در ابتدا نوعاً رضایت و اذن  
وجود داشته مضمول دعوای تصرف نمی شود.

۴- دعوای تصرف عدوانی از مستأجری که موعدهش به  
پایان رسیده بر مؤجر قابل استماع نیست.<sup>(۱)</sup>

**دعاوی که  
مشمول دعوای  
تصرف عدوانی  
نمی شوند:**

۱- مالک

۲- مستأجر<sup>(۲)</sup>

۳- مباشر<sup>(۳)</sup>

۴- خادم

۵- کارگر

۶- اشخاصی که ملکی را از طرف دیگری

متصرف می باشند.

**اشخاصی که می توانند  
دعوای تصرف را مطرح  
سازند: ( م ۱۷۰  
ق.آ.د.م. )**

۱ - رأی شماره ۷۶۰/۱۴۴۹ مورخ ۱۳۰۸/۶/۲۴ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۸۰)

۲ - رأی شماره ۴۳۱۷-۱۳۲۷/۴/۸- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۱۸۰)

۳ - حکم شماره ۴۴۱-۳۲/۳/۲۰- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۸۳)

- |  |   |  |
|--|---|--|
| <p>۱- متصرف عدوانی باید فوراً محصول را برداشت کند .</p> <p>۲- متصرف عدوانی باید اجرت المثل زمین را تأدیه کند .</p> | } | <p>۱- اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد :</p> |
|--|---|--|

- |   |   |   |
|---|---|---|
| <p>۱- محکوم له می تواند قیمت بذر و کود و دستمزد متصرف عدوانی را بپردازد و ملک و محصول را تصرف نماید .</p> <p>۲- محکوم له می تواند تا برداشت محصول صبر کند و اجرت المثل دریافت نماید .</p> <p>۳- محکوم له می تواند متصرف عدوانی را به معدوم کردن زراعت و اصلاح آثار تخریبی آن مکلف نماید .</p> | } | <p>۲- اگر موقع برداشت محصول نرسیده باشد :</p> |
|---|---|---|

**تکلیف زراعت انجام شده در ملک مورد تصرف عدوانی :**  
(م ۱۶۵ ق.آ.د.م.)

- |   |   |
|---|---|
| <p>۱- جلوگیری از ایجاد آثار تصرف</p> <p>۲- جلوگیری از تکمیل اعیانی از قبیل احداث بنا یا غرس اشجار یا کشت و زرع</p> <p>۳- جلوگیری در از بین بردن آثار موجود</p> <p>۴- جلوگیری از ادامه ممانعت از حق یا مزاحمت در ملک مورد دعوا</p> | } |
|---|---|

**موارد دستور موقت در دعاوی تصرف :**  
(م ۱۷۴ ق.آ.د.م.)

- ۱- رسیدگی به موضوع شکایت خواهان
- ۲- حفظ وضع موجود
- ۳- جلوگیری از اقدامات بعدی خوانده
- ۴- اطلاع به مراجع قضایی جهت اقدام

**وظیفه ضابطین در برخورد با  
دعاوی تصرف در مرعی :**  
(م ۱۶۶ ق.آ.د.م.)

### مبحث چهاردهم - سازش

۱- سازش پیش از اقامه دعوا (م ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ ق.آ.د.م.)

- ۱- در دادگاه ← در صورت مجلس قید و به امضاء طرفین و دادرس می‌رسد. (م ۱۸۲ ق.آ.د.م.)
- ۲- در دفتر اسناد رسمی ← در اینگونه سازش دادگاه شماره سند تنظیمی را در پرونده می‌نویسد. (م ۱۸۱ ق.آ.د.م.)
- ۳- در خارج از دادگاه ← طرفین باید در دادگاه حاضر شده و اقرار به صحت سازش نمایند و این اقرار در صورتجلسه نوشته شود. (م ۱۸۳ ق.آ.د.م.) (۱). (۲). (۳)

۲- سازش پس  
از اقامه دعوا :

**چگونگی  
درخواست  
سازش :**

۱- رأی شماره ۷۴-۱۹/۹/۱۳۲۳- شعبه اول دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۱۸۷)

۲- رأی شماره ۳۲۲۶-۳۰/۱۰/۱۳۲۲- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۱۸۷)

۳- رأی شماره ۲۷۵-۲/۱۰/۱۳۷۱- شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۱۸۷)

وظیفه دادگاه پس از  
حصول سازش  
(م ۱۸۴ ق.آ.د.م.) }  
۱- اعلام ختم رسیدگی  
۲- صدور گزارش اصلاحی<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>

حدود اعتبار مفاد سازش  
(م ۱۸۴ ق.آ.د.م.) }  
۱- مفاد سازش نسبت به طرفین دعوا معتبر است.  
۲- مفاد سازش نسبت به وراث طرفین دعوا و  
قائم مقام قانونی آنها معتبر است .  
۳- مفاد سازش مانند احکام دادگاهها به موقع به  
اجرا گذاشته می شود .

---

۱- رأی شماره ۱۲۱ مورخ ۱۳۷۲ شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۸۸)  
۲- رأی شماره ۱۸-۱۳/۳/۱۳۶۷ شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۱۸۸)

## فصل هفتم

رسیدگی به ادله اثبات دعوا

## مبحث اول - کلیات ادله

- ۱- اقرار ( م ۱۲۵۹ ق.م. ) ← اخبار به حقی است برای غیر به ضرر خود .
- ۲- ادعا ← اخبار به حقی است به نفع خود و بر ضرر دیگری
- ۳- شهادت ← اخبار به حقی است برای یک شخصی و علیه دیگری و در صورتیکه شاهد نفع شخصی در شهادت داشته باشد ادعا محسوب شده و این مسأله از مصادیق جرح شاهد محسوب می شود . ( م ۲۲۹ ق.آ.د.م. )
- ۴- دلیل ← هر امری که برای اثبات دعوی یا دفاع از آن قابل استناد است ( م ۱۹۴ ق.آ.د.م. )<sup>(۱)</sup>
- ۵- سند ← هر نوشته‌ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد است . ( م ۱۲۸۴ ق.م. )<sup>(۲)</sup>

### اصطلاحات :

- |                              |   |   |
|------------------------------|---|---|
| ۱- اثبات عقود                | } | <b>مواردی که دلیل اثبات آنها تابع قانون زمان انعقاد است :</b><br>( م ۱۹۵ ق.آ.د.م. ) |
| ۲- اثبات ایقاعات             |   |   |
| ۳- اثبات تعهدات و قراردادهای |   |   |

۱- نظریه ب.ت.ب.ش. (مندرج در شماره ۳۸ هفته نامه دادگستری) ا.ح.ق. (ر.ک. همان منبع . ص ۱۹۰)  
۲- رأی شماره ۱۵۵۶/۶۴۹۲ مورخ ۱۳۰۹/۱۰/۳۰- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۹۱)

فصل هفتم - رسیدگی به ادله اثبات دعوا ■ ۱۶۱

- ۱- اقرار ( م ۱۲۵۹ ق.م.و ۲۰۲  
ق.آ.د.م. )  
۲- اسناد ( م ۱۲۸۴ ق.م. )  
۳- سوگند ( م ۱۳۲۵ ق.م.و  
۲۷۰ ق.آ.د.م. )

۱- ادله ای که اصحاب  
دعوا منشاء آنها هستند :

- ۱- شهادت شهود  
( اعم از کتبی و شفاهی )  
۲- تحقیق محلی  
( م ۲۴۸ ق.آ.د.م. )  
۳- اظهار نظر کارشناس  
( م ۲۵۷ ق.آ.د.م. )

۲- ادله ای که منشاء  
آنها اشخاص ثالث  
هستند :

- ۱- معاینه محلی  
( م ۲۴۸ ق.آ.د.م. )  
۲- امارات قضایی  
( م ۱۳۲۱ ق.م. )

۳- ادله ای که منشاء آنها  
درک مستقیم دادرس  
است :

- ۱- اقرار  
۲- اسناد  
۳- شهادت  
۴- امارات  
۵- سوگند  
۶- کارشناسی  
۷- تحقیق و معاینه محلی

۴- ادله ای که منشاء آن  
فرض قانون است  
( امارات قانونی )  
( م ۱۲۵۸ ق.م. )

### اقسام ادله اثبات

### دعوا از حیث

منشاء: (۱)

۱- دکتر مدنی، سید جلال الدین، همان منبع، صص ۵۹ و ۶۰.

## مبحث دوم - اقرار

۱- اقرار صریح : اقراری که آشکارا بدون شک و تردید و خالی از ابهام باشد	۱- از حیث نوع بیان :
۲- اقرار ضمنی : اقراری که از مجموع الفاظ و عبارات و کلمات کسی فهمیده می‌شود ( مستنبط از ماده ۱۱۶۱ ق.م. )	
۱- اقرار کلی : اقراری که تمام مورد ادعا را در بر می‌گیرد .	۲- اقرار از جهت محدوده آن :
۲- اقرار در جزء : زمانیکه بخشی از مورد ادعا را در بر می‌گیرد .	
۱- اقرار ابتدایی : اقراری که مقرر به صورت ابتدایی به آن مبادرت نماید .	۳- اقرار از حیث مداخله مقررله :
۲- اقرار در پاسخ : اقراری که در نتیجه سؤالات پرسیده شده انجام می‌پذیرد .	
۱- اقرار ساده : اقراری که مقرر ادعای طرف را همانگونه است که می‌پذیرد .	۴- اقرار از جهت ترکیب :
۲- اقرار مقید : اقراری که مقید به قید یا وصفی می‌باشد . ( م ۱۲۸۲ ق.م. )	
۳- اقرار مرکب : اقراری که مرکب از دو جزء است : یعنی هم اقرار و هم ادعاست . ( م ۱۲۸۳ ق.م. )	

### انواع اقرار: (۱)



- انواع اقرار :**
- ۱- اقرار شفاهی : اقراری که در حین دادرسی یا مذاکرات در دادگاه انجام می شود ( م ۲۰۴ ق.آ.د.م. )
  - ۲- اقرار کتبی : اقراری که در اسناد یا لوایح تقدیمی به دادگاه یا دادخواست تقدیمی به دادگاه می شود . ( م ۱۲۸۰ و ۱۲۸۱ ق.م. م ۲۰۴ ق.آ.د.م. )
  - ۳- اقرار در دادگاه ( م ۲۰۳ ق.آ.د.م. )
  - ۴- اقرار در خارج از دادگاه ( م ۲۰۳ ق.آ.د.م. )

- موارد اقرار در دادگاه :**  
( م ۲۰۳ ق.آ.د.م. )
- ۱- اگر اقرار ضمن تقدیم دادخواست باشد .
  - ۲- اقراری که ضمن لوایح تقدیمی باشد .
  - ۳- اقراری که در حین مذاکرات در دادگاه بوده و در صورت مجلس قید شود .

- ارکان اقرار : (۱)**
- ۱- مقرر : کسیکه به زیان خود و به نفع غیر اقرار می کند .
  - ۲- مقررله : کسیکه به نفع او اقرار شده است .
  - ۳- مقربه : حقی است که موضوع اقرار واقع شده است .

- اوصاف اقرار :
- ۱- انکار ناپذیری اقرار ( م ۱۲۷۷ ق.م. )<sup>(۱)</sup>
  - ۲- تجزیه ناپذیری اقرار ( م ۱۲۸۲ ق.م. )<sup>(۲)</sup> . (۳)

۱- اقرار ، عمل اخباری است ، بنابراین حق جدیدی را ایجاد نمی کند . بلکه حقیقتی را کشف می کند بنابراین معلق یا مؤجل کردن اقرار با اخبار منافات دارد . ( م ۱۲۶۸ ق.م. )

۲- اقرار عمل انفرادی است بنابراین قبول یا انکار مقرله تأثیری در آن ندارد. ( م ۱۲۷۲ ق.م. )

۳- اقرار عملی است ارادی ، بنابراین مانند سایر اعمال ارادی باید فاقد عیوب اراده و رضا باشد . ( م ۱۲۶۲ ق.م. )

۴- اقرار در مسایل واقع (عمل حقوقی یا مادی) اثر دارد پس اقرار نسبت به مسایل حکمی اثری ندارد .

۵- اقرار دلیل قاطع است پس قابل رجوع نیست و به دعوا خاتمه می دهد .

۶- اقرار دلیل قاطعی است که اقرار کننده و قائم مقام او را ملزم می سازد بنابراین وارث می تواند عدم صحت اقرار مورث خویش را ثابت کند . ( م ۱۲۷۵ ق.م. )<sup>(۴)</sup>

### ویژگیهای اقرار :

۱ - حکم شماره ۵۱۵-۲۸/۳/۱- شعبه ۸ دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۱۹۵)

۲ - حکم شماره ۱۵۶۰-۱۷/۷/۱۱- شعبه یک دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۹۵)

۳ - رأی شماره ۲۶۳-۱۳۳۰/۳/۱۴- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۹۴)

۴ - رأی وحدت رویه شماره ۵۴-۱۳۵۱/۱۰/۱۳- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۹۴)

فصل هفتم - رسیدگی به ادله اثبات دعوا ■ ۱۶۵

- شرایط اقرارکننده  
(مقر):
- ۱- شرط بلوغ ( م ۱۲۱۰ ق.م. و ماده واحده قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳ )
  - ۲- شرط عقل ( م ۱۲۶۲ ق.م. )
  - ۳- عدم سفه ( م ۱۲۶۳ ق.م. )
  - ۴- وجود قصد ( مواد ۱۹۵ و ۱۲۶۲ ق.م. )
  - ۵- وجود اختیار ( اصل ۳۸ ق. اساسی و م ۱۲۶۲ ق.م. )
  - ۶- عدم ورشکستگی یا اعسار ( مواد ۱۲۶۴ و ۱۲۶۵ ق.م. و مواد ۴۱۸ ، ۴۲۳ و ۴۲۴ ق.ت )

- شرایط مقرله:
- ۱- داشتن حق تملک یا اهلیت تمتع ( م ۱۲۶۶ ق.م. )
  - ۲- معلوم بودن مقرله ( م ۱۲۷۱ ق.م. )
  - ۳- موجود بودن مقرله ( م ۱۲۷۰ ق.م. )

- شرایط مقربه:
- ۱- امکان عقلی و عادی و عرفی ( م ۱۲۶۹ ق.م. )
  - ۲- نبودن منع قانونی ( مواد ۱۱۶۷ و ۱۲۶۹ ق.م. )
  - ۳- معلوم و معین بودن

- اجزاء اقرار: (۱)
- ( م ۱۲۵۹ ق.م. )
- ۱- اخبار
  - ۲- ارتباط با حق
  - ۳- نفع غیر
  - ۴- زیان مقر

- آثار اقرار: (۲)
- ۱- اصل قاطع بودن اقرار
  - ۲- اصل غیر قابل انکار بودن اقرار
  - ۳- اصل غیر قابل تجزیه بودن اقرار

۱- دکتر شمس ، عبدالله ، همان منبع ، ج ۳ ، تهران : انتشارات دراک ، چاپ سوم ۱۳۸۴ ، صص ۲۸۹ الی ۲۹۱ .

۲- ر.ک. همان منبع ، ج ۳ ، صص ۳۰۶ الی ۳۱۳

- ۱- اقرار شفاهی صادره در دادگاه که در صورت تمجس منعکس شده است .
- ۲- اقرار شفاهی خارج از دادگاه پس از احراز اصالت .
- ۳- اقرار کتبی مندرج در سند رسمی ( م ۱۲۹۲ ق.م. )
- ۴- اقرار مندرج در اسناد عادی که اعتبار اسناد رسمی را یافته اند . ( م ۱۲۹۱ ق.م. )

**مواردی که انکار  
بعد از اقرار مسموع  
نیست :**

- ۱- در امور کیفری دادرس ملزم به تبعیت مطلق از اقرار نیست بلکه می تواند آن را ارزیابی کند ولی در امور مدنی اقرار قاطع دعوا می باشد . ( م ۱۲۴ ق.آ.د.ک. )<sup>(۱)</sup>
- ۲- اقرار در امور کیفری قابل تجزیه است ولی در امور مدنی ( حقوقی ) اقرار قابل تجزیه نمی باشد . ( م ۱۲۸۲ ق.م. )
- ۳- حکم کیفری مستند به اقرار قابل تجدیدنظر است ولی حکم مدنی ( حقوقی ) که بواسطه اقرار صادر شده قابل تجدیدنظر و فرجام نیست . ( تبصره ماده ۳۳۱ و بند ۱ م ۳۶۹ ق.آ.د.م. )
- ۴- تقسیم بندی اقرار ( اقرار در دادگاه و در خارج از دادگاه ) در دادرسی کیفری فاقد اثر است ولی در امور مدنی ( حقوقی ) هر کدام آثار و ویژگیهای خاص خودش را دارد .
- ۵- انکار بعد از اقرار در امور مدنی مسموع نیست ولی در امور کیفری مسموع است . ( م ۱۲۷۷ ق.م. )

**تفاوت اقرار در  
امور مدنی و  
کیفری :**

## مبحث سوم - اسناد

انواع سند :  
( م ۱۲۸۶ ق.م. )  
۱- سند رسمی  
۲- سند عادی

اقسام اسناد  
رسمی :  
( م ۱۲۸۷ ق.م. )  
۱- اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک تنظیم شده باشد .  
۲- اسنادی که در دفاتر اسناد رسمی تنظیم شده باشد .  
۳- اسنادی که توسط مأمورین رسمی و در حدود صلاحیت خود آن اسناد را تنظیم کرده باشند .

مشخصه سند رسمی :  
۱- قابلیت استناد  
۲- نوشته بودن

شرایط سند  
رسمی :  
۱- دخالت مأمور رسمی ( م ۱۲۸۷ ق.م. )  
۲- صلاحیت مأمور رسمی ( م ۳۱ ق. دفاتر اسناد رسمی و سر دفتران )  
۳- رعایت ضوابط و تشریفات قانونی ( م ۱۲۹۴ ق.م. )

اعتبار سند  
رسمی : (۱)  
۱- محتویات سند : که همان عوامل مادی هستند مثل امضاء ، مهر ، خطوط و اثر انگشت ( م ۷۰ ق.ث. )  
۲- مندرجات سند : همان عوامل معنوی هستند یا به عبارت دیگر همان مفهوم و عباراتی است که در سند نوشته می شود . ( م ۱۳۰۲ ق.م. )

۱- ر.ک. دکتر شمس ، عبدالله ، همان منبع ، ج ۳ ، صص ۱۴۴ و ۱۴۵ .

<p>۱- تصدیق صرف</p> <p>۱- اعتراض نسبت به مفاد سند</p> <p>۲- ادعای ابطال موضوع مورد معامله</p> <p>۳- ادعای فسخ موضوع مورد معامله</p> <p>۴- ادعای لازم الوفاء نبودن موضوع مورد معامله</p>	<p>۲- دفاع ماهوی :</p>	<p><b>واکنش مدعی علیه در مقابل اسناد ارائه شده (۱):</b></p>
<p>۱- وفای به عهد</p> <p>۲- تهاوتر</p> <p>۳- ابراء</p> <p>۴- اقاله</p> <p>۵- مالکیت مافی الذمه ( م ۲۶۴ ق.م. )</p> <p>۶- تبدیل تعهد</p>	<p>۵- ادعای سقوط تعهد :</p>	
<p>۱- انکار</p> <p>۲- تردید</p> <p>۳- جعل</p>	<p>۳- دفاع شکلی از طریق تعرض به اصالت سند : ( مواد ۲۱۶ و ۲۱۹ ق.آ.د.م. )</p>	

- ۱- پاک کردن کلمات  
۲- خراشیدن کلمات  
۳- اضافه کردن کلمات  
۴- ساختن مهر یا امضاء اشخاص رسمی  
یا غیر رسمی به قصد تقلب  
۵- سیاه کردن  
۶- تغییر تقدم یا تأخر تاریخ سند
- ۱- جعل مادی : ( م ۲۰ ق.ا.م. )
- اقسام جعل : (۱)
- ۲- جعل معنوی یا مفادی ( م ۲۷ ق.ا.م. ) : نوشتن اظهارات و مطالبی بر خلاف واقع .

- ۱- ادعای جعل بدون تعیین جاعل : در این نوع جعل مدعی شخص معینی را متهم به جعل نمی کند .
- ۲- ادعای جعل با تعیین جاعل : در این نوع جعل مدعی شخص معینی را به ساختن سند مورد ادعای جعل متهم می نماید . ( م ۲۲۷ ق.آ.د.م. )
- ادعای جعل  
سند و تعیین  
جاعل : (۲)

۱- ر.ک. همان منبع ، صص ۱۷۸ الی ۱۸۰ .

۲- ر.ک. همان منبع ، صص ۱۸۱ الی ۱۸۳ .

**انکار و تردید :**

۱- انکار در مورد سند غیر رسمی : در صورت ارائه سند غیر رسمی بر علیه شخص ، وی امضاء یا مهر یا اثر انگشت یا خط منتسب به خود را انکار می کند . ( م ۲۱۶ ق.آ.د.م. )

۲- تردید در مورد سند غیر رسمی : در صورت ارائه سند غیر رسمی بر علیه شخص ، وی سند ابرازی منتسب به خود را مورد تردید قرار دهد . ( م ۲۱۶ ق.آ.د.م. )

**ادعاهایی که بعد از انکار و تردید نسبت به سند پذیرفته نمی شود :**  
( ۲۲۸ ق.آ.د.م. )

۱- ادعای پرداخت وجه آن سند

۲- ادعای انجام هر نوع تعهدی نسبت به آن سند

**اثبات جعل و انکار :**

۱- در انکار سند عادی کسی که سند را ارائه داده باید اثبات کند .

۲- در جعل سند رسمی کسی که ادعای جعل نموده باید اثبات کند .



۱- ادعای جعل در مورد تمام اسناد اعم از عادی یا رسمی امکان پذیر است ولی ادعای تردید و انکار در مقابل اسناد رسمی یا اسناد عادی که اعتبار سند رسمی را دارند ممکن نیست. (۱۲۹۲ ق.م.)<sup>(۲)</sup>

۲- اگر نسبت به سند رسمی ادعای جعل شود دادگاه باید به دنبال تعقیب متهم باشد و در واقع یک دعوی جزائی شروع می شود ولی در صورت تردید یا انکار، در صورت ثبوت، فقط منجر به ردّ سند می شود.

۳- در ادعای جعل تکلیف ارائه دلیل با مدعی است (البینه علی المدعی) ولی تردید و انکار یک اظهار است پس صاحب سند باید صحت آن را ثابت کند.

۴- کسی که ابتدا ادعای جعل سندی را بکند متعاقباً نمی تواند ادعای تکذیب (تردید و انکار) آن را بکند ولی اگر ابتدا تکذیب کند بعداً می تواند ادعای جعل را مطرح سازد. (۲۲۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>.<sup>(۴)</sup>

۵- اظهار انکار یا تردید باید تا اولین جلسه دادرسی به عمل آید اما در خصوص ادعای جعلیت مستنداً به (م ۲۱۷ و ۲۱۹ ق.آ.د.م.) باید با ذکر دلیل اقامه شود.

### تفاوت انکار و تردید با ادعای جعل:<sup>(۱)</sup>

۱- دکتر بهرامی، بهرام، همان منبع، ص ۲۳۹.

۲- حکم شماره ۲۴۴۴- مورخ ۲۵/۱۲/۲۸ شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع. ص ۲۰۷)

۳- رأی شماره ۵۶۲/۸۴۱ مورخ ۱۳۰۷/۶/۳۱ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۲۱۸)

۴- رأی شماره ۶۲۱- مورخ ۱۳۳۳/۳/۲۲- شعبه یک دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۲۱۸)

- ۱- تطبیق مفاد سند با اسناد و دلایل دیگر
- ۲- تحقیق از گواهان و مطلعین<sup>(۲)</sup>،<sup>(۳)</sup>
- ۳- تطبیق خط ، امضاء ، نوشته ، اثر انگشت ( م ۲۲۴ ق.آ.د.م. )<sup>(۴)</sup>،<sup>(۵)</sup>
- ۴- انطباق با سندی که مورد توافق هر دو طرف است<sup>(۶)</sup>
- ۵- سند عادی ارائه شده که مورد تعرض قرار نگرفته ( مفهوم مخالف م ۲۲۳ ق.آ.د.م. )<sup>(۷)</sup>
- ۶- اسناد رسمی
- ۷- کمک گرفتن از اداره تشخیص هویت و کارشناسی ( م ۲۲۶ ق.آ.د.م. )<sup>(۸)</sup>

**طرق تشخیص  
اصالت سندی که  
مورد تعرض واقع  
شده: (۱)**

- 
- ۱- دکتر شمس ، عبدالله ، همان منبع ، ج ۳ ، صص ۲۰۸ الی ۲۱۹ .
  - ۲- رأی شماره ۹۱۳۱/۱۵۵۵- مورخ ۱۳۰۸/۲/۹ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۲۱۲)
  - ۳- رأی شماره ۴۳۳۲-۱۳۱۹/۱۲/۲۹ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۱۴)
  - ۴- رأی شماره ۱۸۰۰/۶۷۹۹- مورخ ۱۳۰۹/۱۲/۱۴ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۱۴)
  - ۵- حکم شماره ۱۸۵۲-۲۸/۱۰/۲۷ شعبه ۸ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۱۵)
  - ۶- رأی شماره ۷۷/۶۷۷۶- مورخ ۱۳۱۰/۱/۲۲ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۱۳)
  - ۷- رأی شماره ۲۰۰/۵۱۴- مورخ ۱۳۰۷/۳/۱۵ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۱۲)
  - ۸- رأی شماره ۲۷۵۷- مورخ ۱۳۱۷/۱۲/۱۷ شعبه اول دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۱۶)

- موارد تطبیق  
اوراق در محل  
نوشته ها:  
(م ۲۲۵ آ.د.م.)**
- ۱- چنانچه آوردن نوشته ها ، اوراق و مدارک به محل تطبیق ممکن نباشد .
  - ۲- چنانچه آوردن مدارک به محل تطبیق به نظر دادگاه مصلحت نباشد .
  - ۳- چنانچه دارنده مدارک در شهر یا محل دیگری اقامت داشته باشد .

- حدود اعتبار  
سند رسمی :**
- ۱- نسبت به امضاء کننده و قائم مقام قانونی : هر سندی ( اعم از عادی و رسمی ) علیه اشخاصی که آن را امضاء نموده و نیز قائم مقام قانونی آنان معتبر است . ( م ۱۲۹۰ و ۱۳۰۵ ق.م. )<sup>(۱)</sup>
  - ۲- نسبت به اشخاص ثالث ( م ۱۲۹۰ ق.م. و ۷۲ ق.ث )<sup>(۲)</sup>
  - ۳- حدود اعتبار مندرجات سند رسمی: هر چیزی که ذیل یا حاشیه یا ظهر سند باشد و حکایت از بی اعتباری یا از اعتبار افتادن تمام یا قسمتی از مفاد سند باشد معتبر است . ( م ۱۳۰۲ ق.م. )
  - ۴- حدود اعتبار تاریخ اسناد رسمی : تاریخ اسناد رسمی حتی بر علیه اشخاص ثالث معتبر است . ( م ۱۳۰۵ ق.م. )

۱- ر.ک. دکتر شمس ، عبدالله ، همان منبع ، ج ۳ ، ص ۱۵۹ .

۲- ر.ک. همان منبع ، ص ۱۶۰ .

۱- از لحاظ قدرت اجرائی : سند رسمی قدرت اجرائی دارد ، در حالی که اصل در اسناد عادی عدم قدرت اجرائی است .

۲- از لحاظ تاریخ : تاریخ سند رسمی هم از لحاظ اصحاب دعوا هم از نظر اشخاص ثالث معتبر است در حالی که تاریخ سند عادی برای اشخاص ثالث مؤثر نیست . ( م ۱۳۰۵ ق.م.)

۳- از لحاظ اعلام تکذیب : در مورد سند رسمی فقط ادعای جعل قابل طرح است در حالی که سند عادی هم در معرض ادعای جعل هم قابل تکذیب (انکار و تردید) است . ( م ۱۲۹۲ ق.م.)

۴- از لحاظ تشریفات : تنظیم سند رسمی تابع تشریفات است که از قبل قانون معین نموده ولی در سند عادی اصل عدم تشریفات است .

۵- از لحاظ دخالت مأمورین رسمی : در سند رسمی ، مأمور رسمی دولت در تنظیم آن دخالت دارد ولی در سند عادی خود افراد به هر نحو که بخواهند تنظیم می نمایند . ( م ۱۲۸۷ ق.م.)

۶- سند رسمی در صورت مفقود شدن تهیه رونوشت آن به سادگی ممکن است ولی با گم شدن سند عادی نمی توان از رونوشت آن استفاده نمود .

### تفاوت سند رسمی با

### سند عادی : (۱)

- انواعی از اسناد عادی :**
- ۱- اوراق تجاری ( سفته ، چک ، برات )
  - ۲- قولنامه
  - ۳- بارنامه
  - ۴- بیمه نامه
  - ۵- سهام شرکتها
  - ۶- دفاتر بازرگانی
  - ۷- وصیت نامه‌ها
  - ۸- نامه‌های خصوصی
  - ۹- اسنادی که مأمور رسمی بدون رعایت مقررات تنظیم می‌کند .
  - ۱۰- اسنادی که مأمور رسمی خارج از حدود اختیارات خود تنظیم می‌کند .

- امتیازات سند تجاری :**
- ۱- داشتن مسئولیت تضامنی صادر کننده ، ظهر نویسان و ...
  - ۲- امکان صدور تأمین خواسته نسبت به این اسناد

- انواع وصیت نامه: (۱)
- ۱- وصیت نامه رسمی: که مطابق تشریفات اسناد رسمی تنظیم می شوند و اینگونه وصیت نامه آثار اسناد رسمی را دارند.
  - ۲- وصیت نامه سرّی: که توسط خود افراد یا دیگران تنظیم می شوند و در صندوق امانات نگهداری می شود.
  - ۳- وصیت نامه خود نوشت: که حتماً باید توسط خود موصی (وصیت کننده) تنظیم و نوشته شود.

- اسناد عادی که اعتبار اسناد رسمی را دارند: (م ۱۲۹۱ ق.م.)
- ۱- اگر طرفی که سند بر علیه او اقامه شده است صدور آن را از منتسب الیه تصدیق نماید.
  - ۲- هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده فی الواقع امضاء یا مهر کرده است.

### مبحث چهارم - گواهی

- اقسام شهادت: (۲)
- ۱- گواهی مستقیم
  - ۲- گواهی غیر مستقیم (گواهی بر گواهی) (م ۱۳۲۰ ق.م و مواد ۲۳۱ و ۲۴۶ ق.آ.د.م.)
  - ۳- اعلام آگاهی ها در تحقیق محلی (شق ویژه ای از گواهی محسوب می شود.)

۱- ر.ک. همان منبع، صص ۱۴۶ الی ۱۴۹.

۲- دکتر شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۳، صص ۲۳۰ الی ۲۳۳.

فصل هفتم - رسیدگی به ادله اثبات دعوا ■ ۱۷۷

- موارد احضار گواه  
( م ۲۴۲ ق.آ.د.م.)
- ۱- به درخواست اصحاب دعوا  
۲- در صورتی که دادگاه مقتضی بداند
- شرایط شاهد:  
( م ۱۵۵ ق.آ.د.ک.و  
م ۱۳۱۳ ق.م.)
- ۱- بلوغ  
۲- عقل  
۳- ایمان  
۴- عدالت  
۵- طهارت مولد  
۶- عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد یا دفع ضرر از وی  
۷- عدم وجود دشمنی دنیوی بین شاهد و طرفین دعوا  
۸- عدم اشتغال به تکدی و ولگردی
- شرایط گواهی: (۱)
- ۱- شرایط ماهوی:  
۱- قطعی و یقینی بودن گواهی ( م ۱۳۱۵ ق.م )  
۲- مطابقت موضوع گواهی با موضوع ادعا ( م ۱۳۱۶ ق.م )  
۳- اتحاد مفاد گواهی گواهان ( م ۱۳۱۷ ق.م )
- ۲- شرایط شکلی:  
۱- گواهی بصورت کتبی  
۲- گواهی بصورت شفاهی (۲)

۱- ر.ک. همان منبع ، ج ۳ ، صص ۲۴۲ الی ۲۴۵ .

۲- حکم شماره ۱۳۰۱-۲۸/۷/۱۶-شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع ص. ۲۲۳)

- ۱- دادگاه گواهی هر گواه را بدون حضور گواهانی که گواهی نداده اند استماع می کند. (ماده ۲۳۵ ق.آ.د.م)
- ۲- قبل از اداء گواهی خصوصیات گواه سؤال می شود ( نام و نام خانوادگی ، شغل ، سن ، محل اقامت ، داشتن قرابت نسبی یا سببی یا رابطه خادم و مخدومی با اصحاب دعوا) (م ۲۳۶ ق.آ.د.م.)
- ۳- دادگاه قبل از اداء گواهی مجازاتی که برای گواهی کاذب مقرر است به گواه تذکر می دهد. (مواد ۶۵۰ ق.م.ا و ۲۳۶ ق.آ.د.م.)
- ۴- دادگاه می تواند برای تأمین آزادی گواه ، گواهی او را بدون حضور اصحاب دعوا استماع نموده و پس از ادای گواهی به اطلاع اصحاب دعوا برساند. (م ۲۳۷ ق.آ.د.م.)
- ۵- سؤال از شاهد از سوی اصحاب دعوا (م ۲۳۸ ق.آ.د.م.)
- ۶- منعکس شدن عین گواهی گواهان در صورت مجلس و امضاء کردن او و در صورت عدم امضاء در صورت مجلس قید می شود (م ۲۴۰ ق.آ.د.م.)

**چگونگی اداء  
شهادت :**

- ۱- دادگاه نمی تواند گواه را به اداء گواهی ترغیب نماید .
- ۲- دادگاه نمی تواند گواه را از اداء گواهی منع نماید .
- ۳- دادگاه نمی تواند گواه را در کیفیت گواهی راهنمایی کند .
- ۴- دادگاه نمی تواند گواه را در بیان مطالب کمک کند .

**موارد منع دادگاه  
در مورد گواه :**  
(م ۲۳۹ ق.آ.د.م.)



فصل هفتم - رسیدگی به ادله اثبات دعوا ■ ۱۷۹

- ۱- در صورتیکه بین گواه و یکی از اصحاب دعوا قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم باشد .
- ۲- در صورتیکه بین گواه و یکی از اصحاب دعوا رابطه خادم و مخدومی باشد .
- ۳- در صورتیکه بین گواه و کسی که گواهی بر ضرر او داده می شود دعوی مدنی یا جزایی فعلاً مطرح باشد و یا دعوی مدنی یا جزایی سابقاً مطرح بوده و هنوز ۵ سال در صورت جنایی بودن و ۲ سال در صورت جنحه بودن نگذشته باشد .

### موارد جرح گواه: (۱)

- ۱- دادگاه می تواند گواهی گواه را در منزل توسط یکی از قضات دادگاه استماع کند .
- ۲- دادگاه می تواند گواهی گواه را در محل کار توسط یکی از قضات دادگاه استماع کند .
- ۳- دادگاه می تواند گواهی گواه را در محل دعوا توسط یکی از قضات استماع کند .

### تکلیف دادگاه در صورت معذور بودن گواه از حضور در دادگاه : ( م ۲۴۴ ق.آ.د.م. )

- ۱- در حق الله شهادت بر شهادت پذیرفته نیست  
( مفهوم مخالف م ۲۳۱ ق.آ.د.م. )
- ۲- در حق الناس شهادت تبرعی قبول نیست ولی در حق الهی قبول است . ( تبصره ۲ م ۱۵۵ ق.آ.د.ک. )
- ۳- تشخیص ارزش شهادت با دادگاه است . ( م ۲۴۱ ق.آ.د.م. )

### موارد مهمه شهادت :

۱- منظور از جرح عبارتست از ادعای فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد مقرر کرده است . ( دکتر بهرامی ، بهرام ، همان منبع ، ص ۲۲۷ )

- ۱- دعاوی باید از جنبه حق الناسی برخوردار باشد  
اعم از جزایی یا مدنی  
۲- در صورت غیبت  
۳- در صورت بیماری شاهد اصلی  
۴- در صورتیکه شاهد اصلی در سفر باشد .  
۵- در صورتیکه شاهد اصلی در حبس باشد .  
۶- در صورت فوت شاهد اصلی ( م ۱۳۲۰ ق.م. )
- مصادیق شهادت بر شهادت :**  
( م ۲۳۱ ق.آ.د.م. )

- ۱- در امور مدنی : در صورت عدم حضور شاهد برای اداء شهادت ، حتی بدون عذر موجه ، شاهد دوباره احضار می شود و نمی توان شاهد را جلب نمود . ( م ۲۴۳ ق.آ.د.م. )<sup>(۱)</sup>
- جلب شاهد :**
- ۲- در امور کیفری : اگر حضور شاهد ضروری باشد و عدم حضور اخلال در نظم و امنیت باشد و بدون عذر موجه حاضر نشود شاهد جلب خواهد شد . ( م ۱۵۹ ق.آ.د.ک. )

فصل هفتم - رسیدگی به ادله اثبات دعوا ■ ۱۸۱

- ۱- اقرار، خبر دادن از ثبوت حق یا واقعه‌ای برای غیر و علیه خود است اما شهادت خبر دادن از ثبوت حقی برای غیر و علیه غیر می باشد. (م ۱۲۵۹ ق.م. ، ۲۲۹ ق.آ.د.م.)
- ۲- اقرار از سوی طرف دعوا می باشد اما شهادت از سوی شخصی غیر از طرف دعوا صورت می گیرد.
- ۳- اقرار قاضی را ملزم به تصمیم گیری علیه مقرر می کند اما شهادت الزامی برای دادگاه ایجاد نمی کند.
- ۴- اقرار، دلیل اثبات غیر عادی است که قابل رجوع نمی باشد اما شهادت دلیل عادی است که می توان از آن رجوع کرد.
- ۵- اقرار دلیل احتیاطی است که هنگام فقدان ادله دیگر معمولاً به آن متوسل می شود اما شهادت دلیل اصلی است که معمولاً به آن توسل می جویند.
- ۶- اقرار قدرت مطلق دارد اما شهادت در اکثر نظامهای حقوقی قدرت اثباتی محدود دارد.
- ۷- اقرار دلیل نسبی است که فقط علیه مقرر و قائم مقام وی مؤثر است اما شهادت نسبت به اشخاص ثالث نیز اثر دارد.
- ۸- شاهد از روی جزم آنچه را که دیده و شنیده است بازگو می کند اما اقرار کننده گاهی از روی ظن اقرار می کند.
- ۹- اقرار کننده را نمی توان مجبور به اقرار یا راستگویی کرد اما شاهد ملزم می شود و سوگند می خورد که راست بگوید.

### تفاوت اساسی اقرار با شهادت :

۱- آثار و پیامد گواهی معتبر: اینگونه گواهی از اثر اثباتی بالایی برخوردار بوده و جزء ادله مندرج در ماده ۱۲۵۸ ق.م.می باشد.

۱- گواهی دروغ نزد مقامات رسمی

جرم محسوب می شود.

( م ۶۵۰ ق.م.ا.)

۲- هرگاه معلوم شود خلاف واقع بوده به آن ترتیب اثر داده نمی شود.

( م ۱۳۱۹ ق.م.)

۳- رأی که بر اساس شهادت کذب بوده قابل اعاده دادرسی است.

۲- آثار و پیامد

گواهی کذب:

### آثار و پیامدهای

شهادت: (۱)

۱- رجوع قبل از صدور که دادگاه به

آن ترتیب اثر نمی دهد. ( م ۱۳۱۹ ق.م.)

۲- رجوع پس از صدور رأی قاطع

که این رأی قابل تجدیدنظر و فرجام و واخواهی است.

۳- رجوع بعد از صدور رأی قطعی از

موارد اعاده دادرسی است.

۳- آثار و

پیامدهای رجوع

از گواهی:

- |                            |  |
|----------------------------|--|
| ۱- اصل طلاق و اقسام آن     | } مواردیکه با گواهی ۲<br>مرد ثابت می شود : (بند<br>الف م ۲۳۰ ق.آ.د.م.) |
| ۲- رجوع از طلاق            |  |
| ۳- دعاوی غیر مالی          |  |
| ۴- مسلمان بودن             |  |
| ۵- بلوغ                    |  |
| ۶- جرح و تعدیل             |  |
| ۷- عفو از قصاص             |  |
| ۸- وکالت ← غیر مالی باشد . |  |
| ۹- وصیت ← غیر مالی باشد .  |  |
| ۱۰- قذف                    |  |
| ۱۱- شرابخواری              |  |
| ۱۲- نسب                    |  |
| ۱۳- حد سرقت                |  |

- مواردیکه با گواهی دو  
مرد یا یک مرد و دو  
زن ثابت می شود :  
(بند ب م  
۲۳۰ ق.آ.د.م.)
- ۱- دعاوی مالی یا آنچه که مقصود از آن مال باشد .
  - ۲- دین
  - ۳- ثمن مبیع
  - ۴- معاملات
  - ۵- وقف
  - ۶- اجاره
  - ۷- وصیت به نفع مدعی
  - ۸- غصب
  - ۹- جنایات خطایی و شبه عمد که موجب دیه است .
  - ۱۰- اصل طلاق

- مواردیکه با گواهی دو مرد یا یک  
مرد و دو زن یا ۴ زن ثابت می شود :  
( بند ج م ۲۳۰ ق.آ.د.م )
- ۱- عیوب زنان
  - ۲- ولادت
  - ۳- رضاع ( شیر دادن )
  - ۴- بکارت ( باکره بودن )

- مواردیکه با گواهی ۴ مرد  
ثابت می شود :
- ۱- زنا ( م ۷۴ ق.م.ا. )
  - ۲- لواط ( م ۱۱۷ ق.م.ا. )
  - ۳- مساحقه ( مالیدن فرج زنی با فرج زن )
  - (دیگر)

- ۱- هر دعوای مالی یا هر چیزی که مقصود و مطلوب آن مال باشد .
- ۲- دین و قرض
- ۳- غصب
- ۴- عقود معوض
- ۵- بیع
- ۶- صلح
- ۷- جنایتی که موجب دیه است مثل خطاء و عمد و شبه عمد
- ۸- کشتن فرزند توسط پدر
- ۹- شکستن استخوان
- ۱۰- جائفه ← زخمی که به جوف و باطن وارد می شود .
- ۱۱- مأمومه ← زخمی که بر سر وارد می شود .
- ۱۲- کشتن کافر توسط مسلمان
- ۱۳- مهریه
- ۱۴- نفقه
- ۱۵- ضمان به تلف

مواردیکه با گواهی یک مرد یا دو زن به همراه قسم آنان ثابت می شود: (۱)  
( م ۲۷۷ ق.آ.د.م. )

۱- این موارد زمانی است که شخص بینه‌ای نداشته و با یک شاهد و یک قسم خوردن می تواند دعوای خود را ثابت کند

## مبحث پنجم - امارات

- ۱- اماره قانونی : اوضاع و احوالی که قانون آن را دلیل بر امری شناخته است .  
۲- اماره قضایی : اوضاع و احوالی که به نظر قاضی دلیل بر امری شناخته می شود .
- اقسام اماره :**  
( م ۱۳۲۱ ق.م. )

- ۱- تصرف بعنوان مالکیت دلیل بر مالکیت است ( م ۳۵ ق.م. )  
۲- دیواری که ما بین دو ملک واقع است مشترک بین صاحب آن دو ملک است ( م ۱۰۹ ق.م. )  
۳- بنا بطور ترصیف و وضع سرتیر از جمله قرائن است ( م ۱۱۰ ق.م. )  
۴- طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است ( م ۱۱۵۸ ق.م. )  
۵- طفلی که بعد از انحلال نکاح متولد شود ملحق به شوهر است . ( م ۱۱۵۹ ق.م. )
- مصادیق اماره قانونی :**  
( م ۱۳۲۲ ق.م. )

- ۱- معاینه محل ( م ۲۴۸ ق.آ.د.م. )  
۲- تحقیق محلی ( م ۲۴۸ ق.آ.د.م. )  
۳- کارشناسی ( م ۲۵۷ ق.آ.د.م. )
- مصادیق اماره قضایی :**



۱- اماره قانونی در قانون محدود و احصاء شده‌اند (مصادق ماده ۱۳۲۲ ق.م.) ولی اماره قضایی نامحدود و نامشخص هستند.<sup>(۱)</sup>

۲- اماره قانونی شبیه اصول عملیه است یعنی تا زمانیکه خلاف آن نباشد لازم الاتباع است ولی اماره قضایی به نظر دادرس دادگاه است.<sup>(۲)</sup>

۳- اماره قانونی مبتنی بر ظن نوعی است در حالیکه اعتبار اماره قضایی از نظر کاشفیت از حق و واقع در مورد خاصی می‌باشد.<sup>(۳)</sup>

۴- اماره قضائی عمل قاضی است اما اماره قانونی عمل قانونگذار است.

۵- اماره قضائی دلیل اثبات است اما اماره قانونی وسیله معافیت از اثبات است.

۶- حصول ظن در اماره قانونی شرط نیست اما در اماره قضائی شرط است.

### تفاوت اماره قانونی و قضایی :

## مبحث ششم - معاینه محل و تحقیق محلی

۱- قرار معاینه محل می تواند رأساً توسط دادگاه صادر شود. (۱)	موارد صدور قرار معاینه محل (م ۲۴۸ ق.آ.د.م.)
۲- قرار معاینه محل می تواند به درخواست هر یک از اصحاب دعوا صادر شود. (۲). (۳). (۴). (۵). (۶)	
۱- توسط دادرس دادگاه ( زمانیکه قرار معاینه محل یا تحقیق محلی مبنای رأی باشد. ) (۷)	نحوه اجرای قرار معاینه و تحقیق محلی : (م ۲۵۰ ق.آ.د.م.)
۲- توسط قاضی تحقیق (۸). (۹)	

- 
- ۱- رأی شماره ۳۵۸۹-۱۳۲۷/۵/۲۶ دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۲۲۸)
  - ۲- رأی شماره ۲۲۰/۱۶۲۴ مورخ ۱۳۰۸/۲/۳۱ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۲۷)
  - ۳- رأی اصرای شماره ۲۹۸۳-۱۳۳۷/۱۰/۳۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۲۸)
  - ۴- حکم شماره ۳۴۹۸-۱۹/۱۰/۲۹ شعبه ۱ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۲۹)
  - ۵- حکم شماره ۶۸۴-۲۵/۴/۲۰ شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳۱)
  - ۶- حکم شماره ۳۲۳۰-۲۹/۹/۳۰ شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳۰)
  - ۷- نظریه ۱۰۹۱۲-۷/۱۰۹۱۲-۱۳۷۹/۱۱/۳۰ ا.ح.ق (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳۱)
  - ۸- رأی شماره ۳۷۶-۱۳۰۸/۳/۲- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳۲)
  - ۹- حکم شماره ۲۵۳۷-۲۱/۸/۱۷ شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳۳)

- ۱- در صورتیکه در مرحله بدوی باشد و قاضی نتواند بدون آن رأی صادر کند قرار ابطال دادخواست صادر می‌شود .
- ۲- در صورتیکه در مرحله تجدیدنظر باشد تجدیدنظر خواهی متوقف گردیده اما این امر مانع اجرای حکم بدوی نیست .
- ضمانت اجرای عدم تهیه وسایل اجرای قرار معاینه و تحقیق محلی : (م ۲۵۶ ق.آ.د.م.)**

- ۱- از اماره های قضایی محسوب می‌شود .
- ۲- حجت است .
- ۳- موجب علم قاضی است . (م ۲۲۵ ق.آ.د.م.)
- ۴- موجب اطمینان و مؤثر در عمل قاضی است . (۲۲۵ ق.آ.د.م.)
- ویژگی تحقیق محلی و معاینه محل :**

### مبحث هفتم - کارشناسی

- موارد ارجاع امر به کارشناس :
- ۱- ارجاع به کارشناسی بر حسب نظر دادگاه ( م ۲۵۷ ق.آ.د.م. )<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>
  - ۲- ارجاع به کارشناسی بر حسب نظر هر دو طرف دعوا ( م ۲۵۷ ق.آ.د.م. )
  - ۳- ارجاع به کارشناسی بر حسب تقاضای یکی از اصحاب دعوا ( ملاک ماده ۶۳ ق.آ.د.م. )
  - ۴- ارجاع به کارشناس بر حسب امر قانون ( ملاک ماده ۱۹۹ ق.آ.د.م. )<sup>(۳)</sup>،<sup>(۴)</sup>

- انواع کارشناس :
- ۱- کارشناس رسمی ( م ۱ قانون راجع به کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۱۷ )
  - ۲- کارشناس غیر رسمی

۱- رأی شماره ۱۲۹۲/۶۳۱۹ مورخ ۱۳۰۹/۹/۱۵ - آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳۶)

۲- رأی شماره ۲۲۰/۱۶۲۴ مورخ ۱۳۰۸/۲/۳۱ - آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳۶)

۳- حکم شماره ۳۱۳۵ - ۱۹/۹/۳۰ - شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳۷)

۴- رأی اصراری شماره ۱۶۷۳ - ۱۳۳۷/۷/۶ - هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۳۷)

فصل هفتم - رسیدگی به ادله اثبات دعوا ■ ۱۹۱

۱- موضوع قرار کارشناسی : موضوعی که به کارشناسی ارجاع می شود باید از جنبه فنی و تخصصی برخوردار باشد و تشخیص این موضوع بر عهده دادگاه است .

( م ۲۵۷ ق.آ.د.م. )<sup>(۱)</sup>

۲- تعداد و مشخصات کارشناس : کارشناسان باید مورد وثوق دادگاه بوده و عده منتخبین باید فرد باشد . ( م ۲۵۸

ق.آ.د.م. )<sup>(۲)</sup> .<sup>(۳)</sup>

۳- مدت اظهار نظر کارشناس : مدتی را که کارشناس باید نظر خود را تسلیم دادگاه بنماید طبق نظر قاضی تعیین

می شود . ( م ۲۶۲ ق.آ.د.م. )<sup>(۴)</sup>

۴- دستمزد کارشناس : که دادگاه حق الزحمه کارشناس را با رعایت اهمیت و کیفیت و کمیت کار تعیین می کند .

( م ۲۶۴ ق.آ.د.م. )

۵- مهلت پرداخت دستمزد کارشناس : مدت ایداع دستمزد کارشناس یک هفته از تاریخ ابلاغ است .

( م ۲۵۹ ق.آ.د.م. )<sup>(۵)</sup>

### ارکان قرار کارشناسی :

- 
- ۱- حکم شماره ۳۱۳۵ - ۱۹/۹/۳۰ - شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۲۳۷)
  - ۲- رأی شماره ۴۶۵۱ - ۱۳۲۱/۱/۲۹ - دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۲۳۹)
  - ۳- رأی شماره ۲۱۴۸ - ۱۳۱۶/۵/۳۰ - دادگاه عالی را انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۲۳۹)
  - ۴- رأی شماره ۵۴ - ۱۳۷۵/۳/۳۱ - دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۲۳۷)
  - ۵- رأی شماره ۲۷۵ - ۱۳۷۶/۹/۳ - شعبه دوم دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۲۴۰)

- ۱- عدم ایداع دستمزد در صورتیکه در مرحله بدوی بوده و دادگاه نتواند بدون نظر کارشناس حتی با سوگند رأی صادر کند دادخواست ابطال می شود .
- ۲- عدم ایداع دستمزد کارشناس در مرحله تجدید نظر ، موجب توقف تجدید نظر خواهی می شود ولی مانع اجرای حکم بدوی نخواهد بود .

**ضمانت اجرای عدم ایداع دستمزد کارشناس :**  
( م ۲۵۹ ق.آ.د.م. )

- ۱- نظر کارشناس باید صریح و موجه باشد (م ۲۶۲ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۲- نظر کارشناس باید منجز باشد
- ۳- نظر کارشناس باید در خصوص موضوع کارشناسی باشد . (م ۲۵۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup> .<sup>(۳)</sup> .<sup>(۴)</sup>
- ۴- کارشناس باید نظریه خود را در مهلت تعیین شده به دادگاه اعلام دارد . (م ۲۶۲ ق.آ.د.م.)
- ۵- نظریه کارشناس باید کتبی و به زبان فارسی باشد و در صورت شفاهی بودن باید در صورت مجلس دادگاه نوشته شود . (مواد ۲۶۱ و ۲۶۳ ق.آ.د.م.)

**جهاتی که باید در نظریه کارشناسی رعایت شود :**

---

۱- رأی شماره ۱۶۳۵-۱۳۲۱/۵/۳۱- شعبه اول دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع .ص ۲۴۱)  
۲- رأی شماره ۸۱۴-۱۳۰۹/۱۰/۱۴ دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع .ص ۲۴۴)  
۳- رأی شماره ۱۱۱۹-۱۳۱۱/۷/۲۷- دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع .ص ۲۴۴)  
۴- نظریه شماره ۷/۶۶۱-۱۳۷۹/۷/۱۹- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع .ص ۲۴۵)

فصل هفتم - رسیدگی به ادله اثبات دعوا ■ ۱۹۳

- ۱- تعیین کارشناس دیگر به منظور کارشناسی<sup>(۱)</sup>
- ۲- در صورتیکه قبل از انتخاب یا اخطار به کارشناس دیگر نظر کارشناس به دادگاه واصل شود دادگاه ضمن ترتیب اثر به آن، تخلف کارشناس را به مرجع صلاحیتدار اعلام می‌دارد.<sup>(۲)</sup>
- ۳- در صورتی که هر یک از اصحاب دعوا از تخلف کارشناسی متضرر شود می‌تواند از کارشناس مطالبه ضرر نماید.

**ضمانت اجرای عدم  
اعلام نظریه کارشناس در  
موعد مقرر:  
( م ۲۶۲ و ۲۶۷  
ق.آ.د.م.)**

#### مبحث هشتم - سوگند

- ۱- درخواست سوگند بصورت کتبی: مدعی ضمن دادخواست یا بعد از دادخواست، درخواست سوگند می‌نماید.
- ۲- درخواست بصورت شفاهی: که در حین دادرسی و در صورت مجلس قید و به امضاء وی می‌رسد.

**نحوه درخواست  
سوگند  
( م ۲۸۴ ق.آ.د.م.)**

۱- حکم شماره ۱۱۷۹-۱۳۲۴/۸/۱- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۲۴۳)

۲- رأی شماره ۲۰۸-۱۳۷۷/۶/۱۶- شعبه دوم دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع. ص ۲۴۱)

- |   |  |                          |
|---|--|--------------------------|
| <p>۱- سوگند و زراء<br/>                 ۲- سوگند رئیس جمهور<br/>                 ۳- سوگند اطباء ( سوگندنامه<br/>                 سقراط )<br/>                 ۴- سوگند و کلاء<br/>                 ۵- سوگند قضات</p>  | <p>۱- سوگند عهدی<br/>                 ( یمین العقد ) : (۲)</p> | <p>اقسام سوگند : (۱)</p> |
| <p>۱- سوگند بتی ( سوگندی که قاطع<br/>                 دعواست )<br/>                 ۲- سوگند تکمیلی یا متمم ( سوگندی که<br/>                 برای تکمیل ادله دیگر موجود در پرونده به<br/>                 کار می رود ) ( مواد ۲۷۱ و ۲۷۷ ق.آ.د.م. )<br/>                 ۳- سوگند تکمیلی اصلی ( م ۲۷۸ و ۲۷۹<br/>                 ق.آ.د.م. )<br/>                 ۴- سوگند استظهاری : دعوایی که بر علیه<br/>                 میت اقامه می شود در صورتیکه اصل حق<br/>                 ثابت شده و بقای آن در نظر حاکم ثابت نشده<br/>                 است ( م ۱۳۳۳ ق.م. )<br/>                 ۵- سوگند استیثاقی : سوگندی است که در<br/>                 موارد معین برای ایجاد اطمینان و اعتماد به<br/>                 عمل می آید .</p> | <p>۲- سوگند<br/>                 قضایی : (۳)</p>               |                          |
| <p>۳- سوگند نذری : هرگاه شخصی قسم یاد کند و به موجب<br/>                 آن انجام فعل واجب یا مستحب و یا ترک مکروه و یا<br/>                 حرامی را شرط کند .</p>   |  |                          |

۱- دکتر بهرامی ، بهرام ، آئین دادرسی مدنی ، ج ۲ ، تهران : انتشارات نگاه بینه ، چاپ نهم ۱۳۸۵ ، صص ۱۲۴ .

۲- سوگندی است که به موجب آن شخص متعهد می شود مأموریت ، وظیفه و یا اقدامی را با شرایط معین و مشخص انجام دهد .

۳- سوگندیست که برای اثبات یا اسقاط یا امری نزد قاضی به عمل می آید .



- ۱- کلیه دعاوی و سایر حقوق الناس ( م ۲۷۱ ق.آ.د.م. )
- ۲- کلیه دعاوی که قابل اثبات با دیگر ادله نمی باشد ( م ۱۳۲۵ ق.م. ) و ( ۲۷۲ ق.آ.د.م. )
- ۳- در کلیه دعاوی که مقصود از آن مال هست ( م ۲۷۷ ق.آ.د.م. )
- ۴- در کلیه دعاوی مالی که به هر علت و سببی بر ذمه تعلق می گیرند . ( م ۲۷۷ ق.آ.د.م. )
- ۵- مدعی علیه نیز می تواند در صورتیکه مدعی سقط دین یا تعهد یا نحو آن باشد حکم به دعوی را منوط به قسم مدعی کند . ( م ۱۳۲۶ ق.م. )

**دعاوی قابل  
اثبات با سوگند  
بتّی :  
( قاطع دعوا )**

- ۱- ادعا باید فاقد ادله باشد ( م ۱۹۷ و ۲۷۲ و ۲۷۵ ق.آ.د.م. )
- ۲- ادعا به شخص اداء کننده سوگند منتسب باشد ( م ۱۳۲۷ ق.م. و م ۲۷۲ و ۲۸۰ ق.آ.د.م. )
- ۳- امراز اموری باشد که می تواند موضوع سوگند واقع شود ( م ۱۳۳۵ ق.م. و ۲۷۱ ق.آ.د.م. )

**شرایط ماهوی  
اتیان سوگند :**

- ۱- مدعی باید استناد به سوگند کند ( م ۲۷۰ و ۲۸۳ ق.آ.د.م. )
- ۲- قرار اتیان سوگند باید از طرف دادگاه صادر شود ( م ۲۷۰ ق.آ.د.م. )
- ۳- دعوت برای اتیان سوگند ( م ۲۸۶ ق.آ.د.م. )
- ۴- صیغه سوگند یعنی اینکه سوگند باید با چه الفاظی بیان گردد . ( م ۲۸۱ ق.آ.د.م. )
- ۵- تغلیظ سوگند : یعنی اینکه دادگاه می تواند نظر به اهمیت موضوع دعوا مقرر دارد که قسم با انجام تشریفات خاص مذهبی یاد شود . ( م ۱۳۲۸ مکرر ق.م. و م ۲۸۱ ق.آ.د.م. )

**تشریفات اتیان سوگند :**

- ۱- اداء سوگند باید مطابق قرار دادگاه باشد .
- ۲- سوگند باید با لفظ جلاله - ولله - بالله - تالله اداء شود .
- ۳- نام خداوند متعال در سایر زبانها به همان زبان اداء می گردد.

**نحوه اداء سوگند ( ۲۸۱ ق.آ.د.م. )**

- ۱- سوگند کسی که مسلمان نیست ولی اهل کتاب است و به خدا ایمان دارد قابل قبول است .
- ۲- سوگند کسی که مسلمان و اهل توحید نیست بر علیه مسلمان قبول نیست .

**سوگند غیر مسلمان :**

فصل هفتم - رسیدگی به ادله اثبات دعوا ۱۹۷

۱- در سوگند استظهاری دادرس دادگاه از خواهان تقاضای سوگند می کند ولی در سوگند بتی متقاضی سوگند تقاضای سوگند می کند. ( م ۱۳۳۳ و ۱۳۲۵ ق.م. و م ۲۷۰ و ۲۷۸ ق.آ.د.م. )

۲- سوگند استظهاری را خواهان نمی تواند به خوانده رد نماید اما سوگند بتی قابل رد به طرف می باشد ( م ۱۳۲۸ و ۱۳۳۳ ق.م. و مواد ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۶ ق.آ.د.م. )

۳- سوگند استظهاری محدود به مورد مشخص است ولی سوگند بتی محدودیتی ندارد. ( م ۱۳۳۳ ق.م. و مواد ۲۷۱ ، ۲۷۷ ، ۲۷۸ و ۲۷۹ ق.آ.د.م. )

۴- سوگند استظهاری مخصوص خواهان است ولی سوگند بتی از جانب هر یک از اصحاب دعوا ممکن است ادا شود

### تفاوت سوگند بتی و استظهاری: (۱)

۱- نکول مطلق: زمانی است که چه خواهان و چه خوانده از ادای سوگند خودداری کنند و از اختیاری که در رد سوگند دارند نیز استفاده نکنند ( م ۱۳۲۸ ق.م. و ۲۷۳ ق.آ.د.م. )

۲- سکوت مدعی اگر از باب تعمد و ایذاء باشد نکول محسوب می شود. ( م ۲۷۶ ق.آ.د.م. )

۳- حضور شخص در محکمه و امتناع وی از ادای سوگند. ( م ۲۸۶ ق.آ.د.م. )

۴- عدم حضور بعد از صدور قرار اتیان سوگند بدون عذر موجه قانونی ( ملاک ماده ۳۰۶ و م ۲۸۶ ق.آ.د.م. )

### نکول سوگند:

- ۱- دادگاه اتیان سوگند را به طرف دعوا ردّ می کند .  
۲- دادگاه با اتیان سوگند طرف دعوا حکم را صادر می کند .  
۳- در صورت امتناع طرف دعوا بعد از ردّ سوگند دعوا ساقط شود .
- وظیفه دادگاه بعد از نکول سوگند :**  
( م ۲۸۶ ق.آ.د.م.)

- دادگاه در صورتی که اداء کننده سوگند بواسطه عذر موجه نتواند در دادگاه حاضر شود یکی از موارد ذیل را انجام می دهد :
- الف- دادگاه حسب مورد وقت دیگری را برای سوگند تعیین می کند .  
ب- دادرس دادگاه نزد اداء کننده سوگند حاضر می شود .  
ج- دادرس دادگاه به قاضی دیگری نیابت می دهد تا او را سوگند داده و صورت مجلس را برای دادگاه ارسال تا براساس آن رأی صادر کند .
- وظیفه دادگاه در صورت عدم حضور اداء کننده سوگند باوجود عذر موجه :**  
( ۲۸۸ ق.آ.د.م.)

- ۱- قسم قاطع دعواست . ( تبصره م ۱۳۳۱ ق.م.)  
۲- عدم تسرّی قسم به اشخاص ثالث ( م ۱۳۳۲ ق.م.)  
۳- داشتن مجازات سوگند دروغ ( م ۶۴۹ ق.ا.م.)
- آثار سوگند :**

۱- مدعی: بر وجود یا وقوع ادعایی قسم می خورد  
( مثل اینکه می گوید: قسم می خورم که این کار انجام شده )  
۲- منکر: بر عدم وجود یا وقوع ادعا قسم می خورد  
( مثل اینکه می گوید: قسم می خورم که فلان چیز نزد من نیست . )

**طرز اداء سوگند مدعی و منکر:**  
( م ۲۸۵ ق.آ.د.م. )

۱- پیش از صدور حکم: اگر کسی که سوگند یاد نموده و قبل از صدور حکم اقرار بر کذب بودن سوگند بنماید دادگاه به آن سوگند ترتیب اثر نمی دهد .  
۲- پس از صدور حکم: سوگند قاطع دعوا بوده و هیچگونه اظهاریه که منافی قسم باشد بعد از صدور حکم قابل قبول نمی باشد . ( م ۱۳۳۱ ق.م. )

**پذیرش دلایل منافی سوگند:**

### مبحث نهم - نیابت قضایی

۱- نیابت داخلی: ( م ۲۹۰ ق.آ.د.م. )  
۲- نیابت بین المللی ( خارجی ): ( م ۲۹۱ ق.آ.د.م. )

**انواع نیابت قضایی:**

- موارد اعطای نیابت:**  
(م.د.آ. ۲۹۰ م.)
- ۱- نیابت برای تحقیقات از مطلعین و گواهان
  - ۲- نیابت برای معاینه محلی
  - ۳- نیابت قضایی برای هر اقدامی که خارج از مقر دادگاه است.
  - ۴- نیابت قضایی برای انجام هر عملی که مباشرت دادگاه در آن شرط نباشد.

- نحوه اجرای نیابت بین المللی:**
- ۱- اعطای نیابت دادگاه ایران به دادگاه خارج: در این نوع نیابت دادگاه ایران نحوه بررسی و تحقیق را برابر قوانین ایران تعیین و انجام آن را از دادگاه خارجی مطالبه می کند. (م ۲۹۴ ق.آ.د.م.)
  - ۲- اعطای نیابت دادگاه خارجی به دادگاه ایران: (م ۲۹۳ ق.آ.د.م.)
- ۱- دادگاه ایران نیابت قضایی را می تواند برابر قانون خود انجام دهد.
  - ۲- در صورتیکه شرایط خاصی برای نیابت از سوی دادگاه خارجی معین شده باشد. دادگاه ایران طبق شرایط م ۲۹۳ می تواند مورد نیابت را انجام دهد.

- شرایط اجرای موضوع نیابت دادگاه خارجی در ایران:**  
(م ۲۹۳ ق.آ.د.م.)
- ۱- به شرط معامله متقابل
  - ۲- انجام مورد نیابت مخالف با موازین اسلام نباشد.
  - ۳- انجام مورد نیابت بر خلاف قوانین مربوط به نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد.

# فصل هشتم

## رأى

## مبحث اول - اقسام رأی و تفاوت آنها

اقسام رأی :  
(م ۲۹۹ ق.آ.د.م.)

۱- حکم :  
به معنای عام ← تصمیمات قضایی  
و اداری را گویند .  
به معنای خاص ← تصمیمات  
قضایی را گویند .

۲- قرار

تعریف حکم و  
قرار :  
(م ۲۹۹ ق.آ.د.م.)

حکم : چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا و قاطع  
آن به صورت جزئی یا کلی باشد را گویند .<sup>(۱)</sup>  
قرار : چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوا نبوده و یا  
قاطع آن نباشد را قرار گویند .<sup>(۲). (۳). (۴)</sup>

۱- رأی شماره ۱۰۲۲-۱۳۱۰/۱۲/۴- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۲۶۲)

۲- رأی شماره ۳۳۳/۳۷۸۴ مورخه ۱۳۰۹/۳/۱۴ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۶۲)

۳- رأی شماره ۴۹۴/۲۰۹۳ مورخه ۱۳۰۸/۵/۷- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۶۲)

۴- ۱۳۷۷/۴/۲۹-۷/۱۴۴۱ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۲۶۳)



۱- حکم همیشه از طرف دادگاه صادر می شود آن هم پس از رسیدگی در ماهیت دعوا ولی قرار ممکن است از طرف دادگاه ، دادستان ، بازپرس ، دادیار ، و یا مدیر دفتر دادگاه هم صادر شود . ( مواد ۵۳ تا ۵۶ و ۳۴۲ تا ۳۴۵ ق.آ.د.م. )

۲- در مورد قرار مسئله حضوری و غیابی مطرح نمی باشد . در حالی که احکام ممکن است حضوری یا غیابی باشند .

۳- احکام علی الاصول قابل تجدید نظرند مگر اینکه قانون منع کرده باشد در حالی که قرارها به تنهایی قابل تجدید نظر نبوده مگر در مواردیکه قانون تجویز کرده باشد .

۴- حکم به رسیدگی در دادگاه پایان می دهد در حالی که قرار فقط گاهی ممکن است چنین اثری داشته باشد .

۵- درخواست اعاده دادرسی نسبت به قرارها جایز نیست و صرفاً نسبت به احکام می توان تقاضای اعاده دادرسی نمود . ( م ۴۲۶ ق.آ.د.م. )

۶- در احکام نیاز به تقدیم دادخواست و تحقیق است ولی در قرارها تقدیم دادخواست شرط نیست و می تواند به صورت درخواست هم باشد .

## تفاوت حکم و قرار: (۱)

- ۱- تاریخ صدور رأی .  
 ۲- مشخصات اصحاب دعوا یا وکیل یا نمایندگان قانونی آنان با قید اقامتگاه  
 ۳- موضوع دعوا و درخواست طرفین . (۱). (۲)  
 ۴- جهات ، دلیل ، مستندات ، اصول و مواد قانونی که رأی بر اساس آنها صادر شده است . (۳). (۴). (۵)  
 ۵- مشخصات و سمت دادرس یا دادرسان دادگاه .  
 ۶- قابل اعتراض یا قطعی بودن حکم .
- رأی باید حاوی چه نکاتی باشد : (م ۲۹۶ ق.آ.د.م.)**

- ۱- و اخواهی (م ۳۰۵ ق.آ.د.م.)  
 ۲- تجدیدنظر (م ۳۳۱ ق.آ.د.م.)
- ۱- طرق عادی شکایت از رأی  
 ۲- طرق فوق العاده شکایت از رأی
- طرق شکایت از آراء غیر قطعی :**
- ۱- فرجام خواهی (م ۳۶۷ ق.آ.د.م.)  
 ۲- اعتراض شخص ثالث (م ۴۱۷ ق.آ.د.م.)

- ۱- اعاده دادرسی (از طرق فوق العاده شکایت نیز محسوب می شود) (م ۴۲۶ ق.آ.د.م.)  
 ۲- شعب تشخیص (تبصره ۲ ذیل م ۱۸ قانون اصلاحی ق.ت.د.ع.ا.)
- طرق شکایت از آراء قطعی :**

۱- رأی شماره ۵۵۷/۲۸۹۶ مورخ ۱۳۰۹/۵/۱۲ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۶۰)  
 ۲- رأی شماره ۲۳۱-۱۳۲۲/۸/۲۳ شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۶۰)  
 ۳- رأی شماره ۱۶۵۵/۱۷۷۱- مورخ ۱۳۰۸/۱۱/۲۷ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۵۹)  
 ۴- رأی شماره ۱۵۱۹/۳۲۱۵ مورخ ۱۳۰۹/۱۰/۲۵ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۵۹)  
 ۵- رأی شماره ۱۱۹۱/۱۳۵۳- مورخ ۳ ذیحجه ۱۳۳۹- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۵۹)

### مبحث دوم - بررسی انواع حکم، ارکان و آثار آن

<p>۱- احکام از جهت اطلاع واقعی خواننده:</p> <p>۱- حکم قطعی: حکمی که قابل هیچ یک از طرق عادی شکایت (واخواهی، تجدیدنظر) نباشد. (م ۳۳۰ و تبصره ۱ م ۳۳۱ و ماده ۳۳۳ ق.آ.د.م.)</p> <p>۲- احکام از حیث قابلیت شکایت:</p> <p>۱- نهایی: حکمی که تمام مراحل دادرسی را طی کرده باشد یا حکمی که قابل فرجام نباشد. (م ۲۷ ق.ا.ح. و صدر م ۳۶۷ ق.آ.د.م.)</p> <p>۲- غیر نهایی (بند الف م ۳۶۷ ق.آ.د.م.)</p> <p>۳- احکام از حیث قابلیت فرجام:</p> <p>۱- لازم الاجرا بودن (م ۱ ق.ا.ا.م. و م ۱۷۵ ق.آ.د.م.)</p> <p>۲- غیر لازم الاجرا بودن</p> <p>۴- احکام از حیث اجرا:</p> <p>۱- حکم کشفی (اعلامی): حکمی است که حقی را که قبلاً وجود داشته اعلام می‌دارد. (مثل حکم خلع ید)</p> <p>۲- حکم تأسیسی: حکمی است که بیان انشاء حقی را از تاریخ صدور حکم می‌نماید. (مثل حکم طلاق، حکم تمکین و ورشکستگی)</p>	<p>انواع احکام: (۱)</p>
--	-----------------------------

<p>۱- حکم اعلانی : حکمی است که از طریق نشر در جراید و امثال آن به اطلاع عموم می‌رسد ( مثل حکم اعلان ورشکستگی )</p>	<p>۶- احکام از حیث قابلیت اطلاع :</p>	<p><b>انواع احکام:</b><sup>(۱)</sup></p>
<p>۲- حکم اعلامی یا ابلاغی : حکمی است که صرفاً به طرفین پرونده یا قائم مقام قانونی آنها ابلاغ می‌گردد ( مثل حکم تخلیه )</p>		
<p>۱- حکم قابل تجدیدنظر ( م ۱۹ ق.ت.د.ع.ا. و م ۳۳۰ ق.آ.د.م. )</p> <p>۲- حکم غیر قابل تجدیدنظر</p>	<p>۷- حکم از حیث قابلیت تجدید نظر :</p>	
<p>۱- حکم ترافعی : حکمی که دخالت دادگاه متوقف بر وقوع اختلاف و نزاع بین اشخاص است .</p>	<p>۸- احکام از حیث ترافعی و غیر ترافعی :</p>	
<p>۲- حکم حسبی : حکمی که دخالت دادگاه متوقف بر وقوع اختلاف نبوده و نیاز به شکایت و تظلم خواهی ندارد . ( م ۴۰ ق.ا.ح )</p>		
<p>۱- حکم اصراری ( م ۴۰۸ ق.آ.د.م. )</p> <p>۲- حکم عادی</p>	<p>۹- احکام از حیث قابلیت رسیدگی :</p>	

۱- دکتر بهرامی ، بهرام ، همان منبع ، ج ۲ ، صص ۶۳ الی ۶۶ .

- آثار حکم: (۱)
- ۱- داشتن قدرت اثباتی (م ۱۲۸۷ ق.م.)
  - ۲- پیروی از قاعده فراع دادرس (م ۸ ق.آ.د.م.)
  - ۳- پیروی از اعتبار امر قضاوت شده (بند ۶ م ۸۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
  - ۴- داشتن قابلیت شکایت (مواد ۳۰۵، ۳۳۰ و ۳۶۶ و ۴۱۷ و ۴۲۶ ق.آ.د.م.)
  - ۵- داشتن اثر نسبی: یعنی علی القاعده حکم منحصرأ نسبت به محکوم علیه یا قائم مقام او قابل اجرا است.
  - ۶- غیر قابل ابطال بودن حکم

- شرایط اجرای حکم:
- ۱- حکم باید قطعی شده باشد یا قرار اجرای موقت آن در مواردیکه قانون معین می کند صادر شده باشد. (م ۱ ق.ا.ا.م.)
  - ۲- ذینفع (اصیل، نماینده یا قائم مقام او) کتبأ تقاضای اجرای حکم را از دادگاه بنماید. (م ۲ ق.ا.ا.م.)
  - ۳- اجرای احکام منوط به ابلاغ آن به محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی وی می باشد. (م ۲ ق.ا.ا.م.)
  - ۴- موضوع حکم باید معین باشد. (مفهوم مخالف ماده ۳ ق.ا.ا.م.)
  - ۵- اجرای حکم با صدور اجرائیه بعمل می آید مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. (م ۴ ق.ا.ا.م.)
  - ۶- اگر حکم جنبه اعلامی داشته باشد نیازی به صدور اجرائیه نمی باشد. (م ۴ ق.ا.ا.م.)

۱- دکتر شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۲، صص ۲۲۵ الی ۲۲۹

۲- نظریه شماره ۷/۵۷۷۶-۱۳۶۲/۱۱/۲۰- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع. ص ۱۱۱)

۲۰۸ ■ آئین دادرسی مدنی در آئینه نمودار

- اوصاف حکم: (۱)**
- ۱- اصولاً حکم فقط در امور ترافعی مصداق دارد.
  - ۲- صدور حکم از سوی دادگاه صورت می‌گیرد.
  - ۳- حکم راجع به ماهیت دعوا می‌باشد.
  - ۴- حکم قاطع دعوا می‌باشد.

- استثنائات وارده بر قاعده فراغ دادرسی:**
- ۱- در صورتیکه از حکم درخواست تجدید نظر نشده خود دادگاه رأساً می‌تواند در صورت سهو قلم آن را تصحیح کند (م ۳۰۹ ق.آ.د.م.) (۲). (۳). (۴)
  - ۲- در صورت اجمال یا ابهام حکم خود دادرسی می‌تواند آن را تفسیر نماید. (م ۲۷ ق.ا.ا.م.) (۵)

- شرایط امر قضاوت شده: (۶)**
- ۱- وحدت اصحاب دعوا
  - ۲- وحدت موضوع دعوا
  - ۳- وحدت سبب دعوا

- تصحیح حکم بواسطه سهو قلم یا اشتباه چاپی:**
- ۱- اگر از حکم درخواست تجدید نظر نشده باشد دادگاه صادر کننده رأی رأساً آن را تصحیح می‌کند. (م ۳۰۹ ق.آ.د.م.)
  - ۲- اگر از حکم درخواست تجدید نظر شده باشد دادگاه تجدید نظر اشتباه مزبور را تصحیح خواهد نمود. (م ۳۵۱ ق.آ.د.م.)

۱- دکتر شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۲، صص ۲۱۲ الی ۲۱۴

۲- رأی شماره ۲۵۹/۲۲۰ مورخ ۴ محرم ۱۳۳۴ هجری - آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع. ص ۲۷۴)

۳- رأی شماره ۵۹۰-۱۳۰۹/۱/۲۵- دادگاه عالی انتظامی قضاوت (ر.ک. همان منبع. ص ۲۷۴)

۴- حکم شماره ۳۴۲۸-۲۱/۱۱/۲۸ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۲۷۵)

۵- رأی شماره ۳۸۷۰/۴۳۹۴ مورخ ۱۳۰۶/۱۲/۱۲- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۲۷۴)

۶- دکتر شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۱، صص ۴۶۲ الی ۴۶۵

## مبحث سوم - انواع قرار، مصادیق و آثار آن

<p>۱- قرارهای مقدماتی (اعدادی): جهت (ق.آ.د.م.)</p> <p>۲- قرار معاینه محل (م ۲۴۸ ق.آ.د.م.)</p> <p>۳- قرار کارشناسی (م ۲۵۷ ق.آ.د.م.)</p> <p>۴- قرار اتیان سوگند (مواد ۲۷۰ ق.آ.د.م.)</p> <p>۵- قرار تطبیق (م ۲۲۵ ق.آ.د.م.)</p> <p>۶- قرار اناطه (م ۱۹ ق.آ.د.م.)</p> <p>۷- قرار استماع شهادت شهود (م ۲۲۹ ق.آ.د.م.)</p>	<p>۱- قرارهای مقدماتی (اعدادی): جهت</p> <p>رسیدگی به دلایل اصحاب دعوا و آماده کردن صدور حکم این قرارها تعیین می شود.</p>	<p><b>انواع قرار:</b> (۱)</p>
<p>۱- قطعی</p> <p>۲- غیر قطعی</p> <p>۱- قرار نهایی</p> <p>۲- قرار غیر نهایی</p> <p>۱- قرار سقوط دعوا</p> <p>۲- قرار عدم استماع دعوا</p> <p>۳- قرار ابطال دادخواست</p> <p>۴- قرار ردّ دادخواست</p> <p>۵- قرار ردّ دعوا</p>	<p>۲- قرار از حیث تجدیدنظر:</p> <p>۳- قرار از جهت قابلیت فرجام:</p> <p>۴- قرارهای قاطع دعوا:</p>	

۱- قرار عدم اهلیت طرفین

۲- قرار عدم صلاحیت

۳- قرار امتناع از رسیدگی

۵- قرارهای شبه قاطع

دعوا:

۱- قرار تأمین خواسته ( م ۱۰۸ تا ۱۲۹

ق.آ.د.م. )

۲- قرار تأمین از اتباع بیگانه ( م ۱۴۴

تا ۱۴۸ ق.آ.د.م. )

۳- قرار درخواست دستور موقت

( م ۳۱۰ تا ۳۲۵ ق.آ.د.م. )

۴- قرار توقیف دادرسی ( م ۱۰۵

ق.آ.د.م. )

۵- قرار توقف درخواست تجدید نظر

( م ۲۵۶ و ۲۵۹ ق.آ.د.م. )

۶- قرار اناطه ( م ۱۹ ق.آ.د.م. )

۶- قرار موقتی

( توقیفی ) : برای حفظ

حقوق اصحاب دعوا

صادر شده و تأثیری در

اصل دعوا ندارد .

انواع

قرار:

۷- قرارهای اجباری (الزام کننده یا تهدیدی): (مواد ۵۱۵

ق.آ.د.م. و ۲۷ ق. روابط مؤجر و مستأجر ۱۳۵۶)



- سایر قرارها: (۱)
- ۱- قرار توقیف دادرسی
  - ۲- قرار تأخیر اجرای حکم (م ۴۲۴ ق.آ.د.م.)
  - ۳- قرار تفکیک دعوا
  - ۴- قرار رسیدگی توأم
  - ۵- قرار جلب کارشناس (م ۲۶۳ ق.آ.د.م.)
  - ۶- قرار گزارش اصلاحی (م ۱۸۴ ق.آ.د.م.)
  - ۷- قرار تأخیر رسیدگی به دعوا
  - ۸- قرار توقیف اجرای رأی

- شرایط صدور قرار اناطه:
- ۱- رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری باشد.
  - ۲- رسیدگی به ادعای مطروحه محتاج اقامه دعوی مستقلی باشد. (۲)
- (م ۱۹ ق.آ.د.م.)

- مصادیق قرار سقوط دعوا:
- ۱- استرداد دعوا پس از ختم مذاکرات طرفین توسط خواهان (بندج م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>
  - ۲- زمانیکه دائن از حق خود به اختیار و بطور کلی صرفنظر کند. (م ۲۸۹ ق.م.)

۱- ر.ک. همان منبع، ج ۲، صص ۲۶۶ الی ۲۷۰

۲- رأی شماره ۱۰۶/۶۹۴ مورخ ۱۳۰۷/۲/۱۸ - آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع ص ۴۴)

۳- نظریه شماره ۷/۵۷۷۶ - ۱۳۶۲/۱۱/۲۰ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع. ص ۱۴۲)

- ۱- این قرار از اعتبار امر مختومه بر خوردار است .
- ۲- این قرار از قرارهای قاطع دعوا بوده یعنی بعد از صدور آن دعوا در هر مرحله ای که باشد قطع می شود .
- ۳- این قرار قابل تجدیدنظر خواهی به تبع اصل دعوا می باشد . (بند ج ماده ۳۳۲ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۴- این قرار موجب از بین رفتن دعوا بطور کلی می شود یعنی حق طرح مجدد و تعقیب از مدعی برای همیشه سلب می شود .
- ۵- این قرار قابل فرجام خواهی به تبع اصل دعوا می باشد . (م ۳۶۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>

**آثار حقوقی  
قرار سقوط  
دعوا :**

---

۱- رأی شماره ۱۸۹-۱۳۱۶/۲/۲۹ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۶)  
۲- رأی اصراری شماره ۷۶۱-۱۳۱۲/۳/۱۴- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۲۵)

۱- ایرادات خواننده به شرح ذیل :

الف) خواهان به جهتی از جهات قانونی (از قبیل صغر، عدم رشد، جنون، یا ممنوعیت از تصرف در اموال در نتیجه حکم ورشکستگی) اهلیت قانونی برای اقامه دعوا نداشته باشد. (بند ۳ م ۸۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>

ب) ادعا متوجه شخص خواننده نباشد. (بند ۴ م ۸۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>  
ج) کسی که بعنوان نمایندگی اقامه دعوا کرده (از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومیت) و سمت او محرز نباشد. (بند ۵ م ۸۴ ق.آ.د.م.)

د) دعوا قبلاً بین همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم مقام آنها هستند رسیدگی شده نسبت به آن حکم قطعی صادر شده باشد (بند ۶ م ۸۴ ق.آ.د.م.)

هـ) دعوا بر فرض ثبوت اثر قانونی نداشته باشد (از قبیل وقف و هبه بدون قبض) (بند ۷ م ۸۴ ق.آ.د.م.)

و) مورد دعوا مشروع نباشد. (بند ۸ م ۸۴ ق.آ.د.م.)  
ز) دعوا جزمی نبوده بلکه ظنی یا احتمالی باشد. (بند ۹ م ۸۴ ق.آ.د.م.)

ح) خواهان در دعوی مطروحه ذینفع نباشد. (بند ۱۰ م ۸۴ ق.آ.د.م.)

ت) دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد. (بند ۱۱ م ۸۴ ق.آ.د.م.)

مصادیق قرار  
ردّ دعوا :

۱- نظریه ۱۳۷۶/۴/۱۲-۷/۲۱۴۱ - اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۱۱۱)

۲- رأی اصراری ۲۱-۱۳۷۵/۹/۶-۱۵/۷۵ - (ر.ک. همان منبع . ص ۱۱۲)

- ۲- در قرار اناطه صادر شده اگر خواهان ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا نکند و رسید به دفتر دادگاه تسلیم ننماید. (م ۱۹ ق.آ.د.م.)
- ۳- استرداد دعوا توسط خواهان قبل از ختم دادرسی (بند ب م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)
- ۴- عدم اقدام به رفع نقضی که دادگاه تجدیدنظر نسبت به دادخواست بدوی صادر نموده است. (م ۳۵۰ ق.آ.د.م.)

### مصادیق قرار ردّ دعوا:

- ۱- این قرار از قرارهای قاطع دعوا بوده یعنی دعوا را در هر مرحله ای که است قطع می کند.
- ۲- این قرار قطعی نبوده و به تبع اصل دعوا قابل تجدیدنظر می باشد (بند ب ماده ۳۳۲ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۳- این قرار مانع تجدید دادخواست با مشخصات دعوا نمی باشد.

### آثار حقوقی قرار ردّ دعوا:

- ۱- طرح دعوی تصرف عدوانی و ممانعت از حق بعد از دعوی راجع به مالکیت یا اصل حق انتفاع یا ارتفاق (م ۱۶۳ ق.آ.د.م.)
- ۲- طرح دعوی راجع به قمار و گرو بندی و معاملات نامشروع در محاکم (م ۶۵۴ ق.م.)
- ۳- طرح دعوی نفی ولد پس از انقضای ۲ ماه از تاریخ اطلاع شوهر از تولد طفل (م ۱۱۶۲ ق.م.)
- ۴- طرح دعوی دارنده برات علیه ظهر نویس ها خارج از مهلت (یکسال و دو سال) در دادگاه (ماده ۲۸۹ ناظر به مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ ق.ت.)

### مصادیق قرار عدم استماع دعوا:

- ۱- عدم ارائه اصل سند عادی خواهان که مورد انکار و تردید واقع گردیده و دادخواست وی مستند به ادله دیگری نباشد. (م ۹۶ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>
- ۲- علی رغم دعوت قبلی، هیچ یک از اصحاب دعوا در دادگاه حاضر نشده و دادگاه نتواند در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح رأی صادر کند. (م ۹۵ ق.آ.د.م.)
- ۳- عدم تهیه وسایل اجرای قرار معاینه و تحقیق محلی توسط متقاضی در مرحله بدوی (م ۲۵۶ ق.آ.د.م.)
- ۴- عدم ایداع دستمزد کارشناس در مرحله بدوی به گونه ای که دادگاه نتواند بدون نظر کارشناس حتی با سوگند حکم صادر کند. (م ۲۵۹ ق.آ.د.م.)
- ۵- چنانچه خواهان تا اولین جلسه دادرسی دادخواست خود را استرداد کند. (بند الف م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)
- ۶- استرداد دادخواست تجدیدنظر توسط هر یک از اصحاب دعوا (م ۳۶۳ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>
- ۷- عدم حضور معترض یا وکیل او در جلسه دادگاه در دعوی اعتراض به ثبت (م ۱۹ ق.ث.)

**مصادیق قرار  
ابطال  
دادخواست :**

۱- رأی شماره ۲۱۸-۱۳۷۴/۱۲/۱۴- شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۱۳۲)

۲- نظریه ۵۶۸۶-۷/۱۱-۱۳۷۸/۸/ل.ج.ق. - (ر.ک. همان منبع . ص ۱۳۲)

۳- رأی شماره ۱۲۲۱/۷۴۳۳-۱۳۱۰/۹/۱۵- دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۱۹)

- ۱- قرار ابطال دادخواست را در تمام مراحل رسیدگی می‌توان صادر نمود و مختص به اولین جلسه دادرسی نمی‌باشد.
- ۲- قرار ابطال دادخواست یک تصمیم قضایی است که توسط قاضی دادگاه صادر می‌شود.
- ۳- قرار ابطال دادخواست در صورتیکه اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد قابل تجدیدنظر خواهی می‌باشد. (بند الف م ۳۳۲ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۴- قرار ابطال دادخواست مانع تجدید دادخواست نیست.
- ۵- قرار ابطال دادخواست اظهار نظر ماهوی نمی‌باشد.

**آثار حقوقی  
ابطال  
دادخواست:**

- ۱- درخواست تأمین دعوای واهی از سوی خواننده و عدم دادن تأمین از سوی خواهان در موعد مقرر (م ۱۰۹ ق.آ.د.م.)
- ۲- درخواست تأمین از سوی خواننده ایرانی و امتناع خواهان تبعه خارج از دادن تأمین (م ۱۴۷ ق.آ.د.م.)
- ۳- هرگاه در دادخواست خواهان یا اقامتگاه او معلوم نباشد.<sup>(۲)</sup> (م ۵۶ ق.آ.د.م.)
- ۴- دادخواست و اخواهی محکوم علیه غیابی پس از انقضای مهلت و اخواهی با ادعای عدم اطلاع از مفاد حکم (تبصره ۱ م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>
- ۵- تقدیم دادخواست تجدید نظر خارج از مهلت قانونی یا عدم رفع آن در مهلت قانونی (تبصره ۲ م ۳۳۹ ق.آ.د.م.)

**مصادیق قرار  
رد  
دادخواست:**

۱- حکم شماره ۲۹۱۵-۱۲/۲۸-۱۳۱۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۶)

۲- نظریه شماره ۷/۵۹۲۰-۱۳۷۹/۷/۳- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۸۲)

۳- حکم شماره ۲۲۰۸-۱۶/۷/۲- شعبه ۲ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۷۱)

- ۶- اگر مشخصات تجدید نظر خواه در دادخواست معین نباشد و قبل از انقضای مهلت دادخواست تکمیل یا تجدیدنظر نشود. (م ۳۴۴ ق.آ.د.م.)
- ۷- عدم رعایت نکات یاد شده در بندهای (۲) الی ۶ ماده ۳۴۱ و مواد ۳۴۲ و ۳۴۳ ق.آ.د.م.) در دادخواست تجدیدنظر.<sup>(۱)</sup>
- ۸- اگر مشخصات فرجام خواه در دادخواست فرجامی معین نشده باشد (م ۳۸۴ ق.آ.د.م.)
- ۹- تسلیم دادخواست فرجام خواهی خارج از موعد قانونی یا عدم رفع نقص آن در ظرف موعد قانونی (م ۳۸۳ ق.آ.د.م.)<sup>(۲). (۳). (۴)</sup>
- ۱۰- در صورتی که درخواست ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر باشد. (۴۹۲ ق.آ.د.م.)

**مصادیق قرار  
رد  
دادخواست :**

۱- حکم شماره ۱۱/۳۲-۱۱/۷-۱۳۲۰/۱۱/۷-۱۳۲۰ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۳۴)

۲- رأی وحدت رویه شماره ۱۵۴۲-۱۳۳۶/۸/۸- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۳۳)

۳- حکم شماره ۱۹۷۷-۱۲۰۷/۱۱/۳۰- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۳۳)

۴- رأی شماره ۱۵۸۲-۱۳۲۹/۱۰/۲- شعبه ۵ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۳۳)

**آثار حقوقی  
قرار ردّ  
دادخواست :**

- ۱- این قرار مانع تجدید دادخواست نیست .
- ۲- این قرار باعث خاتمه دعوا نمی شود بلکه فقط دعوا را از دادگاه خارج می کند .
- ۳- این قرار از قرارهای قاطع دعوا بوده به این معنی که دعوا را در مرحله ای که باشد قطع می نماید .
- ۴- این قرار قطعی نبوده و به تبع حکم قابل تجدیدنظر و فرجام خواهی می باشد . (بند الف م ۳۳۲ و ۳۸۴ ق.آ.د.م.)

**موارد قرار  
توقیف  
دادخواست :**

- ۱- برابر قانون تمبر الصاق نشده باشد . (مواد ۵۳ و ۵۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۱). (۲). (۳)</sup>
- ۲- عدم تعیین بهای خواسته اعم از مالی و غیر مالی و بهای آن در دعاوی مالی (مگر آنکه تعیین بهای خواسته ممکن نبوده یا خواسته غیر مالی باشد) . (مواد ۵۱ و ۵۳ و ۵۴ ق.آ.د.م.)
- ۳- عدم ذکر ادله و وسایل اثبات دعوا
- ۴- عدم تودیع هزینه نشر آگهی ظرف یک ماه (۵۵ ق.آ.د.م.)
- ۵- عدم تودیع هزینه نشر آگهی ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ دادنامه ردّ اعسار.
- ۶- عدم قید درخواست خواهان

۱- رأی وحدت رویه شماره ۶۵۲ - ۱۳۸۰/۱/۲۸ هئیت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۷۵)

۲- رأی شماره ۱۳۶۹/۲/۲۷-۲۲ - شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۷۸)

۳- حکم شماره ۱۳۲۸/۱۰/۲۷-۱۸۳۹ - شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۷۹)



- ۱- در صورتیکه دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند (م ۲۷ و ۸۹ ق.آ.د.م.).
- ۲- ایراد خواننده به عدم صلاحیت دادگاه (بند ۱ م ۸۴ ق.آ.د.م.).
- ۳- زمانیکه دادگاه صادر کننده رأی صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به موضوع را نداشته باشد. (بند ۱ م ۳۷۱ ق.آ.د.م.).
- ۴- دعاوی متعددی که به موجب یک دادخواست اقامه شده و ارتباط کامل نداشته و از صلاحیت دادگاه نیز خارج باشد. (م ۶۵ ق.آ.د.م.).

**مصادیق قرار  
عدم  
صلاحیت :**

- ۱- این قرار قابل اعتراض و تجدیدنظر خواهی نیست.
- ۲- این قرار از قرارهای شبه قاطع محسوب می شود.
- ۳- پس از صدور این قرار پرونده بدون اظهار نظر ماهوی از دادگاه خارج شده و به دادگاه صالح ارجاع داده می شود.

**آثار حقوقی  
قرار عدم  
صلاحیت :**

- ۱- احراز یکی از موارد مندرج در ماده (۹۱ ق.آ.د.م.) توسط دادرس<sup>(۱)</sup>
- ۲- چنانچه قاضی مجتهد بوده و قانون را خلاف شرع بداند . (ملاک تبصره ماده ۴ ق.آ.د.م.)
- ۳- طرح دعاوی متعدد که ارتباط کامل با هم دارند در چند شعبه (ملاک م ۱۰۳ ق.آ.د.م.)
- ۴- دعوا بین همان اشخاص سابقاً در دادگاه دیگری مطرح شده و در حال رسیدگی است . (ایراد امر مطروحه) (بند ۲ م ۸۴ و ۸۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>

**مصادیق قرار  
امتناع از  
رسیدگی :**

- ۱- این قرار موجب خارج شدن دعوا از تحت نظر و اختیار قاضی پرونده و ادامه رسیدگی آن توسط قاضی دیگر است . ( م ۱۰۳ ق.آ.د.م.)
- ۲- این قرار ماهوی محسوب نشده بلکه شکلی می باشد .
- ۳- پس از صدور این قرار ادامه رسیدگی به آن نیازمند دادخواست جدید نیست .
- ۴- این قرار اصولاً قطعی بوده و قابل اعتراض نمی باشد .
- ۵- این قرار ، از قرارهای قاطع دعوا محسوب نمی شود .

**آثار حقوقی  
قرار امتناع از  
رسیدگی :**

۱- حکم شماره ۲۰۸- ۲۸/۲/۳۱ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۲۴)  
۲- رأی شماره ۲۸۸- ۱۳۲۳/۲/۲۵- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۱۰۹)

- ۱- در صورتیکه دعوای شخص ثالث به منظور تبانی و یا تأخیر رسیدگی باشد (م ۱۳۳ ق.آ.د.م).
- ۲- در صورتیکه فقط قسمتی از دعوا معدّ صدور رأی بوده و دعوا نیز قابل تجزیه باشد. (م ۱۰۴ ق.آ.د.م)<sup>(۱)</sup>
- ۳- اقامه دعاوی متعدد که با همدیگر ارتباط کاملی نداشته ولی به موجب یک دادخواست اقامه شده باشد. (م ۶۵ ق.آ.د.م)<sup>(۲)</sup>
- ۴- هر گاه دعوای اصلی منوط به رسیدگی به دعوای ثالث نباشد. (م ۱۳۳ ق.آ.د.م).
- ۵- هر گاه قسمتی از دعوا معدّ صدور رأی بوده و دعوا قابل تجزیه باشد با درخواست خواهان (م ۲۹۸ ق.آ.د.م).

**موارد قرار  
تفکیک دعوا:**

- ۱- این قرار پس از صدور قابل اعتراض نیست.
- ۲- این قرار موجب خروج پرونده از دادگاه نمی‌گردد.
- ۳- این قرار اظهار نظر ماهوی نبوده بلکه یک اظهار نظر شکلی می‌باشد.
- ۴- این قرار منجر به تجزیه دعاوی متعدد طرح شده در یک دادخواست می‌گردد.

**آثار حقوقی قرار  
تفکیک دعوا:**

۱- رأی شماره ۴۸۲۸-۱۰/۱۰/۱۳۲۹ دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۱۳۸)

۲- رأی شماره ۵۴۴/۱۴/۱۱/۱۳۸۰- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۹۴)

- ۱- در صورتیکه دعاوی با همدیگر ارتباط کامل داشته هر چند در شعب مختلف باشد. (م ۱۰۳ ق.آ.د.م.)
- ۲- هر گاه دعوی اصلی با دعوی متقابل ارتباط کامل داشته باشد. (م ۱۴۱ ق.آ.د.م.)
- ۳- اطلاع دادگاه از ادعای جعل مرتبط با دعوی مدنی در دادگاه دیگر به لحاظ سبق ارجاع (م ۲۲۷ ق.آ.د.م.)

**موارد قرار  
رسیدگی توأم:**

- ۱- مفاد سازش نامه از اعتبار امر مختومه برخوردار است.
- ۲- اجرای گزارش اصلاحی مانند دیگر احکام دادگاهها به موقع اجرا گذاشته می شود چه اینکه مورد سازش مخصوص به دعوی مطروحه بوده و یا شامل دعاوی یا امور دیگری باشد.
- ۳- گزارش اصلاحی نسبت به طرفین و وراثت و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است.
- ۴- این قرار از قرارهای نهایی تلقی می شود.

**ویژگیهای قرار  
گزارش  
اصلاحی:**

۱- در صورت وصول اعتراض طاری ثالث و تشخیص دادگاه به اینکه حکم صادره ناشی از اعتراض در اصل دعوا مؤثر خواهد بود. (م ۴۱۳ ق.آ.د.م.)

۲- در صورت وصول دادخواست اعاده دادرسی طاری و تشخیص دادگاه به اینکه حکم صادره ناشی از اعاده دادرسی در اصل دعوا مؤثر خواهد بود. (م ۴۳۴ ق.آ.د.م.)

۳- در صورت مطرح بودن پرونده در دیوان و وصول دادخواست اعاده دادرسی طاری و قبول آن از طرف دادگاه بدوی رسیدگی در دیوان تا صدور حکم متوقف خواهد شد. (تبصره م ۴۳۴ ق.آ.د.م.)

۴- اگر خواهان دعوای متقابل را در جلسه دادرسی اقامه کند بنا به تقاضای خواننده جلسه به تأخیر می افتد. (م ۱۴۳ ق.آ.د.م.)

### موارد قرار تأخیر رسیدگی به دعوا:

۱- در صورت صدور قرار قبولی دادخواست و اخواهی توسط دادگاه بدوی (م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)

۲- در مرحله فرجام خواهی پس از درخواست نقض از طرف دادستان کل به تقاضای محکوم علیه بعد از اخذ تأمین از او.

### موارد قرار توقیف اجرای رأی:

- آثار حقوقی قرار  
توقیف اجرای  
رأی: (۱)
- ۱- این قرار مانع اجرای رأی دادگاه بطور موقت می گردد. ( م ۴۲۴ ، ۴۳۷ ، بند ب م ۳۸۶ ق.آ.د.م. و ۱۴۷ ق.ا.ا.م. و م ۱ اصلاحی ق.ث. )
  - ۲- این قرار فرصت رسیدگی مجدد را برای دادگاه فراهم می سازد.

- آثار و ویژگیهای  
قرارهای قاطع  
دعوا: (۲)
- ۱- این قرارها مانند احکام سند رسمی محسوب می شوند (م ۱۲۸۷ ق.م.).
  - ۲- این قرارها مانند احکام دارای قدرت اثباتی هستند.
  - ۳- طرق ابطال یا فسخ این قرارها طرق شکایت از احکام است. (تجدید نظر، فرجام و...) (مواد ۳۳۱ و ۳۶۷ ق.آ.د.م.)
  - ۴- این قرارها مانند احکام مشمول قاعده فراغ دادرسی است. (مواد ۸ و ۳۲۸ ق.آ.د.م.)
  - ۵- این قرارها مانند احکام اعتبار امر قضاوت شده را دارند.

۱- دکتر شمس ، عبدالله ، همان منبع ، ج ۲ ، صص ۲۶۸ الی ۲۷۰

۲- ر.ک. همان منبع ، ص ۲۵۳

- ۱- این قرارها مانند احکام قدرت اثباتی دارند  
(م ۱۲۸۷ ق.م.)
- ۲- این قرارها مشمول قاعده فراغ دادرس نمی شوند یعنی هر چند دفعه که طرف یا دادگاه لازم بدانند قرار قابل درخواست و اجراست .
- ۳- این قرارها به تنهایی قابل شکایت نیست مگر به تبع اصل حکم .
- ۴- قرارهای اعدادی از اعتبار امر مختومه پیروی نمی کنند مگر به تبع اصل حکم .

**آثار قرارهای  
اعدادی: (۱)**





**فصل نهم**

**واخواهی**

آراء قابل  
واخواهی :

۱- اعتراض نسبت به تمامی احکام غیابی صادره از دادگاههای عمومی و انقلاب ( م ۳۰۳ و ۳۰۵ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>،<sup>(۳)</sup>

۲- آراء صادره از دادگاه تجدیدنظر که به صورت غیابی صادر شده است . (با توجه به شرایط مندرج در م ۳۶۴ ق.آ.د.م.)

مهلت واخواهی  
از احکام :

۱- در صورت ابلاغ واقعی حکم (م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)

۱- برای افراد مقیم ایران ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم<sup>(۴)</sup>

۲- برای افراد مقیم خارج ۲ ماه از تاریخ ابلاغ حکم

۱- در صورت اطلاع از مفاد حکم برای افراد مقیم ایران ۲۰ روز و برای افراد مقیم خارج ۲ ماه از تاریخ ابلاغ حکم است .

۲- در صورت ابلاغ قانونی حکم (تبصره ۱ م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)

۲- در صورت ادعای عدم اطلاع از مفاد حکم : محکوم علیه می تواند دادخواست واخواهی تقدیم نماید که در صورت قبولی مانع اجرای حکم می گردد .

۱- رأی شماره ۳۳۵/۲۰۹۶ مورخ ۱۳۰۹/۳/۲۲- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۶۶)

۲- رأی وحدت رویه ۶۳۹-۱۳۷۸/۸/۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۶۸)

۳- نظریه شماره ۷/۱۸۳۰-۱۳۷۰/۶/۳۱ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۲۶۹)

۴- رأی شماره ۱۸۴۷/۴۸۶۸ مورخ ۱۳۰۹/۱۲/۲۷- دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۷۱)

- ۱- در صورت قبولی عذرهای  
موجه ، قرار قبولی دادخواست  
صادر و اجرای حکم متوقف  
می شود .
- ۳- در صورت وجود  
معاذیر موجه در  
(م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)
- ۲- در صورت عدم قبولی  
معاذیر واخواه قرار ردّ  
دادخواست واخواهی صادر  
می شود .

**مهلت واخواهی  
از احکام :**

- ۴- مهلت واخواهی در صورت حجر ، ورشکستگی و ...  
محکوم علیه : که این مهلت از تاریخ ابلاغ به قائم مقام یا  
نمایندگان این اشخاص می باشد . (ملاک مواد (۴۰ ،  
۴۵ ، ۱۰۵ ، ۳۳۷ و ۳۳۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup> .<sup>(۲)</sup>

۱- رأی شماره ۱۰۶۹/۱۱۳۶-۱۳۳۹/۱/۱۶- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۶۶)

۲- رأی شماره ۲۰۰۳-۱۳۲۶/۲۹- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۹۰)

<p>بدین معنی که تا انقضای مهلت واخواهی و در صورت تجدید نظر تا انقضای مهلت تجدیدنظر دستور اجرای حکم ممنوع است .</p>	<p>۱- در صورت ابلاغ واقعی حکم ۲- در صورت ابلاغ قانونی حکم</p>	<p>۱- اثر تعلیقی : (م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)</p>	<p><b>آثار واخواهی: (۱)</b></p>
<p>بدین معنی که اختلاف از مقطع قبلی (رسیدگی غیابی) به مقطع واخواهی با تمامی مسایل موضوعی و حکمی و بالحاظ اعتراضات و دلایل واخواه منتقل می شود .</p>	<p>۱- در صورت ابلاغ واقعی حکم ۲- در صورت ابلاغ قانونی حکم</p>	<p>۲- اثر انتقالی :</p>	
<p>۳- اثر واخواهی نسبت به سایر اشخاص : رأیی که پس از رسیدگی واخواهی صادر شده فقط نسبت به (واخواه و واخوانده) مؤثر است . (بالحاظ م ۳۰۸ ق.آ.د.م.)</p>			
<p>۴- اثر واخواهی پس از اجرای حکم : در صورت واخواهی محکوم علیه غایب پس از اجرای حکم و صدور حکم به نفع وی ، خواهان بدوی ملزم به جبران خسارت می باشد . (م ۳۰۷ ق.آ.د.م.)</p>			

- حقوق  
اصحاب دعوای  
واخواهی :**
- ۱- حقوق و تکالیف واخواه :
- ۱- اعتراض به بهای خواسته (بند ۴ م ۶۲ و م ۶۳ ق.آ.د.م.)
  - ۲- طرح ایراد (م ۸۴ ق.آ.د.م.)
  - ۳- دفاع ماهوی در برابر دعوای بدوی (موارد تمثیلی م ۱۴۲ ق.آ.د.م.)
  - ۴- تعرض نسبت به اصالت سند
  - ۵- تعرض به سایر ادله (م ۲۳۴ ق.آ.د.م.)
  - ۶- جلب ثالث (م ۱۳۶ ق.آ.د.م.)
- ۲- حقوق و تکالیف واخوانده : حقوق واخوانده ترکیبی از حقوق خواهان مرحله بدوی و حقوق محکوم لهی است که طرف شکایت از حکم واخواهی قرار گرفته است .

- شرایط  
واخواهی :**
- ۱- واخواهی به موجب دادخواست باید بعمل آید. (م ۳۰۵ ق.آ.د.م.)
  - ۲- هزینه دادرسی باید به میزان دادرسی پرداخت شود . (قسمت ب بند ۱۲ و بند ۱۳ م ۳ ق.و.د.د.)
  - ۳- دادخواست واخواهی باید به دفتر دادگاه صادر کننده حکم غیابی تقدیم شود . (م ۳۰۵ ق.آ.د.م.)
  - ۴- اگر واخواه ، باز داشت یا زندانی باشد دادخواست واخواهی را باید به دفتر باز داشتگاه یا زندانی که در آنجا توقیف است تقدیم کند . (ملاک م ۳۳۹ ق.آ.د.م.)
  - ۵- واخواهی شکایتی عادی و ماهوی است و از این نظر همان خصوصیات تجدیدنظر را دارد .
  - ۶- رأیی که پس از رسیدگی واخواهی صادر می شود فقط نسبت به واخواه و واخوانده مؤثر است مگر اینکه رأی قابل تفکیک نباشد . (م ۳۰۸ ق.آ.د.م.)

- ۱- خواننده یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده وی در هیچ یک از جلسات حاضر نشده باشند .  
۲- ابلاغ واقعی نشده باشد .  
۳- بطور کتبی نیز دفاع ننموده باشند . (عدم ارسال لایحه)
- شرایط حکم  
غیابی (۱). (۲)  
(م ۳۰۳ آ.د.م.)**

- ۱- در صورتیکه وخواه در موعد قانونی وخواهی نکند (حسب مورد ۲۰ روز و دو ماه) و وخواه مدعی آن باشد که حکم ابلاغ واقعی نشده و از مفاد رأی اطلاعی ندارد و این ادعا مورد پذیرش دادگاه قرار گیرد .
- موارد قرار قبولی  
دادخواست  
وخواهی :  
(م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)**
- ۲- در صورتیکه در موعد قانونی وخواهی نشده و وخواه ثابت نماید که عدم اقدام وخواهی به دلیل عذر موجه بوده است .

۱- رأی شماره ۲۶۰۵-۱۳۱۸/۱/۱۲- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۲۶۶)

۲- رأی شماره ۱۳۷۷/۴/۸/۱۲۴- شعبه دوم دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۲۶۶)

- معاذیر موجه  
واخواهی:  
(م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)
- ۱- مرضی که مانع حرکت است .
  - ۲- فوت یکی از والدین یا همسر یا اولاد
  - ۳- حوادث قهریه از قبیل سیل ، زلزله و حریق که بر اثر آن تقدیم دادخواست واخواهی در مهلت مقرر ممکن نباشد .
  - ۴- توقیف یا حبس بودن به نحوی که نتوان در مهلت مقرر دادخواست واخواهی تقدیم کرد .

- اوصاف حکم  
غیابی:
- ۱- غیابی بودن مختص حکم است و قرار غیابی نداریم.<sup>(۱)</sup>
  - ۲- اصل بر حضوری بودن احکام است و غیابی بودن حکم یک استثناء بر اصل است .
  - ۳- غیابی بودن مختص احکام دادگاهها در امور ترافعی است زیرا در امور حسبی ، خواننده به معنای خاص وجود ندارد .
  - ۴- در حکم غیابی حضور و عدم حضور خواننده ملاک است نه خواهان .
  - ۵- حکم غیابی در صورتی است که جزئاً یا کلاً علیه خواننده باشد بنابراین حکم غیابی به نفع خواننده نمی باشد .

۱- رأی شماره ۱۴۲۰/۷۵۹۲-۱۳۱۰/۱۰/۲۸- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۶۹)

- ۱- حکم غیابی بصورت واقعی به وی ابلاغ شود. (م ۳۰۶ و ۳۶۴ ق.آ.د.م.)
- ۲- حق اعتراض به حکم غیابی (م ۳۰۵ و ۳۶۴ ق.آ.د.م.)
- ۳- حق جلب شخص ثالث (م ۱۳۶ ق.آ.د.م.)
- ۴- حق اعتراض به مبانی حکم.

۱- نسبت به محکوم  
علیه :

آثار حکم  
غیابی :

- ۱- حق درخواست اجرای حکم غیابی
- ۲- حق جلب شخص ثالث (م ۱۳۶ ق.آ.د.م.)
- ۳- حق پاسخگویی به ادعای وخواه.
- ۴- تکلیف به دادن تأمین یا ضامن برای اجرای حکم (تبصره ۲ م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)
- ۵- تکلیف به جبران خسارت محکوم علیه غایب در صورت نقص حکم غیابی (م ۳۰۷ ق.آ.د.م.)

۲- نسبت به محکوم له :



فصل نهم - واخواهی ■ ۲۳۵

۱- اجرای حکم بعد از ابلاغ واقعی: در این مورد حکم غیابی زمانی اجرا می شود که مهلت قانونی واخواهی و تجدیدنظر منقضی شده باشد.

۱- اگر دادنامه یا اجرائیه به محکوم علیه ابلاغ واقعی شده باشد بعد از انقضای مهلت واخواهی و تجدیدنظر حکم اجرا می شود.

۲- اگر دادنامه یا اجرائیه به محکوم علیه ابلاغ واقعی نشده باشد اجرای حکم منوط به دادن ضامن یا تأمین از سوی محکوم له است. (۱). (۲). (۳)

۳- در صورت ابلاغ قانونی حکم و انقضای مهلت محکوم علیه ادعای عدم اطلاع از مفاد حکم را بنماید در صورت قبولی ادعا، اجرای حکم متوقف می شود.

۴- در صورت ابلاغ قانونی حکم و انقضای مهلت محکوم علیه عذرهای موجه را مطرح نماید، در صورت قبولی معاذیر موجه اجرای حکم متوقف می شود.

۲- اجرای حکم بعد از ابلاغ قانونی:

نحوه اجرای حکم غیابی: (م.د.آ.ق. ۳۰۶م)

۱- نظریه شماره ۷/۴۱۳۹-۷/۲۲-۱۳۷۹/۹/۲۲ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع. ص ۲۷۲)

۲- نظریه شماره ۷/۹۰۱-۷/۱۷-۲/۱۷/۱۳۸۱ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع. ص ۲۷۲)

۳- نظریه شماره ۷/۳۳۹-۷/۲/۶-۱۳۸۰/۲/۶ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع. ص ۲۷۲)



## **فصل دهم**

**ویژگیها ، آثار و شرایط  
درخواست دستور موقت**

موارد صدور دستور  
موقت توسط دادگاه (م)  
۳۱۰ ق.آ.د.م.)

۱- هرگاه تعیین تکلیف نسبت به موضوع و اموری  
فوریت داشته باشید.<sup>(۱)</sup>

۲- هرگاه ذینفع درخواست نماید.

ویژگیهای  
دستور موقت :

۱- دستور موقت اقدامی تبعی است. (م ۳۱۱ و ۳۱۸ ق.آ.د.م.)

۲- دستور موقت اقدامی موقتی شمرده می شود.

۳- صدور دستور موقت در اموری که تعیین و تکلیف آن  
فوریت دارد صادر می شود. (م ۳۱۰ ق.آ.د.م.)

۴- صدور دستور موقت منوط به اخذ تأمین است.  
(م ۳۱۹ ق.آ.د.م.)

۵- دستور موقت با صدور رأی بدوی مرتفع نمی شود.  
(م ۳۲۴ و ۳۲۵ ق.آ.د.م.)

۶- اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی  
است. (تبصره ۱ م ۳۲۵ ق.آ.د.م.)

۷- دستور موقت ممکن است دایر بر توقیف اموال یا انجام  
عمل یا منع از امری باشد. (م ۳۱۶ ق.آ.د.م.)

۸- دستور موقت به هیچ وجه تأثیری در اصل دعوا نخواهد  
داشت. (م ۳۱۷ ق.آ.د.م.)

۱- رأی شماره ۴۵۳۰ - ۱۳۲۸/۶/۹ - دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۲۷۶)

- اقسام دستور موقت (م)  
۳۱۶ ق.آ.د.م.)
- ۱- توقیف مال می تواند باشد .
  - ۲- انجام عمل می تواند باشد .
  - ۳- عدم انجام عمل می تواند باشد .

- زمان درخواست  
دستور موقت :
- ۱- دستور موقت را می توان پیش از تقدیم دادخواست نسبت به اصل دعوا مطرح نمود . (م ۳۱۸ ق.آ.د.م.)
  - ۲- دستور موقت را می توان ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا مطرح نمود . (م ۳۱۱ ق.آ.د.م.)
  - ۳- دستور موقت را می توان پس از اقامه دعوا مطرح نمود (مستنبط از م ۳۱۳ ق.آ.د.م.)

- نحوه  
درخواست دستور  
موقت از لحاظ  
شکلی :
- ۱- قبل از اقامه دعوا : که در اینصورت دستور موقت در برگ های چاپی مخصوص تنظیم و تقدیم می شود . (م ۳۱۸ ق.آ.د.م.)
  - ۲- ضمن اقامه دعوا : که در اینصورت در خود دادخواست تقدیمی راجع به اصل دعوا مطرح می شود . (م ۳۱۱ ق.آ.د.م.)
  - ۱- شفاهی : در حین دادرسی بوده و در صورت مجلس قید و به امضای در خواست کننده می رسد .
  - ۲- کتبی : که بصورت کتبی و جدا از دادخواست اصلی راجع به دعوا مطرح می شود .
  - ۳- پس از اقامه دعوا : (م ۳۱۳ ق.آ.د.م.)

- ۱- دستور موقت در صورتی صادر می شود که ذینفع آن را از دادگاه درخواست نموده باشد. (م ۳۱۰ ق.آ.د.م.)
- ۲- دستور موقت باید در اموری صادر شود که تعیین تکلیف آن فوریت دارد. (م ۳۱۰ ق.آ.د.م.)
- ۳- دادگاهی دستور موقت را صادر می کند که صالح به رسیدگی به اصل دعوا نیز می باشد. (م ۳۱۱ ق.آ.د.م.)
- ۴- درخواست صدور دستور موقت مستلزم پرداخت هزینه دادرسی معادل دعاوی غیر مالی است. (تبصره ۲ م ۳۲۵ ق.آ.د.م.)
- ۵- اشکالاتی که در جریان اجرای احکام پیش بیاید و محتاج به دستور فوری است (مستنبط از بند ۶ م ۴۲۶ ق.آ.د.م.)
- ۶- اشکالاتی که در جریان اسناد لازم الاجرای اداره ثبت پیش می آید. (م ۴ ق.ث.)

### شرایط صدور دستور موقت :

- ۱- دستور موقت به هیچ وجه تأثیری در اصل دعوا ندارد. (م ۳۱۷ ق.آ.د.م.)
- ۲- قرار دستور موقت مانند سایر آراء شرایط م ۱۲۸۷ ق.م. را دارا می باشد.
- ۳- ابطال قرار دستور موقت مانند سایر آراء محاکم تنها از طریق شکایت امکانپذیر است.
- ۴- دستور موقت از موارد اعتبار امر قضاوت شده محسوب نمی شود چرا که قرار دستور موقت اختلافی را فصل نمی کند (بند ۶ م ۸۴ ق.آ.د.م.)

### آثار دستور موقت :

فصل دهم - ویژگیها، آثار و شرایط درخواست دستور موقت ■ ۲۴۱

- ۱- دستور موقت پس از ابلاغ قابل اجرا است .  
(م ۳۰۲ و ۳۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۲- در صورت فوریت کار ، با صلاحدید دادگاه دستور موقت قبل از ابلاغ قابل اجرا است . (م ۳۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۳- اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی می باشد . (تبصره ۱ م ۳۲۵ ق.آ.د.م.)
- ۴- اجرای دستور موقت احتیاج به صدور و ابلاغ اجرائیه ندارد .

### شرایط اجرای دستور موقت :

- ۱- هر گاه جهتی که موجب دستور موقت شده مرتفع شود .  
(م ۳۲۲ ق.آ.د.م.)
- ۲- در صورتیکه طرف دعوا تأمین متناسب با موضوع دستور موقت را بدهد . (م ۳۲۱ ق.آ.د.م.)
- ۳- در صورتیکه دستور موقت قبل از اقامه دعوا درخواست و صادر شود و ذینفع در مدت معین (۲۰ روز) اقامه دعوا ننماید . (م ۳۱۸ ق.آ.د.م.)
- ۴- در صورت رد ادعای خواهان از دستور موقت رفع اثر می شود . (م ۳۲۳ ق.آ.د.م.)
- ۵- هر گاه متقاضی دستور موقت دادخواست خود را مسترد نماید دستور موقت لغو می گردد (مستنبط از بند الف م ۱۰۷ ق.آ.د.م.)
- ۶- در صورتیکه متقاضی دستور موقت از دعوا بطور کلی انصراف دهد . (مستنبط از بند ج ماده ۱۰۷)
- ۷- شکست ذینفع در دعوی به دلالت م ۳۲۴ ق.آ.د.م.
- ۸- فسخ قرار

### مواردیکه دستور موقت پایان می پذیرد :<sup>(۱)</sup>

۱- دکتر شمس ، عبدالله ، همان منبع ، ج ۳ ، صص ۴۲۳ الی ۴۲۶

- ۱- میزان تأمین : میزان تأمین به صلاحدید دادگاه واگذار شده است . (م ۳۱۹ ق.آ.د.م.)
- ۲- نوع تأمین : در قانون در مورد نوع تأمین دستور موقت چیزی بیان نشده ولی معمولاً محاکم بصورت وجه نقد یا مال غیر منقول تعیین تأمین می نمایند .
- ۳- مهلت دادن تأمین : در این مورد قانونگذار مهلتی را معین ننموده ولی دادگاه خود مهلتی را برای دادن تأمین تعیین می نماید .

**موارد تعیین تأمین  
خسارت احتمالی  
ناشی از صدور  
دستور موقت :**

- ۱- خواهان (مدعی)
- ۲- طرح کننده دعوی متقابل
- ۳- خواهان دعوی اضافی
- ۴- وارد ثالث
- ۵- کسی که درخواست جلب ثالث می نماید .

**اشخاص درخواست  
کننده دستور  
موقت :**



- ۱- هر دو قبل از اقامه دعوی اصلی قابل طرح است .
- ۲- هر دو ضمن دادخواست راجع به اصل دعوا قابل طرح هستند .
- ۳- هر دو در جریان دادرسی می توانند مطرح شوند .
- ۴- در هر دو تصمیم دادگاه علیه خواننده است .
- ۵- هزینه دادرسی هر دو معادل دعاوی غیر مالی است .
- ۶- در هر دو تصمیم دادگاه باید به خواننده ابلاغ شود .
- ۷- در هر دو اجرا قبل از ابلاغ ممکن است .
- ۸- در هر دو در صورت ردّ دعوی خواهان ، خواننده می تواند مطالبه خسارت نماید .

**تشابهات دستور  
موقت و تأمین  
خواسته :**

- ۱- صدور دستور موقت منوط به احراز فوریت می باشد ولی تأمین خواسته مستلزم احراز فوریت نیست .  
(م ۳۱۰ و بند الف ، ب و ج م ۱۰۸ ق.آ.د.م.)
- ۲- صدور دستور موقت منوط به تأیید رئیس حوزه قضایی می باشد در صورتیکه در تأمین خواسته تأیید رئیس حوزه قضایی لازم نیست . (قسمت اخیر ماده ۱۰۸ و تبصره ۱ م ۳۲۵ ق.آ.د.م.)
- ۳- قرار دستور موقت به همراه اصل دعوا قابل تجدیدنظر می باشد در صورتیکه تأمین خواسته قابل تجدیدنظر نیست . (م ۱۱۹ و ۳۲۵ ق.آ.د.م.)

**تفاوت دستور  
موقت با تأمین  
خواسته :**

- ۴- اگر تقاضای دستور موقت قبل از اقامه دعوا باشد متقاضی باید ظرف ۲۰ روز از تاریخ صدور دستور موقت دادخواست خود را تقدیم نماید اما در تأمین خواسته قبل از اقامه دعوا فرصت فوق ۱۰ روز می باشد. (م. ۱۱۲ و ۳۱۸ ق.آ.د.م.)
- ۵- در دستور موقت چنانچه خواهان محکوم به بی حقی شود، خوانده باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی مطالبه خسارت نماید اما در تأمین خواسته مدت اقامه دعوا مطالبه خسارت ۲۰ روز است. (م. ۱۲۰ و ۳۲۴ ق.آ.د.م.)
- ۶- در تأمین خواسته الزاماً مال توقیف می شود اما موضوع دستور موقت الزاماً توقیف مال نیست بلکه انجام عمل یا منع از عملی می باشد. (مستنبط از م. ۱۲۱ و م. ۳۱۶ ق.آ.د.م.)
- ۷- در تأمین خواسته بدون خسارت احتمالی نیز صدور قرار ممکن است اما در دستور موقت بدون اخذ تأمین نمی توان قرار صادر کرد.
- ۸- تأمین خواسته در دادگاه صادر کننده قابل اعتراض است ولی دستور موقت قابل اعتراض در دادگاه صادر کننده نیست.
- ۹- در تأمین خواسته دادگاه باید بدون دعوت خوانده به درخواست رسیدگی کند اما در دستور موقت اصل بر دعوت خوانده است.

### تفاوت دستور موقت با تأمین خواسته :

# فصل یازدهم

## تجدید نظر

- ۱- احکام صادره در دعاوی مالی مازاد بر ۳ میلیون ریال (بند الف م ۳۳۱ و ماده ۲۳۴ ق.آ.د.ک.)<sup>(۱)</sup>
- ۲- احکام صادره در دعاوی غیر مالی (بند ب م ۳۳۱ ق.آ.د.م.)
- ۳- احکام راجع به متفرعات دعوا (بند ج م ۳۳۱ ق.آ.د.م.) مثل تأمین خواسته یا تقاضای صدور دستور موقت یا خسارت ناشی از دادرسی .

**آراء قابل  
تجدیدنظر :**

- ۴- تصمیمات حسبی (م ۲۷، ۴۷ و ۶۶ ق.ا.ح.)

- ۱- قرار ابطال داد خواست.<sup>(۲)</sup>
- ۲- قرار رد دادخواست .
- ۳- قرار رد دعوا
- ۴- قرار سقوط دعوا<sup>(۳)</sup>
- ۵- قرار عدم استماع
- ۶- قرار عدم اهلیت یکی از طرفین

**قرارهای قابل  
تجدیدنظر به تبع  
اصل دعوا  
(م ۳۳۲ ق.آ.د.م.)**

۱- نظریه شماره ۱۳۷۸/۹/۱۴-۷/۶۴۷۲- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۲۸۵)

۲- حکم شماره ۲۹۱۵-۱۵/۱۲/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۶)

۳- حکم شماره ۲۴۸۴-۱۶/۱۱/۱۶- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۶)

- ۱- حکم مستند به اقرار در دادگاه (تبصره ذیل م ۳۳۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>
- ۲- حکم مستند به رأی کارشناس (تبصره م ۳۳۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>
- ۳- ساقط کردن حق تجدیدنظر بر اساس توافق طرفین (ماده ۳۳۳ ق.آ.د.م.)
- ۴- خواسته بیش از ۳ میلیون ریال نبوده باشد اعم از حکم یا قرار (مفهوم مخالف بند ۱ م ۳۳۱ ق.آ.د.م.)
- ۵- حکم دادگاه در مورد خسارت ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته (م ۱۲۰ ق.آ.د.م.)

**احکام غیر قابل  
تجدیدنظر :**

- ۱- اولاً اقراری که مستند حکم قرار گرفته باید قاطع دعوا باشد .
- ۲- اقرار مستند حکم باید در دادگاه باشد. ( اقرار عند الحاکم )
- ۳- حکم مستند به اقرار باید از دادگاه صالح (تبصره م ۳۳۱ ق.آ.د.م.)

**اوصافی که حکم مستند  
به اقرار را غیر قابل  
تجدیدنظر  
می نماید :**  
(تبصره م ۳۳۱ ق.آ.د.م.)

۱- رأی شماره ۹۸۰/۱۰۵۷ مورخ ۱۷ شوال ۱۳۳۸- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۴)

۲- رأی شماره ۲۹۳۹/۲۴۰۴ مورخ ۱۳۰۸/۷/۹- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۴)

۳- حکم شماره ۱۷۰۶- ۲۶/۹/۲۷ شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۵)

<p>۱- برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی</p>	<p>۱- مهلت تجدیدنظر نسبت به احکام</p>	<p><b>مهلت تجدیدنظر خواهی:</b></p>
<p>۲- برای اشخاص مقیم خارج از کشور ۲ ماه از تاریخ ابلاغ رأی</p>	<p>حضوری: (م ۳۳۶ ق.آ.د.م.)</p>	
<p>۱- برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت و خواهی</p>	<p>۲- مهلت تجدیدنظر نسبت به احکام</p>	
<p>۲- برای اشخاص مقیم خارج ۲ ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت و خواهی</p>	<p>غیابی: (در صورتیکه ابلاغ واقعی باشد). (م ۳۳۶ ق.آ.د.م.)</p>	
<p>۱- در صورتیکه همگی مقیم ایران یا مقیم خارج باشند حسب مورد ۲۰ روز یا دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی می باشد. (م ۳۳۶ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup></p>	<p>۳- مهلت تجدیدنظر در صورت تعدد محکوم علیهم:</p>	
<p>۲- چنانچه حداقل یکی از محکوم علیهم مقیم خارج و دیگران در ایران باشند مهلت تجدیدنظر نسبت به تمامی آنان ۲ ماه از تاریخ ابلاغ است. (م ۴۴۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>.<sup>(۳)</sup></p>		

۱- رأی شماره ۸۸۲-۱۳۱۰/۲/۲۹- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۹)

۲- رأی شماره ۹۳۶-۱۳۲۰/۳/۳۰- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶۷)

۳- رأی شماره ۷۹۵-۱۳۳۰/۷/۹- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶۷)

- ۱- دادگاه تجدیدنظر مانند دادگاه بدوی از نظر موضوعی و حکمی به دعوا رسیدگی می کند، (رسیدگی ماهوی)<sup>(۱)</sup>
- ۲- رسیدگی دادگاه تجدیدنظر رسیدگی ممیزی و بازبینی است.
- ۳- طرح ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر جایز نیست. (۲). (۳). (۴)
- ۴- تجدید نظر یک طریق اصطلاحی است نه عدولی.
- ۵- رابطه بین مرحله تجدیدنظر با مرحله بدوی، ثنویت است یعنی قضاوت این دو مرحله باید متفاوت باشند.
- ۶- مرحله تجدیدنظر نسبت به مرحله بدوی مرحله عامی محسوب می شود.
- ۷- دادگاه تجدیدنظر می تواند رأی بدوی را نقض نموده و رأی جدید صادر نماید.

### ویژگیهای رسیدگی تجدیدنظر:

---

۱- رأی شماره ۲۶۴۱- دادگاه عالی انتظامی قضاوت (ر.ک. همان منبع . ص ۳۱۱)

۲- رأی شماره ۱۵۶۰/۶۸۱۵ مورخ ۱۳۱۰/۱۲/۱۱- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۹۶)

۳- رأی شماره ۵۶۳/۵۷۱۴ مورخ ۱۳۱۰/۴/۱۴ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۱۵)

۴- رأی شماره ۱۸۲۳-۸۰۵ مورخ ۱۳۰۸/۶/۳۱- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۱۵)

۱- در صورت محجور شدن تجدیدنظر خواه قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر، مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار به قییم یا نماینده قانونی وی است. (م ۳۳۷ ق.آ.د.م.)

۲- در صورت ورشکستگی تجدیدنظر خواه قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم به مدیر تصفیه است. (م ۳۳۷ ق.آ.د.م.)

۳- در صورت فوت تجدیدنظر خواه قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر، مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم به وارث یا قائم مقام یا نماینده قانونی وارث است. (م ۳۳۷ ق.آ.د.م.)

۴- در صورت زایل شدن سمت شخصی که بعنوان ولایت یا قیومیت یا وصایت در دعوا دخالت داشته قبل از انقضای مهلت تجدیدنظر، مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار به کسی است که به این سمت تعیین می شود. (م ۳۳۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>

۵- وجود معاذیر موجه مندرج در ماده ۳۰۶ ق.آ.د.م.: در صورت احراز وجود معاذیر مندرج در این ماده، دادخواست تجدیدنظر خواه پس از انقضای مهلت قانونی نیز مورد پذیرش واقع می شود. (م ۳۴۰ ق.آ.د.م.)

### استثنائات مهلت تجدیدنظر :



- اشخاصی که صلاحیت تقاضای تجدیدنظر را دارند :  
(م ۳۳۵ و تبصره ماده ۳۲۶ ق.آ.د.م.)
- ۱- طرفین دعوا<sup>(۱)</sup>
  - ۲- وکیل یا نماینده قانونی طرفین دعوا<sup>(۲)</sup>. (۳). (۴). (۵)
  - ۳- رئیس دیوان عالی کشور در حدود وظایف قانونی خود
  - ۴- دادستان کل کشور در حدود وظایف قانونی خود
  - ۵- رئیس حوزه قضایی در حدود وظایف قانونی خود

- جهات تجدیدنظر خواهی :  
(م ۳۴۸ ق.آ.د.م.)
- ۱- ادعای عدم اعتبار مستندات دادگاه
  - ۲- ادعای فقدان شرایط قانونی شهادت شهود
  - ۳- ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی .
  - ۴- ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادر کننده رأی (بند ۱ م ۳۷۱ ، و ماده ۹۱ و ۳۵۲ ق.آ.د.م.)
  - ۵- ادعای مخالف بودن رأی با موازین شرعی یا مقررات قانونی . (اصل ۱۶۶ و ۱۶۷ ق.اساسی)

۱- نظریه شماره ۱۳۸۰/۱۱/۱۶-۷/۱۱۲۲۰ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۸)

۲- رأی شماره ۱۹۹۷-۱۳/۱۲/۲- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۷)

۳- رأی تمیزی شماره ۱۹۳۵-۱۳۱۹/۶/۲۳- دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۸)

۴- رأی ردیف شماره ۵۰۵ به شماره ۲۴۲۴/۳۰۳۹ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۱۰)

۵- رأی شماره ۷۷۲/۷۰۹۳-۱۳۱۰/۶/۱۰- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۱۰)

- ۱- نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظر خواه و وکیل او (بند ۱ م ۳۴۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۲- نام و نام خانوادگی، اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظر خوانده (بند ۲ م ۳۴۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
- ۳- حکم یا قراری که از آن درخواست تجدیدنظر شده است. (بند ۳ م ۳۴۱ ق.آ.د.م.)
- ۴- دادگاه صادر کننده رأی (بند ۴ م ۳۴۱ ق.آ.د.م.)
- ۵- تاریخ ابلاغ رأی (بند ۵ م ۳۴۱ ق.آ.د.م.)
- ۶- دلایل تجدیدنظر خواهی (بند ۶ م ۳۴۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>
- ۷- در صورتیکه دادخواست دهنده عنوان قیمومت یا ولایت یا وصایت یا وکالت یا مدیریت شرکت و... را داشته باشد باید رونوشت یا تصویر سندی که مثبت سمت او باشد پیوست دادخواست نماید. (م ۳۴۲ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup>
- ۸- دادخواست و برگهای پیوست آن باید در دو نسخه و در صورت متعدد بودن طرف دعوا به تعداد آنها به علاوه یک نسخه باشد. (م ۳۴۳ ق.آ.د.م.)
- ۹- پرداخت هزینه دادرسی و ابطال تمبر (مستنبط از م ۳۵۶ ق.آ.د.م.)
- ۱۰- دادخواست تجدیدنظر باید روی برگهای مخصوص و به زبان فارسی نوشته شود و دادخواست دهنده آن را امضاء نماید. (مستنبط از م ۳۵۶ ق.آ.د.م.)

**شرایط  
دادخواست  
تجدیدنظر :**

۱- رأی وحدت رویه شمار  
۲- حکم شماره ۱۹۹۶-۲۷/۱۲/۲- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۲۹۶)  
۳- حکم شماره ۳۰۸-۱۳۲۹/۲/۸- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۲۹۶)  
۴- رأی شماره ۱۳۵۹ مورخ ۱۳۱۶/۲/۱۸- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۲۹۷)

۱- اثر تعلیقی: به محض درخواست تجدیدنظر اجرای حکم تا انقضای مهلت تجدیدنظر متوقف می گردد. (م ۳۴۷ ق.آ.د.م.)

۱- محدوده رسیدگی دادگاه تجدیدنظر محدود به موارد رسیدگی شده در مرحله بدوی است. (م ۳۴۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>،<sup>(۳)</sup>

۲- طرح هر گونه ادعای جدید در مرحله تجدیدنظر ممنوع است. (مفهوم مخالف م ۳۴۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup>

۳- دادگاه تجدیدنظر نمی تواند محکومیت اعلام شده علیه طرفی که تجدید نظر خواهی ننموده است را کاهش دهد مگر در صورت عدم تفکیک و تجزیه حکم به دلیل تعدد محکوم علیهم.

۲- داشتن اثر انتقالی: رسیدگی به دعوا از دادگاه نخستین به دادگاه تجدیدنظر منتقل می شود. محدوده اثر انتقالی عبارتند از:

**آثار  
تجدیدنظر  
خواهی: (۱)**

۳- پایان صلاحیت دادگاه بدوی (قاعده فراغ دادرس) (ماده ۸ ق.آ.د.م.)

۴- اثر نسبی بودن رأی دادگاه تجدیدنظر یا تأثیر تجدیدنظر نسبت به طرفین (م ۳۵۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۵)</sup>

۱- دکتر شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۲، صص ۳۷۷ الی ۳۸۱

۲- رأی شماره ۴۷۴/۲۹۶۱- مورخ ۱۳۰۹/۴/۲۸ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع. ص ۳۰۴)

۳- رأی تمیزی شماره ۷۱۸-۱۳۱۸/۴/۲ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۰۴)

۴- حکم شماره ۳۱۵-۲۳/۵/۳۱ شعبه ۱ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۰۴)

- ۵- اثر تخفیفی تجدیدنظر: در صورتیکه دادگاه محکوم علیه را مستحق تخفیف بداند مجازات وی را تخفیف می دهد. (تبصره ۲ م ۲۲ ق.ت.د.ع.ا.)
- ۶- اثر تشدید تجدیدنظر: در احکام مدنی دادگاه تجدیدنظر می تواند مجازات را تشدید کند. (مفهوم مخالف تبصره ۲ م ۲۲ ق.ت.د.ع.ا.)
- ۷- اثر قطعیت پذیری تجدیدنظر: (م ۳۶۵ ق.آ.د.م.)

**آثار  
تجدیدنظر  
خواهی:**

- ۱- مطالبه قیمت محکوم به که عین آن موضوع رأی بدوی بوده است.
- ۲- مطالبه عین مالی که در مرحله بدوی مورد حکم قرار گرفته است.
- ۳- ادعای اجاره بها و مطالبه بقیه اقساط آن و اجرت المثل و دیونی که موعد پرداخت آن در جریان رسیدگی بدوی رسیده باشد و همچنین سایر متفرعات دعوا.<sup>(۲)</sup>
- ۴- تغییر عنوان خواسته از اجرت المسمی به اجرات المثل یا بالعکس.
- ۵- طرح بعضی از دعاوی طاری (ورود ثالث م ۱۳۰ و جلب ثالث م ۱۳۵ ق.آ.د.م.)

**مواردیکه در مرحله  
تجدیدنظر ادعای  
جدید محسوب  
نمی شوند:<sup>(۱)</sup>  
(م ۳۶۲ ق.آ.د.م.)**

۱- رأی شماره ۵۴۲-۷۳- مورخ ۱۳۰۷/۲/۸ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۱۳)

۲- رأی تمیزی شماره ۱۷۶۳- مورخ ۱۳۳۸/۴/۲۷ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۱۶)

۳- رأی شماره ۱۲۱۴/۱۴۷۳ مورخ ۱۳۰۸/۹/۱۰ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۱۵)

- ۱- هر گاه دادگاه تجدیدنظر، دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت محلی یا ذاتی تشخیص دهد. (م ۳۵۲ ق.آ.د.م.)
- ۲- هر گاه دادگاه تجدیدنظر قرار مورد شکایت را مطابق با موازین قانونی تشخیص ندهد. (م ۳۵۳ ق.آ.د.م.)

**موارد نقض رأی  
بدوی در  
دادگاه**

- ۱- چنانچه دادگاه تجدید نظر ادعای تجدیدنظر خواه را موجه تشخیص دهد رأی دادگاه بدوی را نقض و رأی مقتضی صادر می نماید. (م ۳۵۸ ق.آ.د.م.) (۱). (۲). (۳). (۴). (۵)
- ۲- اگر دادگاه تجدیدنظر ادعای تجدیدنظر خواه را موجه تشخیص ندهد رأی را تأیید و به دادگاه صادر کننده رأی عودت می دهد. (م ۳۵۸ ق.آ.د.م.) (۶)

**طرز رسیدگی  
در مرحله  
تجدیدنظر:**

- ۱- رأی شماره ۱۹۰۷-۴۹۷ مورخ ۱۳۰۷/۶/۱۱- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۱۰)
- ۲- حکم شماره ۴۷۴- مورخ ۲۹/۳/۹ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۱۰)
- ۳- رأی شماره ۶۷۰۵-۱۸۷۷- مورخ ۱۳۰۹/۱۲/۳۰ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۱۰)
- ۴- رأی شماره ۲۰۳۶-۱۳۲۷/۱۲/۸- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۱۲)
- ۵- رأی شماره ۷۱۴۲-۸۸۱-۱۳۱۰/۷/۸- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۱۰)
- ۶- رأی شماره ۳۱۰-۱۸۳-۱۳۰۶/۱۰/۱۲- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۱۰)

- ۱- در صورتیکه دادخواست فاقد عذر  
موجه در ماده ۳۰۶ باشد قرار ردّ  
دادخواست صادر می شود.
- ۱- در صورت  
تقدیم دادخواست  
خارج از مهلت  
قانونی :
- ۲- اگر دادخواست دهنده دارای عذر  
موجه باشد بدو آ به عذر رسیدگی  
می شود و قرار رد یا قبولی صادر  
می شود. (تبصره ۲ م ۳۰۶ ق.آ.د.م.).

**تکالیف دادگاه  
صادر کننده رأی  
بدوی پس از  
ثبت دادخواست  
تجدید نظر :**

- ۲- در صورت تقدیم دادخواست ناقص : در اینصورت  
مطابق (م ۳۴۴ و ۳۴۵ ق.آ.د.م.) اخطار رفع نقص  
می شود. (۱). (۲)
- ۳- تقدیم دادخواست بصورت کامل و در مهلت مقرر :  
در این مورد مطابق (م ۳۴۶ ق.آ.د.م.) و شرایط مندرج  
در آن پرونده به مرجع تجدیدنظر فرستاده می شود.
- ۴- در صورتیکه دادگاه بدوی رأی را غیر قابل  
تجدیدنظر اعلام نماید : در این صورت نیز مطابق م ۳۴۶  
و شرایط مندرج در آن پرونده به دادگاه تجدیدنظر  
فرستاده می شود. (۳). (۴)

۱- رأی وحدت رویه شماره ۲۳-۱۳۴۰/۴/۶- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۹۹)

۲- رأی شماره ۱۷۲۴/۶۶۲۴-۱۳۰۹/۱۲/۶- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۰۰)

۳- حکم شماره ۹۰-۱۶/۱/۱۹- شعبه ۱ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۰۱)

۴- حکم شماره ۱۳۶۰-۲۶/۸/۱۸- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۰۲)

فصل یازدهم - تجدید نظر ■ ۲۵۷

- ۱- هنگامیکه دادگاه تجدیدنظر دادخواست را ناقص تشخیص دهد. (م ۳۴۴ و ۳۴۵ ق.آ.د.م.)
- ۲- در صورتیکه دادخواست تجدیدنظر به تجدیدنظر خوانده ابلاغ نشده باشد. (م ۳۴۶ ق.آ.د.م.)
- ۳- زمانیکه رأی صادره از دادگاه بدوی بدون توجه به شرایط مندرج در ماده ۵۱ صادر شده باشد (ماده ۳۵۰ ق.آ.د.م.) اعمال می شود.
- ۴- در صورتیکه دادگاه بدوی پرونده تجدیدنظر را به دادگاه غیر صالح ارسال نماید (م ۲۷ و مستنبط از م ۳۳۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۵- در صورتیکه دادخواست تجدیدنظر بدون عذر موجه خارج از مهلت مقرر تقدیم شده باشد. (تبصره ۲ م ۳۳۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
- ۶- در صورتیکه سمت تجدیدنظر خواه محرز نباشد (مستنبط از م ۳۴۲ ق.آ.د.م.)
- ۷- چنانچه رأی تجدیدنظر خواسته قابل تجدیدنظر و یا قابل استماع نباشد.

**مواردیکه دعوی  
تجدیدنظر قابل  
رسیدگی نیست :**

**تجدیدنظر از این احکام**  
مانع اجرای حکم  
نیست : (۳)

- ۱- حکم رفع تصرف عدوانی
- ۲- حکم رفع ممانعت از حق
- ۳- حکم رفع مزاحمت

۱- رأی تمیزی شماره ۶۱۴-۱۳۱۸/۳/۲۰ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۸۷)

۲- رأی شماره ۱۳۲۰۵/۳۷۲۹- مورخ ۱۳۰۸/۹/۲۵ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۹۲)

۳- رأی شماره ۱۳۲۰/۱/۳۱-۳۲۲۵ دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۱۸۴)





# فصل دوازدهم

## فرجام خواهی

## مبحث اول - بررسی آراء قابل فرجام ، انواع ، شرایط و آثار آن

۱- دعاوی مالی مازاد بر ۲۰ میلیون ریال	۱- احکام :	۱- آرای که از دادگاه بدوی صادر شده اند : (م ۳۶۷ ق.آ.د.م.)	آراء قابل فرجام :
۲- اصل نکاح			
۳- فسخ نکاح			
۴- اصل طلاق			
۵- نسب			
۶- حجر			
۷- وقف			
۸- ثلث			
۹- حبس			
۱۰- تولیت			
۱- قرار ابطال دادخواست	۲- قرارها :		
۲- قرار رد دادخواست			
۳- قرار سقوط دعوا			
۴- قرار عدم اهلیت یکی از طرفین			

۱- راجع به اصل نکاح و فسخ آن ۲- طلاق ۳- نسب ۴- حجر ۵- وقف	۱- احکام:	۱- آرایه که از دادگاه تجدیدنظر صادر شده اند: (م ۳۶۸ ق.آ.د.م.)	آراء قابل فرجام:
۱- قرار ابطال دادخواست ۲- قرار رد دادخواست ۳- قرار سقوط دعوا <sup>(۱)</sup> ۴- قرار عدم اهلیت یکی از طرفین	۲- قرارها:		

۱- رأی اصراری شماره ۷۶۱-۱۴/۳/۱۳۱۲ - شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۲۵)

- ۱- احکام مستند به اقرار قاطع دعوی در دادگاه<sup>(۱)</sup>
- ۲- احکام مستند به نظریه یک یا چند نفر کارشناس که طرفین بطور کتبی رأی آنها را قاطع دعوی قرار داده اند. (۲). (۳)
- ۳- احکام مستند به سوگند قاطع دعوا<sup>(۴)</sup>
- ۴- احکام صادره از دادگاه بدوی در دعاوی مالی کمتر از ۲۰ میلیون ریال
- ۵- احکامی که طرفین حق فرجام خواهی خود را نسبت به آن ساقط کرده اند.
- ۶- احکام مربوط به متفرعات دعوا در صورتیکه حکم راجع به اصل دعوا قابل رسیدگی فرجامی نباشد.<sup>(۵)</sup>
- ۷- احکامی که به موجب قوانین خاص غیر قابل فرجام خواهی است.
- ۸- آراییی که مشمول موارد مذکور در (مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ ق.آ.د.م.) نمی باشند.
- ۹- احکام صادره از دادگاه تجدیدنظر در دعاوی مالی
- ۱۰- حکم رفع حجر<sup>(۶)</sup>
- ۱۱- رأی دادگاه در مقام رفع اجمال و ابهام از حکم<sup>(۷)</sup>

آراء غیر قابل  
فرجام:  
(م ۳۶۹ ق.آ.د.م.)

۱- رأی شماره ۱۰۵۷-۹۸۰ مورخ ۱۷ شوال ۱۳۳۸ هجری- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان

منبع. ص ۳۲۶)

۲- حکم اصراری شماره ۸۲۷-۳۰/۷/۲۱- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۲۷)

۳- حکم شماره ۴۰۴۱-۱۹/۱۱/۳۰- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۲۷)

۴- رأی شماره ۱۱۹۴-۱۳۲۵/۷/۳- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۲۶)

۵- رأی اصراری شماره ۳۶۹۶-۱۳۳۷/۷/۶- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۲۳)

۶- رأی شماره ۵۴۷-۲۱/۲/۳۰- شعبه ۱ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۲۴)

۷- حکم شماره ۲۴۸۷-۱۶/۱۱/۱۷- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۲۴)

۱- برای افراد مقیم ایران ۲۰ روز و برای افراد مقیم خارج از کشور ۲ ماه (م ۳۹۷ ق.آ.د.م.)

۱- اگر همگی ساکن ایران و یا همگی ساکن خارج از کشور باشند حسب مورد ۲۰ روز و یا دو ماه

۲- اگر یکی از محکوم علیهم ساکن خارج از کشور باشد مهلت فرجام نسبت به تمامی آنها ۲ ماه می باشد .  
(م ۴۴۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>

۲- در صورت تعدد محکوم علیهم :

**مهلت فرجام خواهی :**

۱- برای احکام و قرارهای قابل فرجام خواهی دادگاه تجدیدنظر استان از روز ابلاغ (بند الف م ۳۹۸ ق.آ.د.م.)

۲- برای احکام و قرارهای قابل تجدیدنظر دادگاه بدوی که نسبت به آن تجدیدنظر خواهی نشده از تاریخ انقضای مهلت تجدیدنظر (بند ب م ۳۹۸ ق.آ.د.م.)

۳- در صورت مغایرت دو حکم ، ابتدای مهلت فرجام خواهی تاریخ آخرین ابلاغ هر یک از دو حکم است . (م ۳۹۹ ق.آ.د.م.)

**ابتدای مهلت فرجام خواهی :**

۱- رأی شماره ۹۳۶-۱۳۲۰/۳/۳۰- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶۷)

۱- اگر فرجام‌خواه قبل از انقضای مهلت فرجام‌خواهی محجور شود، مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار به قیم یا نماینده قانونی وی است.

۲- در صورت ورشکستگی فرجام‌خواه قبل از انقضای مهلت فرجام‌خواهی مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم به مدیر تصفیه است.

۳- در صورت فوت فرجام‌خواه قبل از انقضای مهلت فرجام‌خواهی مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم به وارث یا قائم مقام یا نماینده قانونی وارث است.

۴- زایل شدن سمت شخصی که بعنوان ولایت یا قیمومت یا وصایت یا وکالت در دعوا دخالت داشته، قبل از انقضای مهلت فرجام، مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار به کسی است که به این سمت تعیین می‌شود.<sup>(۱)</sup>

۵- وجود عذرهای موجه مندرج در (ماده ۳۰۶ ق.آ.د.م.): در صورت وجود معاذیر مندرج در این ماده، دیوانعالی کشور دادخواست فرجام خواه را پس از انقضای مهلت فرجام نیز می‌پذیرد. (م ۳۵۲ ق.آ.د.م.)

### استثنائات مهلت

فرجام‌خواهی: (ماده

۴۰۰ ناظر به مواد ۳۳۷

و ۳۳۸ ق.آ.د.م.)

- ۱- نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات فرجام خواه و وکیل وی
- ۲- نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات فرجام خوانده
- ۳- حکم یا قراری که از آن درخواست فرجام شده
- ۴- دادگاه صادر کننده رأی
- ۵- تاریخ ابلاغ رأی
- ۶- دلایل فرجام خواهی

**شرایط دادخواست  
فرجامی :**  
(م ۳۸۰ ق.آ.د.م.)

- ۱- رونوشت یا تصویر مصدق حکم یا قراری که از آن فرجام خواسته می شود .
- ۲- لایحه متضمن اعتراضات فرجامی
- ۳- وکالتنامه وکیل یا مدرک مثبت سمت تقدیم کننده<sup>(۱)</sup> دادخواست فرجامی در صورتیکه خود فرجام خواه دادخواست را نداده باشد .

**ضمایم دادخواست  
فرجامی :**  
(م ۳۸۱ ق.آ.د.م.)

۱- رأی وحدت رویه ۱۸۵۵-۱۳۳۵/۹/۵ - اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۳۳۲)

۱- فرجامخواهی اصلی : هر گاه محکوم علیه شخصاً تقاضای رسیدگی فرجامی کند .	۱- فرجامخواهی بی واسطه :	<b>انواع فرجامخواهی: (۱)</b>
۲- فرجام خواهی تبعی : درخواست فرجام خواهی از طرف فرجام خوانده نسبت به حکمی که فرجام خواه اصلی مورد فرجام خواهی قرار داده ضمن پاسخ به دادخواست فرجامی (م ۴۱۳ ق.آ.د.م.)		
۲- فرجام خواهی با واسطه : فرجام خواهی است که از طریق دادستان کل صورت می گیرد . (م ۳۸۷ ق.آ.د.م.) <sup>(۲)</sup>		

۱- دکتر شمس ، عبدالله ، همان منبع ، ج ۲ ، صص ۴۳۰ الی ۴۳۶

۲- رأی وحدت رویه شماره ۶۱۳-۱۸/۱۰/۱۳۷۵- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۳۳۷)



- ۱- فرجام خواهی تبعی فقط باید توسط خواننده یا وکیل یا قائم مقام او صورت پذیرد .
- ۲- فرجام خواهی تبعی باید در ضمن پاسخ به دادخواست فرجامی باشد .
- ۳- فرجام خواهی تبعی نسبت به جهتی که فرجام خوانده آن را به ضرر خود می داند باید صورت بگیرد .
- ۴- فرجام خواهی تبعی می تواند نسبت به جهتی که آن را خلاف موازین شرع و مقررات می داند انجام بگیرد .

**شرایط فرجام  
خواهی تبعی :**  
(م ۴۱۳ ق.آ.د.م.)

- ۱- نام ، نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات فرجام خواه و وکیل او در صورتی که دادخواست را وکیل داده باشد .
- ۲- قید نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات فرجام خوانده
- ۳- قید حکم یا قراری که از آن درخواست فرجام شده است
- ۴- قید دادگاه صادر کننده رأی
- ۵- قید تاریخ ابلاغ رأی
- ۶- قید دلایل فرجام خواهی
- ۷- پیوست رونوشت یا تصویر مصدق حکم یا قراری که از آنها فرجام خواسته می شود .
- ۸- پیوست لایحه متضمن اعتراضات فرجامی

**شرایطی که در فرجام  
خواهی تبعی جاری  
نمی باشد :**  
(م ۴۱۶ ناظر به مواد  
۳۸۰ و ۳۸۱ ق.آ.د.م.)

۱- رأی فرجامی نمی تواند مورد استفاده غیر طرفین فرجام خواهی قرار گیرد مگر اینکه رأی قابل تجزیه و تفکیک نباشد (م ۴۰۴ ق.آ.د.م.)

۲- رأی فرجام خواهی دارای اثر انتقالی نمی باشد .

۳- رأی فرجام خواهی اثر تعلیقی ندارد . (م ۳۸۶ ق.آ.د.م.)

**اثرات درخواست فرجام خواهی: (۱)**

۱- محکوم به مالی باشد : در اینصورت به تشخیص دادگاه قبل از اجرای حکم از محکوم له تأمین مناسب اخذ می شود. (۲)

۲- محکوم به غیر مالی باشد : در اینصورت به تشخیص دادگاه صادر کننده حکم محکوم علیه تأمین مناسب می دهد تا اجرای حکم تا صدور رأی فرجامی به تأخیر افتد. (۳)

**نحوه اجرای حکمی که مورد درخواست فرجامی است : (م ۳۸۶ ق.آ.د.م.)**

۱- هزینه دادرسی پرداخت نشده باشد . (م ۳۸۳ ق.آ.د.م.)

۲- عدم رعایت موارد مندرج در (مواد ۳۸۱ و ۳۸۲ ق.آ.د.م.)

**مواردیکه دادخواست فرجامی به جریان نمی افتد :**

۱- دکتر شمس ، عبدالله ، همان منبع ، ج ۲ ، صص ۴۲۵ الی ۴۳۰

۲- رأی شماره ۳۶۵۶-۱۳۲۴/۱/۱۶- دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. امیری ، داریوش ، همان منبع . ص ۳۳۶)

۳- رأی شماره ۱۴۶-۱۳۷۴/۹/۸- شعبه اول - دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۳۳۶)

- موارد رسیدگی خارج از نوبت در دیوان : (م ۳۹۰ ق.آ.د.م.)
- ۱- به موجب قانون
  - ۲- به تشخیص رئیس دیوانعالی کشور
  - ۳- وجود ضرورت به تشخیص دادگاه

- شرایط گزارش تهیه شده از دادخواست فرجامی (م ۳۹۲ ق.آ.د.م.)
- ۱- گزارش پرونده باید جامع باشد .
  - ۲- گزارش باید حاوی جریان ماهیت دعوا باشد .
  - ۳- گزارش باید حاوی بررسی کامل در اطراف اعتراضات فرجام خواه باشد .
  - ۴- گزارش باید واجد جهات قانونی مورد رسیدگی فرجامی باشد .
  - ۵- گزارش باید مستدل باشد .

- اشخاص درخواست کننده رسیدگی فرجامی : (م ۳۷۸ ق.آ.د.م.)
- ۱- طرفین دعوا، قائم مقام، نمایندگان قانونی و وکلای آنان .
  - ۲- دادستان کل کشور

- ۱- عدم صلاحیت ذاتی دادگاه صادر کننده رأی فرجامی (بند ۱ م ۳۷۱ ق.آ.د.م.)
- ۲- عدم صلاحیت محلی دادگاه صادر کننده رأی فرجامی مشروط بر اینکه نسبت به آن ایراد وارد شده باشد. (بند ۱ م ۳۷۱ ق.آ.د.م.)
- ۳- رأی صادره خلاف موازین شرعی و مقررات قانونی شناخته شود. (بند ۲ م ۳۷۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۴- عدم رعایت اصول دادرسی و قواعد آمره و حقوق اصحاب دعوا به شرط اینکه این عدم رعایت به درجه‌ای باشد که رأی را از اعتبار قانونی بیندازد (بند ۳ م ۳۷۱ ق.آ.د.م.)
- ۵- هر گاه آراء مغایر با یکدیگر بدون سبب قانونی در یک موضوع و بین همان اصحاب دعوا صادر شده باشد. (بند ۴ م ۳۷۱ ق.آ.د.م.)
- ۶- در صورت نقض تحقیقات یا عدم توجه به دلایل طرفین (بند ۵ م ۳۷۱ ق.آ.د.م.)
- ۷- چنانچه مفاد رأی به نحوی انشاء شود که منطبق با ماده قانونی دیگری با مفهوم متفاوت باشد (م ۳۷۳ ق.آ.د.م.)
- ۸- هر گاه عدم صحت مدارک و اسناد و نوشته‌هایی که مبنای رأی طرفین است ثابت شود. (م ۳۷۵ ق.آ.د.م.)
- ۹- هر گاه دعوا ناشی از قرار داد باشد و مفاد سند یا قانون یا آئین نامه مربوط به آن قرار داد معنای دیگری غیر از معنای مورد نظر دادگاه صادر کننده رأی داده شود. (م ۳۷۴ ق.آ.د.م.)

### موارد نقض حکم در دیوان :

۱- رأی شماره ۱۱۸۲/۲۹۵۶-۱۳۰۸/۹/۶- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۲۹)

فصل دوازدهم - فرجام خواهی ■ ۲۷۱

۱- اگر حکم یا قرار صادره به خاطر نقص تحقیقات  
نقض شود رسیدگی مجدد به دادگاهی که رأی را  
صادر نموده ارجاع می شود. (بند الف م ۴۰۱  
ق.آ.د.م.)

۲- اگر حکم یا قرار صادره به علت عدم صلاحیت  
(ذاتی یا محلی) نقض شود، دیوان پرونده را به  
دادگاهی که صالح برای رسیدگی باشد می فرستد.  
(بند ب م ۴۰۱ ق.آ.د.م.)

۳- در صورت مغایر بودن دو رأی در یک موضوع  
رأی مؤخر نقض و بلا ارجاع می ماند.  
(م ۳۷۶ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>

۴- در سایر موارد نقض، پرونده به شعبه دیگری هم  
عرض با دادگاه صادر کننده رأی ارجاع  
می شود. (بند ج م ۴۰۱ ق.آ.د.م.)

۵- در صورت نقض رأی به علت نقص تحقیقات  
دیوان عالی کشور مکلف است نواقص را بصورت  
یکجا و مشروح ذکر نماید. (م ۳۴۲ ق.آ.د.م.)

### تکلیف دیوان پس از نقض رأی :

۱- نظریه شماره ۱۳۷۱/۲/۳-۷/۱۲۵۰ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۳۳۰)

- ۱- زمانی که در مهلت مقرر فرجام خواهی نشده باشد می توان از طریق دادستان درخواست فرجام نمود .
- ۲- هر گاه ذینفع مدعی خلاف شرع یا قانونی بودن رأی قابل فرجام باشد می تواند از طریق دادستان کل کشور تقاضای رسیدگی فرجامی نماید .
- ۳- مهلت فرجام خواهی از طریق دادستان یک ماه از تاریخ انقضای مهلت فرجام خواهی یا قطعی شدن قرار رد دادخواست فرجامی یا ابللاغ رأی دیوانعالی در خصوص تأیید قرار رد دادخواست فرجامی است .
- ۴- در خواست فرجام از طریق دادستان مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی فرجامی است .
- ۵- دادخواست فرجامی از طریق دادستان باید به دفتر دادستان کل کشور تقدیم شود .

**شرایط درخواست  
فرجام از دادستان  
کل کشور :**  
**(مواد ۳۸۷ و ۳۸۸  
ق.آ.د.م.)**

### مبحث دوم - اعتراض شخص ثالث

- ۱- در دعوی حکم یا قرار باید صادر شده باشد.<sup>(۱)</sup>
- ۲- شخص ثالث از حکم یا قرار صادره باید متضرر شده باشد.<sup>(۲)، (۳)</sup>
- ۳- شخص ثالث در جریان دعوا، موضوع حکم یا قرار دخالت نداشته باشد.<sup>(۴)</sup>

**شرایط اعتراض  
شخص ثالث :**  
**(م ۴۱۷ ق.آ.د.م.)**

۱- نظریه شماره ۷/۵۷۵۲-۱۶/۶/۱۳۷۹ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۳۴۹)

۲- رأی شماره ۸۴۴/۱۸۰۹-۷/۱۳۰۸/۷ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۴۸)

۳- رأی تمیزی شماره ۱۲۰۱-۱۳۱۷/۵/۲۵- دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۴۸)

۴- رأی اصراری شماره ۱۲۸-۱۳۴۷/۸/۱۵- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۴۸)

- ۱- کلیه احکام و قرارهای صادره از محاکم عمومی، انقلاب و تجدیدنظر به شرطی که مخل حقوق ثالث باشد. (م ۴۱۸ ق.آ.د.م.)
- ۲- حکم داور به شرط آنکه شخص ثالث اصالتاً یا از طریق نمایندگی در دعوا یا تعیین داور دخالت نداشته باشد (م ۴۱۸ و ۴۹۵ ق.آ.د.م.)
- ۳- تصمیم دادگاه در امور حسبی به شرطی که متضمن ضرری برای شخص ثالث باشد. (م ۴۴ ق.ا.ح.)

**احکام شمول  
اعتراض ثالث :**

- ۱- معترض باید ثالث باشد (معتراض نباید از اصحاب دعوی منتهی به صدور رأی باشد.) (م ۴۱۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۲- معترض باید ذینفع باشد (م ۴۱۷ ق.آ.د.م.)
- ۳- اعتراض ثالث باید علیه اصحاب دعوایی که منتهی به صدور رأی شده مطرح گردد (محکوم له و محکوم علیه) (م ۴۲۰ ق.آ.د.م.)

**شرایط اصحاب  
دعوی اعتراض  
ثالث :**

۱- رأی شماره ۱۷/۲۲ شعبان ۱۳۳۰ هجری آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۴۸)

۱- اعتراض اصلی : اعتراضی که ابتدا از طرف شخص ثالث مطرح می شود .

۲- اعتراض طاری : اعتراضی که یکی از اصحاب دعوا به رأیی که سابقاً در دادگاهی صادر شده و طرف دیگر برای اثبات ادعای خود در اثنای دادرسی به آن رأی استناد می نماید .<sup>(۱)</sup>

### انواع اعتراض

ثالث :

(م ۴۱۹ ق.آ.د.م.)

۱- اعتراض اصلی باید به موجب دادخواست باشد در حالیکه اعتراض طاری به موجب دادخواست نیست .<sup>(۲)</sup>

۲- دادخواست اعتراض اصلی به دادگاهی داده می شود که (حکم یا قرار) را صادر نموده است ولی اعتراض طاری به دادگاهی که دعوا در آن مطرح است داده می شود .<sup>(۳) . (۴)</sup>

### تفاوت اعتراض

اصلی و اعتراض

طاری :

(مواد ۴۲۰ و ۴۲۱

ق.آ.د.م.)

۱- حکم شماره ۹۳۳-۱۸/۴/۲۹- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۰)

۲- رأی شماره ۱۴۱۲-۱۳۰۶/۱۱/۱۴ دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۱)

۳- رأی شماره ۲۶/۳۶۹۱-۱۳۰۹/۱/۱۴ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۱)

۴- رأی شماره ۶۳۴-۱۳۲۷/۴/۲۸- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۱)



مهلت اعتراض  
ثالث :  
(م ۴۲۲ ق.آ.د.م.)

۱- قبل از اجرای حکم  
۲- بعد از اجرای حکم به شرطی که ثابت شود حقوقی که اساس و مأخذ اعتراض است به جهاتی از جهات قانونی ساقط نشده باشد .

نتایج اعتراض  
ثالث :

۱- اثر تعلیقی : اصل بر عدم تأخیر اجرای حکم قطعی است اما در مواردیکه جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ممکن نباشد ، دادگاه پس از اخذ تأمین قرار تأخیر اجرای حکم را صادر می کند . (م ۴۲۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>  
۲- اثر انتقالی : اعتراض ثالث دارای اثر انتقالی می باشد . اما این اثر انتقالی محدود به مواردی است که شخص ثالث آنها را مورد انتقاد قرار داده باشد .

شرایط تأخیر اجرای حکم به دلیل اعتراض  
ثالث<sup>(۲)</sup>  
(م ۴۲۴ ق.آ.د.م.)

۱- زمانیکه جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم ممکن نباشد .  
۲- معترض ثالث درخواست تأخیر اجرای حکم را بنماید .  
۳- زمانیکه معترض ثالث تأمین مناسب را تودیع نماید .  
۴- مدت تأخیر اجرای حکم معین گردیده باشد .

۱- رأی شماره ۷۳۸-۱۳۰۹/۷/۲۲-دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۳)

۲- رأی شماره ۳۶۵۶-۱۳۲۴/۱/۱۶-دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۳)

الف) اعتراض اصلی: در اینصورت دعوی اعتراض ثالث باید در دادگاهی که رأی قطعی را صادر نموده است اقامه شود. (م ۴۲۰ ق.آ.د.م.)  
ب) اعتراض ثالث طاری: در دادگاهی عنوان می شود که رأی مورد اعتراض بعنوان دلیل مورد استناد قرار گرفته است. (م ۴۲۱ ق.آ.د.م.)

**مرجع رسیدگی  
کننده به دعوی  
اعتراض ثالث:**

### مبحث سوم - اعاده دادرسی

۱- در اعتراض ثالث دادگاه رأی جدید نمی دهد ولی در اعاده دادرسی رأی جدید داده می شود و آن رأی قابل اعتراض است.

۲- اعتراض ثالث اعتراضی است نسبت به حکم قطعی و قرار قطعی ولی در اعاده دادرسی فقط نسبت به حکم قطعی اعتراض صورت می گیرد.

۳- در اعتراض ثالث شخص بیگانه ثالث معترض است اما در اعاده دادرسی اصحاب دعوا همان خواهان و خوانده مراحل قبل می باشند.

۱- قید نام و نام خانوادگی و محل اقامت و سایر مشخصات درخواست کننده و طرف او  
۲- قید حکمی که مورد درخواست اعاده دادرسی است.  
۳- قید مشخصات دادگاه صادر کننده حکم.  
۴- تصریح جهتی که موجب درخواست اعاده دادرسی شده است.  
۵- در صورتی که درخواست اعاده دادرسی را وکیل تقدیم نماید باید مشخصات او در دادخواست ذکر شود.

**تفاوت اعاده  
دادرسی با اعتراض  
شخص ثالث:**

**مندرجات  
دادخواست اعاده  
دادرسی:  
(م ۴۳۵ ق.آ.د.م.)**

فصل دوازدهم - فرجام خواهی ■ ۲۷۷

- ۱- موضوع حکم مورد ادعای خواهان نبوده باشد .
- ۲- صدور حکم به میزان بیش از خواسته .
- ۳- وجود تضاد در مفاد حکم واحد .
- ۴- مغایر بودن دو حکم قطعی<sup>(۱)</sup> .
- ۵- تقلب و حیلہ طرف دعوی که مؤثر در حکم دادگاه بوده است .
- ۶- مجعول بودن مستند حکم .
- ۷- پس از صدور حکم اسناد و مدارکی به دست آید که دلیل حقانیت درخواست کننده بوده و ثابت شود که اسناد و مدارک در جریان دادرسی مکتوم بوده است .<sup>(۲)</sup> .<sup>(۳)</sup>

### جهات اعاده

دادرسی :

(م ۴۲۶ ق.آ.د.م.)

- ۱- کلیه احکام قطعی صادره از دادگاه بدوی
- ۲- احکام غیابی که در مهلت مقرر نسبت به آن واخواهی و تجدید نظر صورت نگرفته و قطعی شده است .<sup>(۴)</sup>

### احکام قابل اعاده

دادرسی :

(مدلول م ۴۲۷ ق.آ.د.م.)

- ۱- اعاده دادرسی اصلی : متقاضی اعاده دادرسی بطور مستقل آن را درخواست نماید .
- ۲- اعاده دادرسی طاری : در اثنای یک دادرسی حکمی به عنوان دلیل ارائه شود و کسی که حکم یاد شده علیه او ابراز گردیده ، نسبت به آن درخواست اعاده دادرسی نماید .

### انواع اعاده

دادرسی :

(م ۴۳۲ ق.آ.د.م.)

۱- قسمتی از رأی اصراری شماره ۳۸۸۵-۱۳۴۱/۱۲/۲۳- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع .

ص ۳۵۵)

۲- حکم شماره ۷۹۳-۱۲ و ۱۶/۱/۴ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۷)

۳- حکم شماره ۹۴۴۹-۳۴/۵/۵ شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۷)

۴- رأی شماره ۱۳۹۹/۱۲۵۰- مورخ ۸ محرم ۱۳۴۰- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۵)

مهلت اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز و  
برای اشخاص مقیم خارج ۲ ماه :

۱- نسبت به آرای حضوری قطعی : مهلت مذکور از  
تاریخ ابلاغ رأی به طرفین شروع می شود . (بند ۱ م ۴۲۷  
ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>

۲- نسبت به آرای غیابی : از تاریخ انقضای مهلت  
واخواهی و تجدیدنظر است (بند ۲ م ۴۲۷ ق.آ.د.م.)

۳- اگر جهت اعاده دادرسی به علت مغایر بودن دو  
حکم باشد ابتدای مهلت از تاریخ آخرین ابلاغ هر یک  
از دو حکم است . ( م ۴۲۸ ق.آ.د.م.)

۴- اگر جهت اعاده دادرسی به خاطر جعلی بودن اسناد  
یا حيله و تقلب طرف مقابل باشد ابتدای مهلت اعاده  
دادرسی از تاریخ ابلاغ حکم نهایی مربوط به اثبات جعل  
یا حيله و تقلب می باشد . ( م ۴۲۹ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>،<sup>(۳)</sup>

۵- اگر جهت اعاده دادرسی وجود اسناد و مدارک  
مکتوم باشد ابتدای مهلت از تاریخ وصول اسناد و  
مدارک است . ( م ۴۳۰ ق.آ.د.م.)<sup>(۴)</sup>

### ابتدای مهلت اعاده دادرسی :

۱- رأی اصراری شماره ۴۰-۱۳۳۹/۱/۱۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۸)  
۲- رأی شماره ۹۸۴/۷۱۸۳- مورخ ۱۳۱۰/۱۱/۳۰ آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۸)  
۳- رأی شماره ۲۳۸۹-۱۳۱۵/۱۰/۳۰- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۸)  
۴- رأی شماره ۱۱۶۴-۱۳۱۸/۵/۳۰- شعبه اول دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۵۹)

۶- اگر شخصی قبل از انقضای مهلت اعاده دادرسی ورشکسته یا محجور یا فوت شود مهلت جدید از تاریخ ابلاغ به مدیر تصفیه یا قیم یا وارث یا قائم مقام و یا نماینده قانونی می باشد. (م ۴۳۱ ناظر به ماده ۳۳۷ ق.آ.د.م.)

۷- اگر سمت یکی از اطراف دعوا که بعنوان نمایندگی (از قبیل ولایت، وصایت و قیمومت) قبل از انقضای مهلت اعاده دادرسی زایل شود مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار به شخص تعیین شده شروع می شود. (م ۴۳۱ ناظر به م ۳۳۸ ق.آ.د.م.)

۸- اگر به دلیل وجود معاذیر موجه در ماده ۳۰۶ شخص نتواند اعاده دادرسی کند مهلت اعاده دادرسی از تاریخ قبولی عذرهای موجه توسط دادگاه است (تبصره م ۴۲۷ ق.آ.د.م.)

### ابتدای مهلت اعاده دادرسی :

۱- اثر تعلیقی: صرف درخواست اعاده دادرسی اجرای حکم را متوقف نمی نماید مگر در صورت قبولی درخواست. (م ۴۳۷ ق.آ.د.م.)

۲- دادگاه پس از فسخ یا نقض حکم مجدداً نسبت به امور موضوعی و حکمی رسیدگی و اتخاذ تصمیم می نماید. (م ۴۳۸ ق.آ.د.م.)

### آثار اعاده دادرسی: (۱)

۱- اعاده دادرسی یکی از موارد استثنائات بر قاعده فراغ دادرسی است.

۱- چنانچه محکوم به غیر مالی باشد اجرای حکم

متوقف می شود .

۲- اگر محکوم به مالی باشد و امکان اخذ تأمین و

جبران خسارت احتمالی وجود داشته باشد به

تشخیص دادگاه از محکوم له تأمین مناسب اخذ و

اجرای حکم ادامه می یابد .

۳- در مواردیکه درخواست اعاده دادرسی مربوط

به یک قسمت از حکم باشد طبق بندهای (الف) و

(ب) عمل می شود .

**تکلیف حکم مورد اعاده**

**دادرسی پس از صدور**

**قبولی :**

**(م ۴۳۷ ق.آ.د.م.)**

۱- در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا شخص دیگری

نمی تواند به هیچ عنوان داخل در دعوا شود . (ورود

ثالث م ۴۴۱ ق.آ.د.م.)

۲- رسیدگی به اعاده دادرسی محدود به جهاتی است

که در دادخواست تعیین شده است . (م ۴۳۶ ق.آ.د.م.)

۳- تقدیم دادخواست اعاده دادرسی اجرای حکم را که

مورد اعاده دادرسی است به تأخیر نمی اندازد . (نداشتن

اثر تعلیقی حکم )

**محدودیت دادگاه**

**در اعاده دادرسی :**

۱- دادخواست اعاده دادرسی اصلی باید به دادگاه صادر کننده حکم مورد درخواست اعاده دادرسی تقدیم شود و مرجع رسیدگی نیز همین دادگاه است .  
(م ۴۳۳ ق.آ.د.م.) (۱). (۲). (۳). (۴)

۲- دادخواست اعاده دادرسی طاری باید به دادگاهی تقدیم شود که حکم در آنجا بعنوان دلیل ابراز شده است ولی مرجع رسیدگی دادگاه صادر کننده حکم است .  
(مواد ۴۳۳ و ۴۳۴ ق.آ.د.م.)

۳- اعاده دادرسی نسبت به رأی داوری تجاری بین المللی باید به دفتر دادگاه داوری تقدیم شود .  
(م ۳۳ ق. تجاری بین المللی)

**مرجع پذیرش و  
رسیدگی به  
دادخواست اعاده  
دادرسی :**

۱- رأی شماره ۳۳۴/۶۷۷۸ مورخ ۱۳۱۰/۲/۳۰ - آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶۰)

۲- رأی شماره ۱۹۷-۱۳۵۷/۹/۱۸ شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶۰)

۳- رأی شماره ۵۱۹-۱۳۱۸/۳/۱۵ شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶۰)

۴- رأی شماره ۱۰۴۹-۱۳۲۸/۵/۲۷ - شعبه اول دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶۱)





## **فصل سیزدهم**

**مواعد ، اقسام و شرایط آن**

**انواع وقت دادگاه: (۱)**

- ۱- وقت رسیدگی عادی: وقتی است که دادگاه جهت رسیدگی تعیین و آن را به طرفین ابلاغ می نماید. (م ۶۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
- ۲- وقت رسیدگی خارج از نوبت: جلسه‌ای که بدون توجه به ترتیب دفتر اوقات دادگاه تعیین می‌شود، بنابراین نزدیک‌تر از وقتی است که دفتر اوقات تعیین می‌نماید. (م ۲۷، ۲۹، ۱۷۷، ۳۰۶ و ۳۹۰ ق.آ.د.م.)
- ۳- وقت نظارت یا احتیاطی: وقتی که دادگاه جهت رسیدگی به مسأله‌ای (مثلاً استعلام وضعیت ثبتی پلاک زمینی) بدون حضور اصحاب دعوا تعیین می‌نماید. مواردی همچون قرار کارشناسی، قرار تحقیق و معاینه محل و مطالعه اسناد بدین صورت است. (م ۲۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۴- وقت فوق العاده: وقتی است که دادگاه بدون تعیین وقت قبلی به موضوع رسیدگی می‌نماید و احتیاجی به ثبت در دفتر نیست. (م ۱۱۵ ق.آ.د.م.)
- ۵- جلسه اداری: که در این جلسه دادگاه می‌تواند اقدام به اتخاذ تصمیم قضایی و حتی صدور رأی نماید و مستلزم دعوت قبلی و حضور اصحاب دعوی می‌باشد. (م ۱۶ ق.ث. و م ۵ ق. اداره تصفیه ورشکستگی و م ۱۰۸ و بند ب ۳۸۶ و ۴۲۴ ق.آ.د.م.)

۱- دکتر شمس، عبدالله، همان منبع، ج ۲، صص ۱۴۰ الی ۱۴۴

۲- رأی شماره ۲۲۹۴/۲۸۶۱-۲۶۵۰/۳۳۲۳-آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. امیری، داریوش، همان منبع.

- اقسام مواعد :**  
(م ۴۴۲ ق.آ.د.م.)
- ۱- مواعد قانونی : مواعدی که در قانون تصریح شده است (مثل مهلت تجدید نظر، فرجام و ...)
- ۲- مواعد قضایی : مهلتی که در قانون نیامده و از جانب قاضی تعیین می‌گردد.
- ۱- در احتساب مواعد قانونی سال ۱۲ ماه، ماه ۳۰ روز، هفته ۷ روز و شبانه روز ۲۴ ساعت است. (م ۴۴۳ ق.آ.د.م.)
- ۲- در احتساب مواعد اگر روز آخر مصادف با روز تعطیلی ادارات باشد آن روز به حساب نیامده و روز بعد از تعطیلی، موعده دادرسی است. (م ۴۴۴ و ۴۴۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>
- نحوه احتساب مواعد :**
- ۳- در احتساب مواعد قانونی روز ابلغ و روز اقدام جزء مدت محسوب نمی‌شود. (م ۴۴۵ ق.آ.د.م.)
- ۴- در احتساب مواعد چنانچه خواندگان متعدد باشند طولانی‌ترین موعدی که در مورد یکی از آنان رعایت می‌شود شامل دیگران هم خواهد شد. (م ۴۴۷ ق.آ.د.م.)
- ۵- در تمام مواردیکه مهلت قانونی تجدید می‌شود مهلت جدید نباید از مهلت قانونی بیشتر باشد و باید متناسب با رفع عذر باشد. (م ۴۵۳ ق.آ.د.م.)

۱- رأی شماره ۶۰۲/۲۳۰۹-۱۳۰۸/۵/۲۸- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۹۲)

۲- رأی شماره ۱۴۴۷-۱۳۱۸/۶/۲۸- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۹۳)

۱- مهلت واخواهی (م ۳۰۶)	۱- مواعد قانونی غیر قابل تجدید : (م ۴۵۱ ق.آ.د.م.)
۲- مهلت تجدیدنظر (م ۳۳۶)	
۳- مهلت فرجام خواهی (م ۳۹۷)	
۴- اعاده دادرسی (م ۴۲۷)	
<b>اقسام مواعد قانونی :</b>	
۱- زمانیکه شخص دارای عذرهای مندرج در ماده ۳۰۶ باشد. <sup>(۱)</sup>	۲- مواعد قانونی قابل تجدید : (استثنائات اصل عدم تجدید) (م ۴۵۱ ق.آ.د.م.)
۲- اگر دادگاه در اعلام مهلت دچار سهو یا خطا شده باشد . مثلاً ۲۰ روز را ۲ ماه قید نموده باشد . (م ۴۵۰ ق.آ.د.م.) <sup>(۲)</sup>	

۱- رأی شماره ۱۲۹۴-۱۳۱۶/۶/۷- شعبه اول دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۶۸)

۲- رأی شماره ۲۳۳۱/۶۲۵-۱۳۰۸/۵/۳۰- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۲۹۲)

فصل سیزدهم - مواعد، اقسام و شرایط آن ■ ۲۸۷

- ۱- ثبت فوری دادخواست بوسیله مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست. (م ۴۹ ق.آ.د.م.)
- ۲- مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد. (م ۶۴ ق.آ.د.م.)
- ۳- هر گاه طرفین دعوا محلی را که برای ابلاغ اوراق قضایی انتخاب کرده تغییر دهند باید فوری محل جدید را به دفتر دادگاه اطلاع دهند. (م ۷۹ ق.آ.د.م.)
- ۴- زمانیکه درخواست تأمین شده مدیر دفتر مکلف است پرونده را فوراً به نظر دادگاه برساند و دادگاه بدون اخطار به طرف به دلایل درخواست کننده رسیدگی می کند. (م ۱۱۵ ق.آ.د.م.)
- ۵- قرار تأمین باید فوری به خواننده ابلاغ و پس از آن اجرا شود. (م ۱۱۷ ق.آ.د.م.)
- ۶- اگر مورد تأمین محصولات باشند که در معرض تضییع هستند فوراً باید ارزیابی و بدون رعایت تشریفات با تصمیم و نظرات دادگاه فروخته شود. (م ۱۲۷ ق.آ.د.م.)
- ۷- مدیر دفتر دادگاه موظف است فوری پس از امضای رأی رو نوشت آن را به تعداد اصحاب دعوا تهیه و به آنان ابلاغ یا جهت ابلاغ به مأمور ابلاغ تسلیم نماید. (م ۳۰۰ ق.آ.د.م.)
- ۸- در صورتیکه در ملک مورد تصرف عدوانی زراعت شده باشد اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد متصرف عدوانی باید فوراً محصول را برداشته و اجرت المثل را تأدیه نماید. (م ۱۶۵ ق.آ.د.م.)

**مواردیکه باید فوراً رسیدگی شود :**

- ۱- اعلام نقایص دادخواست بدوی توسط مدیر دفتر دادگاه ظرف ۲ روز به خواهان ابلاغ می شود. (م ۵۴ ق.آ.د.م.)
- ۲- صدور قرار ردّ دادخواست توسط مدیر دفتر بعّلت معلوم نبودن خواهان یا محل اقامت او در ظرف ۲ روز از رسید دادخواست صورت می پذیرد. (م ۵۶ و بند ۱ م ۵۱ ق.آ.د.م.)
- ۳- تسلیم اوراق قضایی توسط مأمور ابلاغ دادگاه ظرف ۲ روز به خواننده ابلاغ می شود. (م ۶۸ ق.آ.د.م.)
- ۴- عودت اوراق قضایی توسط مأمور ابلاغ به علت معلوم نبودن نشانی خواننده ظرف مدت ۲ روز انجام می شود. (م ۷۲ ق.آ.د.م.)
- ۵- رسیدگی به درخواست تبدیل تأمین دادگاه صادر کننده ظرف مدت ۲ روز انجام می شود. (م ۱۲۵ ق.آ.د.م.)
- ۶- ارسال پرونده به مرجع تجدیدنظر توسط مدیر دفتر دادگاه بدوی ظرف ۲ روز پس از تقدیم دادخواست انجام می گیرد. (م ۳۳۹ ق.آ.د.م.)
- ۷- اعلام نقایص دادخواست تجدیدنظر خواهی توسط مدیر دفتر دادگاه از تاریخ وصول دادخواست به مدت ۲ روز می باشد. (م ۳۴۵ ق.آ.د.م.)
- ۸- ارسال دادخواست تجدیدنظر و ضمایم آن به طرف دعوا از تاریخ وصول دادخواست ظرف ۲ روز خواهد بود.
- ۹- اعلام نقایص دادخواست فرجامی به دادخواست دهنده توسط مدیر دفتر از تاریخ رسید دادخواست ظرف مدت ۲ روز خواهد بود. (م ۳۸۳ ق.آ.د.م.)
- ۱۰- ارسال پرونده به دادگاه از تاریخ وصول دادخواست اعسار ظرف مدت ۲ روز خواهد بود. (م ۵۰۷ ق.آ.د.م.)

## مهلت‌های

## دو روزه :

- مهلت‌های ۳ روزه و ۵ روزه:
- ۱- دادخواست جلب ثالث (هر یک از اصحاب دعوا که جلب ثالث را لازم بدانند باید ظرف ۳ روز پس از جلسه دادخواست را تقدیم کند) (مواد ۱۳۵ و ۱۳۶ ق.آ.د.م.)
  - ۲- پاکنویس و امضای رأی دادگاه (ظرف ۵ روز از تاریخ صدور توسط دادرس) (م ۲۹۷ ق.آ.د.م.)
  - ۳- فاصله زمانی بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوی و روز جلسه دادرسی کمتر از ۵ روز نباشد (م ۶۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>

- مهلت‌های یک هفته ای:
- ۱- احضاریه گواه یا گواهان باید حداقل یک هفته قبل از تشکیل دادگاه به آنان ابلاغ شود (م ۲۴۲ ق.آ.د.م.)
  - ۲- هر گاه ظرف مدت یک هفته از تاریخ ابلاغ دستمزد کارشناس ایداع نشود کارشناسی از عداد دلایل خارج می شود. (م ۲۵۹ ق.آ.د.م.)
  - ۳- در صورت اعتراض طرفین به نظر کارشناس ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ به دفتر دادگاه مراجعه و اعتراض خود را ارائه می دهند. (م ۲۶۰ ق.آ.د.م.)
  - ۴- انشاء و اعلام رأی حداکثر ظرف مدت یک هفته پس از اعلام ختم دادرسی (م ۲۹۵ ق.آ.د.م.)

۱- حکم شماره ۱۹۴۶-۲۸/۱۱/۱۲ شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۹۳)

۲- نظریه شماره ۱۲۱۴-۷/۱۴-۱۳۵۸ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۹۴)

- ۱- رفع نقص دادخواست مرحله بدوی ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ (م ۵۴ و ۶۶ ق.آ.د.م.).
- ۲- اعتراض به قرار عدم تأدیه انتشار آگهی ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ (م ۵۵ ق.آ.د.م.).
- ۳- اعتراض به قرار رد دادخواست صادره از دفتر دادگاه ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ (م ۵۴ و ۶۶ ق.آ.د.م.).
- ۴- اعاده اوراق قضایی (برای ابلاغ در محل کار، کارمند دولت توسط کارگزینی یا رئیس که ظرف مدت ۱۰ روز باید اوراق را اعاده کنند.) (م ۶۸ ق.آ.د.م.).
- ۵- تقدیم دادخواست نسبت به اصل خواسته تا ۱۰ روز از تاریخ صدور قرار تأمین (م ۱۱۲ ق.آ.د.م.).
- ۶- اعتراض نسبت به صدور قرار تأمین ظرف ۱۰ روز از ابلاغ (م ۱۱۶ ق.آ.د.م.).
- ۷- ارائه دفاعیات بابت خسارتی که از قرار تأمین به خواننده وارد شده ظرف ۱۰ روز از تاریخ مفاد تقاضا (م ۱۲۰ ق.آ.د.م.).
- ۸- سرایدار، خادم، کارگر و هرامین دیگری ظرف ۱۰ روز از تاریخ اظهار نامه مبنی بر مطالبه مال امانی باید از آن رفع تصرف نماید. (م ۱۷۱ ق.آ.د.م.).
- ۹- تسلیم اصل سند موضوع ادعای جعل ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ ادعای جعلیت و دلایل آن (م ۲۲۰ ق.آ.د.م.).

## مهلت‌های ده روزه:



- ۱۰- اعتراض به قرار ردّ دادخواست تجدیدنظر به علت مجهول بودن مشخصات تجدیدنظر خواه ظرف ۱۰ روز از تاریخ الصاق به دیوار دادگاه (م ۳۴۴ ق.آ.د.م.)
- ۱۱- رفع نقص دادخواست تجدیدنظر ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه (م ۳۴۵ ق.آ.د.م.)
- ۱۲- مبادله لوایح در مرحله تجدیدنظر خواهی ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه دادخواست و ضمائم آن . (م ۳۴۶ ق.آ.د.م.)
- ۱۳- رفع نقص دادخواست در مرحله تجدیدنظر ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه . (م ۳۵۰ ق.آ.د.م.)
- ۱۴- رفع نقص از دادخواستی که برابر مواد ۳۸۱ و ۳۸۲ نبوده و یا هزینه دادرسی پرداخت نگردیده باشد ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه . (م ۳۸۳ ق.آ.د.م.)
- ۱۵- رفع نقص از دادخواست فرجامی ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه (م ۳۸۸ ق.آ.د.م.)
- ۱۶- معرفی یا تعیین داور ظرف ۱۰ روز از تاریخ اظهار نامه (م ۴۵۹ ق.آ.د.م.)
- ۱۷- اعلام نظر در مورد داور ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ اظهار نامه توسط هر یک از طرفین (م ۴۶۰ ق.آ.د.م.)
- ۱۸- رد داور در صورت غیبت هر یک از طرفین تا ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ (م ۴۷۱ ق.آ.د.م.)

مهلت‌های ده

روزه :

- ۱- اعتراض خواننده ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی بابت خساراتی که از قرار تأمین به او وارد شده است .  
(م ۱۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۲- مهلت و اخواهی از احکام غیابی برای افراد مقیم ایران ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ (م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)
- ۳- تقدیم دادخواست پس از صدور دستور موقت ظرف ۲۰ روز از تاریخ صدور دستور موقت (م ۳۱۸ ق.آ.د.م.)
- ۴- مهلت درخواست تجدیدنظر برای افراد مقیم ایران ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت و اخواهی (م ۳۳۶ ق.آ.د.م.)
- ۵- اعتراض به قرار رد دادخواست در مرحله تجدیدنظر ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ (تبصره ۲ م ۳۳۹ ق.آ.د.م.)
- ۶- اعتراض به رأی تجدیدنظر توسط تجدیدنظر خواه بعلت محکومیت و عدم حضور او در جلسات دادرسی و عدم ارائه لایحه در مراحل دادرسی ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ (م ۳۴۶ ق.آ.د.م.)
- ۷- اعتراض به قرار رد دادخواست فرجامی ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ (مواد ۳۸۳ و ۳۸۴ ق.آ.د.م.)
- ۸- پاسخ به دادخواست فرجامی ظرف ۲۰ روز ابلاغ اخطاریه (م ۳۸۵ ق.آ.د.م.)
- ۹- مهلت درخواست فرجام خواهی برای اشخاص مقیم ایران ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ (م ۳۹۷ ق.آ.د.م.)

## مهلت‌های ۲۰ روزه:

- ۱۰- درخواست فرجام تبعی که باید ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ توسط فرجام خواه پاسخ داده شود. (م ۴۱۳ ق.آ.د.م.)
- ۱۱- مهلت تقدیم دادخواست ثالث به دادگاه صالحه هنگامیکه اعتراض طاری توسط شخص ثالث به دادگاه دیگری داده شده باشد. (م ۴۲۳ ق.آ.د.م.)
- ۱۲- مهلت درخواست اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران ظرف ۲۰ روز از ابلاغ (م ۴۲۷ ق.آ.د.م.)
- ۱۳- تصحیح رأی داور یا داوران ظرف ۲۰ روز از تاریخ تقاضای تصحیح رأی (م ۴۸۷ ق.آ.د.م.)
- ۱۴- اجرای رأی داوری ظرف ۲۰ روز از ابلاغ رأی (م ۴۸۸ ق.آ.د.م.)
- ۱۵- درخواست ابطال رأی داور ظرف ۲۰ روز از ابلاغ رأی (م ۴۹۰ ق.آ.د.م.)

## مهلت‌های ۲۰

روزه:

- ۱- اقامه دعوا در دادگاه صالحه ظرف مدت یک ماه هنگامیکه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است (م ۱۹ ق.آ.د.م.)
- ۲- در صورت استعفای وکیل رسیدگی و دادرسی به مدت یک ماه از تاریخ اخطاریه دادگاه متوقف می شود. (م ۳۹ ق.آ.د.م.)
- ۳- ردّ دادخواست مواعی که هزینه انتشار آگهی ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ اخطاریه تأدیه نشود. (م ۵۵ ق.آ.د.م.)
- ۴- انتشار آگهی جهت ابلاغ که نباید تاریخ انتشار آگهی تا جلسه دادرسی کمتر از یک ماه باشد. (م ۷۳ ق.آ.د.م.)
- ۵- مهلت تقدیم دادخواست از تاریخ اجرای حکم مورد تصرف عدوانی یکماه می باشد. (م ۱۶۴ ق.آ.د.م.)
- ۶- رفع توقیف توسط دادگاه از مال مورد تأمین چنانچه ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی برای مطالبه خسارت طرح دعوا نشود. (م ۳۲۴ ق.آ.د.م.)
- ۷- مهلت تقدیم دادخواست فرجامی در موارد ردّ دادخواست فرجامی و خلاف شرع و قانونی بودن رأی ظرف یک ماه حسب مورد از تاریخ انقضاء مهلت فرجام خواهی یا قطعی شدن قرار ردّ دادخواست فرجامی و ... می باشد. (تبصره ماده ۳۸۷ ق.آ.د.م.)

#### مهلت‌های یک

ماهه :

- ۱- فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه برای افراد مقیم خارج از کشور کمتر از ۲ ماه نخواهد. (م ۶۴ ق.آ.د.م.)
- ۲- مواردیکه عدم تشکیل دادگاه به طرفین منتسب نباشد وقت رسیدگی حداکثر ظرف مدت دو ماه خواهد بود. (تبصره م ۱۰۰ ق.آ.د.م.)
- ۳- مهلت و اخواهی برای اشخاصی که مقیم خارج از کشور می باشند ظرف ۲ ماه از تاریخ ابلاغ می باشد. (م ۳۰۶ ق.آ.د.م.)
- ۴- مهلت تجدیدنظر خواهی برای اشخاصی که مقیم خارج از کشور می باشند ظرف ۲ ماه از تاریخ ابلاغ است. (م ۳۳۶ ق.آ.د.م.)
- ۵- مهلت درخواست فرجام خواهی برای افراد مقیم خارج از کشور ظرف ۲ ماه از تاریخ ابلاغ است. (م ۳۹۷ ق.آ.د.م.)
- ۶- مهلت درخواست اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم خارج از کشور ۲ ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مهلت و اخواهی یا تجدیدنظر است. (م ۴۲۷ ق.آ.د.م.)
- ۷- کلیه مواعیدی که در این قانون آمده برای افراد مقیم خارج از کشور ۲ ماه از تاریخ ابلاغ است. (م ۴۴۷ ق.آ.د.م.)
- ۸- درخواست ابطال رأی داور برای افراد مقیم خارج از کشور دو ماه خواهد بود. (تبصره م ۴۹۰ ق.آ.د.م.)

مهلت‌های دو  
ماهه :



# فصل چہار دہم

آثار و شرایط داوری و  
چگونگی تعیین داور

انواع مؤافقت نامه  
داوری :

۱- قرار داد داوری (م ۴۵۴ و ۴۹۴ ق.آ.د.م.)  
۲- شرط داوری (م ۴۵۵ ق.آ.د.م.)

زمان درخواست  
ارجاع امر به  
داوری :

۱- قبل از اقامه دعوا (م ۴۵۵ ق.آ.د.م.)  
۲- بعد از اقامه دعوا و در حین دادرسی (م ۴۵۴ و ۴۵۵ ق.آ.د.م.)

شرایط ارجاع امر به  
داوری :  
(م ۴۵۴ ق.آ.د.م.)

۱- اهلیت طرفین مؤافقت نامه داوری<sup>(۱)</sup>  
۲- وجود منازعه و اختلاف  
۳- قابلیت ارجاع اختلاف موضوع مؤافقت نامه به داوری  
۴- اختلاف در دادگاه طرح شده یا نشده باشد.<sup>(۲)</sup>  
۵- در صورت مطرح بودن دعوا در دادگاه در هر مرحله از رسیدگی باشد.<sup>(۳)</sup>  
۶- طرفین در ارجاع امر به داوری تراضی نمایند .

۱- رأی شماره ۳۸۸-۱۳۶۹/۷/۳- شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۷۳)

۲- قسمتی از رأی اصراری شماره ۳۸۹۴-۱۳۴۱/۱۲/۲۳- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۷۳)

۳- حکم شماره ۱۶۶۰-۱۸/۵/۳۰- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۷۳)



- ۱- دعاوی عمومی که با نمایندگی دادستان در صورت ارتکاب جرم مطرح شود. (ملاک م ۴۷۸ ق.آ.د.م.)
- ۲- دعاوی ورشکستگی (بند ۱ م ۴۹۶ ق.آ.د.م.)
- ۳- دعاوی راجع به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق و نسب (بند ۲ م ۴۹۶ ق.آ.د.م.)
- دعاوی که قابل ارجاع به امر<sup>(۱)</sup> داوری نیست:**

- ۱- موضوع مورد داوری (م ۴۵۸ ق.آ.د.م.)
- ۲- مدت داوری (م ۴۵۸ ق.آ.د.م.)
- ۳- مشخصات طرفین و داور یا داوران (م ۴۵۸ ق.آ.د.م.)
- ۴- تعداد داوران (م ۴۶۴ و ۴۶۷ ق.آ.د.م.)
- مواردیکه باید در داوری تعیین شود:**

- ۱- اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند. (بند ۱ م ۴۶۶ ق.آ.د.م.)
- ۲- اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده اند. (بند ۲ م ۴۶۶ ق.آ.د.م.)
- ۳- کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی (م ۴۷۰ ق.آ.د.م.)<sup>(۳)</sup>
- اشخاصی که بطور مطلق حق داوری ندارند:<sup>(۲)</sup>**

۱- حکم شماره ۹۷۱-۳۴/۵/۹- شعبه ۵ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع . ص ۳۹۴)

۲- این اشخاص حتی با تراضی طرفین نیز حق انتخاب شدن به عنوان داور را ندارند .

۳- نظریه شماره ۱۱۳۰-۷/۱۳۸۱/۲/۸- اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع . ص ۳۷۸)

- ۱- اتباع خارجی که با تبعه ایرانی معامله و قرار دادی داشته باشند. (م ۴۵۶ ق.آ.د.م.)
- ۲- وزراء ، نمایندگان مجلس و ... در صورتیکه طرف اختلاف دولت ، شهرداریها و ... باشد .
- ۳- کسانیکه سن آنها کمتر از ۲۵ سال است .
- ۴- کسانیکه ذینفع در دعوا هستند .
- ۵- کسانیکه با یکی از اصحاب دعوا قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند .
- ۶- کسانیکه قیم ، کفیل ، وکیل و یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا باشند و یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنان باشد .<sup>(۲)</sup>
- ۷- کسانیکه خود یا همسرانشان وارث اصحاب دعوا باشند .
- ۸- کسانیکه با یکی از اصحاب دعوا یا بستگان نسبی یا سببی آنان در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند .
- ۹- کسانیکه خود یا همسران یا یکی از اقربای نسبی یا سببی شان با یکی از اصحاب دعوا یا همسر یا بستگان نسبی و سببی وی دادرسی مدنی دارند .
- ۱۰- کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان

اشخاصی که بطور  
نسبی حق داوری  
ندارند: (۱)  
(م ۴۶۹ ق.آ.د.م.)

۱- اشخاص فوق را می توان با تراضی طرفین بعنوان داور انتخاب نمود .

۲- رأی اصراری شماره ۱۳۴۱/۱۲/۲۳ هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع .ص ۳۷۸)

فصل چهاردهم - آثر و شرایط داوری و چگونگی تعیین داور ■ ۳۰۱

- ۱- تعیین داور توسط اصحاب دعوا (م ۴۵۵ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۲- تعیین داور یا داوران توسط شخص ثالث (تبصره م ۴۵۵ ق.آ.د.م.)
- ۳- تعیین داور یا داوران توسط دادگاه (م ۴۶۲ و ۴۶۷ ق.آ.د.م.)

**چگونگی تعیین داور :**

- ۱- زمانیکه طرفین صریحاً این حق را به دادگاه واگذار کرده باشند. (تبصره م ۴۵۵ ق.آ.د.م.)
- ۲- زمانیکه طرفین در تعیین داور توافق نکرده باشند. (قسمت اخیر م ۴۵۹ و ۴۶۰ ق.آ.د.م.)
- ۳- عدم توافق طرفین در تعیین جانشین داوری که فوت کرده یا محجور شده یا استعفا داده است. (م ۴۶۰ و ۴۶۳ ق.آ.د.م.)
- ۴- زمانیکه یکی از داوران از دادن رأی امتناع بورزد. (م ۴۷۴ ق.آ.د.م.)
- ۵- زمانیکه طرفین انتخاب داور یا داوران را به شخص ثالث واگذار نمودند و شخص ثالث از تعیین داور خود داری نمایند. (م ۴۶۰ ق.آ.د.م.)

**موارد تعیین داور توسط دادگاه :**

۱- حکم شماره ۲۴۲-۱۳۷۰/۵/۲۶- شعبه ۹ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۷۲)

۱- هر گاه طرفین معامله یا قرار داد متعهد به معرفی داور شده ولی داور یا دوران خود را تعیین نکرده اند .

۲- هر گاه طرفین در موقع بروز اختلاف نخواهند و یا نتوانند در معرفی داور خود اقدام نمایند .

۳- هر گاه طرفین نتوانند در تعیین داور ثالث تراضی نمایند .

۴- هر گاه تعیین داور ، به شخص ثالث محول نشده باشد .

### موارد تعیین داور از سوی

یکی از طرفین<sup>(۱)</sup>:

(م ۴۵۹ ق.آ.د.م.)

۱- در مواردیکه مقرر گردیده است حل اختلاف به یک نفر داور ارجاع شود .

۲- زمانیکه طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب داور تراضی نمایند .

۳- زمانیکه داور یکی از طرفین فوت شود یا استعفا دهد و طرف نامبرده نخواهد جانشین او را معین کند .

۴- زمانیکه انتخاب داور به شخص ثالث واگذار شده و آن شخص از تعیین داور امتناع نماید یا تعیین داور از طرف او غیر ممکن باشد .

### موارد تعیین داور

توسط هر یک از

طرفین بوسیله

اظهارنامه :

(م ۴۶۰ ق.آ.د.م.)

۱- در این مورد یکی از طرفین پس از تعیین داور ، با ارسال اظهار نامه تقاضای تعیین داور از سوی طرف دیگر را دارد .

فصل چهاردهم - آثر و شرایط داوری و چگونگی تعیین داور ■ ۳۰۳

- ۱- توافقات داوری چه بصورت قرار داد مستقل و چه بصورت شرط ضمن عقد فقط نسبت به اشخاصی که آن را تنظیم نموده اند مؤثر است . (م ۴۹۵ ق.آ.د.م.)
- ۲- توافق به داوری چه بصورت قرار داد ، چه بصورت شرط ضمن عقد لازم شمرده می شود . (مفهوم مخالف م ۴۷۲ و بند ۱ م ۴۸۱ ق.آ.د.م.)
- ۳- توافق نامه داوری طرفین را ملزم به ارجاع اختلاف موضوع توافق نامه به داوری می نماید .
- ۴- هر چند توافق به داوری عقدی لازم است ولی قانونگذار فوت یا حجر هر یک از طرفین را موجب زوال داوری قرار داده است . (بند ۲ م ۴۸۱ ق.آ.د.م.)

**آثار مؤافقت نامه های داوری :**

- ۱- اگر داور پس از قبولی بدون عذر موجه (مسافرت ، بیماری و ... ) در جلسات داوری شرکت نکند .
- ۲- زمانیکه داور بدون عذر موجه استعفا دهد .
- ۳- هنگامیکه داور بدون عذر موجه از دادن رأی امتناع ورزد .

**مواردیکه داور علاوه بر جبران خسارت از داوری ممنوع می شود :**  
(م ۴۷۳ ق.آ.د.م.)

- ۱- رأی داوران باید پس از ختم رسیدگی صادر شود اما داور مکلف به اعلام ختم رسیدگی نیست .
- ۲- عدم حضور داور در جلسه داوری که به آگاهی او رسیده باشد یا خودداری وی از دادن رأی مانع صدور رأی نمی باشد . (م ۴۷۴ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۳- در صورت تعدد داوران رأی اکثریت مناط اعتبار است (م ۴۸۴ و تبصره م ۴۷۴ ق.آ.د.م.)
- ۴- داوران در رسیدگی و صدور رأی تابع مقررات قانون (آ.د.م.) نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند . (م ۴۷۷ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup> . (۳) . (۴)

**طریقه صدور رأی  
توسط داوران :**

---

۱- حکم شماره ۶۵۶-۲۵/۴/۱۶- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۸۶)

۲- رأی تمیزی شماره ۲۸۶۳-۱۳۱۹/۸/۳۰- دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۸۲)

۳- رأی شماره ۱۱۷۷-۱۳۳۳/۳/۱۶- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۸۶)

۴- حکم شماره ۲۲۰-۲۶/۱/۲۵- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۸۲)

فصل چهاردهم - آثر و شرایط داوری و چگونگی تعیین داور ■ ۳۰۵

- ۱- توافق طرفین (بند ۱ م ۴۸۱ و م ۴۸۶ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>، (۲)، (۳)، (۴)
- ۲- عزل داور با تراضی طرفین (م ۴۷۲ ق.آ.د.م.)
- ۳- فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا (بند ۲ م ۴۸۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۵)</sup>
- ۴- عدم تمایل شخصی که طرفین برای داوری انتخاب نموده‌اند یا عدم امکان این امر (م ۴۶۳ ق.آ.د.م.)
- ۵- صادر نشدن رأی در مدت داوری (م ۴۷۴ ق.آ.د.م.)
- ۶- صدور حکم به بطلان رأی داور (م ۴۸۹ و ۴۹۱ ق.آ.د.م.)<sup>(۶)</sup>
- ۷- زوال دعوای اصلی
- ۸- منتفی شدن موضوع داوری

## موارد زوال داوری :

- ۱- جلسه رسیدگی<sup>(۷)</sup>
  - ۲- جلسه مشاوره
  - ۳- جلسه ای که برای صدور رأی تشکیل می شود .
- جلساتی را که  
داور باید از آن  
مطلع باشد :  
(م ۴۸۴ ق.آ.د.م.)

---

۱- حکم شماره ۱۶۹۸-۳۴/۹/۷-شعبه ۵ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۸۴)  
۲- حکم شماره ۸۲۹-۳۰/۷/۲۰-شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۸۴)  
۳- رأی شماره ۲۴۸۵-۱۳۲۱/۸/۱۴-شعبه اول دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۷۹)  
۴- حکم شماره ۱۵۹-۲۲/۸/۲۶-شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۷۹)  
۵- رأی شماره ۱۱۱۱-۱۳۲۹/۶/۱۹-شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۸۶)  
۶- رأی شماره ۱۴۴۲-۱۳۳۵/۸/۲۶-شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۹۰)  
۷- حکم شماره ۶۵۶-۱۳۲۵/۴/۱۶-شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۸۶)

- ۱- رأی داور تنها نسبت به طرفین دعوا و اشخاصی که در آن دخالت داشته اند و قائم مقام آنها معتبر است. (م ۴۹۵ ق.آ.د.م.)
- ۲- رأی داور در صورت بر خورد با حقوق اشخاص ثالث که در دعوا دخالت نداشته اند قابل اعتراض می باشد. (م ۴۱۸ ق.آ.د.م.)
- ۳- رأی داور را نمی توان سند رسمی دانست و انکار و تردید نسبت به آن شنیده می شود.
- ۴- داور پس از صدور رأی داوری حق تغییر آن را ندارد و تنها اجازه تصحیح رأی را حداکثر تا پایان مهلت اعتراض دارد. (م ۴۸۷ ق.آ.د.م.)
- ۵- رأی داور از اعتبار امر قضاوت شده بر خوردار است.
- ۶- طرفین می توانند حکم به بطلان رأی داور را بخواهند و شکایت نسبت به رأی داور چنانچه از سوی ثالث باشد، از طریق اعتراض ثالث صورت می گیرد. (م ۴۹۱ و ۴۹۳ ق.آ.د.م.) (واخواهی، فرجام و تجدیدنظر و اعاده دادرسی نسبت به رأی داور پذیرفته نیست.)
- ۷- در صورت عدم اجرای رأی داور توسط محکوم علیه (ظرف ۲۰ روز) دادگاه به درخواست محکوم له دستور اجرای رأی داور را می دهد. (م ۴۸۸ ق.آ.د.م.)

**آثار رأی  
داوری :**

- مواردیکه رأی داوران  
با اکثریت مناط اعتبار  
است**
- ۱- داور از شرکت در جلسه امتناع نماید.
  - ۲- داور از دادن رأی امتناع کند.
  - ۳- داور رأی داوری را امضاء ننماید.
- (م ۴۸۴ ق.آ.د.م.)



فصل چهاردهم - آثـر و شرایط داوری و چگونگی تعیین داور ■ ۳۰۷

- ۱- رأی صادره مخالف قوانین موجد حق باشد. <sup>(۱)</sup>
- ۲- داور نسبت به موردی که خواسته طرفین نبوده رأی دهد.
- ۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی داده باشد. <sup>(۲)</sup>. <sup>(۳)</sup>
- ۴- رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.
- ۵- رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد. <sup>(۴)</sup>
- ۶- رأی بوسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده‌اند.
- ۷- قرار داد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

### موارد ابطال

رأی داور:

(م ۴۸۹)

(ق.آ.د.م.)

- ۱- دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد.
- ۲- دادگاهی که دعوا را به داوری ارجاع داده است.

### دادگاه صالح در

ابطال رأی داور:

(م ۴۹۰ ق.آ.د.م.)

۱- حکم شماره ۲۰۸۸-۲۷/۱۲/۱۷- شعبه ۶ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۹۱)

۲- حکم شماره ۱۵۱۱-۲۷/۹/۲۷- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۹۱)

۳- رأی اصراری شماره ۳۴۴۰-۱۳۳۸/۷/۱- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۹۰)

۴- رأی اصراری شماره ۱۴۶۷-۱۳۴۰/۵/۱۰- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۳۹۰)



## **فصل پانزدهم**

**هزینه دادرسی ، اعسار و  
مطالبه خسارت**

## مبحث اول - هزینه دادرسی

<p>۱- بهای اوراق (دادخواست ، اظهارنامه ، برگه اجرائیه احکام دادگاه و هیئتهای حل اختلاف) که هر برگ ۱۰۰ ریال می باشد (بند ۶ م ۳ ق.و.د.د.)</p> <p>۲- هزینه تطبیق اوراق با اصل و صدور گواهی در کلیه مراجع قضایی برای هر برگ ۲۰۰ ریال (بند ۱۷ م ۳ ق.و.د.د.)</p> <p>۳- هزینه دادخواست ، شکوائیه کیفری و شکوائیه دادرسی انتظامی قضات (اعم از بدوی یا شکایت از رأی) صرفنظر از تعداد نسخ صفحات آن ۱۰۰۰ ریال می باشد . (بند ۴ و ۵ م ۳ ق.و.د.د.)<sup>(۱)</sup></p> <p>۴- هزینه دادخواست به دیوان عدالت اداری ۲۰۰۰ ریال می باشد . (بند ۱۱ م ۳ ق.و.د.د.)</p> <p>۵- هزینه ابلاغ اظهارنامه و ابلاغ و اخواست نامه ۱۰۰۰ ریال می باشد . (بند ۱۸ م ۳ ق.و.د.د.)</p>	<p>۱- به مفهوم اعم :</p>	<p>انواع هزینه دادرسی :</p>
---	--------------------------	-----------------------------

۱- دعاوی مالی :

براساس مبلغ مندرج

درخواست می باشد. (۲)

۱- هزینه دادرسی

مربوط به احکام :

۲- دعاوی غیر مالی :

هزینه دادرسی این

دعاوی ۵۰۰۰ ریال

می باشد. (۳)

۱- هزینه دادرسی قرار

تأمین خواسته ۵۰۰۰ ریال

می باشد. (بند ۱۳ م ۳

ق.و.د.د.م.)

۲- هزینه دادرسی قرار

تأمین دلیل ۵۰۰۰ ریال

می باشد. (بند ۱۳ م ۳

ق.و.د.د.)

۳- هزینه دادرسی شکایت

نسبت به قرارها ۱۰۰۰ ریال

می باشد. (بند ۱۶ م ۳

ق.و.د.د.)

۲- به مفهوم

اخص :

انواع هزینه

دادرسی: (۱)

۱- نظریه شماره ۷۷۵۷۱-۷/۲۶-۱۳۷۲/۱.ح.ق. (ر.ک. همان منبع. ص ۴۰۱)

۲- نظریه ۸۹۲۵-۷/۲۳-۱۳۷۹/۳.ح.ق. (ر.ک. همان منبع. ص ۴۰۰)

۳- نظریه شماره ۷۲۷۱-۷/۳-۱۳۷۵/۵.ح.ق. (ر.ک. همان منبع. ص ۳۹۹)

الف) در مرحله بدوی: (قسمت الف بند ۱۲ م ۳ ق.و.د.د.)

۱- خواسته تا مبلغ ۱۰ میلیون ریال  
۱/۵ درصد ارزش خواسته

۲- نسبت به مازاد ۱۰ میلیون ریال ۲  
درصد ارزش خواسته

ب) در مرحله واخواهی و تجدیدنظر: نسبت به ارزش محکوم به حکم صادره ۳ درصد. (قسمت ب بند ۱۲ م ۳ ق.و.د.د.)<sup>(۱)</sup>

ج) در مرحله فرجام، اعاده دادرسی و اعتراض ثالث: (قسمت ج بند ۱۲ م ۳ ق.و.د.د.)

۱- اگر حکم محکوم به تا مبلغ ۱۰ میلیون ریال باشد ۳ درصد ارزش محکوم به

۲- نسبت به مازاد ۱۰ میلیون ریال ۴ درصد ارزش محکوم به.

د) در دعاوی راجع به اموال غیر منقول و خلع ید، هزینه دادرسی بر اساس ارزش معاملاتی ملک در منطقه باید پرداخت شود. (قیمت منطقه ای) (قسمت ج بند ۱۲ م ۳ ق.و.د.د.)<sup>(۲)</sup>

**هزینه دادرسی  
در دعاوی  
مالی:**

۱- نظریه ۲۳۲۲/۷-۱۰-۱۳۷۵/۷/۱۰-ا.ح.ق (ر.ک. همان منبع ص ۳۹۸)

۲- نظریه ۷/۴۱۳-۱۳۷۷/۳/۳-ا.ح.ق (ر.ک. همان منبع ص ۳۹۸)

فصل پانزدهم - هزینه دادرسی اعسار و مطالبه خسارت ■ ۳۱۳

**جدول هزینه دادرسی در مراحل مختلف قضایی برابر ماده ۳  
قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین  
مصوب ۷۳/۱۲/۲۸**

ملاحظات	میزان هزینه	درصد هزینه	میزان خواسته	مرحله دادرسی	مستند قانونی
-	هزار تومان ← ۱۵۰ ریال	۱/۵٪ ارزش خواسته	تا ده میلیون ریال	بدوی - مالی	قسمت الف بند ۱۲
-	هزار تومان ← ۲۰۰ ریال	۲٪ نسبت به مازاد ارزش خواسته	بیش از ده میلیون ریال	بدوی - مالی	قسمت الف بند ۱۲
درخواست تعقیب کیفری	۲۰۰۰۰ ریال	-	-	بدوی - کیفری	-
-	هزار تومان ← ۳۰۰ ریال	۳٪ نسبت به ارزش محکوم به حکم صادره	هر مبلغ که باشد	تجدیدنظر - واخواهی	قسمت ب بند ۱۲
-	هزار تومان ← ۳۰۰ ریال	۳٪ ارزش محکوم به	تا ده میلیون ریال	دیوان عالی کشور - اعاده دادرسی - اعتراض ثالث	قسمت ج بند ۱۲
-	هزار تومان ← ۴۰۰ ریال	۴٪ نسبت به مازاد ارزش محکوم به	از ده میلیون ریال به بالا	دیوان عالی کشور - اعاده دادرسی - اعتراض ثالث	قسمت ج بند ۱۲
-	۱۰/۰۰۰ ریال	-	-	تجدیدنظر از احکام کیفری	بند ۲۱
-	۲۰۰۰ ریال	-	-	هزینه دادرسی دیوان عدالت	بند ۱۱
از نظر صلاحیت ارزش خواسته همانست که تقویم شده	۵۰۰۰ ریال ۵۰۰۰ ریال ۵۰۰۰ ریال	- -	-	دعاوی غیر مالی تأمین دلیل تأمین خواسته	بند ۱۳

۳۱۴ ■ آئین دادرسی مدنی در آئینه نمودار

**جدول هزینه دادرسی در مراحل مختلف قضایی برابر ماده ۳  
قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین  
مصوب ۷۳/۱۲/۲۸**

ملاحظات	میزان هزینه	درصد هزینه	میزان خواسته	مرحله دادرسی	مستند قانونی
دادگاه مکلف به تعیین خواسته قبل از صدور رأی است که باید تمبر الصاق شود	۲۰۰۰ ریال	-	خواسته مشخص نیست	هزینه دادرسی دعاوی مالی	بند ۱۴
در تمام مراحل	۵۰۰ ریال	-	-	اجرای موقت احکام	بند ۱۵
	۱۰۰۰ ریال	-	-	تجدید نظر از قرارها	بند ۱۶
	۱۰۰۰ ریال	-	-	تمبر ورودی	بند ۴
در تمام مراجع	۲۰۰ ریال	-	-	تطبیق و تصدیق اوراق	بند ۱۷
-	۳۰٪ اجاره بهای یک ماهه	-	-	هزینه اجرای احکام تخلیه اعیان مستاجر	بند ۲۲
به تشخیص دادگاه تعیین می شود	از ده هزار تا پنجاه هزار ریال	-	-	هزینه اجرای احکام دعاوی غیر مالی و احکامی که محکوم به تقویم نشده	بند ۲۲
-	۱۰۰۰ ریال	-	-	هزینه ابلاغ اظهار نامه و واخواست نامه	بند ۱۸
هر برگ	۱۰۰ ریال	-	-	بهای اوراق دادخواست اظهارنامه و برگ اجرائیه احکام دادگاه و هیئتهای حل اختلاف	بند ۶



فصل پانزدهم - هزینه دادرسی اعسار و مطالبه خسارت ■ ۳۱۵

**جدول هزینه دادرسی در مراحل مختلف قضایی برابر ماده ۳  
قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین  
مصوب ۷۳/۱۲/۲۸**

ملاحظات	میزان هزینه	درصد هزینه	میزان خواسته	مرحله دادرسی	مستند قانونی
	۱۰۰۰ ریال	-	تا مبلغ ۱ میلیون ریال	شکایت کیفری علیه صادر کننده چک بلا محل	بند ۱۹
	۴۰۰۰ ریال	-	مازاد بر ۱ میلیون ریال تا ۱۰ میلیون ریال	شکایت کیفری علیه صادر کننده چک بلا محل	بند ۱۹
	۱۰۰۰۰ ریال	-	مازاد بر ۱۰ میلیون ریال	شکایت کیفری علیه صادر کننده چک بلا محل	بند ۱۹
	۱۰۰۰ ریال ۲۰۰ ریال	- -	برای نسخه اول نسخه های بعدی	صدور گواهی عدم سوء پیشینه کیفری	بند ۲۰
-	-	-	بر حسب ارزش منطقه ای املاک محاسبه می شود .	دعاوی غیر منقول و خلع ید از غیر منقول	قسمت ج بند ۱۲

۳۱۶ ■ آئین دادرسی مدنی در آئینه نمودار

**محاسبه مهریه به نرخ روز**  
**بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران**  
**شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران**  
**اعداد سالانه شاخص در سالهای ۱۳۸۴ - ۱۳۱۵**  
**(۱۰۰ = ۱۳۷۶)**

سال	عدد شاخص
۱۳۶۳	۶/۶۷
۱۳۶۴	۷/۱۳
۱۳۶۵	۸/۸۲
۱۳۶۶	۱۱/۲۶
۱۳۶۷	۱۴/۵۲
۱۳۶۸	۱۷/۰۵
۱۳۶۹	۱۸/۵۸
۱۳۷۰	۲۲/۴۳
۱۳۷۱	۲۷/۹۰
۱۳۷۲	۳۴/۲۶
۱۳۷۳	۴۶/۳۲
۱۳۷۴	۶۹/۱۹
۱۳۷۵	۸۵/۲۶
۱۳۷۶	۱۰۰/۰۰
۱۳۷۷	۱۱۸/۰۸
۱۳۷۸	۱۴۱/۸۳
۱۳۷۹	۱۵۹/۷۱
۱۳۸۰	۱۷۷/۹
۱۳۸۱	۲۰۵/۹۸
۱۳۸۲	۲۳۸/۱۸
۱۳۸۳	۲۷۴/۴۶
۱۳۸۴	۳۰۷/۵۶

سال	عدد شاخص
۱۳۳۹	۰/۸۸
۱۳۴۰	۰/۸۹
۱۳۴۱	۰/۹۰
۱۳۴۲	۰/۹۱
۱۳۴۳	۰/۹۵
۱۳۴۴	۰/۹۵
۱۳۴۵	۰/۹۶
۱۳۴۶	۰/۹۶
۱۳۴۷	۰/۹۸
۱۳۴۸	۱/۰۱
۱۳۴۹	۱/۰۳
۱۳۵۰	۱/۰۹
۱۳۵۱	۱/۱۵
۱۳۵۲	۱/۲۸
۱۳۵۳	۱/۴۸
۱۳۵۴	۱/۶۳
۱۳۵۵	۱/۹۰
۱۳۵۶	۲/۳۷
۱۳۵۷	۲/۶۱
۱۳۵۸	۲/۹۱
۱۳۵۹	۳/۵۹
۱۳۶۰	۴/۴۲۰
۱۳۶۱	۵/۲۶
۱۳۶۲	۶/۰۴

سال	عدد شاخص
۱۳۱۵	۰/۰۵
۱۳۱۶	۰/۰۷
۱۳۱۷	۰/۰۷
۱۳۱۸	۰/۰۸
۱۳۱۹	۰/۰۹
۱۳۲۰	۰/۱۳
۱۳۲۱	۰/۲۵
۱۳۲۲	۰/۵۴
۱۳۲۳	۰/۵۵
۱۳۲۴	۰/۴۷
۱۳۲۵	۰/۴۲
۱۳۲۶	۰/۴۴
۱۳۲۷	۰/۴۹
۱۳۲۸	۰/۵۱
۱۳۲۹	۰/۴۲
۱۳۳۰	۰/۴۶
۱۳۳۱	۰/۴۹
۱۳۳۲	۰/۵۳
۱۳۳۳	۰/۶۲
۱۳۳۴	۰/۶۳
۱۳۳۵	۰/۶۸
۱۳۳۶	۰/۷۱
۱۳۳۷	۰/۷۲
۱۳۳۸	۰/۸۱

**نحوه محاسبه مهریه به نرخ روز**

شاخص قیمت در سال فوت همسر  
 $\times$  مبلغ مهریه مندرج در عقد نامه = مبلغ مهریه (وجه رایج)  
 شاخص قیمت در سال وقوع عقد

شاخص قیمت در سال قبل از سال مطالبه مهریه و طلاق  
 $\times$  مبلغ مهریه مندرج در عقد نامه = مبلغ مهریه (وجه رایج)  
 شاخص قیمت در سال وقوع عقد

## مبحث دوم - اعسار

- ۱- اعسار از هزینه دادرسی که باید به طرفیت خواننده دعوی اصلی اقامه شود. (م ۵۰۵ ق.آ.د.م.) (۱). (۲). (۳)
- ۲- اعسار از محکوم به که باید به طرفیت محکوم له اقامه شود. (م ۲ ق.و.د.د.)
- انواع اعسار:**

- ۱- ورشکستگی مختص تجار می باشد ولی اعسار برای افراد عادی و غیر تاجر است. (۴). (۵). (۶)
- ۲- تاجر دارایی دارد ولی معسر فاقد دارایی است.
- ۳- ورشکسته از تاریخ توقف در پرداخت دیون ورشکسته می شود اما معسر به علت عدم پرداخت معسر می شود یعنی قادر به پرداخت نیست.
- تفاوت معسر و ورشکسته:**

۱- رأی شماره ۲۷۲۷/۳۴۰۷-۱۳۰۴/۷/۳۰- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۰۳)

۲- رأی شماره ۳۶۸۶/۸۳۷-۱۳۰۹/۶/۲۷- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۰۳)

۳- رأی شماره ۶۲۸/۶۷۴۲-۱۳۱۰/۴/۳۱- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۰۴)

۴- رأی شماره ۱۱۷۰-۱۳۱۶/۵/۲۶- شعبه یک دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۰۶)

۵- رأی شماره ۱۸۲۳-۱۳۱۷/۸/۱۸- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۰۷)

۶- رأی شماره ۴۲۰-۱۳۲۸/۱۲/۱۵- شعبه ۴ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۰۷)

- نحوه درخواست اعسار از لحاظ شکلی : (م ۵۰۵ ق.آ.د.م.)
- ۱- ضمن درخواست نخستین یا تجدیدنظر یا فرجام .
  - ۲- ضمن درخواست فرجام
  - ۳- ضمن دادخواست جداگانه

- نحوه اثبات اعسار :
- ۱- در اعسار از هزینه دادرسی مدعی اعسار باید شهادت ۲ شهود را بصورت کتبی ضمیمه درخواست خود نماید . (م ۵۰۶ ق.آ.د.م.)
  - ۲- در اعسار از محکوم به مدعی اعسار باید شهادت ۴ شهود را ضمیمه درخواست خود نماید .

- موارد مندرج در شهادت اعسار (نامه اعسار: (۱) (م ۵۰۶ ق.آ.د.م.)
- ۱- مشخصات و شغل و وسیله امرار معاش مدعی
  - ۲- عدم تمکن مالی مدعی اعسار برای تأدیه هزینه دادرسی با تعیین مبلغ
  - ۳- منشأ اطلاعات شهود
  - ۴- مشخصات کامل و اقامتگاه شهود

- ۱- حکم اعسار منحصر به یک دعوا می باشد. (م ۵۰۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- ۲- اعتبار حکم اعسار در تمام مراحل دادرسی یک دعوا قابل تسری است (اعم از مرحله بدوی یا تجدیدنظر یا فرجام) (م ۵۰۸ ق.آ.د.م.)<sup>(۲)</sup>
- ۳- حکم اعسار قائم به شخص مدعی اعسار است و در صورت فوت به ورثه یا قائم مقام او منتقل نمی شود. (م ۵۱۰ ق.آ.د.م.)
- ۴- در صورتیکه مدعی اعسار در دعوای اصلی محکوم له واقع شود و از اعسار خارج گردد هزینه دادرسی از وی دریافت می شود. (م ۵۱۱ ق.آ.د.م.)
- ۵- در مورد طرح دعوای متعددی که مدعی اعسار بر یک نفر مطرح می کند حکم اعساری که نسبت به یکی از دعوای صادر می شود قابل تسری به سایر دعوای نیز است. (م ۵۰۹ ق.آ.د.م.)

**حدود اعتبار  
حکم اعسار :**

۱- حکم شماره ۲۲۵۴-۲۵/۱۲/۴- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۰۵)

۲- رأی شماره ۱۱۱۶-۱۳۲۶/۷/۱- شعبه ۴ دسوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۰۵)

اثرات فوت معسر در  
مراحل دادرسی :  
(م ۵۱۰ ق.آ.د.م.)

۱- مانع جریان دادرسی نخواهد شد .  
۲- هزینه دادرسی از ورثه قابل مطالبه است .

آثار حکم قبول  
اعسار از هزینه  
دادرسی :  
(م ۵۱۳ ق.آ.د.م.)

۱- معافیت موقت از هزینه دادرسی  
۲- حق داشتن و کیل معاضدتی و معافیت موقت از پرداخت حق الوکاله

موارد پرداخت  
هزینه دادرسی  
توسط معسر :  
(م ۵۱۴ ق.آ.د.م.)

۱- هرگاه به تأدیه تمام یا قسمتی از هزینه دادرسی  
متمکن گردد .  
۲- زمانی که با درآمد خود بتواند تمام یا قسمتی از  
هزینه دادرسی را بپردازد .

## مبحث سوم - انواع خسارات ، شرایط و نحوه مطالبه آن

- انواع خسارات :
- ۱- خسارات دادرسی (م ۵۱۵ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>،<sup>(۲)</sup>
  - ۲- خسارت ناشی از تأخیر تأدیه (تبصره ۲ م ۵۱۵ و م ۵۲۰ ق.آ.د.م. و م ۲۲۸ ق.م.)<sup>(۳)</sup>،<sup>(۴)</sup>
  - ۳- خسارت ناشی از عدم انجام تعهد (م ۵۱۵ و ۵۲۰ ق.آ.د.م. و م ۲۲۶ و ۲۲۷ ق.م.)
  - ۴- خسارت تأخیر انجام تعهد (م ۵۱۵ و ۵۲۰ ق.آ.د.م.)
  - ۵- خسارت ناشی از قرار تأمین خواسته (م ۱۲۰ ق.آ.د.م.)
  - ۶- خسارتهای ناشی از ضمان قهری (م ۳۰۷ تا ۳۳۷ ق.م. و م ۵۱۵ ق.آ.د.م.)
  - ۷- خسارت ناشی از  
۱- ضرروزیان مادی : مثل دیه  
جرم (م ۱۱ ق.م.)<sup>(۱)</sup>  
۲- منافع ممکن الحصول یا ممکن الوصول
  - ۸- خسارتهای ناشی از مسئولیت مدنی (م ۱ ق.م.م.)

---

۱- رأی شماره ۳۱۱۳-۱۱/۱۵-۱۳۴۳- هیأت عمومی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۱۱)  
۲- رأی شماره ۱۵۳۶/۵۰۲۹-۱۳۰۹/۱۰/۲۹- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۱۲)  
۳- رأی شماره ۱۳۷۰/۴۶۲۴ مورخ ۱۳۰۹/۹/۳۰- آراء تمیزی دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۱۱)  
۴- حکم شماره ۹۳۲-۳۳/۴/۲۳- شعبه ۵ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۱۹)  
۵- حکم شماره ۱۰/۸۹-۱۸/۱/۲۹- شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۱۹)

نحوه درخواست  
خسارت :  
(م ۵۱۵ ق.آ.د.م.)

۱- ضمن تقدیم دادخواست  
۲- حین دادرسی  
۳- بعد از دادرسی و بطور مستقل

جهاتی که خواهان  
می تواند از خوانده  
مطالبه اجرت المثل نماید :  
(م ۵۱۵ ق.آ.د.م.)

۱- به لحاظ عدم تسلیم خواسته  
۲- به جهت تأخیر تسلیم خواسته  
۳- از باب اتلاف (موضوع م ۳۲۸ الی ۳۳۰ ق.م.)  
۴- از باب تسبیب (موضوع م ۳۳۱ الی ۳۳۵ ق.م.)

اقسام خسارات  
دادرسی :  
(م ۵۱۹ ق.آ.د.م.)

۱- هزینه های دادرسی  
۲- حق الوکاله وکیل (۱). (۲). (۳)  
۳- حق الزحمه کارشناسان  
۴- هزینه تحقیقات و معاینه محلی  
۵- هزینه قرارها  
۶- هزینه هایی دیگری که بطور مستقیم مربوط به  
دادرسی است

۱- حکم شماره ۶۴- مورخ ۲۰/۶/۳۱ - شعبه ۳ دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۱۵)

۲- نظریه شماره ۷/۴۳۹۹- ۱۳۶۶/۷/۱۵ اداره حقوقی دادگستری (ر.ک. همان منبع. ص ۴۱۶)

۳- حکم شماره ۱۲۷۱-۲۶/۱۲/۳- شعبه یک دیوان عالی کشور (ر.ک. همان منبع. ص ۴۱۳)



- ۱- مدت مقرر برای انجام تعهد منقضی شده باشد .  
(م ۲۲۶ ق.م.و ۵۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۲- ضرر متحقق و متوجه متعهد شده باشد . (مستنبط از م ۵۲۰ ق.آ.د.م.)
- ۳- عدم اجرا یا تأخیر آن مستند به خود متعهد باشد و ناشی از علت خارجی نباشد . (م ۲۲۷ ق.م.)
- ۴- جبران خسارت به موجب قرار داد یا عرف یا قانون لازم باشد . (مواد ۲۲۱ ، ۲۲۵ و ۲۳۰ ق.م. و ۳۸۶ ق.ت. و ۳۵ ق.ث.)

**شرایط جبران  
خسارات عدم  
انجام و تأخیر در  
انجام تعهد :**

- ۱- غیر قابل دفع باشد . (م ۲۲۹ ق.م.)
- ۲- غیر قابل پیش بینی باشد
- ۳- خارج از توان متعهد و قلمرو مسئولیت او باشد (مستنبط از م ۲۲۷ ق.م.)

**شرایط فورس  
ماژور (قوه قاهره) :**

- ۱- طلبکار بدواً دین را که وجه نقد است از مدیون مطالبه نماید .
- ۲- مدیون تمکن پرداخت دین را داشته باشد .
- ۳- مدیون با وجود تمکن از پرداخت دین امتناع بورزد .
- ۴- دین از زمان سر رسید تا هنگام پرداخت مطالبه طلبکار از لحاظ قیمت دستخوش تغییر فاحش شده باشد .

**شرایط جبران  
خسارت تأخیر  
تأدیه :<sup>(۱)</sup>  
(م ۵۲۲ ق.آ.د.م.)**

۱- این مورد مخصوص دیون نقد می باشد و در مورد چک ، خسارت تأخیر تأدیه با تمامی شرایط فوق جاری نمی شود ، البته در خصوص خسارت تأخیر تأدیه در مورد سفته قانونگذار سکوت نموده است .

- ۱- تقویم خسارت در قرار داد (وجه التزام)  
(ماده ۲۳۰ ق.م. و مواد ۳۸۶ و ۳۸۷ ق.ت.)
- ۲- تقویم خسارت در قانون (م ۵۲۲ ق.آ.د.م. و ۳۵ ق.ث.)
- ۳- تقویم خسارت توسط دادگاه (مواد ۵۱۵ و ۵۲۰ ق.آ.د.م.)<sup>(۱)</sup>
- روشهای تقویم خسارت:**

### مبحث چهارم - مستثنیات دین در قوانین

- ۱- مسکن مورد نیاز محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی با رعایت شئون عرفی .
- ۲- وسیله نقلیه مورد نیاز و متناسب با شأن محکوم علیه .
- ۳- اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه خانواده و افراد تحت تکفل وی لازم است .
- ۴- آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می شود .
- ۵- کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل قلم و تحقیق متناسب با شأن آنان .
- ۶- وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران ، کشاورزان و سایر اشخاصی که وسیله امرار معاش محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی می باشد .
- مستثنیات دین در (م ۵۲۴ ق.آ.د.م.)**

- ۱- البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری محکوم علیه و خانواده او لازم است .
- ۲- آذوقه موجود به قدر احتیاج یک ماهه محکوم علیه و اشخاص واجب النفعه او .
- ۳- وسایل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه وران و کشاورزان .
- ۴- اموال و اشیایی که به موجب قوانین مخصوص غیر قابل توقیف می باشند .
- ۵- تصنیفات و تألیفات و ترجمه هایی که هنوز به چاپ نرسیده است .

**مستثنیات دین**  
در (م ۶۵ ق.۱.۱.م.)

- ۱- البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است .
- ۲- اشیایی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید .
- ۳- اشیایی که برای به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است ، در صورتیکه توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد . اشیای مذکور در فقره ثانیه و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود .

**مستثنیات دین**  
در (م ۴۴۴ ق.ت.)

## «فهرست منابع و مآخذ»

### الف- کتب و آثار حقوقی

- ۱- شمس ، دکتر عبدالله ، آئین دادرسی مدنی ، انتشارات دراک ، تهران ، چاپ چهارم ، سال ۱۳۸۴ ، جلد اول .
- ۲- شمس ، دکتر عبدالله ، آئین دادرسی مدنی ، نشر میزان ، تهران ، چاپ چهارم ، سال ۱۳۸۲ ، جلد دوم .
- ۳- شمس ، دکتر عبدالله ، آئین دادرسی مدنی ، انتشارات دراک ، تهران ، چاپ سوم ، سال ۱۳۸۴ ، جلد سوم .
- ۴- بهرامی ، دکتر بهرام ، آئین دادرسی مدنی کاربردی ، انتشارات نگاه بینه ، تهران ، چاپ ششم ، سال ۱۳۸۲ .
- ۵- بهرامی ، دکتر بهرام ، آئین دادرسی مدنی کاربردی ، انتشارات نگاه بینه ، تهران ، چاپ نهم ، سال ۱۳۸۵ ، جلد دوم .
- ۶- مدنی ، دکتر سید جلال الدین ، ادله اثبات دعوا ، انتشارات پایدار ، تهران ، چاپ هفتم ، سال ۱۳۸۲ .
- ۷- امیری ، داریوش ع قانون آئین دادرسی مدنی ( موضوعی ، موادی ، کاربردی ) انتشارات بهنامی ، چاپ اول ، سال ۱۳۸۲ .

## ب- مجموعه قوانین و مقررات

- ۱- قانون اساسی
- ۲- قانون مدنی
- ۳- قانون تجارت
- ۴- قانون آئین دادرسی مدنی
- ۵- قانون اجرای احکام مدنی
- ۶- قانون امور حسبی
- ۷- قانون مسئولیت مدنی
- ۸- قانون ثبت اسناد و املاک
- ۹- قانون ثبت احوال
- ۱۰- قانون کار
- ۱۱- قانون آئین دادرسی کیفری
- ۱۲- قانون دیوان عدالت اداری
- ۱۳- قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب
- ۱۴- قانون مجازات اسلامی
- ۱۵- قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶
- ۱۶- قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۶۲
- ۱۷- قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶
- ۱۸- قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷
- ۱۹- قانون حمایت خانواده
- ۲۰- قانون دادگاه خانواده

« علایم اختصاری »

ق.ا.	قانون اساسی
ق.م.	قانون مدنی
ق.م.ا.	قانون مجازات اسلامی
ق.ت.	قانون تجارت
ق.آ.د.م.	قانون آئین دادرسی مدنی
ق.آ.د.ک.	قانون آئین دادرسی کیفری
ق.ا.ا.م.	قانون اجرای احکام مدنی
ق.ا.ح	قانون امور حسبی
ق.د.ع.ا.	قانون دیوان عدالت اداری
ق.ر.م.م.	قانون روابط مؤجر و مستأجر
ق.م.م.	قانون مسئولیت مدنی
ق.ث.	قانون ثبت اسناد و املاک
ق.ث.ا.	قانون ثبت احوال
ق.ت.د.ع.ا.	قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب
ا.ح.ق.	اداره حقوقی قوه قضائیه
د.ع.ک.	دیوان عالی کشور
ر.ک.	رجوع کنید
ج	جلد
ص	صفحه
صص	صفحات
ش	شماره